

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اندیشه تقرب

سال هفتم، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۸۹



صاحب امتیاز: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

زیر نظر: آیت الله محمدعلی تسخیری

مدیر مسئول: علی اصغر اوحدی

شورای سردبیری: سید حسین هاشمی، عزالدین رضائزاد، مرتضی محمدی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

علیرضا اعرافی (دانشیار جامعه المصطفی العالمیه)، دکتر سید منذر حکیم (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)،

استاد دکتر سید هادی خسروشاهی، دکتر عزالدین رضائزاد (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)،

محمدحسن زمانی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)، دکتر محمدرضا غفوریان، (استادیار دانشگاه امیرکبیر)،

دکتر ناصر قربان نیا (استادیار دانشگاه مفید)، دکتر نجف لکزایی (استادیار دانشگاه باقرالعلوم)،

محمدهادی یوسفی غروی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)، دکتر مرتضی محمدی (استادیار دانشگاه مفید)،

دکتر سید حسین هاشمی (استادیار دانشگاه مفید)

مدیر اجرایی: محمدعلی ملاهاشم

ویراستار: احمد اکرمی

حروف چینی و صفحه آرایی: سید محمود حسینی



✓ فصلنامه «اندیشه تقرب» با هدف استحکام بخشیدن به وحدت میان مسلمانان و نیز طرح مباحث اندیشه‌ای در زمینه مشکلات و

چالش‌های فراروی جهان اسلام، در حوزه‌های گوناگون فقهی، حقوقی، کلامی، فلسفی، تاریخی و... انتشار می‌یابد.

✓ فصلنامه در جهت اهداف یادشده، از مقالاتی که دارای موازین علمی باشند، استقبال می‌کند.

✓ فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.

✓ نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.



نشانی: تهران، خ آیت الله طالقانی، نرسیده به چهارراه شهیدفتح، شماره ۳۵۷، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی و پژوهشی

تلفن: ۳-۸۸۳۲۱۴۱۱ / ۸۸۲۲۵۳۲؛ دورنگار: ۸۸۳۲۱۴۱۴ - ۸۸۳۲۱۶۱۶ - ۲۱ - ۰۰۹۸

قم: خیابان ساحلی، نبش لواسانی ۱۷، پلاک ۱۶۱ / کد پستی: ۳۷۱۳۶۳۶۵۷ / تلفن فاکس: ۷۷۵۵۴۶۴ / تلفن: ۷۷۵۵۴۶۴ - ۶ - ۷۷۵۵۴۶۴ - ۲۵۱ - ۰۰۹۸

پست الکترونیک: [andisheh@taghrib.org](mailto:andisheh@taghrib.org)

سرمقاله ..... ۵

◆ مقالات اندیشه‌ای

- ◆ تعدد مذاهب و مسئله تقریب و وحدت اسلامی / آیت الله محمدعلی تسخیری ..... ۱۱
- ◆ مسئله‌شناسی دکترین وحدت اسلامی / حجت‌الاسلام دکتر محمود احمدی میانجی ..... ۲۵
- ◆ جریان‌های روشن‌فکرانه گروه‌های مسلمان اندونزی / دکتر سید میر صالح حسینی ..... ۳۷
- ◆ نگاهی به اندیشه وحدت‌گرایی اقبال لاهوری در اشعار فارسی / بشیر احمد بت ..... ۴۷
- ◆ فرقه‌آحابش (جمعیة المشارع الخیریه) / جلال محمودی ..... ۵۹

◆ پیشگامان تقریب

- ◆ «هم‌زیستی گروه‌های مختلف در اندیشه فتح‌الله گولن» / علاءالدین ملکاف ..... ۷۹

◆ سرزمین‌های جهان اسلام

- ◆ سلطنت‌نشین عمان / دکتر عزالدین رضانزاد ..... ۱۰۱

◆ گزارشی از یک کتاب

- ◆ بررسی و نقد کتاب اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب / مرتضی شیرودی ..... ۱۲۷

◆ اخبار فرهنگی

- ..... ۱۶۹

◆ مأخذشناسی اندیشه تقریب / سلمان حبیبی

- ◆ ا. آثار منتشر شده به وسیله مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ..... ۱۸۷
- ◆ ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب ..... ۱۹۹
- ◆ نمایه مجله از شماره ۱ تا ۲۴ ..... ۲۰۵

- ◆ چکیده مقالات به زبان عربی / انور رصافی ..... ۲۱۵

- ◆ چکیده مقالات به زبان انگلیسی / محمد اخوی پور ..... ۲۲۸

سرمقاله

بیداری اسلامی

۱. تحولات اخیر در جهان و به ویژه در خاورمیانه با تحلیل‌های متفاوت روبروست. آنچه که امروزه در کشورهای عربی مشاهده می‌شود خیزش و بیداری اسلامی است که کشورهای استکباری و غربی را سردرگم کرده است. آنان سعی داشتند دموکراسی و نظام لیبرالیستی را در منطقه خاورمیانه گسترش دهند لیکن در عمل با تناقضی بزرگ مواجه‌اند. آنان از سویی از دموکراسی، حقوق بشر، آزادی و ارزش‌های انسانی دم می‌زنند و از سوی دیگر همپیمانان خود را از حاکمان ستمگر و دیکتاتور انتخاب کرده‌اند. مراوده سیاسی، نظامی و اقتصادی غربیان با سران وابسته به آنان در منطقه، حکایت از همان تناقض تاریخی غرب دارد که نتوانسته شعارش را با عمل تطبیق دهد. چنین رویکردی مورد قبول مردم منطقه به ویژه مسلمانان جوان و تحصیلکرده نیست. از همین رو مردم مسلمان، به جای پذیرش دموکراسی غربی، مردم‌سالاری دینی و احیای ارزش‌های اسلامی را در تحولات سیاسی اخیر مد نظر قرار دادند. ملت مصر با پیشینه کهن تاریخی و سردمدار روشنفکری در جهان عرب با شعار اسلامی و هویت دینی به میدان آمد و دیکتاتور سازشگر با رژیم صهیونیستی را به انزوا کشاند و در صدد احیای ارزش‌های مذهبی است. کشور تونس، مبارزه چشمگیری را با دیکتاتور وابسته به غرب، آغاز کرد و در این مسیر به هدف اولیه‌اش دست یافت. مردم یمن مبارزانشان را همچنان ادامه می‌دهند و هر روز به پیروزی نزدیکتر می‌شوند. این روزها اعلام آمادگی دیکتاتور یمن برای برکناری از قدرت را شاهد هستیم. مردم بحرین در شدیدترین شرایط، در مقابل تانک‌ها و ابزار نظامی آل خلیفه و آل سعود به مبارزه‌اشان ادامه می‌دهند تا حاکمیت اسلام را در کشورشان نظاره کنند. علی‌رغم ادعاهای دروغین مسلمان بودن آل خلیفه، این روزها شاهد تخریب مساجد و اماکن مذهبی و پاره کردن قرآن مجید در بحرین هستیم. در کشور لیبی مقاومت مردم در برابر دیکتاتورشان همچنان ادامه دارد. علی‌رغم دخالت نظامی ناتو برای تثبیت منفعت نفتی، هزاران نفر از مردم غیرنظامی به خاک و خون کشیده شدند.

به راستی دموکراسی غربی، حقوق بشر، سازمان ملل متحد، شورای امنیت و همه مدعیان ارزش‌های انسانی، در این امتحان رفوزه شدند، و مردم مسلمان با مقاومت و شعار «الله اکبر» پیروز این میدان خواهند بود.

آنچه که امروز در کشورهای اسلامی - عربی می‌گذرد، از بیداری امت مسلمان حکایت دارد. خیزش اسلامی، بازگشت به ارزش‌های دینی در راستای برپایی حکومت عادلانه و اجرای احکام اسلامی است. گرچه عوامل و زمینه‌های متعدد و متفاوتی را برای تحولات اخیر در منطقه می‌توان برشمرد، لیکن از همه مهم‌تر بیداری اسلامی و پی بردن به هویت دینی و عزت و شوکت اسلام و مسلمانان است که با شعار «الله اکبر» و اقامه شعائر دینی به مردم جهان نشان داده شد.

ظهور «بیداری اسلامی» در تحلیلی واقع‌بینانه، به تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد. عزت و عظمتی که مردم مسلمان ایران در سایه جمهوری اسلامی به دست آوردند، مورد غبطه مسلمانان دیگر است و آنان برای رسیدن به چنین جایگاهی، راه بسی دشوار را آغاز کرده‌اند و با سپری شدن زمان اندک به نتایجی دست یافتند.

۲. رهبر معظم انقلاب اسلامی در روز ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۹ در دیدار با هزاران نفر از مردم آذربایجان، در تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر ساختار فکری جهان و به ویژه مردم منطقه و نیز عزت و شوکت ملت‌ها در سایه اسلام فرمود:

«ما نتیجه و ثمره شیرین مقاومت ملت عظیم‌مان را داریم مشاهده می‌کنیم و آن عبارت است از صلابت چهره ایران اسلامی، عزت ایران اسلامی، تأثیرگذاری ایران اسلامی در حوادث گوناگون، در منطقه و حتی بیرون از این منطقه. احساس می‌کنیم که ایمان و اسلام به ما عزت داد، به ما پیشرفت داد. ما را به سمت آرمان‌هایمان نزدیک کرد. هرچه ایمانمان را تقویت کنیم، هرچه تحقق اسلام را در جامعه و ارزش‌های اسلامی را در بین خودمان بیشتر کنیم، این عزت بیشتر خواهد شد، این پیشرفت بیشتر خواهد شد و زندگی مادی و معنوی اصلاح خواهد شد؛ و این به همت جوانان، به همت مردم، به ایمان مردم بستگی دارد و خوشبختانه انسان این را مشاهده می‌کند.»

انقلاب اسلامی ایران علاوه بر ایجاد رستاخیز فکری و عملی در عرصه دین‌داری، ایمان، شجاعت و شهامت، استقلال و آزادی‌خواهی در ملت ایران، افق‌هایی جدید در عرصه بین‌المللی برداشته است. فهرست کوتاهی از این تأثیرگذاری چنین است:

۱- تغییرات و تحولات اساسی در ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل و رفتار ملت‌های جهان؛

۲- اثبات ماهیت سلطه‌جویانه و مادی‌گراانه بر مکاتبی همانند لیبرالیسم و سوسیالیسم.

۳- ترسیم مرز بین مستضعفان و مستکبران، و هویت بخشی به مستضعفان با تکیه بر احیای نیروی ملت‌ها و رشد آگاهی سیاسی - اجتماعی.

۴- ظهور نقش‌آفرینان جدید در نظام بین‌الملل همانند جنبش‌های آزادی‌بخش، حزب الله لبنان، حماس و ...

۵- ارائه الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت.

۶- ترغیب مسلمانان به هم‌گرایی و وحدت اسلامی.

۷- خودباوری در عرصه‌های گوناگون علمی، فن‌آوری و صنعت.

۸- و ...

۳. بیداری اسلامی و تحولات بنیانی منطقه غربی و اسلامی در سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع هزاران نفر از زائران و مجاوران حرم امام رضا (ع) (تاریخ ۱/۱/۱۳۹۰) حاوی نکات بسیار ارزشمندی که گزارش اجمالی آن با طرح عناوین مهم و زیرمجموعه هر یک از آنها، می‌تواند، برای همگان رهنمون خوبی باشد.

### ۱- ویژگی‌های بیداری اسلامی:

۱/۱- حضور مردم در صحنه‌های سیاسی؛ نمونه حضور مردم منطقه در صحنه‌های سیاسی همانند حضور مردم در انقلاب اسلامی است که از سویی بیانگر ناتوانی احزاب، پشت میز نشین‌ها و تحلیل‌گران ذهنی در آوردن مردم به صحنه است و از سوی دیگر عامل معنوی و رهبری دینی همانند هنر رهبری امام خمینی (ع) اهمیت خود را نشان می‌دهد و در نتیجه آثار آن - که از جمله باز شدن گره‌ها با دل، نیت و همت مردم باشد - به دست آمد.

۱/۲- گرایش و جهت‌گیری دینی حرکت مردم؛ از شاخصه‌های مهم خیزش و نهضت در کشورهای اسلامی، دینی بودن آن است که از جمله شواهد آن را می‌توان: وجود نام خدا و شعار «الله اکبر» در راهپیمایی‌ها و تظاهرات، برگزاری نمازهای جمعه و جماعت، حضور علمای دین، مبلغان و بنیانگذاران تفکر نوین دینی برشمرد.

### ۲- علت بیداری اسلامی:

جریحه دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم به دست حاکمان ظام از مهم‌ترین عامل خیزش مردمی در منطقه به شمار می‌رود. از مصادیق بارز این جریان، جریحه‌دار شدن غرور ملت مصر با جنایات حکومت مصر به نیابت از رژیم غاصب صهیونیستی در بستن مرز غزه و کمک به محاصره آن و ایجاد دیوارهای حائل فولادی در مرز غزه می‌باشد. در خیزش مردم لیبی می‌توان جریحه‌دار شدن غرور ملت لیبی با جمع‌آوری امکانات هسته‌ای توسط حکومت لیبی به بهانه استفاده از مشوق‌های غربی را از عوامل مهم به شمار آورد. و این در حالی است که جهانیان، مقاومت مسئولان ایرانی در برابر تهدیدات غرب و حضور مردم در عرصه حمایت از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را مشاهده می‌کنند.

### ۳- مواضع آمریکا در برابر بیداری اسلامی مردم منطقه:

۳/۱- حمایت از دیکتاتورها تا آخرین لحظه، یکی از مواضع استکبار جهانی است. نمونه آن در جریان اخیر حمایت از حسنی مبارک (دیکتاتور مصر) تا آخرین لحظه، و سرانجام در صورت احساس بی‌فایده‌گی از حضور دیکتاتورها، رها کردن آنها می‌باشد.

۳/۲- حفظ شاکله نظام دیکتاتوری و فاسد پس از رفتن دیکتاتورها، این موضوع باز هم در فروپاشی نظام مصر و تونس مصداق یافته که امریکا در تلاش بود نخست‌وزیر و دولت را حفظ کند اما با مانع بزرگی همانند «ادامه قیام توسط ملت‌ها» مواجه شده است.

۳/۳- تلاش برای مصادره انقلاب‌ها، این تلاش با ترفند «اظهار حمایت و همراهی با ملت‌ها» و «بر سر کار آوردن افراد طرفدار خود» در حال پیگیری است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، چنین سیاستی تا به امروز شکست خورد و هشیاری امت اسلامی می‌تواند این ترفندها را بی‌نتیجه سازد.

۳/۴- تلاش برای شبیه‌سازی انقلاب‌ها در منطقه، یکی از مصادیق این تلاش، شبیه‌سازی انقلاب‌های منطقه در ایران است. عوامل این جریان، مردمان ضعیف، فرومایه و دستخوش هوای نفس‌اند که با هدف «ایجاد یک حرکت کاریکاتوری مضحک» در انتظار تحقق تلاش مذکورند، لیکن سرانجام آن «تودهنی خوردن از ملت ایران» خواهد بود چنان که در سه دهه اخیر، به کرات اتفاق افتاد.

#### ۴- موضع ایران در حوادث منطقه:

جمهوری اسلامی ایران با گذشت بیش از سه دهه از عمرش، عَلم «دفاع از حقوق ملت‌های مسلمان و مظلوم و مقابله با مستکبران و سلطه‌گران در هر جای عالم» را بلند کرده و در حوادث منطقه محکومیت همزمان رفتار حکومت لیبی با مردم و دخالت غرب و آمریکا در لیبی را مطرح کرده و از بیداری و انقلاب مردم در مصر، تونس، یمن، بحرین و هر حرکت آزادی‌خواهانه با شعار اسلام حمایت کرده است.

در این راستا، اهداف غرب در مواجهه با جریان لیبی، تسلط بر نفت لیبی و کمک نکردن غربی‌ها به انقلابیون در ماه‌های اخیر است؛ لذا با آسیب‌شناسی دقیق موضوع، باید از به دام افتادن برخی خیرخواهان به دامن آمریکا مراقبت نمود و به برخی از حکومت‌های منطقه هشدار داد، که از دخالت نظامی (همانند دخالت نظامی دولت سعودی در بحرین) اجتناب کنند و گرنه با دخالت خود، نزد ملت‌ها منفور خواهند بود.

در پایان یادآور می‌شویم که طبق وعده الهی، این حرکت بیداری اسلامی با پیروزی قطعی به سرانجامش می‌رسد. و بر همه مسلمانان فرض است که به کمک برادران مسلمان خود برای رهایی از ظلم و ستم دیکتاتورها بشتابند. امت مسلمان ایران با رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام هم‌صدا می‌شوند که در نخستین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۵۸) فرموده است:

«... انقلاب ما اسلامی است و تا بانک لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان با مستکبرین هست ما هستیم.»

مبارزه



## تعدد مذاهب و مسئله تقریب و وحدت اسلامی

آیت الله محمدعلی تسخیری<sup>۱</sup>

### چکیده

بدیهی است در زمان پیامبر ﷺ از آنجا که احکام و مفاهیم به طور مستقیم از سوی آن حضرت صادر می‌شد نیاز چندانی به اجتهاد وجود نداشت. شیوه اجتهاد پس از وفات پیامبر اکرم ﷺ در عصر تابعین متداول گشت، اما پس از این دوره از آغاز قرن دوم، مذاهب و مکتب فقهی شکل گرفت و تا نیمه قرن چهارم تعداد آنها به ۱۳۸ مذهب رسید. نگارنده پیدایش مذاهب را نشان‌دهنده تکامل خرد اسلامی و ثروت گران‌قدر فکری برای تمدن اسلامی دانسته و حرکت تقریب مذاهب اسلامی مطرح شده در دهه‌های اخیر را دارای ریشه‌هایی در دورترین دوره‌های اسلامی می‌داند و به دنبال آن، پایه‌های قطعی را که همه مذاهب، بدون استثناء، بدان باور دارند، به عنوان محور وحدت‌آفرین تقریب بیان می‌نماید و پس از آن، سیاست‌ها و راهبردهای ضروری را برشمرده و نقش علما و اندیشمندان را در روند تحقق آن گوشزد می‌کند.

واژگان کلیدی: تعدد مذاهب، مسئله تقریب، وحدت اسلامی، راهبردها.

### پیدایش مذاهب اسلامی

در زمان پیامبر اکرم ﷺ از آنجا که احکام و مفاهیم به طور مستقیم از سوی آن حضرت صادر می‌شد، نیاز چندانی به اجتهاد دیگران وجود نداشت و اگر برخی صحابه اجتهادی هم داشتند پیامبر ﷺ خود بر آن صحنه گذاشت.<sup>(۲)</sup> اختلاف‌ها در آن زمان، خیلی ساده بود و وقتی سرزمین اسلام گسترده‌تری یافت، آیه «نفر» با

۱- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۲- هم‌چنان که در سخن «معاذ» آمده است که وقتی پیامبر اکرم ﷺ او را به یمن گسیل داشت، از وی پرسید: چنانچه حکم مسئله‌ای را در کتاب خدا و سنت رسولش نیافتی، چگونه تصمیم خواهی گرفت؟ معاذ پاسخ داد: «اجتهاد می‌کنم و در نخواهم ماند»؛ ر.ک: «اصول المظفر» ج ۳، ص ۱۹۵.

توجه به واقعیت موجود، پایه اجتهاد و «حجیت خبر واحد» را تشریح کرد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند» (توبه/۲۲).

شیوه اجتهاد در این شرایط و پس از وفات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متداول تر گشت و در عصر تابعین به شکل مؤثرتری ادامه یافت، ولی هنوز مذاهب به شکل مشخص خود، مطرح نشده بود و پس از این دوره، یعنی بعد از «عصر تابعین» بود که مذاهب مطرح گشت.

بنا به اعتقاد استاد سایس، از آغاز قرن دوم تا نیمه قرن چهارم هجری، جهان اسلام شاهد ۱۳۸ مذهب و مکتب فقهی بود به طوری که بسیاری از شهرها، برای خود مذهب ویژه‌ای داشتند. «تاریخ الفقه الاسلامی»، صفحه ۹۲ به بعد. حال آن‌که استاد اسد حیدر این رقم را بیش از پنجاه دانسته است. «الامام صادق و المذاهب الاربعه»، جلد ۱، صفحه ۱۶۰).

به اعتقاد برخی علماء، این مذاهب که پس از طبقه تابعین مطرح گردید، بیشتر مذاهب فردی بود که از سوی پیروان، ملاک عمل قرار نگرفت و از این رو با از میان رفتن پیروان اولیه، مذاهب مزبور نیز در صحنه نماند. ولی برخی دیگر، مذاهب گروهی به شمار می‌آید که در پرتو مجموعه‌های به هم پیوسته‌ای که از سوی پیروان و صاحبان اولیه آنها تدوین گشت، پختگی و انسجام بیشتری پیدا کرد. «موسوعه طبقات الفقهاء: بخش دوم از مقدمه، صفحه ۵۷. (متن عربی)).

از مذاهب گروه نخست (از میان رفته‌ها) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- مذهب حسن بصری (۲۳-۱۱۰ق)؛
  - ۲- مذهب ابن ابی لیلی (۷۴-۱۴۸ق)؛
  - ۳- مذهب اوزاعی (۸۸-۱۵۷ق)؛
  - ۴- مذهب سفیان ثوری (۹۷-۱۶۱ق)؛
  - ۵- مذهب لیث بن سعد (متوفی سال ۱۷۵ق)؛
  - ۶- مذهب ابراهیم بن خالد کلبی (متوفی سال ۲۴۰ق)؛
  - ۷- مذهب ابن حزم داود بن علی اصبهانی ظاهری (۲۰۲-۲۷۰ق)؛
  - ۸- مذهب محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق)؛
  - ۹- مذهب سلیمان بن مهران اعمش (متوفی سال ۱۴۸ق)؛
  - ۱۰- مذهب عامر بن شرحبیل شعبی (متوفی سال ۱۰۵ق).
- و بسیاری دیگر.

و مذاهبی که تا به امروز ادامه پیدا کرده‌اند عبارت است از:

- ۱- مذهب امامی اثنی‌عشری که امام محمد باقر و امام جعفر صادق عَلَيْهِمَا السَّلَام، معارف آن را گسترش بخشیدند؛
- ۲- مذهب زیدی؛
- ۳- مذهب حنفی؛
- ۴- مذهب شافعی؛
- ۵- مذهب مالکی؛
- ۶- مذهب حنبلی؛
- ۷- مذهب اباضی.

ما در این‌جا در پی بررسی زمینه‌های پیدایش مذاهب یا عوامل از میان رفتن یا گسترش آنها - که شامل عوامل علمی، شخصی، سیاسی و اجتماعی و... می‌گردد، نیستیم؛ آن‌چه بیش از هر چیز در این بحث برای ما اهمیت دارد، یادآوری نکات زیر است:

۱- پیدایش مذاهب، نشان‌دهنده تکامل خرد اسلامی به منظور جبران غیبت پیامبر بزرگوار اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و گسستن رشته وحی از یک سو و گستردگی نیازها، فراوانی اتفاق‌ها و پیچیدگی جوامع از سوی دیگر و چه بسا به دلیل تراکم دانش فقهی و مطرح گشتن باب‌های گوناگون دانش فقه است. بنابراین حالتی طبیعی و در راستای حرکت تمدنی به شمار می‌رود.

۲- این مذاهب، در واقع یک ثروت گران‌قدر فکری برای تمدن اسلامی است که هرگز نمی‌توان آن را دست‌کم گرفت، هم‌چنان که هم برای حاکم اسلامی و هم برای مسلمانان، گستره‌ای برای انتخاب و گزینش بهینه در عرصه اجرای شریعت و پیاده کردن آن در زندگی فردی (به ویژه در شرایط عدم تقلید از اعلیم) و اجتماعی، فراهم می‌آورد؛ زیرا رأی حاصل از یک روند به رسمیت شناخته شده‌ای چون اجتهاد، کاملاً قابل انتساب به اسلام است و عرصه وسیعی برای مانور و گزینش بهترین نظریات و آرا (حتی اگر حاکم خود و با اجتهاد شخصی خویش با آن رأی موافقت نداشته باشد) فراروی حاکم شرع قرار می‌دهد. حاکم شرع می‌تواند برای دست‌یابی به نظریه و دیدگاه برتر اجتماعی، به تلفیق و ترکیب آرای مختلف فقهی دست بزند که خود صادقانه‌ترین بیان انعطاف‌پذیری اسلامی است.

۳- شکل‌گیری این مذاهب - هم‌چنان که اشاره گردید - نشان‌دهنده غنای زندگی اسلامی، طبیعی و کاملاً قابل انتظار بود، ولی آن‌چه که این پدیده طبیعی را به یک پدیده منفی در مسیر تاریخی اسلام تبدیل کرد همان چیزی است که آن را فرقه‌گرایی تنگ‌نظرانه می‌نامیم؛ روحیه فرقه‌گرایانه‌ای که از منطق گفت‌وگویی که قرآن کریم بدان فرا می‌خواند، فاصله گرفت و تساهل و

تسامح و مدارای اسلامی را به یک سو نهاد و وارد جدال بیپه‌وده و زشت گردید. ما در این میان، به تعبیر آقای قرضاوی (مجله «رسالة التقرب» - شماره ۳۶ - صفحه ۲۱۰)، شاهد دوره‌های وحشتناک و شیوه‌های غیر اسلامی تکفیر، تفسیق و اتهام بدعت‌گذاری بوده‌ایم که خود به نزاع‌ها و درگیری‌های خونباری منجر شده و چه خون‌ها و اشک‌هایی که بر اثر آنها جاری نگشته و امت اسلامی را دچار پراکندگی و تفرقه نساخته و آن را از کسب موقعیت شایسته و سزاوار خود، محروم نکرده است. (نگاه کنید به کتاب: «قصة الطوائف» - انصاری - صفحات ۱۵۵ به بعد).

از این روست که ما به طور جدی خواهان بازگرداندن مذاهب به وضع طبیعی خود از طریق ترویج گفت‌وگوی سازنده اسلامی، هم‌دلی و هم‌نوایی و جست‌وجوی گستره‌های مشترک و در یک کلام خواهان چیزی هستیم که از آن به «حرکت تقریب مذاهب اسلامی» یاد می‌کنیم.

### حرکت تقریب مذاهب اسلامی

روندی که در دهه‌های اخیر نام «حرکت تقریب» بر آن نهاده شده دارای ریشه‌هایی در دورترین دوره‌های اسلامی است، زیرا اصالت و پویایی خود را از اصول درخشان شریعت گرفته و ضرورت آن همگام با گسترش و تعمیق مسئولیت این امت در بنای تمدن بشری یا دست‌کم مشارکت فعال در آن، روشن‌تر گردیده است.

در اواخر دهه چهل قرن میلادی گذشته، علما و شخصیت‌های برجسته‌ای، شالوده اولیه این حرکت مبارک را پی‌ریزی کردند و جهادی راستین در تبیین آن به عمل آوردند و پس از بیان اصالت و نیز ریشه‌های شرعی و ضرورت رو به رشد و فزاینده آن، مقالات متعددی برای توضیح هر چه بیشتر این پدیده و توجیه آن برای مردم نگاشتند.

### پایه‌های تقریب

به نظر ما، ایمان به مسئله تقریب، با توجه به پایه‌های زیر که همه مذاهب اسلامی بدون استثنا بدان باور دارند، در نهایت منطقی، مطرح می‌گردد:

#### پایه نخست

ایمان به اصول اعتقادی اسلام؛ یعنی توحید الهی (در ذات و صفات و فعل و عبادت) و نبوت پیامبر خدا ﷺ و قرآن مجیدی که این دین به ارمغان آورده و آنچه در آن آمده است و نیز معاد روز قیامت.

#### پایه دوم

پای‌بندی کامل به همه ضروریات و ارکان اسلام از جمله: نماز، زکات، روزه، حج و...

### پایه سوم

پای‌بندی همه‌جانبه به این که کتاب خدا و سنت شریف نبوی، دو سرچشمه بنیادین شناخت نظر اسلام در همه مسایل، شامل مفاهیم هستی و زندگی و گذشته و حال و آینده انسان در هر دو جهان و احکام و شریعتی که زندگی و رفتارهای فردی و اجتماعی آدمی را سامان می‌بخشند، به شمار می‌روند. در مورد اصول و سرچشمه‌های دیگری چون عقل و قیاس و اجماع و جز آن باید گفت که آنها تنها هنگامی اعتبار دارند که به این دو سرچشمه اصلی مستند باشند و از آنها مایه گرفته باشند.

ائمه مذاهب و پیشوایان آنها همگی آشکارا این حقیقت را مطرح کرده و جز با استفاده و الهام از این دو سرچشمه، رأی و نظری ارائه نمی‌دهند.

روایات بسیاری نیز از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده که تأکیدی بر این معناست، از جمله این فرموده امام جعفر صادق علیه‌السلام:

«همه چیز باید به کتاب و سنت، ارجاع داده شود.» («وسائل الشیعه»، ج ۲۷، ص ۱۱۱. موارد مشابه

چنین روایتی، فراوان است).

امام مالک بن انس نیز می‌گوید:

«بدانید که من هم بشری هستم که به صواب یا خطا می‌روم، از این رو سخنانم را بر کتاب و سنت عرضه کنید» («جلاء العینین»، آلوسی، به نقل از ابن تیمیه، ص ۱۹۹).

امام شافعی نیز سخنانی نزدیک به این مضمون دارد. (همان منبع، همان صفحه).

### پایه چهارم

پای‌بندی به این که اسلام اجازه اجتهاد را به مثابه عملی جهت رسیدن به فهم اسلام، داده است. اجتهاد نقش بسزایی در تأکید بر انعطاف‌پذیری شریعت و توان آن نسبت به فراگیری چالش‌های زندگی طبق معیارها و ضوابط معین، ایفا می‌کند. پذیرش این نقش، ضرورتاً به معنای امکان ایجاد پیوند میان نتایج مختلف حاصل از اجتهاد - حتی اگر متفاوت و یا متضاد با یک‌دیگر باشند - از یک سو و اسلام از سوی دیگرست، زیرا برداشت‌ها، دیدگاه‌ها و باورها در این میان، متفاوت است (و در علوم اسلامی با عنوان «اسباب الخلاف»، تدریس می‌گردد).

به اعتقاد ما اگر اسلام اجازه داده که اجتهاد [به مفهومی که بیان شد] صورت گیرد، بدان دلیل است که دین و آیینی واقعی و فطری است و برای دینی که متعلق به همه دوران‌هاست و رشته وحی از آن گسسته و معصومانش در قید حیات نیستند، برای شناخت شریعت و احکام آن راهی جز اجتهاد وجود ندارد؛ هر چند این روش گاه گرفتار خودخواهی‌هایی می‌شود و آرای متفاوتی را عرضه می‌کند که چه بسا برخی از آنها با آنچه که خداوند متعال در اسلام منظور داشته، هم‌خوانی ندارد.

همچنان که شاهد آنیم که این روش منطقی، در خصوص استنباط همه مسایل، از جمله عقاید و



مفاهیم (یعنی تصوّراتی که از یک سو بر عقاید و باورها مبتنی است و از سوی دیگر در ارتباط مستقیم با واقعیت قرار دارد) و احکام و حتی مواضع و دیدگاه‌های اسلام نسبت به برخی قوانین طبیعی، تعمیم داده می‌شود.

#### پایه پنجم

اصل وحدت اسلامی، گویای ویژگی مهمی از ویژگی‌های این امت مقدس است که بدون آن نمی‌تواند مدعی کمال هویت خویش گردد. اسلام برنامه همه‌جانبه‌ای برای تحقق این وحدت در نظر گرفته که بر اساس چنگ زدن به ریسمان محکم الهی (یعنی هر راهی که به خدای یگانه منتهی گردد) و با تأکید بر وحدت اصل، وحدت خلق، وحدت هدف و وحدت شریعت و راه و با فراخوان به ورود همگانی به محدوده تسلیم کامل در برابر خدا و نفی وسوسه‌های شیطانی، صورت می‌گیرد، و در این راستا، آثار و پیامدهای وحدت را یادآور می‌شود و بذر اخلاقیات و عناصر فداکاری و ایثار در راه هدف کلی را در دل‌ها می‌کارد و همه معیارها و ملاک‌های تفرقه‌افکنی هم‌چون زبان، ملیت، وطن، طایفه و قبیله و رنگ را به یک سو می‌نهد و بر معیارهای انسانی هم‌چون علم و تقوا و جهاد و نیز لزوم جست‌وجوی وجوه اشتراک تأکید می‌کند و به استفاده منطقی و عقل سلیم، یعنی منطق گفت‌وگوی آرام و علمی و نیز به موارد و عناصر دیگری - که به دلیل روشنی و به منظور خودداری از درازی سخن، از آنها می‌گذریم - فرا می‌خواند.

ایمان به این اصل، مقتضیاتی دارد که از جمله بنیادهای حرکت تقریب به شمار می‌رود و به آنها اشاره خواهد شد.

#### پایه ششم

اصل برادری اسلامی که خود بخشی از برنامه‌ای است که در بالا به آن اشاره شد و ترجیح می‌دهیم به طور مستقل نیز بر آن تأکید کنیم، زیرا مهم‌ترین بخش به شمار رفته و سامان‌بخش همه روابط اجتماعی در اسلام است و معتقدیم که پیامدهای آن تنها به جنبه‌های اخلاقی منحصر نیست و جنبه‌های تشریعی را نیز در بر می‌گیرد و تأثیر همه‌جانبه خود را بر حرکت اجتهاد بر جای می‌گذارد و در نتیجه ما دیگر شاهد احکامی متناقض با این اصل، در جامعه اسلامی نخواهیم بود.

حرکت تقریب باید بر اساس این پایه‌های پنج‌گانه پی‌ریزی گردد و چه بسا پذیرش و باور به این پایه‌ها، به طور منطقی و خود به خود، ایمان به این حرکت را به دنبال خواهد داشت. از این رو معتقدیم تقریب، تنها به جنبه‌های اخلاقی یا شعاری منحصر نیست، هم‌چنان که تنها جنبه‌های تشریعی را در بر نمی‌گیرد بلکه فراتر از اینها، به جنبه‌های مختلف فکری و تمدنی پیوند می‌خورد و شایسته است که همه نخبگان فکری، فقهی و اندیشمندان در آن سهیم شوند و حتی باید از نخبگان نیز فراتر رفت و کل توده‌ها را زیر پوشش این اندیشه قرار داد. توده‌های مسلمان باید با فرهنگ

تقریب بار آیند، زیرا هر چند اسلام بر اختلاف‌های فکری غیرمخرب و طبیعی، صحّه می‌گذارد، اما هرگز در پیوند با مواضع عملی نسبت به مسایل سرنوشت‌ساز داخلی و خارجی، کوچک‌ترین اختلافی را برنمی‌تابد. به همین دلیل است که در این آیین، کسی که در برابر حاکم شرع بایستد (یعنی مقامی که قاعدتاً باید موضع عملی امت را یگانگی بخشد) هم‌چون کسی است که در برابر فرمان خدا ایستاده باشد، چون فرمانبری از حاکم شرع، هم‌سنگ با فرمانبری از خدا در نظر گرفته شده است.

#### اصول و ارزش‌هایی که دست‌اندرکاران تقریب باید بدان پای‌بند باشند

بنابر اصول و پایه‌هایی که ذکر شد و به پیروی از آنچه که علما و مبلغان تقریب از آن سخن گفته‌اند ما به پای‌بندی به ارزش‌های زیر فرا می‌خوانیم و این ارزش‌ها را خطوط کلی سیاست‌هایی تلقی می‌کنیم که برای تحقق اهداف مورد نظر، مد نظر قرار می‌گیرد.

#### ۱- همکاری در موارد اتفاق

آنچه در عرصه‌های مختلف، مورد توافق است، بسیار زیاد است. مذاهب اسلامی، در اصول اعتقادی یا در عرصه‌های احکام تشریعی (که برخی علما این میزان را تا ۹۵٪ مجموعه کلی ذکر کرده‌اند) یا در گستره‌های اخلاقی که تقریباً اتفاق نظر کامل حاصل است و نیز در عرصه مفاهیم و فرهنگ اسلامی و حتی در روند تاریخ و نقاط عطف اصلی، به رغم وجود برخی اختلاف‌ها در ارزیابی مواضع معین، از مواضع مشترک فراوانی برخوردارند. در مورد مواضع عملی نیز آنها همگی متفق‌اند که این مواضع باید از طریق هم‌گرایی و هم‌بستگی اجتماعی و طی یک تصمیم جمعی یکسانی که رهبران دینی اتخاذ می‌کنند، از وحدت و یگانگی برخوردار باشد. تردیدی نیست که همکاری در وجوه مشترک فکری به معنای تلاش مشترک برای استحکام آنها در اذهان و اجتناب از هر اقدام متضاد با آنها و در نتیجه، عمق بخشیدن به آنها در کل حرکت جامعه اسلامی است.

همگامی و همکاری در عرصه‌های هم‌پیوند با رفتارهای فردی، اجتماعی و تمدنی، امر کاملاً روشنی است که این عرصه‌های حیاتی گوناگون را در بر می‌گیرد؛ پیاده کردن شریعت اسلام، بزرگداشت شعائر الهی هم‌چون نمازهای جمعه و حج و تحقق ویژگی‌هایی چون وحدت در امت اسلامی و...

یادآور می‌شویم که حرکت تقریب باید حداکثر تلاش خود را برای کشف این عرصه‌های مشترک و آگاهی دادن به توده‌های مسلمان و حتی به نخبگان به کار گیرد و در جهت گسترش هر چه بیشتر این عرصه‌ها گام بردارد.

## ۲- معذور داشتن یک دیگر در اختلافها

تا وقتی به گشودگی باب اجتهاد - که حالتی طبیعی است و نمی‌توان با یک تصمیم آن را بست - ایمان داریم و تا زمانی که دلایل و علل اختلاف از نتایج اجتهادی، پا بر جا و طبیعی است، باید نتیجه گرفت که اختلاف در آرا و فتواها، پذیرفتنی است. به لحاظ اسلامی نیز وجود اختلاف نظر نهی نشده است؛ آنچه نهی شده و ناپسندیده است، نزاع‌های عملی بیهوده و تضعیف کننده، تفرقه در دین، دسته‌بندی‌های مخرب و امثال آن است و این خود دلیلی بر عقلانیت و منطقی بودن اسلام است.

بنابراین هر کدام از مسلمانان، اعم از استاد یا شاگرد و مجتهد یا مقلد، باید تحمل رأی مخالف را داشته باشند و به شیوه‌های تهدید و ارباب و تکفیر متوسل نگردند. در این صورت است که اختلاف نظرها، برادرانه و دوستانه خواهد بود و آسیبی به دوستی‌ها نخواهد زد.

در این جا به متون و روایات بسیاری باید اشاره کنیم که مؤمنان را به تحمل و مدارا و سعه صدر فرا می‌خواند و به سادگی می‌توان آنها را بر اوضاع کنونی مسلمانان انطباق داد. از جمله این حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که چون در محضر ایشان نام گروهی به میان آمد، راوی گفت: ما از آنان تبری می‌جوییم، زیرا آنها مانند ما نمی‌اندیشند و باور ندارند. امام فرمود: با ما دوستی دارند ولی مانند شما نمی‌اندیشند به این دلیل از آنان تبری می‌جویید؟ راوی می‌گوید: آری. فرمود: این همان چیزی است که ما معتقدیم ولی شما به آن اعتقاد ندارید پس ما هم باید از شما تبری جوییم!... تا آن جا که فرمود: با آنان دوستی داشته باشید و از آنها تبری مجویید. در میان مسلمانان کسانی هستند که یک سهم و کسانی نیز هستند که دو سهم دارند... درست نیست که صاحب یک سهم، از صاحب دو سهم، خرده‌گیری کند...» («وسائل الشیعه» چاپ: مؤسسه اهل البیت علیهم السلام، جلد ۱۶ - صفحه ۱۶۰).

برخورد پیشوایان مذاهب با یک‌دیگر خود بهترین گواه بر این حقیقت است. اگر بخواهیم به وقایع تاریخی در این باره بپردازیم، سخن به درازا خواهد کشید. (نگاه کنید به پژوهش آیت... واعظ زاده خراسانی در این باره در کتاب خود: «دراسات و بحوث» جلد ۱، صفحه ۵۴۵ به بعد).

همچنان که شاهد آنیم که پیشوایان مذاهب، باب اجتهاد را بر دیگران نیستند و حتی پیروی از نظریات و آرای خود را در صورت تحقق خلاف آن برای کسی، حرام دانستند. در این باره تنها به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

از امام «مالک بن انس» نقل شده که گفته است: «من خود یک انسانم، ممکن است بر صواب یا خطا باشم، سخنانم را با کتاب و سنت، بسنجید».

امام شافعی نیز می‌گوید: «اگر صحت حدیثی بر خلاف گفته‌ام ثابت شد، گفته‌ام را به یک‌سو نهید».

و امام ابوحنیفه می‌گوید: «این رأی من است و به نظر خودم بهترین است و اگر کسی رأی

دیگری آورد از وی می‌پذیرم و چنانچه کسی دلیل مرا نمی‌داند حرام است که بر اساس نظر و سخن من، فتوا دهد».

و امام احمد بن حنبل می‌گوید:

«از کاستی دانش مردان است که از دیگران تقلید کنند».

و این دقیقاً همان نکاتی است که علمای بزرگ پس از ایشان نیز بر آن تأکید کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

## ۳- اجتناب از تکفیر و اتهام بدعت‌گذاری

تکفیر از جمله مصیبت‌های تاریخ ماست. به رغم احادیث شریفی که از یک سو، مسلمانان را در ایراد تهمت به دیگران محدود می‌گرداند و از سوی دیگر از اتهام کفر به مسلمانان، منع می‌کند<sup>(۲)</sup>، شاهد این روند - که راه هر گونه مخالفت یا خلاقیتی را بر عقل بسته است - هستیم تا جایی که مشاهده شده است که فردی کتابی را تألیف کرده و معتقد است مخالفت حتی با یک حرف در آن به کفر منجر می‌شود!<sup>(۳)</sup>

از این روست که ما همگان را فرا می‌خوانیم تا با الهام از روح قرآن که حتی در بحث و جدل با کفار حقیقی نیز به منطوق و برخورد عملی دعوت می‌کند و به پیامبرش خطاب کرده که به آنان بگوید: «وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ و در حقیقت یا ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم» (سبا/۲۴) مسئله را به جای «کفر و ایمان» به «درست و نادرست» (صواب و خطا) تبدیل کنند.

## ۴- عدم نکوهش نسبت به پیامدهای یک نظر

این منطقی است که انسان در برابر نظری که ابراز می‌کند پاسخ‌گو باشد و در نهایت دقت و تأمل، در این باره با وی مناقشه شود، ولی ما عادت کرده‌ایم که همواره مناقشاتی را دنبال کنیم که بر پیامدهای رأی مبتنی است و در نتیجه، تکفیر و اتهام به بدعت‌گذاری مطرح می‌شود، حال آن‌که چه بسا صاحب رأی، خود چنان پیامد یا ملازمتی را قبول نداشته باشد.

۱- سخنان فراوان دیگری نیز وجود دارد که در کتاب‌های گوناگونی از جمله «جلاء العینین» (آلوسی)، ص ۱۹۹ و «تلبیس ابلیس» (ابن جوزی)، ص ۹۹ به بعد و «الامام الصادق و المذاهب الاربعه» (اسد حیدر)، ج ۱ ص ۱۷۵، نقل شده است.

۲- در این باره می‌توان به احادیث کتاب «الایمان» در «صحاح» و کتب حدیث دیگری چون «جامع الاصول» (ابن اثیر الجزری) جزء اول، ص ۲۰۷ به بعد مراجعه کرد.

۳- شواهدی در این مورد وجود دارد ولی به طرح آنها مایل نیستیم.

برای مثال، برخی که به حسن و قبح عقلی ایمان دارند، کسانی را که بدان ایمان ندارند در شمار افرادی قلمداد می‌کنند که در ایمان به صدق و راستی پیامبر تردید نموده‌اند؛ با این استدلال که آن-چه احتمال دروغ‌گویی پیامبر معجزه‌آور را رد می‌کند، حکم عقل به قبح انجام معجزه از سوی دروغ‌گو است و اگر ما هر گونه تقبیح عقلی را رد کنیم در واقع باب ایمان به نبوت را بسته‌ایم. در مورد مسئله اطاعت از خداوند متعال نیز همین استدلال را می‌کنند؛ آن‌چه ما را ملزم به اطاعت از پروردگار می‌کند، چیزی جز حکم عقل نیست.

و به همین ترتیب، کسان دیگری را می‌یابیم که قائلان به توسل یا شفاعت یا سوگند به غیر خدا را به شرک متهم می‌کنند، زیرا معتقدند لازمه و پیامد چنان اعتقادی، شرک است.

جدال آرام و متین علمی، امر مطلوبی است و ما هرگز خواستار بستن راه مباحث و مجادلات کلامی نیستیم. منطقی هم همین اقتضا را دارد ولی همگان را بدان فرا می‌خوانیم که در مناقشه و جدال، راه منطقی در پیش گیرند و آن‌چه را که طرف مقابل خود نمی‌پذیرد به او نسبت ندهند و تا زمانی که به ملازمت رأی خود با رأی دیگر اعتقادی ندارند، صاحب آن رأی را معذور دارند و این‌گونه است که می‌توان باب گسترده‌ای از اتهام‌های ویرانگر را بست.

### ۵- برخورد احترام‌آمیز در گفت‌وگوها

گفت‌وگو منطقی صحیح انسانی برای انتقال اندیشه به دیگران است و قرآن کریم نیز نظریه بی‌نظیر و بسیار جالبی در مورد گفت‌وگوی ایده‌آل، شامل مقدمات گفت‌وگو، شرایط، اهداف و زبان آن، مطرح ساخته است که از جمله می‌توان به مسئله شنیدن نظر دیگران و پیروی از بهترین آنها و نیز مسئله عدم توهین و اهانت به طرف مقابل اشاره کرد، به طوری که آیه شریفه: «قُلْ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ بگو: [شما] از آن‌چه ما مرتکب شده ایم بازخواست نخواهید شد و [ما نیز] از آن‌چه شما انجام می‌دهید بازخواست نخواهیم شد» (سبأ/۲۵) در مورد نحوه گفت‌وگوی پیامبر با کسانی که به اسلام ایمان ندارند، مطرح شده و پیامبر را از برانگیختن زخم‌های کهنه و اتهام‌های متقابل، بر حذر داشته و تنها به منطقی بودن خود گفت‌وگو توجه می‌دهد. در این آیه، حتی ادب تعبیر و زبان گفت‌وگو نیز رعایت شده و برای احترام به طرف مقابل نمی‌گوید: «و لانسأل عما تجرمون»، هر چند به لحاظ سیاق لفظی، تناسب بیشتری داشت. خداوند پیامبرش را در بحث و گفت‌وگوی با غیرمؤمنان این‌گونه راهنمایی می‌کند، ولی ما در گفت‌وگوی با مسلمانان دیگری که با آنها اصول اعتقادی مشترک داریم چگونه رفتار می‌کنیم؟! حال آن‌که در حدیث آمده است: «در شر کسی همین بس که برادر خود را تحقیر کند»<sup>(۱)</sup>.

۱- «مسلم»، ج ۴، ص ۱۹۸۶ از ابوهیره طی حدیثی بلند، روایت کرده است.

### ۶- خودداری از توهین به مقدسات دیگران

حقیقت آن است که این اصل، تابع اصل قبلی و در واقع مقدم بر آن است، زیرا توهین به مقدسات دیگران باعث ایجاد فضای عاطفی نامساعد و عدم تعادل مطلوب در گفت‌وگو می‌شود. خداوند متعال نیز در قرآن، از این کار نهی فرموده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و آنهايي را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این‌گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آن‌گاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود و ایشان را از آن‌چه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت» (انعام/۱۰۸). خداوند این چنین مؤمنان را به برخورد و گفت‌وگو با دیگران فرا می‌خواند. پیش از آن نیز وظایف تبلیغی و اجباری یا تحمیل نظر خود بر دیگران - حتی اگر در شمار مشرکان باشند - را برایشان توضیح می‌دهد: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ؛ و اگر خدا می‌خواست، آنان شرک نمی‌آوردند و ما تو را برایشان نگهبان نکرده ایم و تو وکیل آنان نیستی» (انعام/۱۰۷).

متون و احادیث اسلامی در نهی از دشنام و ناسزا و نفرین، کاملاً شناخته شده است و وقتی در برخورد با مشرکان باید این نکات را رعایت کرد، با هم‌کیشان که جای خود دارد؛ آنهايي که در واقع برادران مسلمانی هستند که در راه هدفی واحد، می‌کوشند و دردها و آرزوهای یک‌دیگر را احساس می‌کنند. چنین وضعی هرگز تحمل توهین و اهانت را ندارد به ویژه نسبت به موارد و مسایلی که یک طرف آنها را مقدس و در پیوند با معتقدات و باورهای اصیل خود می‌داند.

### ۷- آزادی انتخاب مذهب

از آن‌جا که ما پذیرفته‌ایم وجود مذاهب مختلف اسلامی نتیجه اجتهادهایی است که اسلام روا داشته است، باید آنها را راه‌هایی برای دست‌یابی به رضای خداوند بدانیم و وقتی اختلافی میان آنها مطرح می‌شود طبیعی است که انسان مسلمان این مذاهب را مورد پژوهش و مطالعه قرار دهد و بهترین را - طبق معیارهایی که بدان‌ها ایمان دارد و معتقد است که با چنان معیارهایی وظیفه خود را در برابر خدا به انجام رسانده و امانت و عهد خود را بجای آورده است - برگزیند و در این صورت کسی نباید او را برای گزینشی که به عمل آورده - هر چند او را خوش نیاید - مورد نکوهش قرار دهد. هم‌چنان که معنا ندارد که کسی را وادار به انتخاب مذهب معینی کرد، زیرا این انتخاب، در پیوند با باورهای ایمانی است و جز با دلیل و برهان، نمی‌توان بدان دست یافت.

در این‌جا تأکید می‌کنیم که هر مذهبی بدون آسیب رساندن به حقوق دیگران و بی‌آن‌که متوسل به جار و جنجال و توهین گردد حق دارد نظرات و دیدگاه‌های خود را توضیح دهد. ما نمی‌گوییم باید

باب بحث‌های سالم منطقی در اعتقادات، فقه یا تاریخ بسته شود بلکه با سوءاستفاده، جدال‌های بیهوده و تحمیل نظر خود بر دیگران و حق‌کشی مخالفیم. ما معتقدیم تجاوزهایی که در طول تاریخ صورت گرفته ناشی از عدم پای‌بندی به اصول و قواعد گفت‌وگوی سازنده و به فراموشی سپردن این حقیقت است که همه مذاهب در راه اعتلای کلمه اسلام - البته طبق تصویری که خود از آن دارند - گام برمی‌دارند.

### نقش علما و اندیشمندان در روند تقریب

تردیدی نیست که بیشترین مسئولیت‌ها در عرصه فعالیت‌های «تقریبی» بر دوش این گروه از مسلمانان است، زیرا آنها از یک سو وارثان پیامبران، حاملان رسالت تبلیغ و سازندگان نسل فردا هستند و از سوی دیگر، نسبت به هر کس دیگری با پایه‌ها و شالوده‌های تقریب آشنا هستند و بیشترین تأثیر را در وحدت بخشیدن به صف امت و تحقق ویژگی‌های آن، دارند.

آن‌چه که آنها می‌توانند در راستای ایفای نقش خود بدان پردازند، از این قرار است:

۱- تعمق و تأمل در پایه‌ها و ارزش‌های حرکت تقریب و درک عمیق و انعکاس آنها در مباحث، بررسی‌ها و نوشته‌های خود و از آن مهم‌تر، توجه به آنها در استنباط‌های فقهی و فکری خود و در نظر گرفتن آنها به عنوان یک اصل راهنما و مصلحت مرسل (مطلق) که بر اساس قاعده معروف تراجم در اصول فقه، باید بر همه احکام با اهمیت کمتر، ترجیح داده شود. از این‌رو ما در برخی گردهمایی‌های بین‌المللی تقریب، به حمایت از حرکت «تقریب فقهی» فراخواندیم و سعی کردیم نظریات فقهی را به یک‌دیگر نزدیک سازیم.

پس از تأمل در برخی نزاع‌های فقهی، متوجه می‌شویم که آنها در واقع اختلاف‌های لفظی ناشی از اختلاف دیدگاه‌ها یا اختلاف در اصطلاح‌هاست. در برخی مباحث اصولی، از جمله در مورد «قیاس»، «استحسان» و «مانعت از مفسده جویی» (سد الذرائع) و امثال آن نیز مسئله از همین قرار است. توجه به این نکته، گرایشی است که در برخی کتاب‌های اصولی از جمله «اصول فقه» مرحوم علامه شیخ محمدرضا مظفر و مرحوم علامه سید محمدتقی حکیم که افتخار شاگردی آنها را داشته‌ایم، دیده می‌شود.

در این‌جا ناگزیر باید به نوشته‌ها و کتاب‌های فراوانی اشاره نماییم که آن‌چنان اختلاف‌ها را بزرگ کرده و عمق بخشیده‌اند که این برداشت در خواننده آنها قوت می‌گیرد که هم‌گرایی و تفاهم، ناممکن است و همه عرصه‌ها را فراگرفته و تصور هرگونه تقریب و تفاهمی، بی‌معناست. این نوشته‌ها، به حقیقت جفا نموده و وحدت منابع و وحدت شیوه‌ها و معیارها و هدف را کاملاً نادیده می‌گیرند.

۲- فعالیت هماهنگ برای روشننگری و گستراندن فرهنگ تقریب به میان توده‌های مسلمان به طوری که مسلمانان به رغم اختلاف در مذهب جز با احساس صادقانه برادری و همکاری، با یک‌دیگر برخورد نکنند و همگان پذیرای فعالیت‌های چندمذهبی باشند و درگیری‌های احساسی برخاسته از رسوبات تاریخی و موروثی که صحنه‌های دردناکی را بجای گذاشته، منتفی گردد. اختلاف در یک حکم شرعی، تفاوت در برداشت از یک اتفاق تاریخی و چندگونگی در رفتارهای اجتماعی را - تا وقتی که در چارچوب کلی اسلام قرار داشته و برخاسته از اختلاف در اجتهاد می‌باشد - می‌توان توجیه و در عین حال تحمل کرد. البته اگر رفتاری را همه مجتهدان خارج از چارچوب تلقی کنند باید به بهترین روش، با آن برخورد کرد.

۳- کوشش مشترک و پی‌گیر برای در پیش گرفتن مواضع یکسان و سمبلیک در همه مسایل سرنوشت‌ساز، از جمله در خصوص:

الف - پیاده کردن احکام اسلام؛

ب - تحقق حاکمیت ملی در چارچوب دینی؛

ج - رویارویی با دشمن و نقشه‌های آن در ضربه زدن به هویت و کیان امت؛

د - پاسداری از وحدت امت و نفی تفرقه؛

هـ - برتری منافع و مصلحت عمومی مسلمانان بر منافع گروهی.

۴- تشویق به تأسیس نهادهای تقریبی، از جمله:

الف - باشگاه‌های اجتماعی مشترک میان پیروان مذاهب گوناگون؛

ب - اردوگاه‌های «تقریبی» در مسایل مختلف؛

۵- ایجاد گروه‌های «تقریب» در جاهایی که مسلمانان حضور دارند.

مراکز و دولت‌های اسلامی نیز می‌توانند نقش مهمی در این مورد ایفا کنند. آنها می‌توانند حرکت تقریب را تشویق نمایند، کنفرانس‌ها و گردهمایی‌هایی در این خصوص برگزار کنند و طرح‌هایی را اجرا نموده و تبلیغات مسئولانه‌ای را در پیش گیرند و مظاهر و نمودهای تفرقه را نفی کرده، فرهنگ تسامح و تساهل مذهبی را گسترش دهند.

### منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر جزری، المبارک بن محمد، جامع الاصول، تحقیق: عبدالقادر الأرناؤوطه، نشر: دارالفکر، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۳ هـ ج ۱، ص ۲۰۷ به بعد.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمان، تلبیس ابلیس، تحقیق: السید الجمیلی، ناشر: دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۴ هـ ص ۹۹ به بعد.

۳. آلوسی بغدادی، نعمان، جلاء‌العینین، مطبعة المدنی، ۱۴۰۱ هـ به نقل از ابن تیمیة، ص ۱۹۹.
۴. انصاری، فاضل، قصة الطوائف، دمشق، صفحات ۱۵۵ به بعد.
۵. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تحقیق و ناشر: مؤسسه اهل بیت لاحیاء التراث، قم، ج ۲، ۱۴۱۴ هـ، جلد ۲۷، صفحه ۱۱۱ و جلد ۱۶، صفحه ۱۶۰.
۶. حیدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، مکتبه الصدر، تهران، ج ۳، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱، ص ۱۶۰.
۷. سائیس، محمدعلی، تاریخ الفقه الاسلامی، کلیه الشریعه بالجامعه الازهریه، قاهره، صفحه ۹۲ به بعد.
۸. سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسه امام صادق، قم، ج ۱، ۱۴۱۸، بخش دوم از مقدمه، صفحه ۵۷. (متن عربی).
۹. مجله «رسالة التقرب»، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۴۲۳ هـ، شماره ۳۶، صفحه ۲۱۰.
۱۰. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، تحقیق: رحمه الله الرحمتی الیراکی، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۲۲ هـ.
۱۱. نیسابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ۱۹۷۲ م، ج ۴، ص ۱۹۸۶.
۱۲. واعظزاده خراسانی، محمد، «دراسات و بحوث»، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ج ۱، ۱۴۲۱ هـ، جلد ۱، صفحه ۵۴۵ به بعد.

## مقدمه

## مسئله‌شناسی دگرترین وحدت اسلامی

دکتر محمود احمدی میانجی<sup>۱</sup>

### چکیده

مسئله‌شناسی وحدت اسلامی و تقریب بین‌المذاهب سؤال اصلی این نوشتار است. نویسنده به ضرورت بحث و ثمرات و نتایج آن در مقدمه نوشتار می‌پردازد. در پاسخ به سؤال اصلی، دیدگاه‌های آیت‌الله بروجردی، علامه امینی، شهید مطهری، امام خمینی و مقام معظم رهبری مطرح می‌شود. نویسنده در پایان نتیجه‌گیری می‌نماید که تئوری وحدت اسلامی و تقریب بین‌المذاهب به روابط پیروان مذاهب ناظر بوده و مسئله فقهی و حقوقی است. طرح و اندیشه تقریب، مسئله کلامی نیست و روش‌های کلامی در آن از خطاهای راهبردی است.

واژگان کلیدی: مسئله‌شناسی، وحدت اسلامی، تقریب بین‌المذاهب، فقهی و حقوقی، کلامی، روش.

### مقدمه

دگرترین تقریب بین‌المذاهب، مقوله‌ای است که در دهه‌های اخیر به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر مورد توجه جوامع روشن‌فکری دینی کشورهای اسلامی قرار گرفته است. اختلاف و تفرقه بین امت اسلامی و واگرایی مسلمانان و تشدید تنازعات مذهبی، پدیده‌ای است که دل هر انسان مسلمان را به درد می‌آورد. خطر دشمنی و تنازع بین پیروان مذاهب اسلامی، و کشتار مخالفان مذهبی با انگیزه دینی، پدیده بسیار زشت و نفرت‌انگیزی است که چهره خشن خود را در بعضی از مناطق اسلامی مانند: عراق، پاکستان و افغانستان نشان داده است.

۱- استادیار جامعه‌المصطفی العالمیه.

با تأمل در رفتار دشمنان اسلام و مسلمین، به خصوص آمریکا و صهیونیسم بین الملل درمی یابیم که راهبرد اصلی استکبار جهانی بر مبنای تفرقه و درگیری های مذهبی بین پیروان مذاهب اسلامی است.

مصلحان و اندیشمندان دنیای اسلام از دیرباز، تنها راه مقابله با این پدیده شوم را تز وحدت اسلامی و تقریب بین المذاهب می دانسته اند. تأسیس دارالتقریب در قاهره، حرکت و نهضت تقریبی توسط سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، آیت الله بروجردی و شیخ شلتوت و ندای وحدت طلبانه امام خمینی، شهید مطهری، مقام معظم رهبری و تأسیس مجمع جهانی تقریب بین المذاهب، همه در راستای دعوت به توحید کلمه بین مسلمانان است.

از طرفی، جمع قابل توجهی از بزرگان و رهبران مذهبی به این پدیده با دیده شک و حیرت می نگرند و آن را حرکتی در تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی مردم و با انگیزه صرفاً سیاسی و با اهدافی مغایر با تبلیغ معارف مذهبی تلقی می نمایند.

اگر نگاه واقع بینانه به مقوله تقریب در حوزه های دینی شیعه و سنی داشته باشیم درمی یابیم که غالباً نگاه ها به این مقوله، نگاه تردیدآمیز و نگران از تأثیر سوء آن بر باورهای مذهبی است. در حوزه های شیعی می گویند نگاه تقریبی باعث می شود بعضی از حقایق مذهبی به نسل های حاضر به صورت صحیح منتقل نشود و به مرور واقعیت های تاریخی شیعه و به خصوص اهل بیت (علیهم السلام) به فراموشی سپرده شود.

از طرفی، در جوامع اهل سنت، تقریب را یک نوع تاکتیک برای تبلیغ شیعه بین اهل سنت ارزیابی می کنند.

با ارزیابی و تجزیه و تحلیل این مقوله درمی یابیم که مسئله شناسی وحدت اسلامی و تقریب بین المذاهب به صورت روشن بررسی نشده است.

سؤال اصلی این نوشتار مسئله شناسی دکترین تقریب بین المذاهب و وحدت اسلامی است و در این راستا به مسئله شناسی تقریب بین المذاهب و وحدت اسلامی از دیدگاه امام خمینی، شهید مطهری، مقام معظم رهبری و سایر رهبران و منادیان تقریب پرداخته می شود. با مسئله شناسی تقریب و وحدت اسلامی، دغدغه ها و نگرانی های متدینین مرتفع می شود و نظریه پردازان تقریب به مبانی نظری و مستندات شرعی آن می پردازند و این مقوله که از نظر جمعی از اندیشمندان تهدیدی برای اعتقادات مذهبی تلقی می شود، می تواند فرصتی برای نشر معارف مذهبی باشد.

### تقریب یک مسئله کلامی یا فقهی و حقوقی؟

آیا در دکترین تقریب، درصد نزدیک کردن دیدگاه های مذاهب کلامی و فقهی شیعه و اهل سنت هستیم؟ آیا تقریب به معنای چشم پوشیدن از اعتقادات شیعه در مسئله امامت و رهبری امامان

اهل بیت (علیهم السلام) است؟ آیا تقریب به معنای چشم پوشی از واقعیت های تاریخی است؟ آیا تقریب به معنای کوتاه آمدن و کتمان حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) است یا این که به معنای هم زیستی مسالمت آمیز پیروان مذاهب اسلامی است و وحدت اسلامی، اتحاد، انسجام و تقریب بین المذاهب، به روابط پیروان مذاهب اسلامی و حقوق شهروندی ناظر است. در مسئله شناسی تقریب درصد پاسخ گویی به این مهم هستیم.

### مسئله شناسی تقریب از نگاه آیت الله بروجردی

با توجه به نبود مستند مکتوب و غیرمکتوب از فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حاج سید حسین بروجردی (اعلی الله مقامه)، تنها راه شناخت دیدگاه های آن بزرگوار فرمایش های شاگردان ایشان می باشد؛ بنابراین در این مورد به نقل دیدگاه های ایشان از زبان شاگردان وی می پردازیم. آیت الله بروجردی (علیه السلام) نگاه کلامی به وحدت نداشت تا به وحدت مذهبی منجر بشود بلکه مراد ایشان نگاه فقهی و حقوقی است. استاد شهید مطهری دیدگاه آیت الله بروجردی را چنین بیان می کند: «طراحان فکر عالی اتحاد اسلامی که در عصر ما مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در شیعه و علامه شیخ عبدالمجید سلیم و علامه شیخ محمد شلتوک در اهل سنت در رأس آن قرار داشتند، معتقد بودند که فرقه های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام و فقه و غیره با هم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آنها هست می توانند در مقابل دشمنان اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی را تشکیل بدهند. این بزرگان هرگز در صدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی که هیچ گاه عملی نیست نبودند.» (مطهری، امامت و رهبری، ص ۱۶-۱۸).

نگاه فقهی و حقوقی به وحدت، اقتضائاتی دارد، از جمله بیان آزادانه اعتقادات مذاهب، که استاد شهید مطهری از نگاه آیت الله بروجردی چنین توضیح می دهد: «به هر حال طرفداری از تز «اتحاد اسلامی» ایجاب نمی کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود؛ آنچه نباید صورت گیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه های مخالف را برمی انگیزد، اما بحث علمی سر و کارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات.

خوشبختانه در عصر ما محققان بسیاری در شیعه پیدا شده اند که از همین روش پسندیده پیروی می کنند. در رأس همه آنها علامه جلیل آیت الله شرف الدین عاملی و علامه کبیر آیت الله شیخ محمد حسین کاشف و آیت الله شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب شریف الغدير را می توان نام برد.» (پیشین، ص ۱۸).

### مسئله‌شناسی تقریب از نگاه علامه امینی رحمته‌الله صاحب «الغدیر»

علامه امینی در مقدمه جلد پنجم با عنوان «نظریه کریمه» به مناسبت تقدیرنامه‌ای که از مصر درباره «الغدیر» رسیده است نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن بیان می‌کند. وی می‌گوید:

«عقاید و آرا درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» بدان تصریح کرده پاره نمی‌کند، هر چند کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به اوج خود برسد. سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است.» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۸).

«ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خدا است. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکم‌فرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است. ما مؤلفان اسلامی همه در زیر پرچم حق زندگی می‌کنیم و تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می‌نماییم. پیام همه ما این است که «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و شعار ما هم «لا اله الا الله و محمد رسول الله» است. آری، ما حزب خدا و حامیان او هستیم.» (پیشین، ص ۲۸-۲۹).

شهید مطهری دیدگاه علامه امینی در مسئله‌شناسی تقریب را چنین توضیح می‌دهد:

«اکنون نوبت آن است که ببینیم علامه بزرگوار آیت‌الله امینی مؤلف جلیل‌القدر الغدیر از کدام دسته است و چگونه می‌اندیشیده است؛ آیا ایشان وحدت و اتحاد مسلمین را تنها در دایره تشیع قابل قبول می‌دانسته‌اند یا دایره اخوت اسلامی را وسیع‌تر می‌دانسته و معتقد بودند اسلام که با اقرار و اذعان به شهادتین محقق می‌شود، خواه و ناخواه حقوقی را به عنوان حق مسلمان بر مسلمان ایجاد می‌کند. وصله اخوت و برادری که در قرآن به آن تصریح شده، میان همه مسلمین محفوظ است. علامه امینی طرفدار وحدت اسلامی هستند و با نظری وسیع و روشن‌بینانه بدان می‌نگرند. معظم‌له در فرصت‌های مختلف در مجلدات الغدیر این مسئله را طرح کرده‌اند.» (پیشین).

### مسئله‌شناسی تقریب از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله

شهید مطهری مسئله تقریب را یک مسئله فقهی و حقوقی و عبارت از حسن همکاری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی، عدم تکفیر دیگران به خاطر داشتن عقاید کلامی مخالف هم و تسامح با اهل مذاهب دیگر می‌داند. وی می‌گوید:

وسعت نظر و سعه مشرب، چه در آن‌چه مربوط به غیر مسلمان است که یکی از علل تشکیل تمدن اسلامی تسامح با اهل مذاهب دیگر است و چه از نظر خود مسلمانان و اختلاف عقاید و سلاطین که امروز به عکس نوعی تنگ‌نظری عجیب حکم‌فرماست که همه، همه را تخطئه و تکفیر و

تفسیق می‌کنند رحمت خدا را محدود می‌کنند، هی قید و شرط بر اسلام می‌افزاید. اسلام می‌گوید: «لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا».

تفکرهای محدود که منجر به تخطئه‌ها و تکفیرها و تفسیق‌ها می‌شود بزرگ‌ترین اثرش تفرق و تشتت نیروهاست. خوارچ که در کتاب جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام درباره‌شان بحث کرده‌ایم مظهر و نمونه کامل این محدودیت فکری هستند.» (مطهری، یادداشت‌ها، ج ۱، ص ۱۵۵).

شهید مطهری به مسئله‌شناسی وحدت اسلامی توجه و اهتمام خاص داشت و به طور مکرر در نوشته‌های خویش آن را توضیح می‌داد تا از تز وحدت اسلامی سوء برداشت نشود. ایشان می‌گوید:

«مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است: از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شوند؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا این که وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است؟

مخالفین اتحاد مسلمین برای این که از وحدت اسلامی مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد.

بدیهی است که منظور علمای روشن‌فکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها - که نه معقول و نه منطقی است و نه مطلوب و عملی - نیست. منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

این دانشمندان می‌گویند: مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌توان مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند، مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند، کودکان خود را تربیت می‌کنند و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند، خصوصاً این که در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن

برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به هم مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نکنند؟

از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی بنمایند. هم‌چنان‌که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی‌مابین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی از این نظر ایجاب می‌کند، این است که مسلمین - برای این که احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود و یا شعله‌ور نگردد - متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت - لا اقل - حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»

برای برخی این تصور پیش آمده که مذهب‌هایی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی، می‌توانند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار گیرند. اما مذهب‌هایی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی مجموعه‌ای به هم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است، آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است. علی‌هذا آن‌جا که مثلاً امامت آسیب می‌پذیرد و قربانی می‌شود، از نظر معتقدین به این اصول، موضوع وحدت و اخوت منتفی است و به همین دلیل شیعه و سنی به هیچ وجه نمی‌توانند دست یکدیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در یک جبهه قرار گیرند. دشمن هر که باشد». (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۶-۲۵).

نظریه وحدت اسلامی و تقریب بین پیروان مذاهب اسلامی به مقام تعامل و تعایش سلمی و هم‌زیستی پیروان مذاهب اسلامی ناظر بوده و بحثی فقهی و حقوقی است و مقام بحث، حقوق پیروان مذاهب اسلامی در جامعه اسلامی و نحوه تعامل آنها با یکدیگر است نه این که بحثی کلامی و به دنبال پاسخ‌گویی به این باشد که چه کسی مآجور و مصاب است.

شهید مطهری به کسانی که به تقریب نگاه کلامی داشته و لوازم آن را مطرح می‌نمایند و معتقدند نظریه وحدت اسلامی ملازم با دست کشیدن از پاره‌ای اعتقادات است چنین پاسخ می‌دهد: «مفهوم اتحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علما و فضلالی مؤمن و روشن فکر اسلامی مطرح است این نیست که فرقه‌های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی از اصول اعتقادی و غیراعتقادی خود صرف‌نظر کنند و به اصطلاح مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را کنار بگذارند، چون این کار نه منطقی است و نه عملی.

چگونه ممکن است از پیرو یک مذهب تقاضا کرد که به خاطر مصلحت حفظ وحدت اسلامی و مسلمین از فلان اصل اعتقادی یا عملی خود که به هر حال به نظر خود آن را جزء متن اسلام می‌داند صرف‌نظر کند؟ در حکم این است که از او بخواهیم به نام اسلام از جزئی از اسلام چشم‌پوشد». (مطهری، امامت و رهبری، ص ۱۶-۱۵).

### مسئله‌شناسی تقریب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی در بیانات مختلف خویش مراد از وحدت اسلامی را هم‌بستگی صفوف مسلمین در مقابل دشمنان و تساوی آنها در بهره‌مندی از حقوق شهروندی معرفی می‌نماید. ایشان می‌گوید:

«برادرهای سنی ما مثل ما هستند، با ما هیچ فرقی ندارند در حقوق، حقوق همه آنها داده خواهد شد. شرکت کنند آنها هم در آنچه سرنوشت آنها را تعیین می‌کند، به حرف اشخاص که بین آنها می‌خواهند تفرقه بیندازند، می‌خواهند به اسم سنی و شیعه بودن بین ما برادرها را جدایی بیندازد و منافع ما را به جیب دیگران بکشد، به حرف اینها اعتنا نکنید، فردا همه شیعه و سنی و اقلیت‌های مذهبی، همه بیایند رأی بدهند و کشور خودشان را از این گرفتاری و آشفتگی رهایی بخشند. همه اقشار ملت با ملت شریک هستند در حقوق و حقوق همه به آنها داده خواهد شد. اقلیت‌های مذهبی در اسلام، احترام دارند، حقوق دارند، باید حقوق آنها را داد، در عمل به مذهب، به مذهب خودشان در رأی دادن برای وکلای خودشان آزادند، همه اقشار آزاد هستند و این معنا که بین شماها پخش می‌کنند که روحانیون می‌خواهند حق شما را نگذارند به شما برسد، بدانند که این خیانتی است که اینها می‌کنند به ملت ما، روحانیون در رأس آنها هستند که حقوق را، حقوق شماها را محترم می‌شمارند، روحانیون تابع قرآن و اسلام هستند». (امام خمینی، ج ۵، ص ۲۱۹).

امام خمینی اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی را از سیاست‌های دشمنان ناشی دانسته و می‌گوید: «عوامل اجانب که منافع خود و اربابانشان را در خطر می‌بینند برای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادرکشی، قضیه شیعه و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، همه برادران شیعه و سنی در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران است و برادران کرد باید این تبلیغات غیر اسلامی را در نطفه خفه کنند». (پیشین، ج ۸، ص ۲۵۷).

ایشان می‌فرماید: «من مکرر اعلام کرده‌ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست، تمام مسلمین، چه اهل سنت و چه شیعی برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند». (پیشین، ص ۲۸۴).



«همان‌طور که شما چهار مذهبی که در اهل تسنن هست، چطور آن مذهب با آن مذهب دو تاست لکن برادر هم هستند، دشمن نیستند. این هم یک مذهب خامسی است که دشمنی در کار نیست، همه برادری، همه مسلمان، همه اهل قرآن، همه تابع رسول اکرم ﷺ». (پیشین، ج ۹، ص ۴۳).

امام خمینی رحمته الله علیه نگاه کلامی به وحدت اسلامی و طرح آن را به نفع امت اسلامی نمی‌داند و پیشینه تاریخی اختلاف‌اندازی را چنین بیان می‌کند:

«مسئله اختلاف بین پیروان دو طایفه و دو مذهب، ریشه‌اش از صدر اسلام است، در آن وقت خلفای اموی و خصوصاً عباسی در صدد بودند که اختلاف ایجاد کنند، مجالس درست می‌کردند و (به اختلاف) دامن می‌زدند. این اختلاف کم‌کم اسباب این شد که در بین عوام از اهل سنت و عوام از اهل شیعه این تنافس پیدا شد و گرنه، نه عوام اهل سنت به سنت رسول‌الله عمل کرده و می‌کنند و نه عوام اهل شیعه پیروی از ائمه اطهار کرده‌اند. ائمه اطهار ما کوشش کردند تا اینها را داخل در جمعیت کنند، با آنها نماز بخوانند، به تشییع جنازه‌های آنها بروند. زمان کم‌کم آمد به این طرف و قدرتمندان این کار را کردند برای این که این دو طایفه با هم سرگرم باشند و خودشان هر کاری می‌خواهند بکنند». (پیشین، ج ۶، ص ۹۴).

امام خمینی اصرار دارد از طرح مسائل اختلاف‌انگیز که باعث جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی می‌شود جلوگیری نماید: «امروز روز این بحث‌ها نیست و دنبال کردن این حرف که چه کسی بد است و چه کسی خوب است خلاف اسلام است و خلاف مصالح اسلامی. این جزء نقشه‌ای از خارج است که نگذارند این مملکت آرام گیرد، نگذارند شما یک مملکت اسلامی درست کنید. این نقشه‌ای است که از خارج اشخاص شیطان الهام می‌کنند به اشخاص متدین و آنها هم بی‌توجه دنبال می‌کنند و شما مردم را آماده کنید که امروز روزی نیست که ما مساجدمان را صرف این بکنیم که زید بهتر است یا عمرو، مسیرتان، کارتان، منبرتان و بازارتان همه دنبال این باشد. الآن باید همه روی این جمع شویم که این قانون اساسی درست از کار در بیاید و اشخاصی را که تهیه می‌کنید برای بررسی قانون اساسی اشخاص صحیح باشند، مسلمان و متدین باشند، شرقی و غربی نباشند، امین باشند.

امروز وقتتان را صرف این بکنید، صرف این که زید خوب است یا نیست، نکنید، خوب باشد پیش خدا خوب است، بد باشد پیش خدا بد است به شما چه کار؟ این مگر یکی از ارکان اسلام است که زید خوب است یا عمرو؟ امروز سر ولایت حضرت امیر هم نباید دعوا کرد، امروز باید با هم مجتمع شوید و جمهوری اسلامی را به آخر برسانیم.» (پیشین، ص ۳۷۶).

امام رحمته الله علیه در تبیین مسئله‌شناسی وحدت اسلامی که یک مسئله فقهی و حقوقی است نه یک مسئله کلامی، می‌گوید:

«یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و یک دسته حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند. اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود، در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید مطرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند. اینها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و سایر فرق.» (پیشین، ج ۱۳، ص ۵۴).

«ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان‌ها بشود بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه یا سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم. اقلیت‌های مذهبی هم خاطر جمع باشند که ما اطمینان می‌دهیم به آنها که در این مملکت زندگی عادلانه و مرفه‌ی خواهند داشت و مورد پشتیبانی ما هستند. اسلام از اهل ذمه پشتیبانی می‌کند. اگر کسانی چیز دیگری می‌گویند برای تفرقه انداختن است.» (پیشین، ج ۶، ص ۱۳۳).

«ما با برادران اسلامی اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم و ما به برادران خود اطمینان می‌دهیم که تمام اقشار کشور - چه اهل سنت و چه شیعه - به حقوق خود خواهند رسید و هیچ فرقی بین طوایف مسلمین در حقوق سیاسی و اجتماعی و غیر آن نیست.» (پیشین، ص ۴۳۰).

### مسئله‌شناسی تقریب از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

یکی از مشکلات اساسی در طرح تز وحدت اسلامی، که قبلاً نیز به آن اشاره شد، خلط مسئله‌شناسی وحدت اسلامی است؛ بعضی‌ها به قضیه، نگاه کلامی دارند و تصورشان این است که طرفداران وحدت اسلامی، برای رسیدن به وحدت اسلامی، از مسائل اختلافی اعتقادی کوتاه می‌آیند و به اصطلاح عقیده را فدای مصلحت وحدت می‌نمایند و در نتیجه اینها وحدت را در تضاد با حفظ اصالت‌های اعتقادی می‌پندارند و از این رو معتقد می‌شوند که وحدت و تقریب بین اتباع مذاهب ممکن نیست؛ به بیان دیگر، با نگاه کلامی نتیجه فقهی می‌گیرند.

از طرفی، بعضی‌ها با نگاه فقهی و حقوقی به وحدت نتیجه کلامی می‌گیرند؛ به این معنا که معتقد می‌شوند مذاهب قرائت‌هایی از اسلام است و اسلام جوهر اصلی است و مذاهب، اجتهادات و قرائت‌هایی از اسلام و به یک معنا می‌باشد. آنها تکثر مذهبی را به معنای حقانیت آنها پذیرفته‌اند.

مقام معظم رهبری با دید دقیق و ژرف‌اندیشی خاص، این موضوع را کالبدشکافی نموده و می‌گوید:

«مراد از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است، میدان بحث فقهی است، میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد.

مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است؛ ولاتنازعا فتفشلوا، تنازع نباشد، اختلاف نباشد، قرآن می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، اعتصام به حبل‌الله برای هر مسلمان یک وظیفه است، اما قرآن اکتفا نمی‌کند به این که ما را به اعتصام به حبل‌الله امر کند بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل‌الله را در هیئت اجتماع بدهید جمیعاً، همه با هم اعتصام کنید و این اجتماع و این اتحاد یک واجب است». (دیدار با شرکت کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی، مورخ ۸۵/۵/۳۰).

بعضی‌ها برای رسیدن به وحدت اسلامی، نفی مذاهب را پیشنهاد می‌کنند؛ با این بیان که در زمان رسول خدا ﷺ و دوران صحابه، اسم و رسمی از مذاهب فعلی نبود پس باید به دوران سلف برگشت و ملاک ما باید دوران پیامبر و صحابه (سلف) باشد. مقام معظم رهبری به این اندیشه چنین پاسخ می‌دهد:

«مقصود این نیست که مذاهب، در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می‌کنند. نفی مذاهب مشکلی را حل نمی‌کند، اثبات مذاهب، مشکلات را حل می‌کند. همین مذهبی که هستند هر کدام در منطقه خودشان، امور معمولی خودشان را انجام می‌دهند اما روابطشان را با یک‌دیگر حسنه کنند.» (دیدار با میهمانان کنفرانس اسلامی، مورخ ۷۶/۵/۱).

ایشان در بیان مراد از وحدت می‌گوید:

«اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند یعنی شیعه، شیعه بماند، سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟ ما چنین چیزی نگفته‌ایم. هر کس خواست شیعه بشود از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند، ما نمی‌گوییم شما مذهب را عوض کن، ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند هم‌چنان که بحمدالله در دوران انقلاب اسلامی در کشور ما مشاهده شد. نگذارید دشمن از اختلافات اینها سوء استفاده کند، برگزاری هفته وحدت برای این است.» (پیشین).

ایشان در فرازی دیگر می‌گوید:

«وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری بکنند نه این که شیعه سنی و سنی شیعه بشود بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید.» (دیدار با گروهی از آزادگان، مورخ ۶۹/۷/۱۱).

### نتیجه‌گیری

مسئله‌شناسی وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب گام اساسی در تبیین صحیح‌ترین تقریب مذاهب اسلامی است.

نپرداختن صحیح به مسئله‌شناسی وحدت اسلامی و بیان نکردن شفاف و دقیق مسئله باعث گردید جمعی از بزرگان و رهبران دینی که دغدغه حراست از باورهای مذهبی خویش را دارند، با دیده شک و حیرت به مقوله وحدت بنگرند و آن را حرکتی در راستای تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی ارزیابی کنند.

مرحوم آیت‌الله بروجردی معتقد بود: طرفداری از تز «اتحاد اسلامی» ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود، آنچه نباید صورت گیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه‌های مخالف را برمی‌انگیزد، اما بحث علمی سر و کارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات.

شهید مطهری معتقد است: «وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است.

هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند، هم‌چنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی‌مابین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظر ایجاب می‌کند این است که مسلمین برای این که احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله‌ور نگردد متانت را حفظ کنند، یک‌دیگر را سب و شتم ننمایند، به یک‌دیگر تهمت نزنند و دروغ نیندند، منطق یک‌دیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یک‌دیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند».

امام خمینی و مقام معظم رهبری نیز وحدت اسلامی را در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی تعریف می‌نمایند.

وحدت اسلامی، اتحاد، انسجام، و تقریب بین مذاهب، مسئله‌ای فقهی و حقوقی بوده و به روابط پیروان مذاهب اسلامی ناظر است.

طرح و اندیشه وحدت، مسئله فقهی و حقوقی است و روش بحث آن نیز روش فقهی و حقوقی است و به کار گرفتن روش‌های کلامی در آن از خطاهای فاحش و راهبردی است. یکی از خطاهای راهبردی در موضوع وحدت، به‌کارگیری روش کلامی و نتیجه‌گیری فقهی است که نتیجه آن عدم اعتقاد به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی و حکم به تکفیر دادن و مشرک و مه‌دورالدم دانستن طرف مقابل و سلب حقوق اجتماعی و سیاسی از اوست. همچنین از روش فقهی نتیجه کلامی گرفتن از دیگر خطاهای راهبردی در مسئله است. آثار روش فقهی که همان حیات دنیوی است با آثار روش کلامی که حیات اخروی است تلازمی ندارد. در مسئله فقهی و حقوق اسلامی، بحث از تکلیف و وظفه ما در تعامل با پیروان مذاهب اسلامی است، اما در مسئله کلامی، بحث از حق و باطل و سعادت اخروی است. بعضی‌ها می‌خواهند از روش فقهی و حقوقی نتیجه بگیرند که اسلام جوهر اصیل، و مذاهب، اجتهادات امامان مذاهب و قرائت‌هایی از دین است. البته اگر مراد، مجزی بودن مذاهب در نحوه تعامل و قبول آنها در تعامل باشد مسئله و جواب آن فقهی و صحیح است، اما اگر مراد، حق بودن همه مذاهب باشد، این امر، نتیجه‌گیری کلامی از یک مبحث فقهی است که خطا بوده و اصول اعتقادی و کلامی شیعه چنین برداشتی را تجویز نمی‌نماید.

### منابع و مأخذ

۱. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۳، ۹، ۸، ۵.
۲. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری.
۳. \_\_\_\_\_، مجموعه آثار، ج ۲۵.
۴. \_\_\_\_\_، یادداشت‌ها، ج ۱.



## جریان‌های روشن‌فکرانه گروه‌های مسلمان اندونزی

دکتر سید میرصالح حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

اندونزی در جنوب شرقی آسیا کشوری مسلمان‌نشین است. این کشور به صورت مجمع‌الجزایری است که در امتداد هم پراکنده شده‌اند. مسلمانان این کشور شافعی مذهب‌اند و جهت‌رهایی از ظلم استعمارگران به سمت تشکیل نظام سیاسی جدیدی روی آوردند. اندونزی در سال ۱۹۴۵ میلادی به استقلال رسید و رهبران انقلابی این جزایر جریان‌های فکری زیادی را تجربه کردند.

در این نوشتار به تیپولوژی جریان‌های روشن‌فکری به وجود آمده در ابعاد مختلف برای گروه‌های مسلمان اندونزی، اشاره نموده و به جریان‌شناسی آن با مدل توصیفی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: اندونزی، استعمار، جریان‌شناسی، تیپولوژی جریان‌ات روشن‌فکری.

اندونزی از چندین هزار جزیره (جاویدفر، بی‌تا، ص ۴۹) کوچک و بزرگ با وسعت تقریبی ۱/۹۵۷/۵۶۸ کیلومتر در جنوب شرقی آسیا واقع شده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶؛ کاست بید و تامن، ۱۳۴۰، ص ۳۶۸ و یآوری، ۱۳۷۲، ص ۴۰). این کشور در تالاقی دو اقیانوس هند و آرام قرار گرفته و سواحل شمالی آن روبه‌روی تنگه مالاکا و دریای چین جنوبی می‌باشد. پایتخت اندونزی شهر جاکارتا است و سابقه تشکیل این شهر به قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی باز می‌گردد. (مظفری، ۱۳۷۲، ص ۶). وسعت این کشور بیشتر از نصف قاره اروپا و نیز بیشتر از مجموع کشورهای اسلامی مصر، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و اردن است. (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۳۴۷).

اندونزی دارای آب و هوای استوایی (حاره‌ای) دریایی و نیز دو فصل خشک و بارانی است. از مشخصات آن گرمای فراوان، باران زیاد، رطوبت دائمی و بادهای ملایم است و اختلاف فصل‌های آن از بیش از ۲ درجه تجاوز نمی‌کند. (پیشین، ص ۳۴۹). این کشور دارای رشته‌کوه‌ها و قله‌های

۱- عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

مرتفع بسیاری است که در بین آنها حدود چهارصد آتشفشان وجود دارد که یک چهارم آنها فعال است. فوران‌های آتشفشان هر چند یک‌بار مشکلاتی را برای ساکنین مجاور این کوه‌ها به وجود می‌آورد. (مظفری، پیشین، ص ۱۰). اندونزی به لحاظ قومی و نژادی، جامعه‌ای بسیار متنوع و متکثر بوده و فاقد یک گروه نژادی همگون است. با وجود این، بیشتر مردم از نژاد ملایو هستند.

دین رسمی مردم اندونزی اسلام است. سرشماری‌های دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که حدود ۹۴٪ جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند<sup>۱</sup> هم‌چنین ۵٪ جمعیت شامل مسیحیان و ۱٪ باقیمانده شامل ادیان دیگر می‌شود. مسلمانان اندونزی عمدتاً سنی و پیرو فرقه شافعی هستند ولی اسلام در این کشور به دو قسمت مشخص تقسیم شده است: یکی اسلامی که مسلمانان سانتری یا متعصب و مؤمن به آن معتقدند و دیگری اسلامی که مسلمانان آبانگان یا صوری و اسمی مدعی آن هستند.

سانتری‌ها به لحاظ اعتقاد شدید به ارکان پنج‌گانه اسلام و شریعت از دیگران ممتازند، در حالی که مسلمانان آبانگان طرفدار آمیزه‌ای از آئین‌ها، شعایر و مراسم روح‌گرایانه هندو و اسلامی به شمار می‌آیند. (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۳۵۵).

در سنت تاریخی اندونزی، مذهب و دین با زندگی سیاسی و اجتماعی مردم آمیخته شده است و نمونه‌های آن ایالات هندونشین مثل «سری وی جابا» (sriwidjaya) و ماچاپاهیت (madjapahit) (ماچاپاهیت دارای یک امپراطوری در جاوه بوده است؛ ر.ک: برنارد ولک، ۱۳۷۴، ص ۹۵) است که حکومت آنان مذهبی بوده است. ابن بطوطه در سال ۱۳۴۵ میلادی از سامودرا عبور کرده و حاکم آن را پیرو مکتب فقهی شافعی معرفی می‌کند. (موحد، ص ۲۷۷).

اما اندونزی در دوران معاصر به گونه‌ای نیست که دین در حیات سیاسی آن آمیخته شده باشد بلکه اسلام تنها به ابعاد فردی و عبادی آن محدود شده است. دلیل آن این است که قانون اساسی آن در سال ۱۹۵۹ بر پایه پنج اصل<sup>۲</sup> اساسی «پانچاسیلا» (مظفری، پیشین، ص ۵۰) تنظیم شده است.

۱- مطابق آمار سال ۱۹۸۸، این رقم ۸۸٪ با جمعیت کل ۱۷۷/۴ میلیون نفر است؛ ر.ک: شیخی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۹.

۲- این اصول پنج‌گانه، شامل اعتقاد به خدای واحد، انسانیت، وحدت ملی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است که نوعی توهین به مسلمانان تلقی می‌شود. همان‌گونه که سوکارنو گفته بود مراد آنان از اعتقاد به خدای واحد این بود که نه تنها مردم اندونزی باید به خدا معتقد باشند بلکه هر فرد اندونزیایی می‌بایست به خدای خویش اعتقاد داشته باشد. باید مسیحیان خدا را بر اساس تعالیم عیسی مسیح و مسلمانان طبق آموزش‌های پیامبر خود و بودائی‌ان نیز مراسم مذهبی خود را مطابق با کتابشان برگزار کنند.

اندونزی به دنبال پیروی از الگوی جداسازی کلیسا از سیاست در غرب جامعه‌ای را شکل داده است که دارای حیات سیاسی غیرمذهبی است.

البته عده‌ای طرفدار حکومت اسلامی هستند و تلفیق اسلام با سیاست را دنبال می‌کنند و چنین استدلال می‌نمایند که این دین دارای یک ویژگی اساسی است که نمی‌گذارد جامعه اسلامی به جامعه تئوکرات بدل شود، زیرا در اسلام رهبانیت وجود ندارد و جامعه اسلامی جامعه‌ای است که به تحقق یافتن تعالیم اساسی اسلام به خاطر نفع کل جامعه توجه دارد. اما همین طرفداران در باب روش‌های پیاده کردن مفاهیم عقیدتی نظرات مختلفی دارند؛ برخی معتقدند برای پیاده کردن تعالیم اساسی لازم است ابتدا انسان قدرت را به دست گیرد و برخی دیگر عقیده دارند باید به گسترش تعالیم اسلام و تشدید احساسات مذهبی افراد در داخل جامعه تقدم داد.

آن‌چه در حال حاضر جریان دارد این است که آزادی فردی را به رسمیت می‌شناسند و سؤال‌های مربوط به مذهب را به وجدان خود فرد واگذار می‌کنند و احزاب اسلامی اندونزی نظریه صلح‌آمیز و دموکراتیک را ترجیح می‌دهند. (نوئر، ۱۳۷۰، ص ۱۶).

با توجه به این زمینه، می‌توان گفت اندونزی دارای جریان‌های فکری زیادی بوده است که می‌توان موارد ذیل را تا دوران سوکارنو نام برد:

### ۱- تجددخواهی

از اواخر قرن ۱۹ حکومت گسترده هلندی‌ها و ادغام شدن در سیستم اقتصادی دنیای غرب، استقرار روش‌های دیوان‌سالاری غربی، ترویج تفکر جدید و عقایدی مثل ناسیونالیسم و مفهوم دولت سکولار و انتشار و تبلیغ مسیحیت و پیدایش تحصیل‌کردگان جدید، به شکل‌گیری جریان تجدد متأثر از فرهنگ غرب و تمدن غربی در اندونزی منجر شد. (موتقی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱).

در میان تجددخواهان به ویژه از کمونیست‌ها باید نام برد که در اثر رکود تجارت در سال ۱۹۲۰م نهضتی زیرزمینی به راه انداختند و قیام سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ را شکل دادند. (پیشین، ص ۳۴۲). هر چند این قیام‌ها سرکوب شد، ولی باز در دوران استقلال فعال گردید و بار دیگر به شکست انجامید.

### ۲- ملی‌گرایی

دسته دیگر از متجددان<sup>۱</sup> و روشن‌فکران تحصیل‌کرده اروپا تحت تأثیر تعلیم و تربیت جدید اروپایی و تفکر مبتنی بر دموکراسی سیاسی و اجتماعی و انقلاب‌های آمریکا، اروپا و فرانسه، عقاید

۱- جهت مطالعه بیشتر ر.ک: مارسل بوزار (ترجمه. د. م. ی)، ص ۴۸.

دینی خود را کنار گذاشته و الگوهای غربی را برای جوامع عقب‌مانده خود خواستار بودند. عده‌ای از اینان به تدریج از سال ۱۹۳۰م به دلیل عملکردهای خشن و غیرانسانی استعمارگران هلندی و پس از آن که ژاپن در طی جنگ جهانی دوم اندونزی را اشغال کرد (نوثر، پیشین، ص ۳۷) وارد جهت‌گیری‌های ملی و میهنی شدند و همراه با ناسیونالیست‌ها به رهبری افرادی همانند سوکارنو و محمد حتی در پیوند با گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی و جریان اصلاح‌طلبی دینی برای استقلال کشور تلاش کردند.

جامعه اندونزی از عقب‌ماندگی و فقر رنج می‌برد تا این که مردم با تکیه بر اسلام و هویت فرهنگی و دینی خود به وحدت رسیده و اسلام عامل نجات آنان از عقب‌ماندگی و اصلاح اجتماعی شد. مردم با بازخیزی مجدد، جنبش‌هایی را جهت حل مشکلات خود به وجود آوردند. هر چند اسلام در اندونزی با آداب و رسوم محلی اعم از هندویی و بودایی و صوفیانه آمیخته شد و گرچه در پاره‌ای از موارد به آداب مذهبی اعتنا نمی‌شد ولی مردم به طور عمیق به اسلام و باورهای دینی خود پای‌بند و مؤمن بودند. (مازندرانی، ۱۳۴۵، ص ۷۹).

### ۳- اصلاح‌طلبی دینی

با توجه به جریان اصلاح‌طلبی در جهان اسلام و جنبش‌های اصلاحی، جریان اصلاح‌طلبی دینی اندونزی نیز شکل گرفت و گروه‌های مختلفی مثل: متجددان، غرب‌گرایان، ناسیونالیست‌ها، کمونیست‌ها، اصلاح‌طلبان، بنیادگرایان، محافظه‌کاران و سنت‌گرایان در مقابل یا در کنار هم قرار گرفتند.

علاوه بر اینها، به دلیل ارتباط و آشنایی طلاب و روحانیون اندونزی با افکار اصلاح‌طلبان مسلمان<sup>۱</sup> در کشورهایی مانند مصر، هند و شمال آفریقا، جریان اصلاح دینی دست‌مایه اصلی بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی در این کشور بود و اهداف و نظریات اصلاحی شخصیت‌هایی مثل سید جمال، عبده، رشید رضا و حسن البنا (اسپوزیتو، جان، ال، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹) و دیگر

۱- افکار اصلاح‌طلبی اختلاف شدیدی میان گروه‌های اسلامی ایجاد نمود که بعدها به دخالت هلند انجامید. آنان پیروی از شریعت و تہذیب دینی را توسعه بخشیده و به انضباط در نماز و تحریم قمار و خروس‌بازی و اجتناب از مواد مخدر و مشروبات الکلی، دزدی و خشونت حکم می‌کردند. آنان هم‌چنین مردم را به شیوه زندگی اسلامی مطابق با تعالیم پیامبر ﷺ دعوت می‌کردند و اعمال روستائیان را خرافی دانسته و با آن مخالفت می‌کردند و حتی به شیوه مسلحانه متوسل شده تا مردم را به شریعت دعوت کنند؛ جهت مطالعه بیشتر ر.ک: لاپیدوس، ۱۳۸۱، ص ۶۲۰.

رهبران اخوان‌المسلمین مثل سید قطب و اقبال و رهبران جنبش سنوسی بر افکار و اهداف آنان حاکم بود. (مازندرانی، پیشین، ص ۸۰).

زوال و فروپاشی دولت عثمانی در برابر امپریالیسم اروپایی باعث ایجاد عکس‌العمل‌هایی اصلاح‌طلبانه در جهان اسلام در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم گردید. عامل برجسته این جنبش روشن‌فکری جمال‌الدین اسدآبادی بود که هم‌بستگی سراسری اسلامی و مقاومت در برابر امپریالیسم اروپایی را از طریق بازگشت به اسلام دارای ویژگی‌های علمی جدید تبلیغ می‌کرد. شاگرد و مرید او، محمد عبده مصری بر عقل‌گرایی ذاتی سنت اسلامی تأکید نمود تا توانمندی نوگرایانه آن را نشان دهد. این اساس و جوهره جنبش سلفیه تحت رهبری محمد عبده و شاگرد سوری او رشید رضا بود. پس از مرگ عبده در سال ۱۹۰۵، جنبش سلفیه به مدرنیزه کردن حقوق اسلامی بر اساس قرآن و سنت دست زد. با وجود این، سلفیه به صورت فزاینده‌ای شکل محافظه‌کارانه به خود گرفت.

در اواسط دهه ۱۹۳۰ فعال‌گرایی میانه‌روانه رشید رضا جای خود را به رادیکالیسم اخوان‌المسلمین تحت رهبری حسن‌البنّا داد و در آشفتگی سیاسی و تضاد اجتماعی، اقتصادی و امپریالیسم اروپایی، ظهور جریان‌های ضد اسلامی شدت گرفت (دکمجان، ۱۳۷۷، ص ۴۹). این نحوه اصلاح‌طلبی در اندونزی را می‌توان به اصلاح‌طلبی مسلمانان تعبیر کرد که با اصلاح‌طلبی اسلامی متفاوت است و در ادامه مطالب از آن به بنیادگرایی یاد می‌شود.

### ۴- سنت‌گرایی

با توجه به شیوع جریان اصلاح‌طلبی و تفکرات تجددگرایی عده‌ای دیگر از اندونزیایی‌ها که خواهان تغییرات اساسی در اندیشه دینی و مسایل سیاسی و اجتماعی بودند، به انتشار تفکرات خود در خصوص حفظ ارزش‌ها و اصالت‌های دینی اصیل که ناشی از برداشت‌های آنان از قرآن و حدیث و سایر منابع اسلامی بود، پرداختند. آنان با جدّیت به دنبال شریعت اسلامی بودند (لاپیدوس، پیشین، ص ۱۰۶۱ و هوکر، ۱۳۷۱، ص ۲۰۹) و به نفوذ اسلام در حکومت و تشکیل پارلمانی متشکل از مسلمانان اهمیت می‌دادند.

### ۵- بنیادگرایی

از جمله تفکرات موجود در اندونزی تا زمان سوکارنو که پیروانی را جذب نمود، اندیشه بنیادگرایی بود.

این تفکر از نظریه پردازان اسلام‌گرای معاصر سرچشمه گرفته که به قرآن و تفاسیر و مجموعه‌های احادیث گردآوری شده توسط نویسندگان قرن دوم و سوم اسلامی تکیه می‌کنند. این جریان تفکر اسلامی از منابع حدیثی از جمله کتاب‌های بخاری، مسلم بن حجاج، ابوداود، ترمذی، ابن‌ماجد و نسایی و از مشایخ و روحانیونی از قبیل ابویوسف الرشید و قاضی القضاة هارون الرشید و شاگرد ابوحنیفه و مالک بن انس بهره‌مند است. (دکمیجان، پیشین، ص ۷۶).

تفکر بنیادگرایی در مذهب اهل سنت به وسیله گروهی متفکر فعال مطرح شد که به دنبال تئوری و عمل سیاسی بودند. این گروه شامل احمد بن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ق)، ابن سلامه (م ۱۰۳۲)، ابن خرم (۴۵۶-۳۷۴ق)، قاضی موسی عیاض (م ۱۱۴۹)، ابن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ق)، ابن قیم (۷۵۱-۶۹۱ق)، ابن کثیر (م ۱۳۷۳) و محمد بن عبد الوهاب (م ۱۷۹۲) (پیشین، ص ۷۷) می‌باشد.

البته تفکر بنیادگرایی در اندونزی را در قالب‌های سلفی‌گری و اصلاح‌طلبی اسلامی افراطی می‌توان گنجانده که رفته‌رفته مردم اندونزی به علت تفکر سخت‌گیرانه آنان به سمت اصلاح‌طلبی اخوان‌المسلمین گرایش پیدا کردند.

از مجموع آن‌چه گفته شد این نتیجه به دست می‌آید که زمینه‌های فکری جنبش‌های اسلامی در اندونزی متفاوت است. تنها منبع مورد اطمینان عده‌ای تجددخواه، قرآن و احادیث است. آنها با تمام اندیشه‌های دیگر مخالف‌اند. عده‌ای دیگر، از اصلاح‌طلبی دینی حمایت می‌کنند که به دنبال اندیشه‌های رهبران اخوان‌المسلمین بوده و خواهان هم‌بستگی سراسری اسلامی و مقاومت در برابر امپریالیسم اروپایی از طریق بازگشت به اسلام هستند. عده‌ای دیگر مدعی سنت‌گرایی بوده و علاوه بر منبع قرآن و حدیث، به سایر منابع اسلامی نیز رجوع کرده و به توسعه اسلام می‌اندیشند. در نهایت نیز عده‌ای با تفکرات بنیادگرایانه که از اندیشه‌های ابن‌تیمیه و وهابیت است در صدد عملی کردن اسلام در تمام شئون فردی و اجتماعی‌اند.

اکنون مسلمانان برای تبیین بعد مذهبی و ایدئولوژیک جامعه اندونزی در تلاش بوده و سعی می‌کنند از طریق وزارت دین به اجرای سیاست‌های اسلامی بپردازند.

اما سیاست‌مداران مسلمان تمایل دارند اهداف عقیدتی را کنار بگذارند و همانند بسیاری از گروه‌های دیگر در یک نظام سیاسی کثرت‌گرا فعالیت کنند. اسلام برای این سیاست‌مداران که به کارهای تجاری نیز مشغول هستند، تنها یک عامل هویت محسوب می‌شود. از سوی دیگر، روشن-فکران نیز به دنبال جدا دانستن ارزش‌های دنیوی از معنوی بوده و شکل جدیدی از مدرنیسم اسلامی را دنبال می‌کنند.

از جمله جریان‌های فکری که به دنبال این نوع از نوگرایی است، گروه‌های دانشجویی هستند که با نام «انجمن دانشجویان اندونزی» (Indonesian Student's Association) مشهورند. آنان طبق منشور سال ۱۹۷۱م غیر مذهبی شدن جامعه و فردی بودن دین اسلام را پذیرفتند و سخنگوی اصلی این انجمن نورخالص مجید (Nurcholish Madjid) است. (لاپیدوس، پیشین، ص ۲۸۰).

وی در جریان روشن‌فکری دینی پا در رکاب سنت داشت و نمی‌خواست همه آن‌چه را که در گذشته بود، نفی کند؛ برخلاف سلفی‌ها که می‌گفتند به اصل برگردیم. از طرفی دیگر، وی نسبت به واقعیت‌های موجود جهان اسلام بسیار حساس بود، از این رو توانست یک اسلام لیبرال معتدل‌تر از اسلام افرادی مثل اولی‌البصیر - که ادامه‌دهندگان راه مجید بودند ولی افراطی‌تر عمل می‌کردند - طراحی کند. (در گفتگو با دکتر علمی‌استاد کالج اسلامی جاکارتای اندونزی).

نورخالص مجید از اثرگذارترین روشن‌فکران مردمی است که در دانشگاه شیکاگو شاگرد فضل‌الرحمان بود. در ایالات متحده چند تن از دانشجویان فضل‌الرحمان از جمله نورخالص مجید با پی‌گیری اندیشه‌های او کوشیدند زمینه‌های خاصی از مضامین اخلاقی - فقهی قرآن را دوباره تفسیر کنند. فضل‌الرحمان بیش از هرچیز خود را در قبال سنت اسلامی متعهد می‌دید و رسالت اصلی‌اش را تبیین این سنت برای مخاطبان گسترده مسلمان می‌دانست. (سعید، مهر ۱۳۸۵، ص ۷۲).

نورخالص مجید معتقد بود «امور دنیوی طبق قوانین الهی تنظیم نمی‌شود. قرآن از نظر متفکرانی با این روحیه، الهام‌بخش و برانگیزاننده رفتار است، ولی قوانین دقیقی برای نظم دادن به زندگی روزمره ارائه نمی‌کند.» (لاپیدوس، پیشین، ص ۲۸۰).

وی اسلام را به جای نظامی سیاسی و جمعی، مجموعه‌ای از اعتقادات فردی و شخصی به شمار آورده و بر همکاری با گروه‌های غیر اسلامی و غربی تأکید می‌کرد. سایر دانشجویان نیز بر همین عقیده بودند و بر نوعی از نوگرایی اسلامی با جهت‌گیری سکولاریستی تأکید می‌کردند. اما در سال ۱۹۸۱م رژیم نظامی سوهارتو موجب دگرگونی و ایجاد تغییرات در انجمن دانشجویان شد. این انجمن برای ابراز مخالفت خود با حاکمیت اقتدارگرا و ایدئولوژی پانچاسیلا، بار دیگر اسلام را هم به عنوان دین فردی و شخصی و هم به مثابه نظامی سیاسی و اجتماعی تلقی کرد. (پیشین، ص ۲۸۱).

جریان فکری نورخالص مجید که به گونه‌ای بر روشن‌فکری تأکید می‌کند، از حرکت‌های مهم و فعال اندونزی است که در صدد حذف کردن دین از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است و اگرچه تحولاتی در آن پیدا شده ولی این تحولات نسبت به جریان فکری محمدیه و نهضت‌العلماء کم‌رنگ‌تر است و در مواقعی مورد مخالفت گروه‌های سنت‌گرا و اصلاح‌طلب قرار می‌گیرد.

## ۶- لیبرالیسم

اسلام لیبرال از جمله حرکت‌هایی بود که عده‌ای در اندونزی به دنبال آن بودند. این جریان در چالش با گروه‌های مسلمان دیگر قرار داشت. عبدالرحمن وحید اولین رئیس‌جمهور اندونزی بعد از سوهارتو است که از گروه مسلمانان سنت‌گرا و جزء رهبران نهضت‌العلماء می‌باشد. وی از حامیان اسلام لیبرال در اندونزی است. چهره‌های دیگر که اخیراً از این نوع اندیشه حمایت می‌کنند «اولی‌الابصار» نام دارد که دیدگاه افراطی و تندی نسبت به قرآن مطرح می‌کند.

اولی‌الابصار تحصیل کرده آمریکا است و خیلی آزاد فکر می‌کند و موضوعات مختلف اسلامی را با تصرفاتی در فهم معانی قرآن مطرح می‌نماید؛ مثلاً اخوت اسلامی را به اخوت انسانی تعبیر کرده و گفته است که ما باید جامعه بین‌المللی و جهان وطنی درست کنیم. به هر حال این تفکر از جنبه رادیکالی فراتر رفته و به طرف لیبرالی سیر می‌کند. (در گفت‌وگو با دکتر علمی).

این نوع تفکر، با اندیشه گروه‌های مسلمان دیگر اندونزی تعارض زیادی دارد؛ مسلمانانی که بر فروع دین بسیار تأکید کرده و خواستار ابطال مقرراتی هستند که مانع ترویج اسلام می‌باشد و یا اصلاح‌طلبانی که مدعی هستند باید به اصل دین برگردیم و این برداشت‌های جدید را کنار بگذاریم زیرا این مسایل ما را از سنت سلف باز داشته است.

البته تفکر نورخالص مجید و دیگر روشن‌فکران در دانشگاه پارامدرینه اندونزی رواج داشته و بسیار فعال است. نکته ضعف آنان این است که روش و متد عقلانی ندارند و اگر کسی با آنان به صورت روشمند بحث کند، با دقت به سخنان او گوش فرا داده و در نقد آن عاجزند.

## منابع و مأخذ

۱. اسپوزیتو، جان، ال، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۲.
۲. برنارد، ولک، *تاریخ اندونزی*، ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبایی، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
۳. جاویدفر، جعفر، *دایرة‌المعارف جغرافیایی جهان*، جلد اول: آسیا، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، تهران، بی‌تا.

۱- جهت مطالعه بیشتر ر. ک: فوندر مهدن فردر، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶.

۴. دکمجان، هرایر، *اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب* (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۷.
۵. سعید، عبدالله، *فضل‌الرحمان و اندیشه‌های وی در باب فهم و تفسیر قرآن*، ترجمه مهرداد عباسی، فصل‌نامه مدرسه (فرهنگی، فلسفی)، سال دوم، شماره چهارم، مهر ۱۳۸۵.
۶. شیخی، محمدتقی، *جامعه‌شناسی جهان سوم*، انتشارات اشراقی، تهران، ۱۳۶۹.
۷. فوندر مهدن فردر، *دو دنیای اسلام، روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه*، ترجمه محمود اسماعیل‌نیا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران، ۱۳۷۸.
۸. کاست بید ترنتون و ریچارد تامن، *جغرافیای عمومی جهان، مناطق مهم جغرافیایی*، ترجمه ابوطالب صارمی، انتشارات فرانکین، تهران، ۱۳۴۰.
۹. لاپیدوس، ایرام، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۱، ۱۳۷۶.
۱۰. لاپیدوس، ایرام، *تاریخ جوامع اسلامی، قرون نوزدهم و بیستم*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۲، ۱۳۷۶.
۱۱. مارسل بوازار، *اسلام در جهان امروز*، ترجمه د. م. ی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰.
۱۲. مازندرانی، ع، وحید، *سرزمین هزاران جزیره جمهوری اندونزی*، انتشارات دهخدا، تهران، ۱۳۴۵.
۱۳. مظفری، محمدرضا، *اندونزی*، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۲.
۱۴. موثقی، سید احمد، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۸.
۱۵. موحد، محمدعلی، *سفرنامه ابن بطوطه*، انتشارات سپهر نقش، تهران، ج ۲، ۱۳۷۶.
۱۶. موسوی بجنوردی، کاظم، *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ج ۱۰، ۱۳۸۰.
۱۷. نوثر، دلیار، *نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی*، ترجمه ایرج رزاقی، محمد مهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.
۱۸. هوکر، ام. بی، *اسلام در جنوب شرقی آسیا*، ترجمه محمدمهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱.

۱۹. یآوری، فرامرز، شناسایی کشورهای آسیا، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۲.

20. Laoust Henri,(1979) Linfluence d Ibn Taymyya in Islam. Past Influence and Present challenge. Alford T. welch and Pierre cachia eds. (Edinburgh: Edinburgh university)

## نگارخانه

### نگاهی به اندیشه وحدت‌گرایی اقبال لاهوری در اشعار فارسی

بشیر احمد بت<sup>۱</sup>

#### چکیده

یکی از دغدغه‌های دیرینه متفکران اسلامی، از جمله اقبال لاهوری، اتحاد اسلامی بوده است. آثار ادبی اقبال لاهوری به دو زبان اردو و فارسی سرشار از پیام حیات‌بخش اتحاد اسلامی می‌باشد. در این مقاله سعی شده است معیار و ارکان اساسی اتحاد اسلامی که در اشعار فارسی وی درخشش خاصی پیدا کرده است، معرفی و تأثیر آن در اتحاد و انسجام امت اسلامی تبیین گردد. بنابراین ضمن پرداختن به ضرورت و قلمروی اتحاد، به محورهایی هم‌چون، توحید، نبوت، قرآن و کعبه مکرّمه نیز اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: توحید، نبوت، اتحاد، آئین، انسجام اسلامی.

#### مقدمه

اقبال لاهوری در سال ۱۸۷۷ میلادی در شهر سیالکوت (پاکستان فعلی) به دنیا آمد. عصری که اقبال در آن دیده به جهان گشود عصر سلطه استعمار جهانی بر کشورهای مختلف، به ویژه شبه قاره هند، بود؛ عصری که عالم اسلام به ویژه امپراطوری بزرگ اسلامی (به نام امپراطوری عثمانی) رو به افول بوده و آخرین مرحله حیات خویش را به سر می‌برد. اقبال مشاهده می‌کرد که چطور استعمار کهن پیکر امت مسلمان را پاره پاره می‌کند. وی در عصری به سر می‌برد که مسلمانان همه عظمت و کرامت خویش را از دست داده بودند. از بین رفتن عظمت و شوکت اسلام و مسلمین دردی بود که اقبال در پی درمان آن بود. دغدغه اساسی اقبال لاهوری بازگشت مسلمانان به اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وحدت فراگیر آنان بود. وی علاوه بر این که یک فیلسوف و متفکر اسلامی به شمار می‌رفت، یک شاعر متعهد تمام‌عیار مسلمان نیز بود؛ شاعری وحدت‌گرا و احیاگر که تمام تلاش و هم

۱- دانش‌پژوه سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه.



و غم و ناله‌های دردمندانه وی در قالب اشعار پیام‌رسان وحدت‌بخشی امت مسلمان به گوش جهان اسلام رسیده است. هم‌اکنون با گذشت بیش از نیم قرن از رحلت وی، اندیشه‌ها و شعرهایش پیام تازه‌ای برای نسل‌های تازه مسلمین دارد. وی تلاش می‌کرد شیرازه اتحاد از دست رفته امت مسلمان را از نو بسازد و مسلمین را به سوی مبانی اساسی و محورهای بنیادین وحدت اسلامی راهنمایی نماید. اقبال شعرهای متعدد و مثنوی‌های گوناگونی به دو زبان اردو و فارسی سروده است. در هر دو اثر ادبی وی وحدت مسلمین و انسجام امت اسلامی با جلوه‌های خاصی روشن گشته است تا آن‌جا که همه ابیات یکی از مهم‌ترین اثر فارسی وی با نام «مثنوی رموز بیخودی» بیانگر وحدت مسلمین می‌باشد و آنها را بر اساس مبانی اصلی اسلام به وحدت فرا می‌خواند.

در این نوشتار کوتاه سعی شده است شعرهای فارسی وی که حامل پیام اتحاد اسلامی و وحدت مسلمین است، مرور گردد تا تشنگان وحدت مسلمین از پیام زلال آن سیراب گردند.

### ضرورت وحدت

اقبال با الهام از آیات قرآن و سنت نبوی، وحدت مسلمین را امری ضروری و غیرقابل انکار می‌داند. به نظر وی بنیاد اصلی اسلام نیز بر پایه وحدت گذاشته شده است.

وی با توجه به آیه ۱۳ سوره حجرات معتقد است: «دعوت اسلام به امت است نه قبیله و گروه. و امت آن گروه انسانی مورد نظر است که اساس و پایه اتحاد آنها فقط اشتراک در ایمان و عقیده مشترک باشد. در اسلام تصور اتحاد انسانی بر اساس اشتراک ایمانی آنها است و همان‌طور که اختلاف نسل و رنگ و زبان را از بین می‌برد، آنان را از بند منطقه و وطن نیز آزاد می‌کند.» (جاوید اقبال، زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، ج ۱، ص ۱۹۱).

در کتاب «احیای فکر دینی» که یکی از ارزشمندترین اثر وی است، می‌گوید:

«تقسیم نوع بشر به نژادها و ملت‌ها و قبیله‌ها، بنا بر گفته قرآن، تنها برای شناختن و شناخته شدن است.» (محمد اقبال، احیای فکر دینی در اسلام، ص ۱۰۹).

وی حدیثی نیز از پیامبر اسلام ﷺ نقل می‌کند و از آن برای اتحاد مسلمانان بر پایه اسلام استشهاد می‌نماید و همه امتیازهای قومی، بومی و نسلی را رد نموده و معیار یک ملت و امت بودن را تنها مسلمان بودن می‌داند.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «امروز من تمام امتیازهای نژادی، رنگی، برادری را زیر پا می‌گذارم. شما همه مسلمان‌اید و همین نام برای شما کافی است.»

از نظر وی ضرورت وحدت بین مسلمانان از این جهت نیز اهمیت دارد چون به تنهایی و جدای از ملت نمی‌توان به اهداف والا دست یافت و از شر شیاطین جن و انس و قدرت‌های استعماری و

استکباری در امان ماند و از این رو رابطه فرد و قوم را با یک‌دیگر امری ضروری و جدایی‌ناپذیر می‌داند که تنها به صورت وحدت می‌تواند به عرصه عملی برسد.

تا توانی با جماعت یار باش	رونق هماغامه احرار باش
حرز جان کن گفته‌ای خیرالبشر	هست شیطان از جماعت دورتر
فرد و قوم آئینه یک‌دیگرند	مسلک و گوهر کهکشان و اخترند
فرد می‌گیرد ز ملت احترام	ملت از افراد یابد نظام
فرد تا اندر جماعت گم می‌شود	قطره وسعت طلب قلزم شود

(کلیات اقبال، ص ۵۲؛ با اهتمام، پروین قائمی، تهران، پیمان، ۱۳۸۲)

وی تأکید می‌کند که یک ملت و قوم باید یک اندیشه و وحدت عمل داشته باشد.

قوم را اندیشه‌ها باید یکی	در ضمیرش مدعا باید یکی
جذبه باید در سرشت او یکی	هم عیار خوب و زشت او یکی

(همان، ص ۵۶)

### قلمروی وحدت

باور اقبال این است که اسلام به خاطر دفع امتیازهای نسلی، قومی و نژادی، از مذاهب دیگر موفق‌تر است. وی می‌گوید:

«در نظر من اسلام یکی از عوامل پاک‌کننده امتیازهای دست و پاگیر نسلی و قومی و نژادی می‌باشد که برای فراتر رفتن بشر از مرزهای جغرافیایی و مراحل اولیه ارتقای انسانی، بهترین وسیله عملی را دارد. بدین جهت، از دیگر مذاهب همانند مسیحیت، بودایی و غیره موفق‌تر می‌نماید.» (فیض الدین هاشمی، نامه‌های اقبال، ص ۱۶۵؛ زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، ج ۱، ص ۴۱۱).

و نیز می‌گوید:

«اسلام وابستگی به سرزمین و کشور خاص ندارد و هدف آن این است که نمونه‌ای برای سازمان نهایی بشریت فراهم آورد و این از آن طریق صورت می‌گیرد که مؤمنان را که از نژادهای متعارض با یک‌دیگرند، گرد هم جمع کند و از این مجموعه اتمی، ملت بسازد که افراد آن آگاهی مخصوص به خویش داشته باشند، و این کاری نبوده است که به آسانی صورت‌پذیر شود.» (احیای فکر دینی در اسلام، ۱۹۱).

وی معتقد است امت اسلامی نظام، قوانین، سنن و آداب واحدی دارد و به جغرافیای اعتباری که فرنگی‌ها درست کرده‌اند، محدود نیست. به نظر وی اسلام و امت اسلامی هیچ مرز و بومی ندارد و همه جامعه اسلامی یک امت و مانند پیکر واحد است و تنها مرزشان با دیگران عقیده و ایمان آنها است.

ملت از یک رنگ دل‌هاسستی

قوم را اندیشه‌ها باید یکی  
 اهل حق را حجت و دعوا یکی است  
 جوهر ما با مقامی بسته نیست  
 هندی و چینی سفال جام ماست  
 قلب ما از هند و روم و شام نیست

روشن از یک جلوه این سیناستی

(کلیات اقبال (فارسی) رموز بیخودی، ص ۶۳)  
 در ضمیرش مدعا باید یکی  
 خیمه‌های ما جدا دل‌ها یکی  
 باده تندش به جامی بسته نیست  
 رومی و شامی گل اندام ماست  
 مرز و بوم ما به جز اسلام نیست

(همان، ص ۷۶؛ رموز بیخودی، ۱۷۹)

به نظر اقبال، مسلمان واقعی کسی است که در این عالم خودش را نبازد و از این رو می‌خواهد که مسلمانان هم‌درد و هم‌نوای یک‌دیگر باشند و بر مرز و بوم‌های جغرافیای جعلی استعمار خط قرمز بکشند.

مسلم استی دل به اقلیمی مبنند  
 می‌نگنجد مسلم استی مرز و بوم  
 دل به دست آور که در پهنا دل  
 گم مشو اندر جهان چون و چند  
 در دل او یاهو گردد شام و روم  
 می‌شود گم این سرای آب و گل

(رموز بیخودی، ص ۱۸۰)

به نظر وی وابستگی به وطن و جغرافیا نادانی است و وطن‌پرستی هیچ ارزشی ندارد و این حسب و نسب و وطن همانند بدن انسان است که با مرور زمان متلاشی می‌شود و به خودی خود هیچ ارزش و اعتباری ندارد بلکه ارزش آن با روح است و روح هر ملت و قوم عقیده و ایمان آنها است.

با وطن وابسته تقدیر امم  
 اصل ملت در وطن دیدن که چه  
 بر نسب نازان شدن نادانی است  
 بر نسب بنیاد تعمیر امم  
 باد و آب و گل پرستیدن که چه  
 حکم او اندر تن و تن فانی است

(کلیات اقبال با اهتمام پروین قائمی، ص ۵۶)

او هم‌چنین پای‌بندی به جغرافیا و حسب و نسب را باعث تفرقه بین مسلمانان می‌داند.

گر نسب را جزو ملت کرده‌ای  
 در زمین ما نگیرد ریسه‌ها  
 رخنه در کار اخوت کرده‌ای  
 هست نامسلم هنوز اندیشه‌ها

(همان، ص ۸۶)

نیست از روم و عرب پیوند ما  
 دل به محبوب حجازی بسته‌ایم  
 نیست پابند نسب پیوند ما  
 زین جهت با یک‌دگر پیوسته‌ایم  
 هستی ما از وجودش مشتق است  
 امت او مثل او نور حق است

(همان، ص ۸۹)

بنابراین از نظر اقبال، قلمروی وحدت و اتحاد اسلامی بر ایمان و عقیده استوار است نه مرز و بوم جغرافیایی، بلکه می‌توان گفت مرز و بوم مسلمانان فطرت الهی است.

### محورها و مبانی وحدت مسلمین

دغدغه دیرینه اقبال این است که محور و معیارهایی را که اسلام از قبل برای وحدت مسلمین بیان کرده ولی در عصر حاضر به آنها توجه جدی نمی‌شود، احیا کند و در مسلمانان این باور را ایجاد نماید که این محورها مشترک بین همه مذاهب اسلامی می‌تواند وحدت ناگسستنی بین مسلمین و کشورهای اسلامی ایجاد نماید. وی از جمله این محورها را اعتقاد مسلمانان به توحید، نبوت خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله، قرآن و کعبه می‌داند. بنابراین در این‌جا به عمده‌ترین محورها و ارکان چهارگانه اسلامی وحدت مسلمین اشاره خواهیم کرد، هرچند محوره‌های دیگری نیز در اشعار وی برای اتحاد اسلامی یافت می‌شود.

#### توحید

اقبال شیفته توحید است. به نظر وی، وحدت اندیشه و عمل مسلمانان از توحید سرچشمه می‌گیرد و همه مسلمانان باید نسبت به یک‌دیگر عواطف انسانی و مسلمانی خود را بروز دهند. وی معتقد است توحید باور اساسی و مشترک مسلمانان است.

ذره‌ها از یک نگاهی آفتاب  
 یک نگاهی را به چشم کم مبین  
 یک نگه شو تا شود حق بی‌حجاب  
 از تجلی‌های توحید است این

به نظر وی لازمه توحید، وحدت مسلمانان در گفتار و کردار است؛ یعنی توحید نظری سبب توحید عملی می‌شود که جز در وحدت مسلمین ظهور کامل نمی‌یابد. بنابراین توحید سرمایه بزرگ و بنیادی امت اسلامی است.

ملت بیضا تن و جان لاله  
 لاله سرمایه اسرار ما  
 ساز ما را پرده‌گردان لاله  
 رشته‌اش شیرازه افکار ما

وی بر اساس همین نظریه معتقد است این وحدت افکار و الهامات است که ملت‌ها را زنده نگه می‌دارد و افکار و اندیشه‌های الحادی را باعث از بین رفتن وحدت یک ملت و قوم می‌داند. در شعری به زبان اردو می‌گوید:

هی زنده فقط وحدت افکار سی ملت  
 یعنی یک ملت تنها در سایه وحدت اندیشه‌ها زنده می‌ماند، بنابراین اندیشه‌ای که باعث از بین رفتن وحدت شود کفر است.

وی معتقد است:  
 گر نباشد سوز حق در ساز فکر  
 نیست ممکن این چنین انداز فکر

اقبال تأکید می‌کند که در سایه توحید، مسلمان از غیرخدا بریده می‌شود و ملت و امت و اندیشه و افکار و بینش و ظاهر و باطن و همه رنگ‌های متنوع مسلمانان در رنگ توحید یکی می‌شود و در نهایت، زبان و قلب و جان آنها به یک چیز تبدیل می‌گردد. از این رو می‌توان گفت این بزرگ‌ترین محور و مبنای مشترک وحدت مسلمین می‌باشد.

ملت ما را اساس دیگر است  
حاضریم و دل به غایب بسته‌ایم  
رشته این قوم مثل انجم است  
تیر خویش پیکان و یک کیشیم ما  
مدعای ما مال ما یکی است  
ما ز نعمت‌های او اخوان شدیم

(رموز بیخودی، ص ۸۴)

به نظر اقبال، التزام عملی به توحید در بین مسلمانان به صورت اتحاد و انسجام یک ملت، دارای آثار و برکاتی است که یکی از مهم‌ترین آنها این است که آنها را قدرتمند می‌سازد. به نظر اقبال، مسلمان اگر توحید را درست ادراک نماید می‌تواند جهان هستی را به کنترل خود درآورد چه رسد به شرق و غرب.

ملتی چون می‌شود توحید مست  
روح ملت از وجود انجمن  
حرفش از لب چون به دل آید همی  
قوت ایمان حیات افزایش  
برای افزایش این قدرت بی‌زوال می‌گوید:  
ای پسر ذوق نگه از من بگیر  
تا عصای لاله داری به دست

یکی دیگر از آثار اتحاد بر مبنای توحید، از بین رفتن همه عقده‌های بیرونی و درونی قومیت، نسب، عصبیت و غیره... می‌باشد.

اسود از توحید احمر می‌شود  
دل مقام خویشی و بیگانگی است  
ملت از یک‌رنگی دل‌هاستی

(همان، ص ۵۶)

پس با توجه به این که توحید، رکن اساسی جهان اسلام است اگر مسلمانان به این اصل اساسی توجه نمایند می‌توانند جهان را دگرگون و همه کاستی‌های مسلمانان را جبران کنند.

### نبوت

یکی دیگر از محورهای بنیادی و اساسی وحدت مسلمین وجود با برکت پیامبر اسلام ﷺ می‌باشد. اقبال شیفته پیامبر اسلام ﷺ است.

وی معتقد است انحطاط مسلمانان به خاطر عدم تبعیت از سنت و سیره پیامبر ﷺ می‌باشد.

تا شعار مصطفی از دست رفت  
قوم را رمز بقا از دست رفت

(اردو، ص ۲۶۹)

باور اقبال این است که عصر حاضر، عصر غلبه استعمار سیاسی است که باعث دوری مسلمانان از آئین و سنت پیامبر ﷺ گشته است، چون ایمان واقعی و سوز و گداز مسلمانان نسبت به سنت نبوی از سینه و دل‌هایشان بیرون رفته است.

ای تهی از ذوق و شوق و سوز و درد  
عصر ما، ما را ز ما بیگانه کرد  
سوز او تا از میان سینه رفت  
می‌شناسی عصر ما با ما چه کرد  
از جمال مصطفی بیگانه کرد  
جوهر آئینه از آئینه رفت

(کلیات اقبال با مقدمه سروش، ص ۳۹۸)

وی مسلمانان را بر پایه نبوت آن حضرت به اتحاد دعوت می‌نماید. به نظر وی حقیقت امت مسلمان بعد از توحید، بر پایه اعتقاد به نبوت پیامبر اسلام ﷺ استوار است و این حقیقت ناب محمدی است که انسجام و وحدت را بین مسلمین ایجاد می‌نماید. وی در مثنوی رموز بیخودی رسالت را به عنوان رکن دوم امت اسلامی معرفی نموده و می‌گوید:

حق تعالی پیکر ما آفرید  
حرف بی‌صوت اندر این عالم بدیم  
از رسالت در جهان تکوین ما  
از رسالت صد هزار ما یک است  
از رسالت هم‌نوا گشتیم ما  
آن که شأن او است یهدی من یرید

(کلیات اقبال با اهتمام پروین قائمی، ص ۵۹ و ۶۰)

وی اعتقاد به نبوت را باعث استحکام و استواری بیشتر ملت و امت دانسته و گوهر وحدت مسلمانان را از برکات بزرگ وجود مبارک رسول اکرم ﷺ می‌داند.

کثرت هم‌مدعا وحدت شود  
زنده هر کثرت ز بند وحدت است  
دین فطرت از نبی آموختیم  
پخته چون وحدت شود، ملت شود  
وحدت مسلم از دین فطرت است  
در ره حق شعله‌ها افروختیم

این گهر از بحر بی پایان اوست

ما که یک جانیم از احسان اوست

قوم را سرمایه قوت از او  
حق تعالی نقش هر دعوی شکست  
دل ز غیرالله مسلمان بر کند

حفظ سر وحدت ملت از او  
تا ابد اسلام را شیرازه بست  
نعره لاقوم بعدی می زند

(همان، ص ۷۲)

(همان، ص ۶۰)

به نظر اقبال عشق نبوی سرمایه اصلی امت مسلمان است که بر پایه آن تعصبات جاهلی و مدرن، از بین رفته و یک امت به وجود می آید. عشق محمدی در میان مسلمانان همانند خونی است که در رگ ملت جاری می باشد. وی با مقایسه بین عشق و نسب نتیجه می گیرد که رشته عشق و محبت از نسب محکم تر و استوارتر است، بنابراین باید عشق محمدی را بر حسب و نسب ترجیح داد و از همه قیده های زمانی و مکانی گذشت تا آن اتحاد و انسجام اسلامی عالم گیر به وجود بیاید.

دل به محبوب حجازی بسته ایم  
رشته ما یک تولایش بس است  
مستی او ما به خون ما دوید  
عشق او سرمایه جمعیت است  
عشق در جان و نسب در پیکر است  
عشق ورزی از نسب باید گذشت

زین جهت با یک دگر پیوسته ایم  
چشم ما را کیف صهبایش بس است  
کهنه را آتش زد و نو آفرید  
همچو خون اندر عروق ملت است  
رشته عشق از نسب محکم تر است  
هم از ایران و عرب باید گذشت

(همان، ص ۸۹)

وی می گوید اگر مسلمان با درایت عمیق به این موضوع بنگرد به این نتیجه خواهد رسید که عشق محمدی در قلب انسان شجاعت و طاقت ایجاد می نماید و چه بسا محبت وی بیش از ذات حق تعالی در وجود مسلمان جلوه پیدا می کند.

معنی حرفم کنی تحقیق اگر  
قوت قلب و جگر گردد نبی  
قلب مؤمن را کتابش قوت است

بنگری با دیده تصدیق اگر  
از خدا محبوب تر گردد نبی  
حکمتش حبل الوریق ملت است

(همان، ص ۶۰)

هم چنین اشاره می کند که امت اسلامی هر چه دارد از وجود مقدس پیامبر اسلام دارد.

زندگی قوم از دم او یافته است

این سحر از آفتابش تافته است

(همان، ص ۶۰)

پس خدا بر ما شریعت ختم کرد  
رونق از ما محفل ایام را

بر رسول ما رسالت ختم کرد  
او رسل ختم و ما اقوام را

(همان، ص ۶۰)

پس با توجه به این که وجود مقدس پیامبر اسلام ﷺ نقش بسیار مهمی در اتحاد اسلامی دارد و در سایه آن امت اسلامی بر مشکلات خویش فایق خواهد آمد و امت واحد را تشکیل خواهد داد، بر تمامی مسلمانان واجب است به این رکن اصیل و اساسی اتحاد اسلامی توجه نمایند و اتحاد و انسجام قوی و فراموش نشدنی را ایجاد نمایند.

### آیین و کتاب مشترک

به نظر اقبال لاهوری برای نظم زندگی فردی و اجتماعی یک ملت، قانون و کتاب آیین ساز نقش اساسی دارد. اگر یک ملت می خواهد بر اصول خویش استوار بماند باید برای بقا و دوام خویش آیین و قانونی داشته باشد ولی نه هر قانونی بلکه قانونی که بر مبنای حق و حقیقت باشد. از آنجا که همه قوانین بشری تابع منافع فردی و اجتماعی بشر است از تعارض و تناقض خالی نمی باشد و از این رو قادر به نظم دهی به زندگی فردی و اجتماعی بشر به نحو احسن نمی باشد؛ بنابراین قانون باید بر حق و حقیقت مبتنی باشد تا بین امور فردی و اجتماعی یک ملت به طور کامل نظم و انضباط ایجاد شود و این نظام و قانون هر قدر محکم تر و استوارتر باشد بقا و دوام آن ملت نیز بیشتر خواهد بود.

ملت از آیین حق گیرد نظام از نظام محکمی خیزد دوام

(رموز بیخودی، ص ۲۳۸)

ولی داشتن یک آیین و قانون محکم شرط لازم است نه شرط کافی. وی معتقد است اگر یک ملت عمل به آن قانون حق را نادیده بگیرد و به آن توجه نکند همان طور که عناصر خاک در هوا از هم می پاشند، اجزا و افراد آن ملت نیز از هم جدا گردیده و نابود خواهند شد.

ملتی را رفت چون آیین ز دست مثل خاک اجزای او از هم شکست

(همان، ص ۲۱۷)

با توجه به این مسئله، اقبال به همه امت های مسلمان گوش زد می نماید که به کتاب و آیین خویش عمل کنند و آن را که محکم ترین آیین و قانون بشریت از طرف حق سبحان می باشد محور همه امور و مسائل نظری و عملی خویش قرار دهند.

وی عقیده خویش را نسبت به حقیقت قرآن این چنین ابراز می نماید:

نقش قرآن تا در این عالم نشست  
فاش گویم آن چه در دل مضمراست  
چون به جان رفت و جان دیگر شود  
اندر او تدبیرهای غرب و شرق  
با مسلمان گفت جان بر کف بنه  
نقشه های پاپ و کاهن را شکست  
این کتابی نیست چیز دیگر است  
جان چون دیگر شود جهان دیگر شود!  
قدرت اندیشه پیدا کن چو برق!  
هر چه حاجت فزون داری بده

(کلیات اقبال، ص ۳۱۷)

ای به تقلیدش اسیر آزاد شو دامن قرآن بگیر آزاد شو

(همان، ص ۳۱۱)

از تلاوت بر تو حق دارد کتاب  
و ازو کامی که می خواهی بیاب  
(همان ۸۴)

جز به قرآن ضیغمی روباهی است  
فقر قرآن اصل شاهنشاهی است  
(همان ۳۱۶)

به نظر وی کالبد امت مسلمان به خاطر وجود قرآن و آیین زنده است و حقانیت دین نیز همین است و مسلمانان باید به این حبل الهی متوسل شوند.

هستی مسلم ز آیین است و بس  
برگ گل شد چون ز آیین بسته شد  
(رموز بیخودی، ص ۲۱۷)

از یک آیینی مسلم زنده است  
ما همه خاک و دل آگاه اوست  
باطن دین نبی این است و بس  
گل ز آیین بسته شد گل دسته شد  
(رموز بیخودی، ص ۲۱۷)

کلیات اقبال (فارسی)، ص ۷۶. رموز بیخودی، ص ۲۳۸

اقبال در نهایت می گوید: زندگی به عنوان یک مسلمان واقعی جز با عمل به کتاب الهی و قرآن پاک که آیین محکم و غیرقابل تغییر مسلمانان است، امکان پذیر نمی باشد.

گر تو می خواهی مسلمان زیستن  
نیست ممکن جز به قرآن زیستن  
(رموز بیخودی، ص ۲۱۸)

### کعبه

یکی دیگر از ارکان اتحاد اسلامی که اقبال در مورد آن حساسیت خاصی نشان می دهد، کعبه معظمه می باشد. به نظر وی کعبه می تواند نقش بنیادین در حیات بخشی وحدت مسلمین داشته باشد. وی کعبه را به عنوان نماد اصلی اتحاد مسلمانان معرفی می کند و معتقد است مسلمانان باید روابط و ضوابط خویش را پیرامون مرکزشان استوار کنند و این مرکز (کعبه) باید محور اصلی مسلمانان باشد، نه محور فرعی.

غلامرضا سعیدی درباره اعتقاد اقبال به مرکزیت کعبه می نویسد:

«هر جامعه ای نیازمند مرکزی است که فروغ کلیه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی آن باید از آن جا ساطع گردد. این فعالیت ها برای جامعه، خونی را که مایه حیات است، تهیه می کند و مرکز به منزله قلب است و وظیفه قلب را انجام می دهد؛ به این معنا که خون را تصفیه می کند و خون تازه را حتی به جوارح دور می رساند. مادامی که چنین مرکزی وجود داشته باشد و این خون حیات بخش را تهیه کند، تمام بدن بدون وقفه و بی معطلی وظیفه اش را انجام خواهد داد. برای مسلمین این مرکز، مکه (کعبه) است و سایر مراکز فرعی از این نقطه نیرو می گیرند.» (غلامرضا سعیدی، اقبال شناسی).

به نظر اقبال اگر این مرکز نباشد امت نیز مرده است. وی در «جاویدنامه» به همین نکته اشاره می نماید:

مرده! از یک نگاهی زنده شو!  
بگذر از بی مرکزی پاینده شو!  
در مثنوی «رموز بی خودی» نیز چنین می گوید:

هم چنین آیین میلاد امم  
حلقه را مرکز چو جان در پیکر است  
قوم را ربط و نظام از مرکزی  
روزگارش را دوام از مرکزی  
زندگی بر مرکزی آید به هم  
خط او در نقطه او مضمر است  
(رموز بیخودی، ۲۷۶)

رازدار و راز ما بیست الحرام  
چون نفس در سینه او پروریم  
تازه رو بستان ما از شبنمش  
سوز ما هم ساز ما بیت الحرام  
جان شیرین است او ما پیکریم  
مزرع ما آبرگیر از زمزمش  
(همان، ۲۷۶)

به نظر وی عزت و سربلندی مسلمانان مرهون کعبه است. او معتقد است کعبه باعث جاودانگی مسلمانان گشته و رابطه بزرگی با اسلاف و گذشگان ایجاد می نماید.

دعوی او را دلیل استیم ما  
از براهین خلیل استیم ما  
در جهان ما را بلند آوازه کرد  
با حدوث ما قدم شیرازه کرد  
(همان، ۲۷۶)

وی می گوید به خاطر کعبه کثرت مسلمانان به وحدت تبدیل گشته و این وحدت باعث استحکام اجتماعی آنها می شود.

ملت بیضا ز طوافش هم نفس  
از حساب او یکی بسیاریت  
تو ز پیوند حریمی زنده ای  
در جهان جان امم جمعیت است  
همچو صبح آفتاب اندر قفس  
پخته از بند یکی خود درایت  
تا طواف او کنی پاینده ای  
در نگر سر حرم جمعیت است  
(همان، ۲۷۶)

پس کعبه نیز مانند دیگر ارکان امت اسلامی نقش بسیار مهمی در اتحاد امت اسلامی دارد و از این رو بر مسلمانان جهان لازم است ارزش این خانه را درک کنند. هم چنین ضرورت دارد به درک حقیقت حج اکبر توجه نمایند، چون اتحاد اسلامی در آن به صورت عملی بروز می کند.

### سخن پایانی

اقبال لاهوری به شدت طرفدار اتحاد اسلامی است. وی همه مسلمانان را همانند یک جسم و یک جان تلقی نموده و عقاید مشترکشان را به عنوان محور و ارکان بنیادین اتحاد اسلامی معرفی

می‌نماید. به نظر وی مرز و بوم‌های جغرافیایی و اعتقاد به رنگ و نسل و حسب و نسب و قومیت یا ملیت ترفندهای استعماری است که اسلام بر همه آنها خط بطلان کشیده است و تنها معیار واقعی در اسلام همان ایمان مسلمانان است که در این صورت همه مرزها از بین رفته و جز مرز عقیده چیزی باقی نمی‌ماند و از این رو بر پایه ایمان، محورها و مبانی بنیادین را مطرح می‌کند که می‌تواند نقش اساسی در اتحاد مسلمانان داشته باشد و یا به عبارتی لازمه این اعتقادات اتحاد است نه چیز دیگر. اساسی‌ترین این محورها عبارت است از: توحید، نبوت، قرآن، و کعبه مکرمه.

در عصر کنونی مسلمانان جهان بیش از همه به تدبیر و اندیشه در این محورها نیاز دارند. ما شاهدیم که در عصر کنونی بیش از همه، همین محورها از سوی دشمنان اتحاد مسلمین مورد حمله قرار گرفته است، زیرا آنها می‌دانند که وحدت مسلمین حول این محورها قدرتی را پدید خواهد آورد که هیچ ابرقدرتی توان مقابله با آن را نخواهد داشت. وقت آن رسیده است که مسلمانان بار دیگر به این عقاید اساسی و بنیادین توجه نموده و در سایه آن پرچم اتحاد اسلامی را در سراسر گیتی به اهتزاز درآورند.

### منابع و مأخذ

۱. اقبال، جاوید، *زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری*، ترجمه: دکتر شهیندخت کامران مقدم سفیاری، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۱، ۱۳۷۲.
۲. اقبال، محمد، *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه: احمد آرام، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ی، تهران، ۱۳۴۶.
۳. \_\_\_\_\_، *کلیات اقبال (اردو)*، ندیم یونس پرنتر، لاهور.
۴. \_\_\_\_\_، *کلیات اقبال (فارسی)*، با مقدمه احمد سروش، انتشارات سنایی، تهران، ۱۳۷۶.
۵. \_\_\_\_\_، *رموز بیخودی*، انتشارات کوه نور پریس، دهلی نو، ۱۹۹۷.
۶. رفیع‌الدین، محمد، *اندیشه‌های اسلامی اقبال*، ترجمه: سید غلام‌رضا سعیدی، انتشارات دین و دانش، تهران، ۱۳۴۷.
۷. سعیدی، سید غلام‌رضا، *اقبال‌شناسی: هنر و اندیشه محمد اقبال*، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۸.
۸. *کلیات اقبال*، با اهتمام، پروین قائمی، پیمان، تهران، ۱۳۸۲.
۹. هاشمی، رفیع‌الدین، *نامه‌های اقبال*.



## فرقه أحباش

### (جمعیة المشاریع الخیرية)

جلال محمودی<sup>۱</sup>

### چکیده

«أحباش» نامی است که بر پیروان شیخ عبدالله هرری حبشی عبدری اطلاق می‌گردد. البته بعد از تسلط بر «جمعیة المشاریع الخیریه» لبنان به این نام نیز معروف شده‌اند. عبدالله حبشی در سال ۱۹۵۰م/۱۳۶۹ق، به کمک تعدادی از شاگردانش این فرقه را تأسیس نمود.

شناخت فرقه أحباش به لحاظ حضور مؤثر آنان در جامعه لبنان و نیز دیگر کشورهای اسلامی و بعضی از کشورهای غیراسلامی، بسیار اهمیت دارد. با وجود صوفی‌مسلك بودن جمعیت أحباش، شیخ عبدالله با تربیت نسلی از شاگردان توانمند توانسته است در دنیای اسلام، و به ویژه لبنان، وزنه‌ای تأثیرگذار در معادلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شمار آید. اندیشه‌های تصوفی شیخ عبدالله و پیروانش، وی را به دشمن سرسخت جریان سلفی‌گری و به خصوص وهابیان تبدیل کرده است.

أحباش به لحاظ اعتقادی پیرو مذهب اشاعره متأخر - که به جهیمیه نزدیک‌اند - مرجئه، امامیه، و طرق صوفیه رفاعیه و نقشبندیه می‌باشند.

نگارنده سعی کرده است با روش توصیفی - تحلیلی و بررسی منابع اصلی فرقه أحباش، و نیز نگاشته‌های مخالفان آنان، برای اولین بار در ایران و به زبان فارسی، نگاشته‌ای درباره فرقه أحباش در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی ارائه نماید.

واژگان کلیدی: أحباش، جریان سلفی‌گری، صوفی‌گری، اشاعره.

۱- کارشناس ارشد تاریخ اسلام.

گسترش تفکر تصوّف غیرمدرسی به شکلی وسیع در سرزمین‌های اسلامی و در بعضی موارد با حمایت خاندان‌های حکومت‌گر، موجب مخالفت شدید با آنان از جانب نخبگان فرهنگی مسلمان شد؛ این کشاکش تقریباً بسته به نوع رویکرد حکومت‌ها، شکل‌های متفاوتی به خود گرفته است.

یکی از این فرقه‌های متصوّفه در دوره معاصر «أحباش» لبنان می‌باشند. این فرقه در سال ۱۹۵۰ میلادی توسط شیخ عبدالله حبشی هرری عبدری رفاعی پایه‌گذاری شد. أحباش به لحاظ فقهی پیرو مکتب فقهی محمد بن ادریس شافعی می‌باشند. أحباش با نام «جمعیة المشارع الخیریه» امروزه در کشورهای اسلامی، به ویژه لبنان، شناخته شده هستند. پیدایش أحباش و مخالفت سرسختانه با سلفیون در دوره معاصر سوالات فراوانی را به ذهن متبادر می‌کند. أحباش با فیصل مولوی، فتاحی یکن، سیّد قطب، یوسف قرضاوی و... که همه در حقیقت وامدار تفکرات ابن تیمیّه هستند، به شدت مخالف می‌باشند. در جهان تسنّن امروز دو رویکرد کلی نسبت به شریعت وجود دارد: یکی سنی‌مذهبان صوفی‌مسلك، با عنوان کلی «اهل طریقت»، و دیگری طیف مخالف تصوّف. هر دو گروه به سیره نبوی و کتاب خدا استناد می‌کنند. نمایندگان طیف اول عبارت‌اند از طریقت‌های مختلف تصوّف در جهان اسلام که أحباش نیز یکی از ایشان می‌باشند. در طرف مقابل می‌توان از اخوان المسلمین، سلفیون (وهابی‌ها) و... دیگران نام برد.

در این مقاله تلاش می‌شود در دو بخش فرقه أحباش به جامعه فارسی زبان معرفی گردد: بخش اول: معرفی شیخ عبدالله حبشی هرری، پیدایش، شکل‌گیری و فعالیت‌های فرقه أحباش؛ بخش دوم: مبانی و آرای اعتقادی أحباش و موضع آنان در قبال سایر فرقه‌های اسلامی.

## بخش اول

### (معرفی شیخ عبدالله حبشی هرری، پیدایش، شکل‌گیری و فعالیت‌های فرقه أحباش) شیخ عبدالله هرری کیست؟

شیخ عبدالله حبشی هرری؛ شیخ ابو عبدالرحمن عبدالله بن محمد بن یوسف بن عبدالله بن جامع هرر الشیبی عبدری القرشی (دمشقیه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۰). [پیروان حبشی گمان می‌برند که وی از سلاله نبوی می‌باشد، به همین دلیل کلمه «قرشی» را به اسم وی افزوده‌اند: به نقل از موسوعه اهل السنّه]] مفتی هرر، در حدود سال ۱۳۳۹ق / ۱۹۲۰م، در شهر هرر متولد شد.

وی پس از خواندن کتاب‌های پایه در علوم دینی، به کتاب‌های حدیثی روی آورد و کتاب‌های سته [در حدیث] و سایر کتاب‌های حدیثی را همراه با اسانید آن مطالعه و حفظ نمود، به گونه‌ای که هنوز به سن هجده سالگی نرسیده بود که اجازه فتوا و روایت حدیث را پیدا کرد. (حبشی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۰). نویسنده «زندگی‌نامه عبدالله هرری» بیان می‌کند که او برای فراگیری علم تنها به مسقط‌الرأس خود بسنده نکرد بلکه به صومالی و سایر نقاط حبشه نیز راهی شد. (پیشین).

عبدالله هرری مدتی بعد عازم مکه و مدینه گردید؛ به کتابخانه عارف حکمت و کتابخانه محمودیه برای مطالعه و بررسی نسخ خطی مراجعه نمود و حدود یک سال در مدینه مقیم شد. (پیشین).

وی در اواخر دهه پنجاه میلادی قرن بیستم، به بیت‌المقدس مسافرت کرد و از آن‌جا عازم دمشق شد و چون ورود وی با فوت محدث دمشق، شیخ بدرالدین حسنی هم‌زمان بود، به وی القاب «خلیفه شیخ بدرالدین حسنی» و «محدث دیار شام»، داده‌اند. (پیشین). شیخ عبدالله در سال ۱۳۷۰ق/۱۹۵۰م (جهنی، ۱۴۲۰م، ج ۱، ص ۲۷) به بیروت رفت. (حبشی، پیشین، ۱۴۲۰ق، ص ۳-۹). نکته قابل توجه در مطالعه زندگی‌نامه هرری این است که نویسنده زندگی‌نامه در هیچ یک از کتاب‌ها مشخص نیست. این بیوگرافی، حتی در مقدمه کتاب‌های خود شیخ عبدالله نیز آمده است.

## عبدالله هرری و تصوّف

انسان فرزند محیطی است که در آن زندگی می‌کند و از اجتماعی که در آن حضور دارد متأثر می‌گردد. شیخ عبدالله حبشی در محیطی که در آن موج طریقت‌های صوفیانه در حال انتشار و توسعه بود، پرورش یافت. از بارزترین این طریقت‌ها می‌توان از طریقت قادریه، نام برد؛ طریقتی که شیخ عبدالله آن را به همراه طریقت رفاعیّه برترین طریقت‌ها می‌نامد. تصوّف در محیط پرورش و تربیت شیخ عبدالله سابقه‌ای طولانی داشت. (شهرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۱ به نقل از: السياسات الثقافیة فی الصومال الکبیر، ص ۴۰).

طریقت صوفیه قادریه قدیمی‌ترین و اولین فرقه صوفیه‌ای است که وارد صومالی شده است. هم-اینک نیز فرقه صوفیه قادریه، از پرطرفدارترین فرقه‌های تصوّف در کلّ منطقه صومالی می‌باشد. (پیشین، ص ۴۱ و ۴۸).

در چنین منطقه‌ای که میراث‌دار تصوّف از گذشته‌های دور بود، شیخ عبدالله هرری حبشی پرورش یافت. وی به طریقت قادریه پیوست و عنوان «خلیفیت» را در آن طریقت کسب کرد. شیخ عبدالله حبشی هرری در برهه‌ای به طریقت تیجانیه نیز روی آورد، اما پس از مدتی از آن جدا شد و در مقابل آن موضع‌گیری کرد. (پیشین، ص ۴۳).

## شیخ عبدالله و درگیری‌های هرر

شیخ عبدالله حبشی در شهر «هرر» که زیر سلطه پادشاه مسیحی بود، متولد گردید. این شهر امروزه در قلمرو سرزمین اتیوپی قرار دارد. هرر - محل تولد شیخ عبدالله حبشی - در حقیقت نماینده و مرکز اعتقادات اسلام نه تنها در اتیوپی بلکه در کلّ شاخ آفریقا می‌باشد.

۱- هرر یک امارت اسلامی قدیمی بوده است.

مسلمانان آگاه از وضعیت اسفبار هرره بعد از حمله مسیحیان و جنایتی که مرتکب شدند به فکر چاره‌اندیشی افتادند، زیرا استقبال از تصوف دنیاگریز، مسلمانان را کاملاً از صحنه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و هرره حذف می‌نمود. (هرری، پیشین، بی تا، ص ۵). نتیجه این چاره‌اندیشی، تأسیس «جمعیت ملی اسلامی هرره» بود. حکومت از روی ناچاری و اضطرار، به این جمعیت اجازه فعالیت داد، با این شرط که در مسائل سیاسی دخالت نکند (همان). البته علمای اسلامی در این راه با مشکلاتی جدا از جانب حکومت مسیحی، برخورد کردند. از جمله این مشکلات، همکاری عده‌ای از مسلمانان با حکومت، بود:

« مخالفان شیخ عبدالله حبشی معتقدند که وی از جمله این علما بوده است و با حکومت مسیحی اتیوپی همراهی می‌کرده است و دائماً بین آدیس‌آبابا و هرره در رفت و آمد بوده است به گونه‌ای که به وی لقب «شیخ فتنه و آشوب» داده‌اند؛ و برای این ادعای خود مستندات نیز عرضه می‌کنند. شاید به دنبال همین درگیری‌ها و اختلافات شیخ عبدالله هرری با سایر علمای هرره بوده است که وی از هرره خارج شده و راهی آدیس‌آبابا و از آنجا مکه مکرمه می‌گردد. طرفداران وی معتقدند که شیخ عبدالله برای دفاع از حقوق و مصالح ساکنان هرره ضد «هیلاسالیسی» طاغوتی، هرره را ترک کرد» (حبشی، المقالات السنیه فی کشف ضلالت احمد بن تیمیه، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۳). استاد اسعد سحمرانی می‌گوید: «شیخ عبدالله نه به علت درگیری با دیگر جمعیت‌های اسلامی، بلکه به علت درگیری با حاکم مسیحی هرر، از آنجا گریخته است» (مصاحبه با ا. د. اسعد سحمرانی [کنفرانس وحدت اسلامی سال ۱۳۸۶ع]).

### استقرار در لبنان

شیخ عبدالله پس از خروج از حبشه راهی مکه، مدینه و سوریه گردید. وی چون در سوریه نتوانست جایگاهی برای خود تدارک ببیند، به دعوت طلبه‌های لبنانی، راهی آنجا شده و از سال ۱۳۷۹ق/۱۹۶۰م، در بیروت سکونت گزید. (نجیمی، ۵۹/۱ به نقل از: المجله، شماره ۶۷۹، ص ۲۲).

پس از حضور در لبنان و کسب اجازه اقامت در آنجا، طلبه‌های علوم دینی دور وی جمع شدند. شیخ از دورانی که در سوریه اقامت داشت به لبنان می‌رفت و سخنرانی‌هایی هم در آنجا ایراد می‌کرد. این طلبه‌ها برای شیخ شروع به تبلیغ نمودند و چون شرایط لبنان به گونه‌ای بود که کسی نمی‌توانست مانع انتشار افکار شیخ عبدالله شود، کم‌کم آوازه وی تمام لبنان را فراگرفت. شیخ عبدالله در بیروت در منطقه «برج ابی‌حیدر» مستقر گردید. این منطقه اکنون مقر اصلی أجباش در لبنان می‌باشد. بعد از بیروت، شهر طرابلس در شمال لبنان پایگاه دوم ایشان به شمار می‌رود. از سال ۱۹۶۰م تاکنون شیخ عبدالله در مقر اصلی خود در منطقه برج ابی‌حیدر ساکن بوده است. (پیشین).

### تصنیفات و آثار

عبدالله هرری بعد از استقرار در لبنان و جمع شدن شاگرانی پیرامون او، به تألیف و شرح کتاب‌های مختلف اقدام نمود. بعضی از مهم‌ترین آثار وی عبارت است از: ۱- «بغیة الطالب لمعرفة العلم الدینی الواجب»: این کتاب برای اولین بار در سال ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م، چاپ شده است. در این کتاب به نویسنده اصلی اشاره نشده است، چون در اصل، این کتاب اختصار شده کتاب دیگری است. شیخ درباره کتاب می‌گوید: «این کتاب مختصر کاملی است از اغلب ضروریات دینی که هر مکلفی ملزم به دانستن آنها می‌باشد؛ در زمینه‌های اعتقادی، مسایل فقهی مثل طهارت، حج، احکام معاملات مطابق مذهب امام شافعی، سپس تبیین معاصی قلب و جوارح و زبان» (حبشی، بغیة الطالب لمعرفة العلم الدینی الواجب، ۱۴۰۷ق، ص ۵)؛

۲- «مختصر عبدالله الپهرری الکافل بعلم الدین الضروری»: این کتاب خلاصه کتاب «سلم التوفیق» عبدالله بن حسین حصرمی، می‌باشد. در این کتاب از مباحث فقهی بحث شده است؛

۳- «إظهار العقيدة السنیه بشرح العقيدة الطحاویة»: این کتاب شرح کتاب «عقیده طحاوی» در کلام و صفات و... می‌باشد؛

۴- «المطالب الوفیة شرح العقيدة النسفیة»: در این کتاب شیخ عبدالله شرح سعدالدین تفتازانی را با شرح نسفی در هم آمیخته است؛

۵- «الصراط المستقیم»؛

۶- «الدلیل القویم علی الصراط المستقیم»: شیخ عبدالله در این کتاب تلاش کرده است به مثابه یکی از علمای کلام وارد مباحث کلامی شود و ادله وجود خدا را عرضه نماید؛

۷- «التعقب الحثیث علی من طعن فیما صحّ من الحدیث»: وی این کتاب را در ردّ البانی نگاشته و اقوال وی را تکذیب نموده است؛

۸- «نصرة التعقب الحثیث علی من طعن فیما صحّ من الحدیث»: شیخ عبدالله این کتاب را نیز در ردّ البانی نگاشته است؛

۹- «المولد الشریف»؛

۱۰- «الروائح الزکیة فی مولد خیر البریه»: در این کتاب قصص مختلف از سیره نبوی آمده است.

شیخ عبدالله در این کتاب دلایل خود را درباره برگزاری جشن میلاد نبوی ارائه نموده است؛

۱۱- «صریح البیان فی الرد علی من خالف القرآن فأنکر کفر ساب النبی»: شیخ عبدالله این کتاب را در ردّ یکی از دعوات لبنان به نام شیخ «خالد کنعان» امام و خطیب مسجد البرج واقع در بقاع

نگاشته است (حبشی، ۱۴۱۰ق، ص ۵-۱۲؛ هرری، پیشین، ص ۳-۹).



## تسمیه «أحباش»

«أحباش» در ابتدا نسبت به این نام روی خوش نشان نداده و نام «أبتاع الجمعیه» یا «المشاریعون» را می‌پسندیدند، اما بعد از این که اسم «الأحباش» در جرید و رسانه‌ها شیوع پیدا کرد، به ناچار آن را پذیرفتند. البته أحباش به دو اسم دیگر نیز شناخته شده هستند: «هرریه» و «حبشیه». ناگفته پیدا است که «أحباش» به «شیخ عبدالله هرری حبشی» منتسب هستند. کم‌کم خود أحباش نیز به این تسمیه راضی شدند، چنان که «طه ناجی» رهبر ایشان در طرابلس در جشن میلاد نبوی گفت: «أحباش آن چنان که ما را می‌نامند منسوب است به شیخ عبدالله هرری عربی قرشی معروف به حبشی» (نجیمی، ۸۳/۱ به نقل از: منار الهدی (۳۶/۱۲)).

معمولاً فرقه‌ها اسم خود را از مؤسسين خود وام می‌گیرند. این قاعده در مورد أحباش نیز صادق می‌باشد.

## پیدایش و تأسیس

شیخ عبدالله پس از استقرار در لبنان و ازدیاد شاگردانش، بذریه‌های شکل‌گیری فرقه خود را کاشت. با ترویج افکار شیخ در لبنان، این مهم عملی شد. نزار حلبی شکل اجتماعات پیرامون شیخ عبدالله را زمانی که در مسجد برج ابی‌حیدر در سال ۱۹۶۹م / ۱۳۸۸ق، به صورت رسمی و دائمی مستقر شده بود، این‌گونه بیان می‌کند:

«نحوه حضور اجتماع در حضور شیخ بر طریقه شیخی و مریدی بود ... شیخ دروس خود را عرضه می‌کرد و ما مریدانی برای وی و مردمانی جدید، به سویی دعوت می‌کردیم و افکار شیخ را تفسیر می‌کردیم» (جماعة من الباحتین، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۶۷۳).

آن چه از فحوای سخنان نزار حلبی و سایر شاگردان طراز اول شیخ عبدالله هرری برمی‌آید این است که شیخ عبدالله آن زمان اصلاً به شکل وسیع و رسمی، در فکر تأسیس جمعیتی خاص و یا حزب و فرقه‌ای نبوده است.

با نواخته شدن طبل جنگ داخلی و طایفه‌ای در لبنان - بین سال‌های (۱۹۷۵-۱۹۸۲م) - پیروان شیخ عبدالله به توصیه شیخ درگیر جنگ‌های داخلی لبنان نشدند. مریدان شیخ اگر چه کم بودند ولی تبلیغات وسیعی را شروع کردند: «و از فرصت به دست آمده کمال استفاده را برای تبلیغ و نفوذ در لایه‌های اجتماعی لبنان بردند» (نجیمی، ۸۸/۱ به نقل از: مقاله «من أرسل الشيخ عبدالله إلى لبنان» رفیق الزین در مجله الوطن العربی (شماره ۹۰۸-۲۹/۷/۱۹۹۴م، ص ۱۲)). به طور کلی موضع‌گیری أحباش در طی جنگ‌های داخلی - طایفه‌ای لبنان، مشخص نیست و این خود بر پیچیدگی روابط آنان افزوده است. علاوه بر این، به هنگام اشغال لبنان توسط اسرائیل، باز موضع أحباش مبهم است. این وضعیّت باعث شده است از جانب عده‌ای، أحباش به حمایت از حمله اسرائیل متهم شوند. (همان). «حسان قراقیره - رئیس کنونی أحباش - درباره این جنگ می‌گوید: در خلال اشغال بیروت توسط اسرائیل در

سال ۱۹۸۲م، ما از بیروت دفاع کردیم بدون این که حتی یک کشته بدهیم» (پیشین، ص ۸۹، به نقل از: روزنامه السفير (۱۹/۱۰/۱۹۹۲م)).

با خروج اسرائیلی‌ها از لبنان در سال ۱۹۸۲م، تغییر و تحول اساسی در أحباش ایجاد شد، بدین ترتیب که: «بعد از پایان اشغال بیروت، أحباش باز با قدرت به فعالیت‌های علنی خود در جامعه برگشتند. دروس دینی به صورت دوره‌ای در منزل شاگردان قدیمی ترتیب داده شد، هم‌چنین تعدادی از کسانی که در ابتدای شروع جنگ از أحباش جدا شدند، دوباره به جمعیت أحباش پیوستند. (پیشین، به نقل از: الاحباش تاریخاً و منهجاً - روزنامه النهار ۱۲/۹/۱۹۹۲م). أحباش در ادامه این فعالیت‌ها، اختیار جمعیت المشاریع الخیریه را نیز در دست گرفتند و قدرتمندانه در صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی لبنان وارد شدند.

این اولین گام أحباش برای حضور در جامعه طایفه‌ای لبنان بود. آزادی نسبی که خود ثمره این طایفه‌ای بودن لبنان است باعث شد أحباش بدون کوچک‌ترین مزاحمتی به عرصه فرهنگی لبنان وارد شوند و جمعیت المشاریع الخیریه را در اختیار گیرند. شیخ عبدالله و شاگردان هوشمندش، زیرکانه وارد جنگ‌های طایفه‌ای داخلی لبنان نشدند و این در حالی بود که همه احزاب و تشکّل‌ها، درگیر آن شدند. شیخ و پیروان راستینش از این فرصت به دست آمده کمال استفاده را بردند و در حالی که دیگران انرژی و توان خود را از دست می‌دادند، اینان روز به روز بر قدرت خود می‌افزودند، به گونه‌ای که بعد از جنگ همه مات و مبهوت قدرت أحباش شدند؛ از این رو آنها به حمایت از جانب اسرائیل متهم شدند، به ویژه این که وارد جریان جنگ نیز نشده بودند و کمترین آسیب را از جنگ دیده بودند. علاوه بر این، توان مالی آنان و اعلام موجودیت بلافاصله بعد از خروج اسرائیل، احتمال قوت این اتهام برای کسانی که آن‌را مطرح کرده بودند، بیشتر شد.

## فعالیت‌ها و دامنه قلمرو

أحباش به‌مثابه یک قدرت اجتماعی و فکری فعال در سطح کشور لبنان ظاهر شدند. از سال ۱۹۸۲م که أحباش «جمعیت المشاریع الخیریه الاسلامیه» را در اختیار گرفتند، تحوّل بارز در استراتژی أحباش هم در بعد علمی و هم در بعد دعوتی (تبلیغاتی) به وجود آمده است. آنها با ارائه دروس و جلسات در مساجد و خانه‌ها، به کار سازمانی و انجام پروژه‌هایی که در ترسیم وجه عینی أحباش در جامعه لبنان بسیار اثرگذار بوده، روی آورده‌اند. آنها هم‌چنین در سال ۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق، با حضور فعال در انتخابات و با دو کاندید به صورت عملی و رسمی وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شدند. (جماعة من الباحتین، ص ۶۸۱). در عرصه آموزشی، أحباش در سه زمینه فعالیت می‌کنند: الف - آموزش علوم دینی و شرعی برای تربیت نسلی از مشایخ جمعیت المشاریع الخیریه؛ ب - آموزش و پرورش مدنی در دو سطح رسمی و فوق برنامه؛ ج - تألیف و تحقیق کتاب‌های دینی مربوط به اعتقادات و سایر زمینه‌ها مانند: فقه، کلام، و زبان عربی.

احباش با پشتوانه سیاسی و برنامه آموزشی منظم وارد عرصه اجتماع شدند تا بتوانند به صورت کامل در میان لایه‌های مختلف و متنوع جامعه نفوذ کنند. به این ترتیب یک فرد عضو احباش جذب مؤسسات و فعالیت‌های متنوع جمعیت می‌شود. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به تأسیس باشگاه‌های ورزشی برای پسران و دختران؛ فعالیت‌های پیش‌آهنگی؛ تأسیس مراکز مهارت‌ها و فعالیت‌های بانوان و تأسیس باشگاه‌های ویژه کودکان و... اشاره نمود. احباش به لحاظ اداری و سازمان داخلی تلاش می‌کنند امور مربوط به جمعیت و فعالیت‌های آن را به‌رغم تعدد و تکثر آن‌ها به خوبی اداره نمایند. آنها در تمامی استان‌های لبنان و نیز در خارج از لبنان در کشورهای مختلف شعبه‌های وابسته به مرکز اصلی در لبنان تأسیس نموده‌اند. علاوه بر این، دفاتر اختصاصی بسیاری در زمینه‌های مختلف تأسیس نموده‌اند. تمامی این مؤسسات، شعبه‌ها و دفاتر به وسیله یک سازمان مرکزی اداره می‌شود. این وحدت رویه باعث شده است که مثلاً جشن‌های میلاد نبوی در تمام مکان‌هایی که احباش در آن‌جا فعال هستند، به صورت هماهنگ و با حضور عده زیادی برگزار شود. در عرصه رسانه، احباش بسیار فعال هستند و از همان ابتدای پیدایش به این مقوله اهمیت داده‌اند و فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و خبری خود را در چند زمینه سازمان‌دهی کرده‌اند: الف - انتشار مجله «منار الهدی»؛ ب - تأسیس «دار المشاریع للطباعة و النشر و التوزیع» که متولی چاپ همه کتب و انتشارات احباش می‌باشد و در نمایشگاه‌های کتاب در لبنان و بیرون از لبنان به صورت فعال حضور دارد؛ ج - تأسیس رادیوی «نداء الایمان»؛ د - شرکت در کنفرانس‌های دینی جهانی و تجمعات بزرگ؛ ه - پخش برنامه‌های تلویزیونی؛ و - تأسیس «گروه سرودهای دینی»؛ ز - تأسیس سایتی بزرگ و پیشرفته بر روی شبکه اینترنت با عنوان «www. aicp. org» به چندین زبان زنده دنیا.

احباش رایزنی‌های خود را با دولت‌های عربی دیگر برای کسب اجازه فعالیت رسمی در چارچوب قانون آغاز نموده‌اند. (همان ص ۱۰۷).

در کشورهایی که احباش شعبه اصلی ندارند، عموماً با دشمنان وهابی‌ها در آن کشور پیوند دارند، زیرا احباش و وهابیون دشمنی سرسختانه‌ای با هم دارند.

هم‌چنین احباش در مسکو دفتری دارند و از طریق آن پی‌گیر فعالیت‌ها و برگزاری جلسات در برخی مساجد می‌باشند. (پیشین، ص ۱۰۸ به نقل از: منار الهدی (۶۳/۳۱)). برخی از اعضا در دانشکده عالی علوم اسلامی مسکو تدریس می‌کنند. (پیشین).

در هند احباش با متصوف هند علیه وهابیون صف مشترکی را تشکیل داده‌اند و کنفرانس‌های متعددی علیه آنان برگزار نموده‌اند. تقریباً در تمامی جشن‌ها و برنامه‌هایی که در هند برگزار می‌نمایند، هیأتی از طرف جمعیت‌المشارع لبنان نیز حضور دارند، به گونه‌ای که احباش در مناری الهدی (۵۷-۵۵/۳۱) مدعی شدند: «مشایخ هند گروه‌ها و مراکز وابسته به خود را شعبه‌ای از جمعیت‌المشاریع الخیریه الاسلامیه می‌دانند». رئیس دانشگاه سعیدیه هند خطاب به احباش می‌گوید: «در جهاد شما علیه وهابیون تروریست که ترور را در صفوف مسلمانان شایع و ترویج

کرده‌اند، شرکت می‌کنیم». (پیشین، به نقل از: منار الهدی (۵۷-۵۵/۳۱)). کتاب‌های شیخ عبدالله حبشی در هند توزیع می‌گردد؛ چنان که زندگی‌نامه شیخ عبدالله و تعدادی از مقالات مجله منار الهدی به زبان هندی ترجمه شده است. (پیشین).

بنابراین ملاحظه می‌گردد در هر جای جهان اسلام حرکتی صوفیانه علیه سلفیون و وهابیون در حال شکل‌گیری و یا فعالیت است، احباش حضوری مؤثر و پررنگ دارند. علاوه بر هند، احباش در سایر نقاط دنیا نیز فعالانه حضور دارند:

«حضور احباش در اروپا، آمریکا، استرالیا و جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق از طریق شعب‌های رسمی، صورت می‌گیرد. احباش تأکید ویژه دارند بر این‌که مراکز مخصوص به خود مانند مدارس و مساجد در مناطقی که فعالیت می‌کنند، داشته باشند و با امکانات مالی و معنوی که دارند موفق به تأسیس مراکز خود با بهترین و مجهزترین شکل ممکن شده‌اند» (پیشین، ص ۱۰۹).

همواره این سؤال برای کسانی که فرقه احباش را از نزدیک می‌شناسند و نسبت به فعالیت‌های ایشان کنجکاو هستند، مطرح است که احباش این پشتوانه مالی را از کجا کسب کرده‌اند و حامیان ایشان چه کسانی هستند. آن‌چه این سؤالات و شک‌ها را تقویت می‌کند این است که: «ایشان فقط از مراکز متعدد خود حمایت مالی نمی‌کنند، بلکه پروژه‌های اقتصادی پرهزینه‌ای نیز به اجرا می‌گذارند؛ پشتیبانی اقتصادی از اکثر پیروان خود می‌نمایند و برای ایشان ایجاد کار می‌کنند؛ هم‌چنین عده‌ای از دانشجویان خود را از پرداخت شهریه معاف می‌کنند؛ استمرار فعالیت هزینه‌بر که عمده آنها فرهنگی می‌باشد، و حمایت مالی از پیروان و بذل و بخشش‌ها، بیان‌گر توان مالی بسیار بالای احباش می‌باشد.» (پیشین، ص ۱۱۰).

مخالفان احباش به دلیل حجم بالای فعالیت‌های اقتصادی و بنیه قوی مالی این گروه، آنان را متهم می‌کنند:

«عده‌ای احباش را متهم می‌کنند به این‌که از بعضی از سفارت‌ها و کشورها و سازمان‌های خارجی، کمک‌هایی دریافت می‌نمایند» (پیشین). دامنه و حجم فعالیت‌های احباش به ویژه در زمان حضور نظامی سوریه در لبنان، دو چندان شد؛ بنابراین سوری‌ها را به حمایت مالی و معنوی از آنان متهم کردند: «جمعیت‌المشاریع در زمان حضور نظامی سوریه در لبنان با کسب رضایت سوری‌ها، توانست دامنه نفوذ خود را افزایش دهد، به گونه‌ای که این دوره به «عصر طلایی» آنها معروف شد» (روزنامه کیهان، شوال ۱۴۲۶ - ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۸۴، پنج‌شنبه ۲۶ آبان ۱۳۸۴).

بنابراین مخالفان احباش به این نتیجه رسیدند که: «فرقه احباش در لبنان، توسط دستگاه اطلاعاتی سوریه به وجود آمده است و بین ایشان و رؤسای سازمان اطلاعات حزب بعث سوریه روابط پشت پرده‌ای وجود داشته است؛ این ارتباط علاوه بر این‌که موجب نفوذ احباش در لبنان

گردیده است، از جانب دیگر، دستگاه اطلاعاتی سوریه در از میان برداشتن مخالفان ایشان همیشه یاریگر آنها بوده است». (<http://www.akhbaruna.com/node/۳۵۶۶>).

عده‌ای از مخالفان فرقه اُحباش معتقدند پیدایش ایشان به حمایت و کمک‌های سرّی شیعیان لبنان ارتباط مستقیم دارد و شیعیان لبنان از جانب ایران حمایت می‌شوند و اصلاً ایران دخالت مستقیم در شکل‌گیری ایشان داشته است. این در حالی است که این مدّعیان برای ادعای خود سندی محکم، ارائه نکرده‌اند. در هر صورت، این مخالفان دو دلیل عمده برای این ادعای خود عرضه می‌کنند: دلیل اول این‌که پیدایش فرقه اُحباش و اوج قدرت‌گیری ایشان با قدرت‌گیری و نفوذ شیعیان، در لبنان و به ویژه دوران سیطره سوریه بر لبنان؛ که از حامیان اصلی شیعیان لبنان می‌باشد همزمان بوده است. ([www.antihabashes.com](http://www.antihabashes.com))، ذیل مقاله «الاحباش لعبة و مکیده شیعیة ضد عقیده اهل السنه» و اصلاً دوره تسلط سوریه بر لبنان «عصر طلایی» فرقه اُحباش به شمار می‌آید. (روزنامه کیهان، پیشین). و دلیل دوم، نزدیکی عقاید کلامی اهل تشیع و فرقه اُحباش می‌باشد.

نگارنده معتقد است اگر چه بین عقاید کلامی اُحباش و امامیه نزدیکی‌هایی وجود دارد، اما نمی‌توان صرف این نزدیکی را، ملاک و معیار به وجود آمدن اُحباش از جانب ایران و سوریه دانست.

### بخش دوم

## مبانی و آرای اعتقادی اُحباش و موضع آنان در قبال سایر فرقه‌های اسلامی)

### جایگاه علم کلام

جایگاه علم کلام نزد اُحباش بسیار مهم و ارزشمند است. آنان معتقدند پیروانشان قبل از هر علمی می‌بایست کلام بیاموزند تا بتوانند هر چه بهتر مبانی اعتقادی خود را بشناسند. برای تحقق این مهم اُحباش علاوه بر آموزش کلام به صورت رسمی در مدارس نمونه ایمان، به صورت فوق‌برنامه نیز در حلقه‌های تابستانی خود، به مردم و دانش‌آموزان، کلام آموزش می‌دهند. در نگاه کلی می‌توان گفت اُحباش به لحاظ عقیدتی، به مکتب کلامی خاص پای‌بند نیستند، بلکه در میان اعتقادات آنان مبانی کلامی مدارس مختلف دیده می‌شود. به همین دلیل گاهی ما شیخ عبدالله را جهمی، و گاهی مرجئه و گاهی جبری و... می‌بینیم.

اُحباش هم‌چون معتزله معتقدند اولین واجب دینی، شناخت خالق است و تا خالق شناخته نشود، عبادت معنا ندارد. شناخت خالق نزد آنان فطری نیست، بلکه نظری و اکتسابی است برای شناخت خالق لازم است فرد به علم کلام آشنا باشد. شیخ عبدالله در اختلاف بین متکلمین نسبت به ضروری - فطری - یا نظری - اکتسابی - بودن معرفت خداوند، نظری بودن معرفت‌الله را ترجیح داده است:

«عده‌ای از ایشان [متکلمان] معتقدند که معرفت خداوند ضروری [فطری] است و نیازی به تفکر و نظر ندارد. امام فخر رازی که یکی از معتقدان به این نظریه است در المعالم می‌گوید: «علم به آن در فطرت کودک سرشته شده است، اگر شما از موضعی که کودک شما را ببیند به صورت او ضربه‌ای

بزنید و به او بگویید که زنده این ضربه فاعلی نداشت، البته شما را تصدیق نمی‌کند؛ فراتر از این در نهاد چهارپایان نیز این حس نهفته است؛ مثلاً الاغ چون صدای چوب را حس کند، عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ چون در فطرت او این‌گونه سرشته شده است که صدای چوب بدون وجود خود چوب محال است» (فخر رازی، معالم اصول الدین، بی‌تا، ص ۲۹ و همو، تفسیر کبیر، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۹۱).

گروهی دیگر معتقدند که معرفت خداوند اکتسابی و نظری است. این رأی صحیح است، الا این - که حصول این معرفت با نظر قریب امکان‌پذیر است. به خاطر همین قربت نظر، عده‌ای پنداشته‌اند معرفت‌الله ضروری می‌باشد. شیخ عبدالله در شرح کلام طحاوی می‌گوید: «ارکان ایمان شش چیز می‌باشد که مهم‌ترین آنها ایمان قلبی و بزرگ‌ترین آنها تصدیق وجود خداوند است...» (حشی، اظهار العقیده السنیه، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۰).

شیخ عبدالله در تأویل صفات الله، بر سبیل اشاعره متأخر که به جهمی نزدیک‌اند، رفته است. بنابراین بدون ضابطه، صفات الله را تأویل می‌کند. وی معتقد است نمی‌توان دو صفت «غضب» و «رضاء» را به الله نسبت داد. تقریباً شیخ عبدالله حشی در تمامی کتاب‌هایش بحث درباره صفات الله را مطرح کرده است و به این مقوله علاقه ویژه‌ای نشان داده است، تا جایی که در این موضوع کتاب مستقلی نگاشته است به نام: «شرح الصفات الثلاث عشرة الواجبه لله تعالی» (نجیمی، پیشین، ص ۳۷۸).

شیخ عبدالله مذهب حق در باب صفات را مذهب اشاعره و ماتریدیه - که به زعم وی این دو مکتب مذهب اهل سنت و جماعت می‌باشد - می‌داند. (پیشین).

شیخ عبدالله هر صفتی را غیر از صفات دوازده‌گانه که در کتاب «شرح الصفات الثلاثة عشره» از آنها نام می‌برد، تأویل می‌کند، زیرا وی معتقد است اگر این کار را انجام ندهیم، بیان این صفات به شکل ظاهری خود مستلزم تشبیه است. (حشی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۸).

در باب ایمان، اُحباش پیرو مکتب ارجاء می‌باشند؛ به این ترتیب که عمل را از ایمان به تأخیر می‌اندازند. از این رو نزد آنان یک فرد تا زمانی که در زندگی یک مرتبه «لا اله الا الله» را بر زبان جاری کرده است، اگر چه تارک نماز و فرایض بوده و مرتکب محرمات شده باشد، مؤمن به شمار می‌آید. علاوه بر این، ایمان نزد اُحباش نقصان و زیادت نمی‌پذیرد؛ از این رو عمل داخل در مسمای ایمان نیست. اُحباش معتقدند تعریف ایمان در لغت عبارت است از «تصدیق»، بنابراین این معنا از ایمان را معنای شرعی آن قلمداد می‌نمایند؛ به همین دلیل، شهادتین به زبان را شرط دانسته‌اند، و حال این‌که عمل در نزد ایشان داخل در مقوله ایمان نیست.

شیخ عبدالله در خاتمه کتب «الصرات المستقیم» می‌نویسد: «خلاصه بحث در این باب [ایمان] این است که هر کس الله و رسولش را بشناسد و این را لفظاً بیان دارد، اگر چه یک مرتبه در عمر باشد و بدان معتقد باشد، او مسلمان و مؤمن است...، لذا برای هر کس اصل ایمان و اسلام ثابت گردید و بدان معتقد شد [به ترتیبی که در بالا ذکر آن آمد]، اگر چه اقدام به اقامه فرایض و تکالیف

عملی از قبیل نمازهای پنج‌گانه و روزه رمضان نکند و از ارتکاب به محرّمات اجتناب ننماید؛ مادامی که بر این حال بمیرد، قبل از این که توبه کند، قطعاً از خلود ابدی در آتش [جهنّم] نجات خواهد یافت؛ بدین ترتیب که خداوند با گروهی مسامحه خواهد کرد و ایشان را داخل در جنّت بدون هیچ عذابی، خواهد نمود. و گروهی را پس از عذاب از آتش خارج نموده به جنّت داخل خواهد نمود؛ و اما این که با چه کسانی مسامحه خواهد شد و با چه کسانی مسامحه نخواهد شد، خداوند آگاه است». (حبشی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۷).

شیخ عبدالله و پیروانش معتقدند: «زیادت و نقصان در ایمان نیست. بنای این نظر بر این رأی استوار است که اصل تصدیق یک چیز است و متفاوت و مختلف نیست و اگر تفاوتی هست در صفات آن است [نه در ذات آن]». شیخ عبدالله اختلاف در این مسئله را لفظی می‌داند. وی در شرح سخن [امام] طحاوی می‌گوید: «ایمان یکی است و ایمان‌داران در دارا بودن اصل آن با هم مساوی هستند؛ اگر تفاضلی هست به واسطه خشیت، تقوا و مبارزه با نفس... می‌باشد». (حبشی، اظهار العقیده السنیة، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۸-۲۲۹).

در باب نبوت، احباش نبوت را اثبات می‌کنند و آن را جزء ارکان ایمان می‌دانند؛ اما ایشان اثبات نبوت را به وسیله معجزات ممکن می‌دانند: «در نظر ایشان مادامی که معجزه نباشد، تصدق انبیا ممکن نخواهد شد». (حبشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲-۳۴، همو، ۱۴۱۰، ص ۱۵۰).

أحباش از این که همه صحابه را عادل بدانند، امتناع می‌ورزند و صفت عدالت را مختصّ طبقه بالای صحابه [وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ] می‌دانند و کسانی را که در این دسته قرار نمی‌گیرند، داخل در عدالت نمی‌دانند. (حبشی، إظهار العقیده السنیة، ص ۲۹۷-۲۹۸).

شیخ عبدالله درباره مسئله فتنه بین اصحاب می‌گوید: «جمیع کسانی که با علی جنگیده‌اند، گناهکار می‌باشند». وی معتقد است کار ایشان در دایره اجتهاد قرار نمی‌گیرد، بلکه کار آنها گناه واضح و روشنی می‌باشد. وی در قصیده‌ای که سروده است به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند:

يقول عبدالله هو الهرري الاشعري الشافعي العبدري  
الحمد لله الذي قد شرعا مذهب اهل الحق ان يتبعوا  
ان الذين قاتلوا علياً من الصحاب أثموا جلياً

هم‌چنین شیخ عبدالله علمایی را که حوادث بین صحابه را بر اجتهاد حمل نموده‌اند، مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است: «کلام ایشان شطح می‌باشد». (حبشی، ۱۴۱۰، ص ۲۴۳-۲۴۴).

نظر شیخ عبدالله درباره بدعت این است که دو نوع بدعت وجود دارد: ۱- بدعت حسنه: که سنت حسنه نیز نامیده می‌شود و عبارت است از محدثی که موافق قرآن و سنت است؛ ۲- بدعت سیئه: که سنت سیئه نیز نامیده می‌شود و عبارت است از محدثی که مخالف قرآن و حدیث [سنت] می‌باشد. (حبشی، ۱۴۱۳ق، ص ۹۴-۹۵).

در خصوص شفاعت، شیخ عبدالله در شرح عقاید نسفیه و تفسیر حدیث «شفاعتی لاهل الکبائر من امتی»، می‌نویسد: «معنای این حدیث این است که نیازمندان به شفاعت نبی ﷺ مرتکبان گناهان کبیره هستند و نه غیر ایشان چرا که غیر ایشان نجات یافتگان هستند و نیازی به شفاعت ندارند». (حبشی، المطالب الوفیه، ص ۱۲۷-۱۲۸؛ همو، ۱۳۹۷ق، ص ۱۳۷).

أحباش تلاشی خستگی‌ناپذیر برای ترویج فرهنگ تقدیس قبور بین مسلمانان از خود نشان می‌دهند؛ از این رو به صورت متعدّد در نشریه منارالهدی و بر روی سایت اینترنتی خود عکس‌های زیادی از ضریح قبور چاپ می‌کنند و ضمن این تصاویر مقالاتی که در آنها مردم را به توسّل، تبرک و استغاثه فرامی‌خوانند، به چاپ می‌رسانند. هم‌چنین شیخ عبدالله در بیان دلیل تألیف کتاب «المقالات السنیة فی کشف ضلالات ابن تیمیه» می‌گوید:

«هدف از بیان این اجماع بر جواز توسّل به انبیا و اولیا بعد از وفاتشان و توجّه و زیارت قبور ایشان به قصد تبرک، شرک نیست و اگر کسی قبری را برای تبرک لمس نماید، جایز می‌باشد و این عمل شرک نیست و حرام نیز نمی‌باشد، می‌باشد» (حبشی، المقالات السنیة، ۱۴۱۷ق، ص ۹).

### أحباش و سایر فرقه‌ها و علمای اسلام

از مطالعه آثار شیخ عبدالله حبشی چنین برمی‌آید که وی و شاگردانش به علمای سلفی و وهابی و در کل با کسانی که با تصوّف میانه خوبی ندارند، روی خوش نشان نمی‌دهند؛ این نوع دید، تمامی علمای گذشته و حال را شامل می‌شود: «شیخ عبدالله یکی از بزرگان علمای گذشته به نام امام عثمان بن سعید دارمی را چنین وصف می‌کند: «وی از رؤوس مشبهه بود» (پیشین، ص ۸۹۶).

هم‌چنین از علمای گذشته أحباش، «امام الاثمه» [ابن خزیمه] را تکفیر می‌کند و کتاب وی «التوحید» را کتاب شرک می‌نامند» (نجیمی، ج ۲، ص ۱۱۶۷).

شیخ عبدالله درباره امام ذهبی می‌نویسد: «هنگامی که از ذهبی به عنوان خبیث صحبت شود، وی در آن جایگاه قرار می‌گیرد؛... که ذهبی از جمله کسانی بود که قلبشان از توسّل به نبی رویگردان می‌باشد». (حبشی، المقالات السنیة، ص ۱۱۲).

این خلاصه‌ای از اعتقاد أحباش و شخص شیخ عبدالله درباره علمای گذشته بود که لبه تیز حملات آنها متوجه ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب می‌باشد.

و اما اعتقاد ایشان درباره علمای معاصر:

شیخ عبدالله درباره شیخ آلبانی می‌گوید: «وی اگر مسلمان مرده باشد...» (حبشی، ۱۴۰۵ق، ص ۸۹) و چنان که گفته شد، اختلاف آلبانی و شیخ عبدالله بر سر احادیث، عمیق بود. شیخ عبدالله به علم آلبانی در علم الحدیث اعتقادی نداشت؛ این در حالی است که امت اسلامی در دوره معاصر وی را محدث بزرگی می‌دانستند. شیخ عبدالله درباره وی می‌نویسد: «بداند [آلبانی] و پیروانش، آن چه از

حدیث تصحیح یا تضعیف نموده است، در قانون اهل حدیث بیهوده می‌باشد و اعتباری ندارد...» (حبشی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۱).

شاگردان شیخ عبدالله، شیخ آلبانی را تکفیر می‌کنند و او را «گمراه گمراه کننده می‌نامند» (صریح البیان، ۱۸۰-۱۸۱). در نظر آنان آلبانی متهم است به این که فتوا به خراب کردن قبر رسول ﷺ داده است و معتقدند وی به منتقل کردن قبر پیامبر از مدینه منوره به صحرا فتوا داده است (نجیمی، ج ۲، ص ۱۱۶۹، به نقل از: منار الهدی، شماره ۳۹، ص ۴۸).

شیخ عبدالله درباره شیخ سید سابق می‌گوید: «وی مجوسی است، اگر چه ادعا کند از امت محمد می‌باشد» (حبشی، ۱۴۰۷، ص ۳۷).

علمای دیگری که در تیررس اتهامات أحباش قرار دارند عبارت‌اند از: مفتی سابق لبنان شیخ حسن خالد، که او را تکفیر می‌کنند. آنها هم‌چنین عبدالعزیز بن عبدالله بن باز را تکفیر می‌کنند و معتقدند وی فتوای‌هایی در خشنودی شیطان و صهونیست‌ها صادر کرده است (نجیمی، پیشین، ص ۱۱۷۱، به نقل از: منار الهدی، شماره ۳۰، ص ۳۴) و از وی به عنوان حلیف صهونیست‌ها نام می‌برند. (پیشین).

أحباش استاد سید قطب را نیز تکفیر می‌کنند: «کتابی تحت عنوان «النهج السوی فی الرد علی سید قطب و تابعه فیصل مولوی» نگاشتند. ایشان در این کتاب به سید قطب می‌تازند؛ نیز به قاضی فیصل مولوی که به دفاع از سید برخاسته است. شیخ حسن قاطرجی - رئیس جمعیت علمای اسلامی لبنان - را تکفیر می‌کنند و کتابی در رد وی نوشته‌اند به نام: «القول الفصل المنجی فی الرد علی حسن قاطرجی» (حبشی، پیشین).

از دیگر شخصیت‌های اسلامی که توسط أحباش تکفیر شده‌اند، می‌توان از یوسف قرضاوی نام برد. آنها کتاب‌هایی در رد وی نگاشته‌اند، از جمله: «النقض الکاوی علی یوسف القرضاوی»، «تنبه المسلمین من ضلالات یوسف القرضاوی» تألیف دکتر سید ارشاد احمد البخاری مدیر کل مرکز پژوهش‌های اسلامی در بنگلادش<sup>۱</sup>، «القرضاوی فی العراء: دراسة نقدیه منهجیه موثقه تبین مخالفات القرضاوی لصحیح النقل و صریح العقل». در خاتمه این کتاب أحباش توصیه می‌کنند که مسلمانان نمی‌بایست حتی برای یک لحظه و نیز برای آگاهی از اشتباهات قرضاوی کتاب‌های وی را مطالعه نمایند، چون بلافاصله فریفته می‌شوند. (پیشین).

علاوه بر این: «بر روی شبکه‌های اینترنتی مقالات متنوع و مختلف علیه وی نگاشته‌اند. دلیل این دشمنی با قرضاوی این است که ایشان از وی خواسته‌اند که ابن تیمیّه را تکفیر نماید، و چون مقاومت کرده است با وی دشمن شده‌اند» (نجیمی، پیشین، ص ۱۱۷۳).

۱- این کتاب توسط نگارنده از سایت: <http://alhabashi.info/FAQ> دانلود شده است.

هم‌چنین أحباش «مفتی جبل لبنان شیخ محمدعلی جوزو که در رد أحباش کتاب «إطلاق الأعتة فی الكشف عن مخالفات الحبشی للکتاب و السنه» را نگاشته است، تکفیر می‌کنند» (پیشین). باید اضافه کرد که عمده این شخصیت‌ها یا اخوانی هستند و یا سلفی: «شیخ فیصل المولوی (لبنان)»، «شیخ عبدالله یوسف الجدیع (انگلیس)»، «شیخ سعید الباذنجی (انگلیس)»، «شیخ محمد فؤاد البرازی (دانمارک)»، «شیخ راشد الغنوشی (تونس)»، «شیخ عصام احمد البشیر (سودان)»، «شیخ عبدالرحیم الطویل (اسپانیا)»، «شیخ محمد مجاهد بلژیکی»، «شیخ علی یوکسال (شیخ الاسلام در اروپا که اصالتاً اهل ترکیه می‌باشد)»، «دکتر احمد الراوی (لندن)»، «شیخ حسن حلاوة (ایرلند)»، «شیخ محمد رشید رضا (مصر)»، «حسن الترابی (سودان)» و... (القرضاوی فی العراء، پاورقی ص ۱۸).

علاوه بر این، أحباش کتابی را با عنوان: «رسالة تحذیر من فرق الضلال الثلاث الوهابیه و جماعة حزب الإخوان و أتباع سید قطب و جماعة حزب التحرير أتباع تقی الدین النبهانی»، نگاشته‌اند.

أحباش با دانشگاه الأزهر مصر نیز روابط خوبی ندارند؛ دلیل این امر نیز این است که در دیداری که مدیر الأزهر دکتر احمد عمر هاشم از لبنان داشت، أحباش با وی دیدار کردند. این دیدار باعث گردید که أحباش اعلام کنند که مجوز تأسیس شعبه‌ای از الأزهر، از جانب وی برای ایشان صادر گردیده است. دکتر احمد عمر هاشم این مطلب را تکذیب کرد و این خود باعث کدورت بین أحباش و وی گردید و آنها وی را تکفیر کردند. این قضیه برای أحباش بسیار سنگین بود، زیرا الأزهر نماینده اشاعره در دنیای تسنن می‌باشد و أحباش نیز مدعی پیروی از ابوالحسن اشعری می‌باشند. این قضیه تا حدی جمعیت‌المشاریع الخیریه را زیر سؤال برد.

### نتایج پژوهش

نگارنده با هدف شناساندن فرقه أحباش به جامعه علمی فارسی‌زبان، این پژوهش را انجام داده است. آنچه در پی می‌آید، نتایج پژوهشی مفصل است که به اختصار بخشی از آن در این مقاله آمده است.

- شناخت عبدالله حبشی هرری هنوز از لابه‌لای منابع به صورت قطعی ممکن نگردیده است. این که وی در اتیوپی مدافع مسلمانان بوده است و یا همراه حاکمان مسیحی بوده، در حاله‌ای از ابهام می‌باشد. اگر چه منابع مخالف و موافق در نظرات خود به صورت قطعی نظر داده‌اند، اما نگارنده از منابع در دسترس به نتیجه‌ای قطعی نرسیده است. آنچه برای نگارنده محقق گردید، این است که در محیط تصوف‌زده‌ای که عبدالله هرری در آن پرورش یافت، اگر هر کس دیگری نیز پرورش می‌یافت، شاید همین اعتقادات را داشت.

- آثار تألیفی شیخ عبدالله بیشتر شرح و تلیف می‌باشد.

- منابع مالی أحباش برای نگارنده ناشناخته مانده است، هر چند تاکنون هیچ منبع دیگری نیز نتوانسته است به طور قطع به منابع مالی أحباش اشاره نماید.

- نگارنده به این نتیجه رسید که اختلاف أحباش در بعضی از مبانی اعتقادی و کلامی، به دلیل استناد آنان به منابع نقلی شاذ می‌باشد؛ برای مثال، اگر اکثریت مسلمانان در مسئله‌ای به اجماع رسیده‌اند، أحباش به نتیجه‌ای متفاوت در همان باب رسیده‌اند؛ مثل مسئله شفاعت.

- جایگاه علم کلام در نزد أحباش بسیار مهم و ارزشمند می‌باشد. آنان معتقدند پیروانشان قبل از هر علمی باید کلام بیاموزند تا بتوانند هر چه بهتر مبانی اعتقادی خود را بشناسند. برای تحقق این مهم أحباش علاوه بر آموزش کلام به صورت رسمی در مدارس نمونه ایمان، به صورت فوق برنامه نیز در حلقه‌های تابستانی خود، به مردم و دانش‌آموزان کلام آموزش می‌دهند.

- أحباش همچون معتزله معتقدند اولین واجب دینی، شناخت خالق است و تا خالق شناخته نشود، عبادت معنا ندارد. شناخت خالق نزد آنان فطری نیست، بلکه نظری و اکتسابی است. برای شناخت خالق فرد باید با علم کلام آشنا باشد.

- أحباش به لحاظ عقیدتی به مکتب کلامی خاصی پای‌بند نیستند، بلکه در میان اعتقادات آنان مبانی کلامی مدارس مختلف دیده می‌شود. به همین دلیل گاهی شیخ عبدالله را جهمی، گاهی مرجئه و گاهی جبری و... می‌بینیم.

- شیخ عبدالله در تأویل صفات الله بر سبیل اشاعره متأخر که به چهیمیه نزدیک‌اند، رفته است. بنابراین مشاهده می‌شود که بدون ضابطه، صفات الله را تأویل می‌کند. وی معتقد است نمی‌توان دو صفت «غضب» و «رضاء» را به الله نسبت داد. أحباش معتقدند اگر کسی صفاتی مثل «علو» را برای خداوند ثابت کند، کافر شده است.

- در باب ایمان، أحباش پیرو مکتب ارجاء می‌باشند؛ به این صورت که عمل را از ایمان به تأخیر می‌اندازند. از این رو آنان معتقدند وقتی شخص یک مرتبه در زندگی «لا اله الا الله» را بر زبان جاری کرده است، اگر چه تارک نماز و فریاض باشد و مرتکب محرّمات شده باشد، مؤمن به شمار می‌آید. علاوه بر این، ایمان نزد أحباش نقصان و زیادت نمی‌پذیرد؛ از این رو عمل در مسمای ایمان داخل نیست.

- در مورد صحابه، أحباش بر طریق امامیه رفته و برخی از صحابه را عادل می‌دانند.  
- در باب استغاثه، استعانت و استعاذه از صاحبان مقابر، به واسطه قرب آنان نزد الله، بر طریق امامیه، رفاعیه و نقشبندیه رفته‌اند.

- أحباش در مسئله «قدر» پیرو مکتب جبر بوده و معتقدند کافر از جانب الله بر کفرش می‌ماند و اگر اعانت الهی نباشد، کافر نمی‌تواند بر طریق کفر بماند.

- در باب توحید، أحباش فقط به توحید ربوبیت معتقدند، از این رو استغاثه، استعانت، استعاذه و... از غیر الله را نقصانی برای توحید خداوند نمی‌دانند.

- أحباش معتقدند نبی فقط از طریق معجزه قابل شناخت می‌باشد.

- أحباش معتقدند بدعت دو گونه است: بدعت سیئه و بدعت حسنه؛ بدعت سیئه ناپسند می‌باشد.

- أحباش معتقدند کسانی که به توسل و تبرک به نبی معتقد نیستند، کافر می‌باشند. از طرف دیگر، آنها معتقدند مؤمنان در قیامت به شفاعت نبی محتاج نیستند و شفاعت نبی فقط مخصوص اهل کبایر می‌باشد. (این اعتقاد در باب شفاعت نبی از جمله بدعت‌های أحباش می‌باشد).

- روابط أحباش با جمیع فرقه‌های تصوّف غیر از تیجانیه حسنه می‌باشد.

- أحباش در فقه به‌رغم مدعای خود فقط پیرو مکتب فقهی محمد بن ادریس شافعی نمی‌باشند، بلکه در بعضی موارد به فتاوی مخالف شوافع نیز عمل می‌نمایند.

- أحباش در بین اکثریت فرقه‌ها و احزاب اسلامی معاصر غیر از طرق صوفیه، منفور می‌باشند و روابطی خصمانه با هم دارند.

- أحباش بزرگ‌ترین دشمنان خود را سلفی‌ها و اخوان‌المسلمین و حزب‌التحریر می‌دانند.

- نگارنده معتقد است اگر چه در ابتدا أحباش به اندک تساهل و تسامح با سایر فرقه‌های اسلامی عمل می‌کردند، اما به محض قدرت گرفتن کاملاً از فرقه‌ای منفعل به گروهی فعال تبدیل شدند و در برابر دشمنان خود مواضعی خصمانه در پیش گرفتند.

### منابع و مأخذ

۱. جماعة من الباحثين، الاحزاب و الحركات و الجماعات الاسلاميه، مركز عربي للدراسات الاستراتيجية، دمشق، ۲۰۰۰م.
۲. جهني، د. مانع بن حماد، الموسوعة الميسرة في الاديان و المذاهب و الاحزاب المعاصرة، دار الندوة العالمية للطباعة و النشر و التوزيع، رياض، چاپ چهارم، ۱۴۲۰م.
۳. حبشي، عبدالله، اظهار العقيدة السنية بشرح العقيدة الطحاوية، دارالمشايخ للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۱۷ق.
۴. \_\_\_\_\_، بغية الطالب لمعرفة العلم الديني الواجب، دارالمشايخ للنشر و التوزيع، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۵. \_\_\_\_\_، التعقيب الحثيث على من طعن فيما صح من الحديث أو تحقيق البيان في سبحة أهل الإيمان، دارالمشايخ للنشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۰۵ق.
۶. \_\_\_\_\_، الدليل التوفيم على الصراط المستقيم، بی‌نا، بيروت، ۱۳۹۷ق.
۷. \_\_\_\_\_، شرح الصفات الثلاث عشرة الواجبه لله، دارالمشايخ، بيروت، ۱۴۱۶ق.
۸. \_\_\_\_\_، الصراط المستقيم، دارالمشايخ للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۱۳ق.
۹. \_\_\_\_\_، صريح البيان في الردة على من خالف القرآن فأنكر كفر ساب النبي، دارالمشايخ للنشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۱۰ق.

۱۰. الحبشي، عبدالله، المطالب الوفيه شرح العقيدة النسفيه، دارالمشاريح للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۱. \_\_\_\_\_، المقالات السنّيه في كشف ضلالات احمد بن تيمّيه، دارالمشاريح للنشر و التوزيع، بيروت، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. دمشقيه، عبدالرحمن، موسوعة اهل السنّه في نقد اصول فرقة الأحباش و من وافقهم في أصولهم، دارالمسلم للنشر و التوزيع، رياض، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۳. شهراني، سعد بن علي، فرقة الأحباش: نشأتها- عقائدها- آثارها، دارعالم الفوائد، مكة مكرّمه، ۱۴۲۲ق.
۱۴. فخر رازي، أبو عبدالله محمد بن عمر، المعالم اصول الدين، تحقيق: طه عبدالرئوف، مكتبة الكليات الأزهرية، قاهره، بي تا.
۱۵. القرضاوي في العراء.
۱۶. هري، يوسف عبدالرحمن، المؤامرة الكبرى بكلب على الجمعيّات الوطنيّه الاسلاميه و مدارسها بھر عام ۱۳۶۷ق / ۱۹۴۸م، مذكرة مطبوعه، بي تا، بي جا، بي تا.

#### مصاحبه

۱. مصاحبه با استاد اسعد سحمراني، استاد فلسفه دانشكده امام اوزاعي لبنان، كنفرانس وحدت اسلامي، فروردين ۱۳۸۶.

#### مقالات

۱. «جمعيّات الأحباش لبنان و قضيه ترور حريري» روزنامه كيهان، شوال ۱۴۲۶- ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵- سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۸۴، ۱۴، پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۳۸۴.
۲. نجيمي، محمد بن يحيى، مقاله: «فرقة الأحباش... بين الدين و السياسة و الإرهاب»، ارائه شده در سايت: [www. saudiinfocus. com](http://www.saudiinfocus.com)
۳. مقاله «الأحباش لعبة و مكيدة شيعية ضد عقيدة اهل السنه»، ارائه شده در سايت: [www. antihabashis. com](http://www. antihabashis. com)

#### سايت ها

۱. [www. alhabashi. info](http://www. alhabashi. info)
۲. [www. akhbaruna. com](http://www. akhbaruna. com)

www. alhabashi. info

پيشگامان تقريب

## یادآوری

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی مسلمانان است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه و جبهه همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر حمله‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های درازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌ظنیش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و بی‌پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی یکی از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده است.

## «هم‌زیستی گروه‌های مختلف در اندیشه فتح‌الله گولن»

علاءالدین ملک‌اف<sup>۱</sup>

### چکیده

جنبش فتح‌الله گولن (Fethullah Gülen) گرچه ممکن است در ظاهر جنبشی غیرسیاسی و بی‌اهمیت به نظر بیاید، اما از جهات قابل‌توجهی پراهمیت و شایان توجه است. توجهی گذرا به جنبش‌های اسلامی حاضر در جهان اسلام و به خصوص منطقه پراهمیت خاورمیانه نشان می‌دهد که بیشتر جنبش‌های اسلامی موجود جنبش‌های بنیادگرا و دارای ضدیت با هم‌زیستی هستند. این جنبش‌ها عمدتاً سیاسی بوده و هدف آنها فتح دستگاه دولتی و پس از آن حاکم کردن تفسیری قشری و ضد تجدد از اسلام بر جامعه است. جنبش آموزشی فتح‌الله گولن در این میان وضعیتی متفاوت دارد.

واژگان کلیدی: هم‌زیستی گروه‌های مختلف، جنبش آموزشی، نسل طلایی، فتح‌الله گولن.

### مقدمه

فتح‌الله گولن، روشن‌فکر مسلمان ترک در سال ۱۹۴۱ در روستایی نزدیک ارزروم در شرق آناتولی و نزدیک مرز ایران و ارمنستان زاده شد. گولن که ۶۹ سال از بهار عمرش گذشته است، نویسنده تئوری پرداز و عالم مذهبی و صوفی ترک است که بیشتر عمر خود را وقف یافتن پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل کرده است که آیا چنین امکانی میسر است که یک معتقد مذهبی تمام‌عیار باشیم و در عین حال با مردم مذاهب دیگر نیز روابط خوبی داشته باشیم؟ افزون بر این، آیا می‌توانیم در برابر ایده‌های جدید و روش‌های جدید فکری نیز با بینش و فکری باز برخورد کنیم؟ (Shahrvandemrouz.com)

چند وقت پیش، وقتی نشریات معتبر جهان، «فارین افیرز» (Foreign Affairs) ارگان رسمی شورای روابط خارجی آمریکا، «فارن پالسی» ایالات متحده و «پراسپکت» انگلیس از خوانندگانشان

۱- دانش‌پژوه دکتری فلسفه.



خواستند که مهم‌ترین روشن‌فکران عرصه عمومی را مشخص کنند کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند یک عالم دینی ترک با اختلاف بسیار زیادی مقام اول را از آن خود کند. به هر حال، فتح‌الله گولن، روشن‌فکر دینی اهل ترکیه که رهبر معنوی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به شمار می‌آید از سوی مردم و متفکران به عنوان تأثیرگذارترین روشن‌فکر دنیا انتخاب شد. او در کشورش از دید عده‌ای

۱- مجله «سیاست خارجی» در آمریکا که نشریه شماره یکم سیاست جهانی به حساب می‌آید، به اتفاق مجله‌ای در انگلستان لیستی از نویسندگان، سیاست‌مداران، فعالان اجتماعی و فرهنگی شناخته شده گیتی را نشر نموده و از خوانندگانشان خواستند تا بگویند چه شخصیت‌هایی بر روند تفکر بشر دوران ما تأثیر بیشتری داشته است.

در این رأی‌گیری که بیشتر از پنجاه هزار نفر در آن شرکت نموده بودند به صد روشن‌فکر جهانی از قبیل نوام چومسکی و فرانسیس فوکویاما و برنارد لوئیس و امثال ایشان رأی دادند. نتیجه‌ای که از رأی‌گیری به دست آمد هم برای کارمندان مجله و هم برای مردم آمریکا بسیار شگفت‌انگیز بود. آن‌چه بیشتر از همه مایه حیرت ایشان شده بود هویت دینی شخصیت‌هایی بود که در ترتیب اول تا دهم این لیست جا گرفته بودند. اندیشه‌ساز اول این لیست فتح‌الله گولن دانشمند مسلمان و اصلاح‌گر نام‌آور ترکیه بود که از نه سال پیش بدین سو بدون جرمی از کشورش تبعید گردیده و در آمریکا اقامت گزیده است. جناب فتح‌الله گولن دارای ویژگی‌هایی است که کمتر کسی متصف به آن دیده می‌شود که یکی از آن ویژگی‌ها فروتنی بیش از حد وی می‌باشد.

شخصیت دوم این لیست، محمد یونس اقتصاددان مشهور بنگلادشی بود که در سال ۲۰۰۶ جایزه نوبل را به دست آورد. آقای محمد یونس مبتکر سیستم بانکی‌ای است که در مبارزه با فقر سرآمد دنیای ما شده است. بانکی را که وی رهبری می‌کند، مبلغ هفت بلیون دلار به هفت ملیون بینوا قرض داده است که ۹۷ درصدشان را زنان تشکیل می‌دهند.

شخصیت سوم این لیست، یوسف القرضاوی دانشمند مسلمان مصری و رئیس انجمن جهانی دانشمندان مسلمان بود که از سال‌ها پیش به این طرف در قطر زندگی می‌کند.

شخصیت چهارم این لیست، اورحان پاموک داستان‌نویس مشهور ترکیه بود که در سال ۲۰۰۶ جایزه نوبل را گرفت. اورحان در عرصه‌های دین، دموکراسی و مدرنیته می‌نویسد.

شخصیت پنجم، اعتزاز احسن از قانون‌دانان و سیاست‌مداران پاکستانی است.

شخصیت ششم، عمرو خالد است. آقای عمرو با آن‌که در زمینه محاسبه تخصص دارد ولی در جهان عرب به عنوان دانشمندی دینی و اصلاح‌گری اجتماعی شهرت یافته است.

شخصیت هفتم این لیست، عبدالکریم سروش، استاد پیشین دانشگاه تهران می‌باشد که در عرصه‌های دین، فرهنگ، سیاست، فلسفه و تصوف قلم می‌زند.

شخصیت هشتم این لیست، طارق رمضان دانشمند مسلمان سویسی است که در اصل، نواده امام حسن البنا اصلاح‌گر مشهور مصری می‌باشد.



برای نظم سکولار تهدید به حساب می‌آید و در حال حاضر در ایالات متحده به سر می‌برد. گولن که بسیار کم به مصاحبه تن می‌دهد در گفت‌وگویی با فارن پالسی از تفرش از تروریسم و بلندپروازی‌های سیاسی و نیز از این‌که چرا جنبش او به درستی فهمیده نشده، سخن گفته است.

در این‌جا بعضی از پرسش و پاسخ‌های وی که در مصاحبه فارن پالسی آمده است، به دلیل اهمیت دیدگاه‌هایش ذکر می‌گردد:

- وقتی به عنوان تأثیرگذارترین روشن‌فکر جهان انتخاب شدید چه حسّی داشتید؟

- من هیچ وقت تصور نمی‌کردم به عنوان شخصیتی مهم در دنیا انتخاب شوم، و البته چنین آرزویی هم نداشتم. همیشه تلاش کرده‌ام که بنده خاکسار خداوند و عضو فروتن جامعه بشری باشم. قرآن می‌گوید بشر آفریده شده تا خداوند را بشناسد و پرستش کند. یکی از معیارهای پرستش خداوند این است که تلاش کنیم - با دوری از فساد و خشونت - وضع جهان بهتر شود. این نیازمند آن است که ما بتوانیم با تمام موجودات زمین همدردی داشته باشیم و دنیا را از منظر آنها ببینیم. فلسفه زندگی من همین است که من را وادار می‌کند از عناوین و رتبه‌بندی‌ها دوری کنم. البته نسبت به

➔ شخصیت نهم این لیست، محمد ممدانی مسلمان اوگاندایی است که از طرف دیکتاتور مشهور اوگاندا، عیدی امین، تبعید شده بود و امروز در دانشگاه کلمبیا تدریس می‌کند و در عرصه اسلام و سیاست می‌نویسد.

شخصیت دهم این لیست، شیرین عبادی، فعال اجتماعی ایرانی می‌باشد که در زمان شاه به عنوان قاضی فعالیت می‌نمود. عبادی با آن‌که در آغاز از جمله طرفداران جمهوری اسلامی ایران بود ولی اکنون در صف مخالفان آن نظام قرار دارد. شیرین عبادی اولین ایرانی بود که در سال ۲۰۰۳ جایزه صلح نوبل را از آن خود نمود.

ده تن دیگری که در این لیست قرار گرفته‌اند، به ترتیب عبارت‌اند از:

۱۱- نوام چامسکی؛

۱۲- الگور، معاون رئیس جمهور کلینتون؛

۱۳- برنارد لوئیس، مستشرق آمریکایی؛

۱۴- امبرتو ایکو، داستان‌نویس ایتالیایی؛

۱۵- حرسی علی، زنی از اهالی سومالی که در گذشته ساکن هلند بود و اکنون در آمریکا زندگی می‌کند.

۱۶- امارتیا سن، اقتصاددان هندی که در سال ۱۹۹۸ جایزه نوبل را دریافت کرد؛

۱۷- فرید زکریا، مدیر تحریر نیویوریک؛

۱۸- گیری کسپوری، از فعالان سیاسی روسیه؛

۱۹- ریچارد داوکنز، زیست‌شناس و نویسنده انگلیسی؛

۲۰- ماریو وارگاس، نویسنده و داستان‌نویس کشور پرو. ( [www.bashiransari.com](http://www.bashiransari.com) )

محبت آنهایی که در این نظرسنجی به من رأی دادند بی تفاوت نیستیم. هیچ وقت فکر نمی‌کردم به عنوان مهم‌ترین روشن فکر جهان در عرصه عمومی انتخاب شوم.

– هیچ بلندپروازی سیاسی ندارید؟

– هیچ وقت نداشته‌ام و نخواهم داشت. تنها چیزی که همیشه خواسته‌ام، توانایی برای جلب رضایت خداوند و درست شناساندن او برای دیگر انسان‌هاست.

– آیا اسلام با زندگی سیاسی مسلمانان در نقاط مختلف جهان سازگاری دارد؟

– اسلام دینی است که اصولاً بر جنبه‌های تغییرناپذیر زندگی و حیات تمرکز کرده است و یک سیستم سیاسی فقط مراقب جنبه‌های اجتماعی زندگی مادی ماست. اصول اساسی اسلام در مورد ایمان، عبادت، اخلاقیات و رفتار با تغییر زمان عوض نمی‌شود. اسلام یک نوع مشخص و غیرقابل تغییر دولت را پیشنهاد نمی‌کند. اسلام اصولی بنیادین را به وجود آورده که ما را به سمت درک سیمای کلی دولت رهنمون می‌سازد. پس اسلام یا رفتارهای مسلمانان را سیاست شکل نمی‌دهد.

– پس چرا لائیک‌های ترکیه این قدر به شما مظنون هستند؟

– من فکر نمی‌کنم تعداد زیادی از ترک‌ها نسبت به فعالیت‌های من تردید داشته باشند. البته شماری از ترک‌ها، به دلایلی مشخص، نسبت به داوطلبانی که با جنبش من همکاری می‌کنند بدبین هستند و آنها را در رسانه‌ها “افراطی” قلمداد می‌کنند. تعداد این منتقدین زیاد نیست، اما صدایشان به شدت بلند است و این می‌تواند باعث فریب خوردن تعدادی از ناظران شود.

– در سراسر جهان صدها مدرسه با مدلی که شما پیشنهاد کرده‌اید، یعنی آمیختن علم و مذهب، تأسیس شده است. مدارس را که توسط جنبش گولنیست‌ها مدیریت می‌شود، چگونه کنترل می‌کنید؟

– تنها نقش من در تأسیس این مدارس پیشنهاد دادن به مردم و دلگرم کردن آنها بود. اصلاً غیرممکن است که یک کنترل مرکزی بر آنها وجود داشته باشد. این مدارس در صد کشور دنیا پراکنده‌اند و افراد گوناگونی در تأسیس آنها نقش داشته‌اند. البته ممکن است بعضی از مدارس و مدیرانشان به یک‌دیگر نزدیک باشند و با هم به تبادل تجربه بپردازند.

– به نظرتان بزرگ‌ترین سوءبرداشت در مورد جنبش گولنیست‌ها چیست؟

– من نمی‌توانم مفاهیمی مثل گولنیست و گولنیسم را درک کنم. من فقط یک نویسنده و یک واعظ رسمی در میان مردم بودم. من هیچ تأثیر مستقیمی بر هیچ شخص یا فعالیتی نمی‌گذارم. حتی نمی‌توانم تصور کنم که یک نفر را به انجام کاری یا پذیرفتن عقیده‌ای مجبور کنم. البته ممکن است عده‌ای از مردم برای دیدگاه‌های من احترام قائل باشند و من از این می‌ترسم که نکند آنها با عقاید من گمراه شوند. عده‌ای فکر می‌کنند که من رهبر یک جنبش هستم. عده‌ای فکر می‌کنند یک

سازمان مرکزی مسئولیت همه نهادهایی را که به اشتباه به من مربوط می‌دانند بر عهده دارد. این دسته از ناظران فداکاری‌های آن دسته از مردمی که خود را وقف خدمت به خلق و جلب رضایت خداوند کرده‌اند نادیده می‌گیرند.

آنها سخاوت این مردم را نادیده می‌گیرند. چنین سوءبرداشت‌هایی باعث می‌شود که دیگران نسبت به منابع مالی مدارس ظنین شوند. اقلیت کوچکی در ترکیه من را به داشتن بلندپروازی‌های سیاسی متهم می‌کنند. من حتی توانایی این کار را ندارم، چون در طول سال‌های اخیر با بیماری‌های گوناگونی دست و پنجه نرم کرده‌ام.

– شما اسلامی میانه‌رو و متساهل را تبلیغ می‌کنید. فکر می‌کنید چه چیزی باعث تروریسم می‌شود؟

– اسلام از تروریسم و فعالیت‌های تروریستی متنفر است و آنها را کاملاً محکوم می‌کند. من بارها اعلام کرده‌ام که غیرممکن است یک مسلمان واقعی تروریست شود و یک تروریست را نمی‌توان مسلمان واقعی به حساب آورد. تروریسم یکی از گناه‌های اصلی است که به گفته قرآن کیفر آن آتش جهنم است. باید پذیرفت که مسلمانان در طول سده‌های اخیر در زمینه‌های علم و تکنولوژی عقب افتاده‌اند. جهان اسلام از اختلافات درونی، از اقدامات ضد دموکراتیک و از نقض حقوق اساسی بشر و آزادی رنج می‌برد، اما یک مسلمان هیچ وقت این مشکلات را با روی آوردن به تروریسم حل نمی‌کند. تروریسم محصول چندین مشکل بنیادین است که جهل، فقر و ترس مهم‌ترین آنها می‌باشد. شماری از مردم از جوانان و جاهلان سوءاستفاده می‌کنند، حتی به آنها مواد مخدر می‌خورانند تا دست به چنین جنایاتی بزنند؛ آن هم به خاطر ایده‌آل‌ها و اهداف احمقانه. برای شکست دادن تروریسم باید بپذیریم که همه ما انسان هستیم و خانواده یا نژادمان انتخاب خودمان نبوده است.

ما باید از ترس داشتن از دیگران رها شویم و از گوناگونی در سایه دموکراسی لذت ببریم. من اعتقاد دارم که دیالوگ و آموزش مهم‌ترین ابزار برای نادیده گرفتن اختلافات است.

– دوست دارید روزی به ترکیه باز گردید؟

– به شدت مشتاق دیدار کشورم و دوستانم در آن‌جا هستم. با این همه من مطیع سرنوشت‌م هستم و به هر آن‌چه خداوند حکم دهد، تسلیم می‌شوم.

جنبش گولن در درجه اول جنبشی غیرسیاسی است، اما نوع جهت‌گیری آن پیامدهای سیاسی مهمی در پی دارد. تربیت مسلمان مدرن، دارای اخلاق اسلامی و آموزش‌دیده در علم و دانش معاصر نتیجه فعالیت‌های این جنبش بوده است که بی‌شک اثرگذاری سیاسی در پی خواهد داشت. جنبش

گولن نوعی اخلاق اسلامی را به وجود آورده است که پایه و مایه آن مسئله آموزش است. پیروان این جنبش با مشارکت در نهادهای آموزشی به بخشی از جامعه مدرن ترکیه تبدیل می‌شوند.<sup>۱</sup> در واقع، جنبش گولن مسلمان‌هایی مدرن بار می‌آورد که در عمل به شکل‌گیری جامعه مدرن کمک می‌کنند. پس یکی از وجوه اهمیت گولن آن است که برخلاف جنبش‌های بنیادگرا نه تنها در برابر شکل‌گیری جامعه مدرن مقاومت نمی‌کند بلکه به شکل‌گیری آن نیز کمک می‌کند. دومین وجه اهمیت جنبش گولن را می‌توان انعکاس آن در شکل‌گیری فرهنگ توسعه در ترکیه دانست. اخلاقی که گولن مفهوم‌پردازی می‌کند، بسیار به اخلاق پروتستانی شبیه است. به عقیده ماکس وبر<sup>۲</sup> یکی از دلایل مهم انباشت سرمایه در غرب و عدم شکل‌گیری این فرآیند در شرق، به وجود آمدن نوعی زهد این دنیایی در چارچوب تفسیری کالوینیستی از جهان است.

در اخلاق پروتستانی و زهد این دنیایی تأکید زیادی بر کار بی‌امان وجود دارد. به عقیده وبر همین مسئله باعث شد که پروتستان‌ها فرآیند انباشت سرمایه را پیش ببرند. اخلاق گولن نیز با ترسیم مرگ پیش روی انسان بر لزوم خدمت تأکید بسیاری دارد. این خدمت در درجه اول در قالب کار بی‌امان متبلور می‌شود. شکل‌گیری چنین گفتمانی باعث شده که مسلمانان در فرآیند توسعه در ترکیه با نیرو و توان بسیاری مشارکت کنند. تبلور این امر را می‌توان در حضور پررنگ مسلمانان به خصوص اعضای برجسته فرقه نقش‌بندیّه در صنعت نساجی مستقر در آناتولی (Anadolu) مشاهده کرد.

### ویژگی‌های شخصیتی

گولن خطیبی توانا است که از سن چهارده سالگی خطابه می‌کرده است. وی بیشتر آموزش‌های دینی خود را نزد پدر و در محله خود نزد علما و متصوفه فرا گرفته است. پدرش علاوه بر زبان عربی و ترکی، زبان فارسی را هم به او آموخت.

۱- حزب عدالت یک سازمان پیچیده است که از سوی مجموعه‌ای متفکران اداره می‌شود؛ مردانی مثل «ابراهیم کالین»، فیلسوف علم که ریاست پژوهشگاه SETA را برعهده دارد و «احمد داود اوغلو»، استاد سابق روابط بین‌الملل و استراتژیست سیاست خارجی اردوغان، که در حال حاضر وزیر امور خارجه ترکیه است.

رهبران AK و نیز گولن، برای محافظت از آزادی مذهبی، به شدت خواستار عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هستند اما اکنون که چشم‌انداز دست‌رسی به آن روزبه‌روز کاهش می‌یابد، برخی از متفکران AK مزایای اقتصادی عضویت در اتحادیه را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند و داود اوغلو در مورد نقش جهانی ترکیه - به جای اتحادیه اروپا - سخن می‌گوید. (مجله پراسپکت).

۲- Max Weber، جامعه‌شناس و فیلسوف بزرگ آلمانی.

وی از آغاز فعالیت‌های تبلیغی دینی‌اش، به نسل جوان، به‌ویژه دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان توجه ویژه‌ای داشت، که همین امر باعث می‌شد بسیاری از آنان پس از فراغت از تحصیل به جنبش وی بپیوندند و مروج اندیشه‌های وی باشند.

موضوعات و محورهای مواضع دینی گولن متنوع است؛ از مباحثی مانند نظریه تکامل گرفته تا شیوه‌های جدید آموزش، علوم، اقتصاد و عدالت اجتماعی. وی بحث‌های دینی‌اش را با احساسات، عواطف و بیانی رسا همراه می‌کند و عیبی نمی‌بیند از این که هنگام موعظه، اشکش بر گونه جاری شود. این امر نفوذ او را در دل مردم دو چندان می‌کند. از جلسات وعظ او فیلمبرداری می‌شود و این فیلم‌ها میان هوادارانش دست به دست می‌چرخد و تکثیر می‌شود.

شاگردانش به او لقب «خواجه افندی» داده‌اند، زیرا وی هم تحصیلات سنتی دینی داشته و هم به فلسفه غرب و به‌خصوص فلسفه کانت تعلق ویژه دارد. برخی کتاب‌های او هم از پر فروش‌ترین کتاب‌ها در ترکیه و خارج از ترکیه بوده است.

نویسنده برجسته ترک، نوری اکمال، درباره وی می‌گوید: «او مردی سنتی است، مانند شخصیت‌هایی که در کتاب‌ها خوانده یا در فیلم‌ها دیده‌ایم. وقتی سخن می‌گوید، به طور مداوم استغفرالله می‌گوید. بسیار آرام و مؤدبانه سخن می‌گوید. بسیار فروتن است. با آهنگی یکنواخت سخن می‌گوید. او می‌داند که چه می‌گوید و در کاربست قواعد دستور زبان خطا نمی‌کند و از واژه‌های دوره عثمانی بهره می‌گیرد. هزینه نفوذ مردمی‌اش این بود که در دهه هفتاد قرن گذشته سه سالی را به اتهام ترویج فعالیت‌های ضد لائیک در زندان به سر برد. پس از آن بارها این تهمت را به گولن زدند، اما وی همیشه آن را رد می‌کند و می‌گوید: من مسلمان سکولار هستم و در پی تأسیس دولتی اسلامی نیستم، بلکه در پی اسلامی با صبغه ترکی هستم و می‌خواهم ایدئولوژی ناسیونالیسم ترک را اسلامی کنم».

به عبارت دیگر، تمام آن‌چه که گولن در پی آن است، احیای روابط میان دولت و دین - به همان شیوه معمولی در دولت عثمانی - است؛ همان دوره‌ای که امور دولت بر اساس قوانین وضعی بود، اما در همان حال مردم بدون هیچ تنگنایی شعائر دینی‌شان را آزادانه به‌جا می‌آوردند.

گولن معتقد است: مسلمانان باید آموزشی را در پیش بگیرند که به ادغام آنان در جهان معاصر منتهی می‌شود و باید فن‌آوری و علوم جدید را فرا گیرند و از این رو از حضور پررنگ مسلمانان در نظام سیاسی و اقتصادی جهانی حمایت می‌کند. وی از مدافعان جدی پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپاست و می‌گوید با سیاسی کردن دین اسلام مخالف است، زیرا نباید دین را با دنیا درآمیخت و باید طبع هر کدام را حفظ کرد. اما مخالفان گولن، یعنی جریان لائیک ترکیه، معتقدند او حقیقتاً از

عرصه سیاست دور نیست، زیرا نفوذ سیاسی او در پنج سال گذشته در جریان حمایت از حزب عدالت و توسعه در انتخابات آشکار شده است.

مصطفی قاسم در پاسخ می‌گوید: ما به عنوان تشکیلاتی مهم و آماده از هیچ حزب سیاسی حمایت نکردیم. افراد هوادار به هر که بخواهند، رأی می‌دهند، با این حال درست است که بیشتر اعضای جنبش ما از گذشته تا کنون به حزب عدالت و توسعه رأی داده‌اند.

### پیشینه تاریخی

طریقت نورجیه که می‌توان آن را از فعال‌ترین و مؤثرترین طریقت‌های موجود ترکیه برشمرد، به ملا سعید نوری ملقب به بدیع‌الزمان (۱۲۵۵-۱۳۳۹ ش / ۱۸۷۶-۱۹۶۰م) منتسب است. لقب بدیع‌الزمان نشان‌دهنده ذکاوت و نبوغ خاص وی می‌باشد. (کتاب التقریب (۳)، رجالات التقریب، محمد مهدی تسخیری، تهران، معاونت فرهنگی مرکز جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹). سعید نوری خود یکی از شیوخ طریقت نقشبندیه بود که در این طریقت طرحی نو در انداخت. حیات پرحادثه این شخصیت رازآلود، او را به یکی از جالب‌ترین رجال تاریخ معاصر ترکیه تبدیل نموده است. (مجله اندیشه تقریب، مقاله جمهوری ترکیه، نویسنده: ع. ر- امیردهی، شماره ششم، شال دوم، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۵۸).

بدیع‌الزمان سعید نوری میل باطنی خاصی به وحدت، هم‌گرایی و هم‌زیستی گروه‌های مختلف داشت. (i Nur Külliyyatından, Lemalar, İstanbul, Said Nursi, Bediüzzaman, Risale (154) Envar neşriyyatı, 1996, sahife 154). هم‌چنین وی به فعالیت‌های آموزشی و علمی برای تحوّل جامعه اعتقاد عمیقی داشت، به طوری که فعالیت خود را با برنامه‌ریزی در جهت ایجاد دانشگاهی به نام دانشگاه «الزهرا» در مقابل دانشگاه «الأزهر» در شهر وان ترکیه آغاز کرد. وی می‌خواست در دانشگاه «الزهرا» علوم اسلامی با علوم جدید با هم تدریس شود. (کتاب التقریب (۳)، رجالات التقریب، محمد مهدی تسخیری، تهران، معاونت فرهنگی مرکز جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹). بعد از مرگ نوری پیروان وی در همان مسیری که او پا گذاشته بود، قدم نهادند. موفق‌ترین آنها فتح‌الله گولن بود.

گولن در درجه اول، از بدیع‌الزمان سعید نوری متأثر بوده است. بدیع‌الزمان سعید نوری در پی آن بود که با فعالیت‌های آموزشی، نسلی ایجاد کند که هم در اسلام ریشه داشته باشد و هم در دنیای مدرن و علمی مشارکت کند. گولن نیز در این جهت با نوری هم‌سو بود. گولن بر آن بود که از مجرای آموزش، از افول مسلمین جلوگیری کند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان گولن پیوند اسلام و آموزش است. بر این مبنا، وی در برابر اسلام‌گرایی سیاسی، اسلام‌گرایی آموزشی را مطرح

می‌کند. با وجود این، عقاید او یک رشته عقاید جزمی و ایدئولوژیک نبوده است بلکه در اثر تجربه آموزشی در طول زمان متحول شده است.

نورسی‌ها به دو شکل مختلف تبلیغ می‌کنند:

۱- ساخت مهد کودک، دبستان، دبیرستان، کالج‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی، پژوهشی و فرهنگی و تدریس در آنها؛

۲- تبلیغ در خانه‌ها. آنها برای عموم مردم خانه‌هایی تهیه می‌کنند و در آنها درباره مسائل علمی و اجتماعی مذاکره می‌کنند. هم‌چنین در آن‌جا کتاب‌های سعید نوری را می‌خوانند و آنها را ترویج می‌کنند.

آنها مؤسسان مدارس امام خطیب هستند. مدرسه‌های امام خطیب از سال ۱۹۴۹م در ترکیه با هدف تربیت ائمه و خطبای دینی دولتی شروع به فعالیت نمود. در این مدرسه‌ها دروس عربی، قرآن، تفسیر، حدیث، تاریخ اسلام و فن سخنوری تدریس می‌شود. این نوع مدارس با استقبال چشم‌گیری به خصوص از جانب دانشگاهیان رو به روست. هم‌چنین این مدارس هر ساله پذیرش دارد و مدت دوره آن چهار سال می‌باشد. اشخاصی که دروس این مدرسه‌ها را خوب و با نمرات عالی بگذرانند می‌توانند برای ادامه تحصیل در امتحانات آکادمی‌های ترکیه شرکت نمایند. ( Bekim Agai 'Fethullah Gülen and his Movement's Islamic Ethic of Education' (2002) (Critique: Critical Middle Eastern Studies, p. 11(1)).

فتح‌الله گولن را پدر اسلام اجتماعی می‌خوانند. او کسی است که اسلام اجتماعی را با اسلام سیاسی تقیه‌جو آمیخته است. هر چند در ترکیه معروف است که نجم‌الدین اربکان استاد و اسوه رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر اسلام‌گرای ترکیه است، اما تجربه حزب عدالت و توسعه نشان می‌دهد که استاد حقیقی وی فتح‌الله گولن است. در ترکیه، با هر کس - چه اسلام‌گرا و چه لائیک - سخن گفته شود، حتماً از جنبش گولن یاد می‌آورد. شریف ماردین نویسنده و استاد دانشگاه معتقد است: «در حال حاضر نمی‌توان پیش‌بینی کرد که این جنبش اساساً در پی چیست. البته آینده می‌تواند پاسخ این پرسش را بدهد. این جنبش به‌رغم تعدد و تنوع حوزه‌های فعالیتش هم‌چنان برای بعضی ناشناخته و مبهم به نظر می‌رسد و بسیاری از صاحب‌نظران در ترکیه و خارج ترکیه، نسبت به مقاصد و نیات درازمدت این جنبش اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند.

این جنبش دارای جراید مختلف از جمله روزنامه‌ها و مجله‌ها و نیز شبکه‌های تلویزیونی متعدد و هم‌چنین شرکت‌های تجاری و مؤسسات خیریه فراوانی است. از این گذشته، این جنبش در بسیاری از کشورهای جهان، مراکز فرهنگی تأسیس کرده و نشست‌ها و همایش‌های سالانه منظمی در انگلیس، اتحادیه اروپا و آمریکا برگزار می‌کند. در این نشست‌ها که با همکاری دانشگاه‌های بزرگ

جهان برگزار می‌شود، ابعاد مختلف این جنبش و تأثیر و ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی آن بررسی می‌گردد. نقطه تمایز جنبش گولن از دیگر جنبش‌های اسلامی در منطقه و جهان این است که این جنبش به سبب ماهیت غیرسیاسی‌اش، با استقبال غرب روبه‌رو شده است.

گولن از عمل‌گرایی و هوش بالایی برخوردار بوده و از اصطلاح «رهبری ترکیه» در منطقه استفاده نمی‌کند. وی مدارس و مراکز زنجیره‌ای بسیاری را رهبری می‌کند.

تا کنون علت اصلی اقامت فتح‌الله گولن در آمریکا به‌طور رسمی اعلام نشده است، اما مدرس‌های گولن با مقامات ترکیه از ۱۸ ژوئن سال ۱۹۹۹ و از زمانی آغاز شد که در تلویزیون ترکیه سخنانی را بر زبان آورد که برخی آن را انتقاد ضمنی از نهادهای دولتی ترکیه تلقی کردند و پس از آن، دادستان ترکیه درباره سخنان وی به تحقیق پرداخت.

بلنت اجویت که در آن زمان نخست‌وزیر ترکیه بود، خواستار بررسی این موضوع در فضایی آرام و به دور از شبکه‌های تلویزیونی ترکیه شد. هم‌چنین از گولن و مؤسسات آموزشی‌اش دفاع کرد و گفت: مدارس گولن فرهنگ ترکیه را در جهان ترویج می‌کند و ترکیه را به جهان می‌شناساند.

امروزه گولن روابط گسترده و ممتازی با بسیاری از سیاستمداران ترک دارد. وی از سال ۱۹۹۴ با رؤسای جمهور، نخست‌وزیران، رهبران احزاب سیاسی و تاجران متنفذ نیز دیدارهایی داشته و روزنامه‌های ترکیه بارها با وی به گفت‌وگو نشستند. در سال ۱۹۹۷ سلیمان دمیریل از سوی مؤسسه آموزشی گولن، جایزه دریافت کرد. گولن با اجویت نخست‌وزیر فقید ترکیه هم دیدار کرده است. وی مانعی برای دیدار با هیچ عالم دینی نمی‌بیند؛ گاه با خاخام‌های یهودی اسرائیل دیدار می‌کند، گاه با رهبر کلیسای ارتدکس و گاه در واتیکان با پاپ. (پگاه حوزه، شماره ۲۵۲).

اگر چه اکنون گولن در ایالات متحده اقامت دارد، اما از دامنه نفوذش در ترکیه کاسته نشده است. پنج کانال تلویزیونی در اختیار این جنبش است که کانال اصلی‌اش STV است. پایگاه اینترنتی گولن به ۲۱ زبان فعال است.

### سیر تحولات فکری فتح‌الله گولن

تا سال ۱۹۹۰ جنبش فتح‌الله گولن چنان گسترده شده بود که ۱۵۰ مدرسه خصوصی، ۱۵۰ مرکز آموزشی جانبی و تعداد بیشتری خوابگاه در نقاط مختلف ترکیه ایجاد کرده بود. پس از آن نیز توسعه جنبش ادامه یافت و جنبش حتی جنبه‌ای بین‌المللی به خود گرفت. جنبش در سال ۱۹۹۷ بیش از ۲۵۰ مؤسسه آموزشی و ۲۶۵۰۰ دانش‌آموز در دنیا داشت. البته باید توجه داشت که این مراکز تعلیمات دینی نمی‌دهند، بلکه عمدتاً اخلاق تدریس می‌کنند.

اما به راستی اهمیت یک جنبش آموزشی در چیست؟ در پاسخ باید گفت، مشارکت در بخش آموزشی نتایج بسیار مهمی دارد. آموزش وسیله بسیار مهمی برای ایجاد سرمایه اجتماعی است.

سرمایه اجتماعی می‌تواند به شکل سازمان‌های اجتماعی مثل شبکه‌های هنجارها و شبکه‌های اعتماد در بیاید؛ این شبکه‌ها کارآمدی جامعه را با اعمال هماهنگ بهبود می‌بخشد. هم‌چنین از رابطه آموزش و تغییر اجتماعی نیز نمی‌توان غافل بود. این نیروهای انسانی هستند که تغییرات اجتماعی را شکل می‌دهند و این نهاد آموزشی است که این نیروهای اجتماعی را ایجاد می‌کند.

در نتیجه همین رابطه آموزش و تغییر اجتماعی بوده است که از سال ۱۹۹۹ مخالفت‌هایی با گولن صورت گرفت. گولن با نهادهای آموزشی گسترده‌اش توانسته بود نسلی تحصیل کرده، کاردان و آشنا با جهان مدرن و در عین حال از نظر ارزشی متفاوت با نخبگان کمالیست به وجود بیاورد. به این ترتیب این نسل جوان خود را به عنوان جانشینی برای نخبگان کمالیست مطرح کرد.

جنبش گولن گرچه کاملاً غیرسیاسی بوده، اما به جهت تغییرات اجتماعی که پدید آورده به صورت بالقوه توان اثرگذاری در حوزه سیاسی را نیز دارد.

زمانی که گولن وارد فضای فرهنگی و اجتماعی ترکیه شد سه موضع اصلی در باب مدرنیته و غرب وجود داشت:

۱- کمالیسم: نخبگان کمالیست که عمدتاً در فرانسه تحصیل کرده بودند به طور عمیق به ماتریالیسم و پوزیتیویسم گرایش داشتند. آنها از داروینیسم برای اثبات غیرعقلانی بودن دین استفاده می‌کردند. به نظر آنان، علت اصلی عقب‌ماندگی ترکیه فقدان تکنولوژی علمی بود.

آنها هم‌چنین دین را علت عقب‌ماندگی ترکیه می‌دانستند و تصریح می‌کردند تا دین و نهادهایش هستند، خرافات هست. کمالیست‌ها معتقد بودند تحول علمی نیازمند یک تحول فرهنگی است و برای آن که علم در ترکیه پا بگیرد، فرهنگ دینی و خرافی ترکیه باید تغییر کند. به این ترتیب، آنها تغییر را تنها در حوزه علمی و تکنولوژیک نمی‌دیدند بلکه بر ضرورت تغییر در کل جامعه پای می‌فشرده‌اند. کمالیست‌ها می‌گفتند اروپا گلی است که باید آن را با خارهایش پذیرفت.

۲- سنت‌گرایان: سنت‌گرایان برعکس کمالیست‌ها بی‌دینی را علت سقوط عثمانی می‌دانستند. آنها علم غربی و مدرنیته را در برابر و مخالف اسلام می‌دیدند و معتقد بودند باید از ارتباط با دولت مدرن و نهادهایش از جمله آموزش اجتناب کرد. آنها در نتیجه این طرز تفکر در جامعه مدرن ترکیه به حاشیه رفتند و موقعیت اجتماعی‌شان تنزل کرد.

۳- بدیع‌الزمان سعید نورسی: او به اهمیت علم پی برده بود و معتقد بود علم و اسلام با هم ارتباط درونی دارند؛ به عبارت دیگر، اسلام به مسلمانان حکم می‌کند علم بیاموزند و اساساً علم‌آموزی در راستای مسلمانی است. او اما به خطر پیروی کورکورانه از پوزیتیویسم نیز اشاره می‌کرد. به نظر او

مسلمانان می‌بایست به فهمی بومی از علم برسند. او این فهم را چنین ترسیم می‌کرد که علم برای فهم قوانین طبیعت و هنر آفریدگار لازم است. یکی از پیروان او به نام نارکو نیز بر آن بود که علم یکی از چهار راه فهم وجود خداست. ( Elisabeth O'Zdalg (2003) 'Secularizing Trends' in Fethullah Gu'len's Movement: Impasse or Opportunity for Further Renewal?' (Critique: Critical Middle Eastern Studies, p. 12(1).

گولن خود در مدارس دینی تحصیل کرد و در همان ایام با نوشته‌های نورسی آشنایی پیدا کرد و به یکی از اعضای فعال جماعت پیروان او تبدیل شد. او تا پیش از سال ۱۹۸۰ مطابق ایده‌های جنبش نارکو عمل می‌نمود و سعی می‌کرد بین دانش علمی معنوی و الهی اتحاد برقرار کند. گولن طی فعالیت‌هایش متوجه شد که جوانان به دلیل سیاست‌های دولت، دانش دینی ندارند. او در اولین قدم، یک اردوگاه تابستانی نزدیک ازمیر برپا کرد که در آن‌جا به تدریس متون کلاسیک دینی و تعالیم نورسی پرداخته می‌شد. در آن‌جا به دانش‌آموزان می‌آموختند که چگونه هویت اسلامی را در جامعه سکولار حفظ کنند.

گولن کم‌کم توانست از طریق همین فعالیت‌های آموزشی افرادی را جذب کند که ایده‌های او را از نظر پولی و کاری حمایت می‌کردند. به این ترتیب او فعالیت‌های خود را توسعه داد و قادر شد خانه‌هایی برای تدریس علوم دینی ایجاد و خوابگاه‌هایی نیز تأسیس کند.

ناآرامی‌های اواخر دهه ۱۹۷۰ باعث شد که گولن و پیروانش به تدریس در مدارس عمومی روی بیاورند؛ انگیزه اصلی آنان مقابله با چپ‌گرایی بود که مسبب ناآرامی‌های اجتماعی بودند. در همین زمان او اولین درشانه (مرکز مطالعه برای آمادگی کنکور) را تأسیس کرد. او در سال ۱۹۷۹ مجله سبزینتی را منتشر ساخت. این مجله به دنبال سنتز دانش و اسلام بود. در همین مقطع گولن توجه خود را از فرد به جامعه معطوف ساخت. او دیگر به دنبال ایجاد یک الیت ترکی با جهت‌گیری مدرن و اسلامی برای هدایت کشور بود.

پس از کودتای ۱۹۸۰ گولن از کودتا دفاع کرد. او به این نتیجه رسید که مدارس با موضوعات غیردینی می‌توانند در خدمت نیازهای دینی باشند. او در پی ایجاد مدارس سکولاری بود که معلمان آن انگیزه مذهبی داشته باشند و بر ارزش‌های ترکی - اسلامی تأکید کنند. در همین زمان دولت نیز برای اولین بار اجازه داد مدارس خصوصی تأسیس شود.

اولین گام‌های به وجود آمدن اخلاق آموزشی در همین مقطع برداشته شد. گولن می‌خواست الیتی (Elita) ایجاد کند که ایده‌های او را در شکل‌دهی به جامعه اجرا کنند. او به این نتیجه رسیده بود که یک بوروکرات یا تاجر بیشتر می‌تواند جامعه را شکل دهد تا یک واعظ مذهبی، چون بخش

دینی جامعه بسیار حاشیه‌ای و محدود است. او آموزش باکیفیت و با ارزش‌های اسلامی ترکی را راه خدمت مسلمانان به جامعه خود می‌دانست.

در سال ۱۹۹۰ جهت‌گیری او جهانی‌تر شد. او بر جنبه‌های جهان‌شمول اخلاق اسلامی تأکید و گروه‌های وسیع‌تری را جذب کرد. پیروان او بر آن بودند که این نوع آموزش راهی است که ترکیه می‌تواند در کنار ادغام در جهانی شدن، هویت خود را نیز حفظ کند. آنها می‌گفتند آموزش، به برقراری ارتباط با افراد دیگر و حل اختلافات کمک می‌کند.

## فعالیت‌ها و جنبش آموزشی فتح‌الله گولن

### ۱- کار به عنوان وظیفه مقدس

خدمت نیز یکی از مفاهیم کانونی گفتمان گولن است. از منظر گولن خدمت یعنی شخصی خودش را وقف اسلام دیگران کند؛ یعنی به گونه‌ای به آنان کمک کند که برای آخرتشان سودمند باشد.

گولن به شخصه خودش فردی سخت‌کوش و ساعی است. وی تأکید بر کار و خدمت را به تمامی با مرگ در هم می‌تند. او در مواضعش بسیار به مرگ اشاره می‌کند و می‌گوید چون مرگ در پیش است ما باید به شدت کار کنیم تا سعادت و رستگاریمان را تحقق بخشیم. در گفتمان گولن کار کردن عملی مذهبی است. او این آموزه را این‌گونه توجیه می‌کند که هرچه بیشتر کار شود پول بیشتری برای صرف در راه اسلام اندوخته می‌شود، پس بدیهی است هر چه بیشتر کار کنیم بیشتر به اسلام خدمت کرده‌ایم. کار هم‌چنین گونه‌ای تهذیب نفس هم هست.

وی در این میان اشاره می‌کند که آموزش نیز کاری مقدس است، در نتیجه، صرف پول در آن هم عملی مقدس است؛ به عبارت دیگر، اگر کسی کاری بکند و پولی بیندوزد و آن را خرج آموزش کند پولش را صرف کاری مقدس کرده است، پس کارش هم مقدس بوده است. به نظر گولن این‌که تنها روح خود را نجات دهیم کافی نیست، بلکه وظیفه داریم برای نجات و رستگاری روح دیگران نیز بکوشیم. حال این نجات دیگران دو راه دارد: یا انسان خود وارد کار آموزشی شده و معلم می‌شود، یا کار دیگری می‌کند و پولش را در کار آموزشی صرف می‌کند.

این تأکید گولن، به اخلاق پروتستانی و زهد این دنیایی که وبر در تحقیق معروفش آن را بررسی قرار نموده، بسیار شبیه است. در هر دوی این تفاسیر دنیا محلی فضیلت‌مندانه است؛ یعنی محلی است که تلاش در آن باعث سعادت‌مندی انسان می‌شود.

هر دو سعی می‌کنند دنیا را در راه آرمان زاهدانه‌شان تغییر دهند و نکته مهم این است که این تغییر را به وسیله عقلانیت انجام می‌دهند.

خدمت در اصطلاح گولنی معادل زهد این دنیایی در اندیشه پروتستانی است. آنها برعکس تفاسیر گذشته، تحصیل مال را خوب می‌دانند. آنها تجمل را بد می‌دانند نه صرف انباشت سرمایه را. گولن در این‌جا مفهوم انسان فعال را مطرح می‌کند. انسان فعال انسانی است که کار می‌کند تا آن‌جا که جهان بهشت شود. گولن خودش می‌گوید در روز سه ساعت برای خواب و دو ساعت برای ضروریات کافی است و باقی ساعات را باید به خدمت گذراند. این تأکید نیز به شدت به اخلاق پروتستانی شبیه است.

این مفهوم‌پردازی در باب خدمت و رابطه آن با رستگاری دو مزیت اساسی برای جنبش آموزشی گولن ایجاد کرد: اولاً پول و منابع زیادی بدین وسیله به سوی فعالیت‌های جنبش سرازیر شد؛ ثانیاً این طرز تفکر چنان به معلمان انگیزه داده است که در سخت‌ترین شرایط فعالیت می‌کنند.

## ۲- اسلامی کردن دانش سکولار

یکی از پرسش‌هایی که احتمالاً پیرامون جنبش اسلامی گولن ایجاد می‌شود این است که چرا معلمان مذهبی در مدارس غیرمذهبی تدریس می‌کنند. در گفت‌وگو با گولن در پاسخ این پرسش به چند نکته اشاره می‌شود: آنها معتقدند علوم جدید روش صحیح فکر کردن را می‌آموزد؛ در نتیجه، آموزش آنها به خودی خود سودمند است. به اضافه، طبق گفت‌وگو با معلمان گولن، اگر معلمان با ارزش‌های اسلامی این علوم را تدریس کنند این تدریس کاربرد صحیح این علوم را نشان می‌دهد و این‌که این علوم به درستی به کار برده شود خود یک ارزش اسلامی است.

به همین دلیل در جنبش گولن تدریس دانش به غیرمسلمانان مذموم دانسته نمی‌شود. دلیل این امر مشخص است؛ آموزش دانش به فرد باعث ارتقای او می‌شود و فردی که ارتقای شخصی یافته است زمینه لازم را برای شناسایی بعدی اسلامی دارد.

به همین منظور، برای نمونه، گولن حدود هزار مدرسه، چندین دانشگاه، روزنامه و شبکه تلویزیونی در جهان راه‌اندازی کرده و نمادهای فرهنگی ترکیه را با محوریت اسلام - ترک تبلیغ و ترویج می‌کند. روزنامه‌ای به نام زمان (Zaman gazetesi) که وابسته به گروه گولن است، با یک میلیون تیراژ با چند زبان چاپ می‌شود. این مسئله باعث شده در سال‌های اخیر ترکیه علاوه بر بهره‌مندی اقتصادی، به عنوان یک کشور طرفدار صلح و ثبات در منطقه شناخته شود. ([www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)).

نکته دیگری که در جنبش گولن بر آن تأکید می‌شود این است که فقط با دانش می‌توان به اسلام خدمت کرد. کسی که دانش دارد برای اسلام و جامعه مفید است و کسی که دانش ندارد حتی اگر نیتش هم خیر باشد می‌تواند مضر باشد، زیرا نمی‌داند ابزارهای مناسب برای رسیدن به هدف چیست و چگونه باید آنها را به کار ببرد.

بر اساس این، یکی از اهداف اصلی جنبش گولن جنگ علیه جهالت تبیین می‌شود. تدریس دانش - به هرکس که باشد - در حقیقت جنگ علیه جهالت است و روشن است که جنگ علیه جهالت خدمت به اسلام می‌باشد. آنها معتقدند آنچه برای انسان خوب است برای اسلام هم خوب است. محققان این پدیده را جهان‌شمول شدن اصول اسلام یا اسلامی شدن نهادهای آموزشی سکولار خوانده‌اند.

## نسل طلایی

فتح‌الله گولن سه هدف اصلی را در فعالیت‌های خود دنبال می‌کرد: او اولاً در پی آگاهی‌بخشی به مسلمین بود؛ ثانیاً می‌خواست بین علم و دین رابطه برقرار و آموزه‌های ماتریالیسم را ابطال کند؛ ثالثاً او می‌خواست با تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام، خاطره جمعی مسلمانان را بازسازی کند.

راهی که او برای رسیدن به این اهداف برگزیده بود آموزش بود. او می‌خواست از مجرای آموزش، نسلی طلایی ایجاد کند. این نسل، ایمان، دانش، اخلاق و هنر را با هم می‌آمیخت و می‌توانست منشأ تحولات مطلوب و مورد نظر گولن شود. (Yavuz, Hakan (2004) 'Opportunity Spaces, Identity, and Islamic Meaning in Turkey', in Islamic Activism, eds. by Quintan Wiktorowicz, Indian University Press).

به عقیده وی در سطح جهان باید نسل طلایی آفریده شود؛ نسلی که به اوصاف پیامبر ﷺ متصف است. برای تحقق این پروژه در سطح جهان تعداد ۱۸۲ مدرسه، ۳۰۰ کالج و ۲۴۰ خوابگاه دانشجویی تأسیس کردند. در دومین مرحله، پروژه انتقال خدمت آموزشی و تبلیغی به خارج از ترکیه شروع شد و در ۵۲ کشور جهان مؤسسات آموزشی افتتاح کردند.

فتح‌الله گولن در رابطه با فرستادن مدرّسین نوری به جمهوری آذربایجان می‌گوید: «دوستانم حاجی کمال اریمز، سعادت‌الدین باشر و خالد اسن دیر را وقتی به جمهوری آذربایجان اعزام نمودیم که خیابان‌های آذربایجان را تانک‌ها اشغال کرده بودند. ترانه خوش استقلال آذربایجان از پشت میله‌های آهنین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به گوش می‌رسید و امکان مواجهه خطرات جاری و جانی بود و احتمال زیر تانک‌های روسیه له شدن، مرگ آنها همانند آذری‌ها وجود داشت، ولی در آن شرایط پیشنهاد افتتاح مدرسه به آذری‌ها و قبول کردن و شادی آنان ما را به تحرک بیشتر واداشت. هدف ما تأسیس مکانی در خارج از کشور جهت تعلیم و تربیت و ارائه خدمات آموزشی قبل از دیگران و نیز پر کردن این خلأ را قبل از ایران و توران در سر داشتیم. آذری‌ها بیش از انتظار ما علاقه و توجه ابراز کردند و ما هم الحاق تلاش غیر قابل وصف ارائه دادیم.» (مجله آفاق، شماره ۳، ص ۲۷).

تعداد کالج‌های رسمی نوری‌ها در جمهوری آذربایجان به عدد ده رسیده است. البته یک دانشگاه به نام «دانشگاه قفقاز» هم به نوری‌ها منتسب است. همه این کالج و دانشگاه‌ها از سوی

شرکت آموزشی «چاغ» احداث شده است. هم‌اکنون در مدارس و کالج‌های نوری در جمهوری آذربایجان ۱۸۳۰ دانش‌پژوه تحصیل می‌کنند. دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه قفقاز حدوداً دو هزار نفر می‌باشند. البته باید اضافه نمود که روز به روز بر تعداد دانشجویان این دانشگاه افزوده می‌شود. (Az.fgulen.com).

نورسی‌ها در شهرهای بزرگ جمهوری آذربایجان یک خانهٔ وسیع را به تبلیغ جوانان اختصاص داده و با دعوت خویش، جوانان را به این خانه‌ها جذب می‌کنند. هدف آنها از این کار این است که مردم با بدیع‌الزمان سعید نورسی آشنایی عمومی پیدا کنند. از تمام قشرها به این خانه‌ها رفت و آمد دارند.

### خصوصیات این نسل طلایی از دیدگاه گولن چیست؟

اولین خصوصیت این نسل ایمان است. ایمان اهداف را به مؤمن نشان می‌دهد. علم نیز تنها زمانی که از آن در جهت اهداف مؤمنانه استفاده شود، مفید خواهد بود. در تصور گولن از نسل طلایی، عشق نیز جایگاهی اساسی دارد. نسل طلایی نسلی با محبت است؛ نسلی است که به انسان و انسانیت عشق می‌ورزد.

ویژگی دیگر این نسل آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی است. این نسل ارزش‌های اخلاقی را از مجرای دانش به عمل تبدیل می‌کند که یکی از اقسام مورد توصیه این عمل همان فعالیت آموزشی است. در حقیقت، این ایده‌آلی که از نسل طلایی ترسیم می‌شود نقدی به ایده‌آل کمالیستی است. ارزش‌هایی که گولن بر آنها تأکید می‌کند، در الگوی کمالیستی جایی ندارند.

مفهوم نسل طلایی رفته‌رفته از مفهومی منفصل به مفهومی جهان‌شمول تحول یافت. نسل طلایی با این تحول بیشتر با جهانی شدن همراه شد. نسل طلایی دیگر نسلی نبود که می‌خواست تنها ترکیه یا مسلمانان را نجات دهد، بلکه نسلی بود که در صورت شکل‌گیری نجات‌بخش جهان بود.

از نظر گولن مهم‌ترین نقش در شکل‌گیری این نسل به معلمان تعلق دارد. این معلمان هستند که در عمل علم را با خرد ترکیب می‌کنند و آن را با ارزش‌های اسلامی می‌آمیزند. علم ماتریالیست که از ارزش‌ها تهی شده به نظر گولن و پیروانش در قبال جنگ‌ها و بدبختی‌ها مسئول بوده است، زیرا مسئله جدا بودن ارزش از واقعیت این نتیجه منطقی را در پی دارد که فعالیت علمی نسبت به پیامدهایش هیچ مسئولیتی ندارد.

گولن با مطرح کردن این رسالت سنگین معلمان و تأکید بر حرفه مقدس معلمی توانست وجوهات مذهبی را از مساجد به مدارس هدایت کند. دلیل این امر آن بود که او تأکید داشت که فهم خلقت به دانش نیاز دارد و در نتیجه، حرفه‌ای که پرورش‌دهنده و منتقل‌کننده این دانش است

حرفه‌ای مقدس خواهد بود. گولن تا بدان‌جا این استدلال منطقی را دنبال می‌کند که معلمی را راهی برای رستگاری می‌شمارد.

در گفتمان آموزشی گولن مفهوم ارشاد نیز نقشی کلیدی دارد، اما باید متوجه بود که ارشاد در گفتمان گولن فحوایی متفاوت با معنای سنتی آن دارد. گولن در واقع دایره مفهوم ارشاد را گسترش می‌دهد. در گفتمان سنتی، ارشاد تنها به معنای هدایت به سمت ارزش‌های دینی و تبلیغ مذهبی است، ولی گولن آموزش هر علمی را ذیل ارشاد قرار می‌دهد. ارشاد فقط تدریس در مدارس مذهبی نیست؛ وقتی معلم در مدرسه‌ای غیرمذهبی تدریس می‌کند و از طریق تدریس روح دیگران را نجات داده و راه درست را به آنها نشان می‌دهد نیز فعالیتش ارشاد است.

در این میان باید به تغییر فحوای مفهوم تبلیغ نیز اشاره کرد. از نظر گولن معلم باید به تبلیغ اسلام بپردازد، ولی این تبلیغ نیز با تبلیغ سنتی متفاوت است. در معنای سنتی، شخص مبلغ تعالیم دینی را برای مستمعان بیان می‌کند و به اصطلاح تبلیغ را از راه موعظه پیش می‌برد، ولی معلمانی که گولن می‌پروراند علوم دینی تدریس نمی‌کردند، بلکه آنها به تدریس علوم تجربی و دقیقه می‌پرداختند، ولی در عین حال سعی می‌کردند از نظر اخلاقی برای دانشجویان الگو باشند. در واقع آنان تبلیغ را به صورت تمثیل انجام می‌دادند. آنها به صورت مستقیم به تبلیغ تعالیم اسلامی نمی‌پرداختند، بلکه سعی می‌کردند از طریق اعمال و رفتارشان برای دانش‌آموزان الگو و اسوه باشند و به این وسیله ارزش‌های مذهبی را تبلیغ کنند.<sup>۱</sup>

۱- تشکیل حکومت جمهوری اسلامی در ایران و هراس غرب از گسترش مکتب خمینیسیم (طرفداران امام خمینی رحمه الله والگویی دیگر کشورهای مسلمان از آن و حرکت به سوی تشکیل «دولت اسلامی»، فرقه‌سازی را به پله دوم کشانده و تبلیغ «تکثرگرایی اسلامی» را به سلاح خط مقدم غرب علیه اسلام بدل کرده است. ماجرای بیرون کشیدن جنازه پوسیده «پلورالیسم دینی» از گور و سعی در جا انداختن مفهوم جدید «پلورالیسم اسلامی»، زمانی معنادارتر می‌شود که هدف نهایی مروجان تکثرگرایی دینی و حامیان آنها از این اقدام، موشکافی شود.

تکثرگرایی اسلامی به دنبال این است که بگوید هر کسی آزاد است قرائتی از اسلام داشته باشد و تفسیر او نیز محترم بوده و هیچ کسی حق اعتراض به او را ندارد. چنانچه اعتراضی صورت گیرد، حقوق بشر و آزادی خدشه‌دار گردیده و این امر، برای معترض تبعات ناگواری به همراه خواهد داشت.

اما حصول پلورالیسم به خودی خود نمی‌تواند یک هدف غایی باشد و باید دید چه استفاده‌ای از شکل‌گیری یک جامعه پلورالیستی می‌شود. به این توصیف از امت مسلمانان که مرحله بعد از رویش قرائت‌های متعدد از اسلام است، توجه کنید: «مسلمانان جهان نه تنها در دیدگاه‌های مذهبی، بلکه هم‌چنین در جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی، از جمله برداشتشان از دولت؛ برتری شریعت (قانون اسلامی) در مقابل دیگر منابع قانون؛ حقوق بشر، به خصوص حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی؛ و حمایت، توجیه یا تحمل خشونت در پیشبرد برنامه‌های سیاسی و مذهبی دارای اختلاف هستند.»



➔ از آن رو می‌گوییم «مرحله بعد از پلورالیسم اسلامی»، که مروجان این ایده به محض اطمینان از وجود قرائت‌های متعدد از اسلام و وجود اختلافات عمیق میان مسلمانان، نه تنها دیگر بدان مؤمن نیستند، که دگرباره آن را در گور فرو برده و سخن از اسلام واحدی به زبان می‌آورند که خوشایند گفتمان غالب زمان و نظم نوین جهان است، زیرا به عقیده آنها برخی قرائت‌ها از اسلام «افراطی» بوده و «مطبوع» نیست. مسلمانان نیز به ناچار محکوم به حرکت در مسیر این اسلام واحدند و اگر شخص یا گروهی دم از دیگر قرائت‌های ممکن از اسلام بزند، از اسلام خارج است! از این جهت است که طرفداران آزادی مذاهب در واشنگتن، شعبه‌ای را به نام آزادی مذهبی (Religious Freedom) در داخل بنیاد «خانه آزادی» تأسیس کرده و به حمایت از این مسلمانان! برمی‌خیزند و حتی برای آنها شرایط و لوازم تبلیغ دینشان را نیز فراهم می‌آورند.

مؤسسه آمریکایی رند (RAND) در سال ۲۰۰۷ با این پیش‌فرض که هم‌اکنون پلورالیسم اسلامی تحقق یافته و چندین نوع اسلام در جهان وجود دارد، نقشه راهی برای دولت‌مردان آمریکا ارائه کرد که در آن از قرائتی از اسلام با عنوان «اسلام میانه» (Moderate Islam) سخن رفت؛ اسلامی که روش و منش آن کاملاً بر اهداف امپریالیستی آمریکا منطبق بوده و این مؤسسه ضرورت حمایت مادی و معنوی از مسلمانان میانه‌رو و تلاش برای گسترش این نوع از اسلام را اولویت نخست سیاست خارجی آمریکا خواند.

این مؤسسه آمریکایی بزرگ‌ترین ویژگی مسلمانان میانه‌رو را که شایسته حمایت آمریکا هستند، حمایت از دموکراسی دانسته و اضافه می‌کند که «حمایت از دموکراسی به معنای مخالفت با مفهوم دولت اسلامی است». دیگر ویژگی مهم مسلمان میانه‌رو آن است که به قوانین اسلام پای‌بند نباشد: «باید دید چه کسانی خواهان اجرای قانون شریعت هستند. تفاسیر محافظه‌کارانه از شریعت با دموکراسی و حقوق بشر پذیرفته شده از سوی جامعه بین‌المللی سازگاری ندارد». در گزارش مؤسسه رند آمده است: «در نبرد ضد اسلام رادیکال، مسلمانان میانه‌رو، لیبرال و سکولار با ارزش‌های منطبق با ارزش‌های جهانی که اساس تمامی جوامع لیبرال و مدرن می‌باشد، شرکای بالقوه غرب خواهند بود». باید به این نکته ظریف توجه ویژه داشت که تنها کسانی مورد حمایت قرار می‌گیرند که خیال ورود به عرصه سیاست و حکومت را در سر نداشته باشند. بنیادهای USAID (آژانس آمریکا برای توسعه بین‌المللی) و NED (بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی) نیز برای حمایت مالی و تبلیغاتی از این گروه‌ها در نظر گرفته شده است. هم‌چنین تأکید شده است که برای تبلیغ و ترویج این قرائت از اسلام، «باید از رادیو و تلویزیون‌های محلی میانه‌رو و نیز وب-سایت‌ها و دیگر رسانه‌های غیرسستی بهره برد». از این رو برخی روزنامه‌نگاران، نویسندگان و خبرنگاران نقش کلیدی در ترویج اسلام مورد نظر ایالات متحده ایفا می‌کنند.

دولت آمریکا هم‌اکنون این سیاست را در بسیاری از کشورهای مسلمان در پیش گرفته و از جریان‌های لیبرال و سکولار که مهم‌ترین شاخصه آنها مخالفت با مفهوم «دولت اسلامی» است حمایت می‌کند. از جمله این جریان‌ها می‌توان به جریان سعدالدین ابراهیم در مصر و ابشار عبدالله در اندونزی اشاره کرد. مؤسسه رند مشکل اساسی میانه‌روها را نبود منابع مالی و سازمانی دانسته و خطاب به دولت آمریکا تأکید کرده است که «حرکت اولیه برای ایجاد شبکه‌هایی از مسلمانان میانه‌رو نیازمند کمک خارجی است».

(http://kayhannews)

## هم‌زیستی گروه‌های مختلف در جامعه

چنان‌که گفته شد، با نزدیک شدن به اواخر دهه ۹۰، در تصور گولن از هویت، تحولاتی به وجود آمد. در دهه ۸۰ وی بیشتر بر هویت اسلامی شوینیستی و ملی‌گرایانه تأکید می‌کرد.

او آمریکا را بد و شر می‌دانست. اما حضور پیروان گولن در غرب رفته‌رفته بر این تصورات تأثیر گذاشت. او هم‌چنین خودش نیز به غرب رفت و آمدهایی داشت. نکته‌ای که در آمریکا مورد تمجید گولن قرار گرفت، این بود که جامعه آمریکا توانسته است هم‌زیستی گروه‌های مختلف را در کنار یک‌دیگر ایجاد کند.

به این ترتیب یکی از انتقاداتی که در جنبش اسلامی گولن نسبت به فرآیند غربی‌سازی در ترکیه صورت گرفت این بود که چرا کارگردانان این فرآیند به ارزش‌هایی مانند تساهل، مدارا و هم‌زیستی عمل نکردند. این گونه بود که ارزش‌هایی مانند تسامح و گفت‌وگو نیز در دهه ۹۰ به گفتمان فتح‌الله گولن اضافه شد. بر این مبنا آنها «مدینه‌النبی» را به عنوان مکانی مطرح ساختند که ادیان مختلف در آن در کنار یک‌دیگر هم‌زیستی داشتند.

در گفتمان گولن بر این امر تصریح می‌شود که این امکان وجود دارد که انسان‌ها با یک‌دیگر گفت‌وگو کنند. دلیل آنها این است که بین انسان‌ها ارزش‌های مشترکی وجود دارد و وجود این ارزش‌های مشترک خود معلول آن است که همه انسان‌ها مخلوق خدایی واحد هستند. این ارزش‌ها ارزش‌هایی اسلامی بوده و از آن‌جا که اسلام دینی جهان‌شمول است، این ارزش‌ها نیز جهان‌شمول می‌باشد.

به نظر آنها تسامح نیز به این معناست که بین گروه‌های اجتماعی گوناگون و هم‌چنین در سطح بین‌المللی بر پایه ارزش‌های مشترک همکاری وجود داشته باشد. در حین این همکاری تفاوت‌هایی برجا می‌ماند، این‌جاست که تسامح اهمیت خود را می‌یابد.

## منابع و مأخذ:

۱. امیردهی، ع.ر، **مقاله جمهوری ترکیه**، مجله اندیشه تقریب، شماره ششم، سال دوم، بهار ۱۳۸۵.
۲. تسخیری، محمد مهدی، **کتاب التقرب (۳)**، رجالات التقرب، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۳. **مجله پگاه حوزه**، فروردین ۱۳۸۸ شماره ۲۵۲.
۴. **مجله انگلیسی «پراسپکت» [Prospect]**، ژوئن ۲۰۰۸.
۵. **مجله آفاق**، دوماهنامه فرهنگی اجتماعی، ۱۳۸۲، شماره ۳.

6. Said Nursi, Bediüzzaman, Risale- i Nur Külliyyatından, Lemalar, İstanbul, Envar neşriyyatı, 1996, sahife 154.

7. Bekim Agai (2002) 'Fethullah Gu"len and his Movement's Islamic Ethic of Education', Critique: Critical Middle Eastern Studies, p. 11(1).
8. Elisabeth O"Zdalga (2003) 'Secularizing Trends in Fethullah Gu"len's Movement: Impasse or Opportunity for Further Renewal?' Critique: Critical Middle Eastern Studies, p. 12(1).
9. Yavuz, Hakan (2004) 'Opportunity Spaces, Identity, and Islamic Meaning in Turkey', in Islamic Activism, eds. by Quintan Wiktorowicz, Indian University Press.
10. Az.fgulen.com
11. <http://kayhannews>
12. Shahrvandemrouz.com
13. [www.bashiransari.com](http://www.bashiransari.com)
14. Zaman gazetesi
15. [bashgah.net](http://bashgah.net)
16. FƏTULLAH GÜLƏN KİTABI

پنجم



## سلطنت نشین عمان

دکتر عزالدین رضائزاد<sup>۱</sup>

### چکیده

کشور «سلطان نشین عمان» دارای پیشینه تاریخی کهن می‌باشد. عرب‌ها، بیشتر ساکنان این کشور را تشکیل می‌دهند و اقوام بلوچ، جنوب آسیا، هند و ... هم در آن سکونت دارند. اکثر مردم این کشور مسلمان بوده و مذهب اباضی بیشترین پیروان را دارد. شهرهای مهم این کشور و پیشینه تاریخی تشکیل جمعیت، رویکرد اجتماعی - فرهنگی اباضیه، دورنمایی از جامعه مذهبی عمان، تاریخ سیاسی و حکومتی این کشور و خیزش و بیداری اسلامی از عناوین اصلی این نوشتار می‌باشد. هم‌چنین روابط عمان با جمهوری اسلامی ایران از قرن نوزدهم تا به حال، به صورت اجمالی گزارش شده است.

واژگان کلیدی: سلطنت عمان، مذهب اباضی، بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی.

### شناسه جغرافیایی عمان

کشور «سلطان نشین عمان»<sup>۲</sup> در منتهی‌الیه شرق و جنوب شرقی شبه‌جزیره عربستان بین منطقه جغرافیایی ۱۶/۴۰ و ۲۶/۲۰ درجه عرض شمالی و ۵۰/۵۰ و ۵۹/۴۰ درجه طول شرقی واقع شده است. سرزمین عمان به صورت یک کمربند ساحلی در حد فاصل بین «ربع الخالی» و دریای عرب قرار گرفته است. این کشور با ۳۰۹۵۰۰ کیلومتر وسعت شامل شبه‌جزیره «مسندم» و سرزمین اصلی عمان و چند جزیره کوچک می‌باشد. البته عمان به غیر از چند جزیره کوچک در دهانه تنگه هرمز، صاحب چندین جزیره نیز در دریای عرب می‌باشد. با توجه به موقعیت جغرافیایی عمان، هوای این کشور گرم و به ویژه در ساحل دریا سوزان است. البته به خاطر وسعت این سرزمین نمی‌توان آب و هوای خاصی را برای آن تعیین نمود.

۱- استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه.

خاک کشور عمان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود:

الف) ناحیه شمال کشور عمان که به نام شبه‌جزیره «مستدم» معروف است و خاک امارت «فجیره» و «شارجه» آن را از قسمت جنوبی کشور جدا کرده است.

ب) جنوبی‌ترین قسمت خاک عمان را ایالت ظفار تشکیل می‌دهد. این ایالت که دارای نوار ساحلی تقریباً باریکی به طول ۳۷۰ کیلومتر است به سمت غربی امتداد پیدا می‌کند و با یمن هم‌مرز است. بر خلاف سایر مناطق شبه‌جزیره عربستان، در نواحی کوهستانی ظفار، جنگل‌های انبوهی وجود دارد و به همین علت این منطقه را «کوهستان سبز» نیز نامیده‌اند.

در منطقه «ظفار» طوایف گوناگونی از نسل «ودایی‌ها» دیده می‌شوند. اکثر ظفاری‌های اصیل در منطقه کوهستانی سکنی دارند. این گروه از نظر مذهب با دیگر مردمانی که دارای عقاید شیعه و سنی و اباضی می‌باشند تفاوت دارند. اسلام در این منطقه ضعیف مانده است. مردم ظفار علاوه بر حفظ سنت‌های فرهنگی قبل از اسلام، به زبانی سخن می‌گویند که در سراسر ناحیه جنوبی جزیره‌العرب قبل از گسترش زبان عربی، رایج بوده است. این زبان یکی از گویش‌های زبان عربی دوران قبل از حمیری‌ها بوده و به عربی شباهت ندارد. به‌طور کلی مردمان این منطقه از لحاظ فرهنگی بسیار شبیه یمنی‌ها بوده و نسبت به منطقه خود حس ناسیونالیستی قوی دارند. (یگانه، ۱۳۷۴ش، ص ۲-۳ و ۲۰).

### پایتخت و جمعیت عمان

پایتخت عمان شهر بندری «مسقط» است که در زمان اوج سلطنت عمان، یعنی اواسط قرن نوزدهم، حدود پانصد هزار نفر جمعیت داشت. در حال حاضر ۶۳۲ هزار نفر در آن ساکن‌اند. بر اساس سرشماری حکومت عمان در سال ۲۰۰۵ میلادی، کشور عمان بیش از ۲/۵۰۸/۸۳۷ نفر جمعیت داشته است که شامل ۱/۸۴۲/۶۸۴ نفر عمانی‌الاصل و ۶۶۶/۱۵۳ نفر غیرعمانی می‌باشد.

زبان رایج و رسمی عمان، عربی است ولی اهالی ظفار با زبان مخصوص خود صحبت می‌کنند که شباهت کمی به عربی دارد و زبان‌شناسان آن را با عربی از یک ریشه می‌دانند که با لهجه‌های آفریقایی اختلاط پیدا کرده است. ([www.mofa.ir](http://www.mofa.ir))

البته برخی ساکنان این کشور علاوه بر زبان عربی، از زبان‌هایی همانند انگلیسی، بلوچی، اردو و لهجه‌های هندی نیز استفاده می‌کنند.

از نظر ترکیب قومی، عرب‌ها با ۷۶/۳٪، بیشترین میزان جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند و ۲۳/۷٪ بقیه جمعیت این کشور از قوم بلوچ، جنوب، آسیایی (هند، پاکستان، سریلانکا و بنگلادش) و آفریقایی می‌باشند.

از نظر ترکیب دینی نیز ۷۵٪ جمعیت این کشور را مسلمانان اباضی، ۲۰٪ مسلمانان سنی، ۳٪ را مسلمانان شیعه و بقیه را هندوها و سایر مذاهب تشکیل می‌دهند. مسلمانان سنی بیشتر در منطقه صور و مناطق اطراف آن و در ظفار زندگی می‌کنند که بخش عمده‌ای از مسلمانان غیراباضی را تشکیل می‌دهند.

شیعیان در منطقه ساحلی باطنه و نیز در مناطق مسقط زندگی می‌کنند. این اقلیت شامل لواتی‌ها یا خواجه‌ها، بحارنه و عجمی‌ها می‌باشد. (<http://tahlilnews.parsiblog.com>)

از مهم‌ترین جزایر عمان می‌توان از جزیره «مصیره» و «کوریا و ماریا» نام برد. این جزایر از مناطق استراتژیکی نظامی و اقتصادی می‌باشد که در این‌جا به شرح اجمالی آن دو پرداخته می‌شود:

الف) جزایر «کوریا و موریئا»: مجموعه‌ای از چند جزیره است که در دریای عرب در ۱۳۰۰ کیلومتری خاور عدن و چهل کیلومتری ساحل عمان در نزدیکی کرانه‌های شمال شرقی ایالت ظفار قرار دارد. این مجموعه شامل پنج جزیره به نام‌های: «حلالیه»، «جیلیه»، «سورا»، «ماسکی» و «جورزونه» است که بزرگ‌ترین آنها جزیره «حلالیه» (یا جزیره موریئا) می‌باشد. مساحت «کوریا و موریئا» حدود هفتاد کیلومتر مربع است. ساکنان آن زندگی خود را از راه ماهی‌گیری می‌گذرانند. بیشتر این ماهی‌گیران در جزیره «حلالیه» ساکن می‌باشند و بقیه جزایر تقریباً خالی از سکنه است.

در سال ۱۸۵۳ یکی از بازرگانان انگلیسی مقادیر فراوانی «چلغوزی» که یک نوع کود گران‌بها معروف به «گورنو» و حاصل از مرغان دریایی است، در آن‌جا پیدا کرد و از سلطان مسقط سعید بن سلطان، خواست این جزایر را به انگلستان بفروشد یا واگذار کند. سلطان اصرار ورزید که جزایر را به صورت هدیه به ملکه «ویکتوریا» تقدیم نماید. جزایر در سال ۱۸۵۴ به انگلیس واگذار شده و ذخایر آن مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در سال ۱۹۳۷ جزایر «کوریا و موریئا» و مستعمره عدن تحت فرمان نماینده انگلیس در خلیج فارس قرار گرفت و سرانجام در سال ۱۹۶۷ با انجام همه‌پرسی از ساکنین جزایر و تمایل آنها، به سلطان عمان واگذار گردید.

ب) جزیره «مصیره»: این جزیره از دیرباز پایگاه نظامی انگلیس بوده و در نزدیکی ناحیه «رأس الحد» است که مشرف به دریای عرب می‌باشد. بین کرانه این جزیره و ساحل عمان تنگه‌ای نیز به نام «مصیره» وجود دارد.

«مصیره» در حال حاضر نیز از نظر سوق‌الجیشی دارای اهمیت است و اخیراً آمریکایی‌ها طبق قراردادی پایگاه سابق انگلیس‌ها در این جزیره را ترمیم کرده و نیروهای واکنش سریع آنها از آن استفاده می‌کنند. ضمناً ایستگاه تقویتی رادیو بی بی سی نیز در این جزیره قرار دارد. این جزیره که فقط ۴۲۰ مایل با مهم‌ترین منابع نفت جهان فاصله دارد نه تنها برای امنیت شهرگ حیاتی غرب مهم است، بلکه پایگاهی از تجهیزات نظامی و فنی می‌باشد، به‌گونه‌ای که این امکان را می‌دهد که

بمبافکن‌های غول‌پیکر از آنها استفاده کنند. این جزیره که از سرزمین شنی با پستی و بلندی‌های سنگی تشکیل شده است در حدود چهل مایل طول و دوازده مایل عرض دارد و در سال ۱۹۵۸م نیروی هوایی انگلیس پایگاهی در قسمت شمالی آن تأسیس نمود. این پایگاه دارای دو باند است که یکی از آنها پنج کیلومتر و دیگری ۴/۵ کیلومتر طول دارد و بمبافکن‌های بزرگ نیز قادرند از این پایگاه به پرواز درآیند. هم‌چنین این باندها می‌توانند بمبافکن‌های دارای کلاهک اتمی را نیز بپذیرند. این پایگاه هوایی هم‌چنین نقشی اساسی در جنگ علیه جنبش ظفار ایفا نمود. (یگانه، پیشین، ص ۵-۴).

### شهرهای مهم

غیر از جزایر و بنادر کوچک و بزرگی که در عمان وجود دارد چند شهر در این کشور از ویژگی‌های خاص برخوردارند:

#### الف) مسقط

شهر بندری «مسقط» پایتخت کشور عمان است. اطراف این بندر را که در خلیج کوچک مدوری قرار گرفته، کوه‌های بلندی احاطه نموده و چهره‌ی زیبایی به آن داده است. بخش عمده جمعیت مسقط را بلوچ‌ها، پاکستانی‌ها، هندی‌ها و سیاه‌پوستانی تشکیل می‌دهند که از ایام گذشته به این شهر آمده‌اند. به لحاظ مذهبی، بیشتر ساکنان این منطقه اباضی بوده و همانند دروزی‌های لبنان جامعه‌ای بسیار بسته داشته، با اقوام دیگر تبادل فرهنگی ضعیفی دارند.

#### ب) مطرح

«مطرح» یکی از بزرگ‌ترین شهرهای عمان بوده و جمعیت نسبتاً زیادی دارد. از جمله ساکنان این شهر «خوجه‌ها» یا «خواجه‌ها» هستند که شیعه‌مذهب (اسماعیلی) بوده از ناحیه «کوچ» که در کرانه غربی شبه قاره هند واقع است به این شهر مهاجرت کرده‌اند و محله و مدرسه خاصی برای خود دارند.

#### ج) نزوی

«نزوی» یکی از شهرهای مهم و مرکز عمان داخلی می‌باشد. از گذشته کانون امامت فرقه اباضی و مخالفان سلاطین مسقط به شمار می‌رفته است. این شهر پیشینه طولانی در منطقه عمان دارد. مردم آن در صدر اسلام گرایش دینی و مذهبی داشته‌اند. از عالمان معروف این دیار، جابر بن زید است که در فقه و حدیث دارای آثار بوده است.

#### د) سیب

از شهرهای مهم دیگر عمان، شهر «سیب» است که قرارداد معروف «سیب» بین سلطان تیمور و امام محمد در این شهر منعقد گردید.

از دیگر شهرهای مهم عمان، می‌توان از «سالاله»، «صحار» و «آزکی» نام برد.

### پیشینه تاریخی تشکیل جمعیت

سکونت در عمان سابقه‌ای طولانی دارد و مهاجرت برخی از مسلمانان در نیمه اول قرن اول هجری به این منطقه شاهده‌گویا بر این مسئله است. سرزمین عمان یکی از اولین سرزمین‌هایی بود که اسلام آورد (به وسیله‌ی عمر بن العس که مدتی بعد نیز اسلام را به مصر گسترش داد). قابل ذکر است که سرزمین عمان با وجود حملات متعدد از سوی خلفای اسلامی، ایرانی‌ها، مغول‌ها و دیگران توانسته است در طول تاریخ تا حدود زیادی استقلال خود را حفظ کند. (اسدی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۰۷).

در زمانی که سلاطین سابق عمان مستعمراتی در شرق آفریقا داشتند و حتی سلطان سعید پایتخت خود را از مسقط به زنگبار منتقل نمود تعداد زیادی از مردم عمان به این مناطق مهاجرت کردند که در سال‌های اخیر با بهتر شدن وضع عمومی کشور عمان بازماندگان این افراد در حال بازگشت به کشور خود هستند که درصدی از جمعیت فعلی عمان را این افراد تشکیل می‌دهند.

هم‌چنین از قرن هجدهم به بعد تعداد زیادی از هندی‌هایی که یا در ارتش انگلیس خدمت می‌کردند و به عنوان کمک به سلاطین عمان به این کشور آمده بودند و یا در ارتش خود این سلاطین خدمت می‌کردند، در این کشور ساکن شدند که بازماندگان آنها هم‌اکنون عمانی شده و در این کشور صاحب مشاغل عمده سیاسی و بازرگانی هستند ولی هنوز هم تقریباً سنت و آداب و رسوم و فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند. (یگانه، پیشین، ص ۱۱).

### اقوام و نژادهای عمانی

گرچه از قدیم‌الایام مهاجران غیر عرب در عمان زندگی می‌کردند، اما عمدتاً مردم آن‌جا را عرب‌ها تشکیل می‌دادند. قبایل گوناگون عربی در این سرزمین زندگی می‌کردند، از همین رو، سلطنت‌نشین عمان یک جامعه عشیره‌ای با طرز فکر و آداب و رسوم سنتی می‌باشد. درگیری دائمی بین قبایل این سرزمین که تعداد آنها به دویست عشیره می‌رسد از ویژگی‌های اصلی این کشور می‌باشد. هر عشیره با وابستگی به یکی از فرقه‌های مذهبی و اجتماعی، در مورد مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی طرز فکر به خصوصی دارد. در منطقه «باطنه» بلوچ‌ها و ایرانی‌ها، در ایالت «عمان الداخل» اعراب خالص، در منطقه «ظفار» سیاه‌پوستان و مهاجران آفریقایی و در منطقه «مسندم» قبیله «شیحوح‌ها» زندگی می‌کنند. قابل ذکر است که قبیله «شیحوح‌ها» عرب اصیل نیستند و از نظر فیزیکی و فرهنگی با سایر مردم عمان تفاوت دارند. آنان عربی را با لهجه متفاوت از عربی عمانی صحبت می‌کنند و سابقه طولانی در وابسته نبودن به قدرت مرکزی دارند.

تقسیمات اجتماعی در عمان از نظر اقتصادی و نژادی به محل زندگی افراد در مناطق کوهستانی و یا ساحلی بستگی دارد. در نواحی ساحلی مهم‌ترین فعالیت‌های اجتماعی شامل ماهی‌گیری،

کشاوری و معاملات می‌باشد. در نواحی کوهستانی گله‌داری رکن اصلی اقتصادی محسوب می‌شود. در حال حاضر پیروان مذاهب مختلف در عمان با کمال تفاهم و دوستی در کنار یک‌دیگر زندگی می‌کنند. (یگانه، ص ۱۲).

### مذهب اباضی در عمان

#### الف) شناسه اباضیه

عمانی‌ها جزء اولین مردمانی بودند که در صدر اسلام با آغوش باز دعوت به اسلام را پذیرفتند. مسلمانان عمان در قرن اول با برخی از صحابه و تابعین ارتباط مستقیم داشتند. شاید از تأثیرگذارترین شخصیت فکری و سیاسی در منطقه عمان بتوان از ابو شعناء جابر بن زید ازدی و عبدالله بن اباض تمیمی (.... - ۸۶ ق) نام برد که فرقه اباضیه به آنها منتسب است.

قول مشهور میان مورخان و نویسندگان ملل و نحل این است که مؤسس مذهب اباضیه، عبدالله بن اباض تمیمی است. گرچه عده‌ای از محققان مذهب اباضی، نسبت مذهب خود را به عبدالله بن اباض نفی نمی‌کنند، ولی انتساب آن را به جابر بن زید ترجیح می‌دهند و معتقدند عبدالله بن اباض در آرا و اعمال خود طبق فتاوی جابر تصمیم می‌گرفته است. (طالب هاشم، ۱۴۰۱ق، ص ۴۹).

جابر بن زید با کنیه ابو شعناء، شاگرد ابن عباس و از اهالی بصره و از قبیله «أزد» بود که در زمان حجاج بن یوسف به عمان تبعید شد. درجه علمی و اشتهاش در میان تابعین مورد قبول همگان بود، از این رو تبلیغ او در عمان مؤثر واقع شد. وی در سال هجده هجری در نزدیکی شهر «نزوی» مرکز حکومت عمان به دنیا آمد و در سال ۹۳ هجری در بصره وفات یافت. جابر از بسیاری از صحابه کسب دانش کرد و در فقه تألیف بزرگی به نام «دیوان جابر» داشت که از بین رفته است و در علم حدیث، مُسندی دارد که از علی بن ابی طالب، ابن عباس، ابو سعید خدری، عایشه، عبدالله بن عمر، ابو هریره، انس بن مالک و دیگران روایت کرده است. بیشترین روایات او از ابن عباس و عایشه است. (بارونی، بی تا، ص ۲۷-۲۸).

برخی دیگر از محققان برآنند که در حقیقت دو مؤسس در مذهب اباضی وجود داشته است؛ یکی عبدالله بن ایاض که رهبری سیاسی آن را بر عهده داشته و دیگری جابر بن زید که رهبری علمی و فقهی آن را عهده‌دار بوده است.

حکومت اباضیه در آغاز، یک حرکت علمی (کلامی یا فقهی) نبود، بلکه یک حرکت سیاسی - مذهبی بود که پس از ماجرای حکمیت شکل گرفت و با حکومت اموی موضعی خصمانه داشت و رهبری این حرکت را عبدالله بن اباض بر عهده داشت، زیرا وی از چهره‌های سیاسی - مذهبی

شاخص در آن زمان بود. جابر بن زید، فقط از نظر علمی برجسته و معروف بود، نه از نظر سیاسی. آن‌گاه که حرکت اباضیه شکل یک مذهب را به خود گرفت، جابر بن زید روش سیاسی عبدالله را تأیید کرد و به عنوان رهبر دینی مذهب اباضیه شناخته شد. (عمر بن الحاج محمد صالح، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶-۴۷؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹ش، ص ۳۲۴-۳۲۵).

پیشینه حکومت اباضی در عمان به دوره انحلال حکومت بنی در سال ۱۳۲ق برمی‌گردد که توسط شخصی به نام «جلندی بن مسعود» شکل گرفت اما به سرعت از بین رفت. ابوالعباس سفاح، نخستین خلیفه عباسی با ارسال سپاهی به عمان، حکومت جلندی بن مسعود را در سال ۱۳۴ق از میان برداشت. اباضیه، پس از آن، بار دیگر به تشکیل حکومت پرداختند و حدود یک قرن حکومت کردند تا این‌که در میان آنان اختلافاتی رخ داد و پس از آن معتضد عباسی با حمله به عمان، حکومت اباضیه را در آنجا برچید، اما عقیده بیشتر مردم همچنان اباضی باقی ماند. (زرکلی، ج ۲، ص ۱۳۳؛ شهرستانی، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۶).

#### ب) رویکرد اجتماعی - فرهنگی اباضیه

اباضیه در مصادر و منابع فرق و مذاهب، انشعابی از فرقه «خوارج» به شمار می‌روند. سبب انشعاب، رویکردهای اجتماعی - فرهنگی رهبر این فرقه در برابر دیدگاه‌های افراطی خوارج نسبت به تکفیر مسلمانان، تندروی و ... بوده است. اباضیه با خوارج در شیوه برخورد با دشمنان مخالف بوده و روش مسالمت‌آمیز را بر خشونت و تندروی ترجیح می‌دهند. در مذهب آنان اگر چه مخالفان و مرتکبان کبیره کافرند، ولی قتل و غارتشان روا نیست؛ چه آن که مرتکبان کبیره را کافر نعمت می‌دانند نه کافر ملت. همچنین دیار مسلمانان مخالفشان را «دار توحید» دانسته نه دارالکفر و بر خلاف دیگر خارجیان، تقیه را جایز شمرده‌اند. (شهرستانی، پیشین، ص ۱۳۴-۱۳۵).

یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که گرچه نویسندگان ملل و مذاهب، اباضیه را انشعابی از خوارج معرفی کرده‌اند، اما اباضیان معاصر به شدت این مطلب را نفی می‌کنند. (بارونی، پیشین، ص ۲؛ معمر، ۱۹۸۶م، ص ۵۱۰ به بعد، جلان، بی تا، ص ۹۰ به بعد).

از زمان رواج اباضی‌گری در عمان (و به‌طور کلی از اواسط قرن دوم هجری) رویکرد اجتماعی - فرهنگی اباضیه بر خلاف رویکرد خوارج، نرمش و میانه‌روی بوده است. هرچند در عرصه سیاسی با رقابت‌ها و مخالفت‌های حاکمان دیگر، فراز و نشیب قابل توجهی در میان اباضیه و دیگران رخ داده و همواره این سرزمین شاهد برخورد سلاطین و رهبران اباضیه بوده است، اما به‌رغم آن، اکثریت مردم عمان به پیروی از مذهب اباضی تعصب ورزیدند و همچنان این مذهب را زنده نگه داشتند. شاید یکی از دلایل بقای این مذهب، تلاش در میانه‌روی و زندگی مسالمت‌آمیز با قبایل و مذاهب دیگر باشد.

اینان بر خلاف خوارج و برخی از گروه‌های تندرو، مسلمانان را تفکیک نمی‌کردند، ازدواج پیروان این فرقه با دیگر مسلمانان را جایز دانسته، شهادت آنان را مقبول و توارث با آنان را روا می‌شمردند و قتال ابتدایی را فقط بعد از دعوت، اتمام حجت و اعلان جنگ جایز می‌شمردند. اباضیان خود را نمایندگان حقیقی مسلمانان و اهل عدل خوانده، راه و روش خود را راستین و امامان خویش را ائمه عدل و جانشیان پیامبر در اجرای اصول اسلام می‌دانند. آنان امامت را یکی از واجبات الهی دانسته که از طریق قرارداد یا توافق خواص با «اهل حل و عقد» شکل می‌گیرد. بر اساس دیدگاه اباضیان، مسلمانان امام را آزادانه انتخاب می‌کنند و ارزش‌های قبیله‌ای، نژادی و قومی در آن راه ندارد و چنان‌که امام شرایط عقد بین مسلمانان و خود را رعایت نکند، امت حق عزل وی را دارند. (طالب-هاشم، پیشین، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ جلان، پیشین، ص ۱۹۵-۱۹۶).

ناگفته نماند که با به قدرت رسیدن سلطان قابوس، مسئله امامت اباضیان به فراموشی سپرده شد.

### ج) عقاید کلامی اباضیه

از آن‌جا که عقاید اباضیه به عنوان مذهب رسمی کشور عمان پذیرفته شده است و اکثر مردم (از جمله سلطان قابوس و خانواده و قبیله‌اش) اباضی‌مذهب‌اند، به عقاید کلامی و دیدگاه‌های اعتقادی آنان اشاره می‌شود. برخی از نویسندگان معاصر اباضی (سبحانی، ج ۵، ص ۳۰۲-۳۰۳) بر این عقیده‌اند که فرقه اباضیه فقط در دو مسئله، یعنی تخطئه حکمیت و شرط ندانستن قرشی بودن امام، با سایر فرقه‌های اسلامی اختلاف نظر دارند، ولی در سایر مسایل با یکی از مذاهب مشهور کلام هم‌عقیده‌اند؛ همان‌گونه که در مسئله صفات خدا، رؤیت، تنزیه، تأویل و حدوث قرآن یا معتزله و شیعه توافق دارند و در مسئله شفاعت با معتزله هم‌عقیده‌اند و در مسئله قدر و خلق افعال با اشاعره هم‌رأی‌اند.

قلم‌هائی - از علمای سرشناس اباضیه - مؤلف کتاب «الکشف و البیان»، دیدگاه اباضیه را در مقایسه با عقاید فرقه‌های قدریه، معتزله، اهل سنت (اهل حدیث، صفاتی، اشاعره) و شیعه بیان کرده است. اباضیه با قدریه و معتزله در عقاید زیر مخالف‌اند:

۱. نفی قدر الهی در افعال انسان؛
۲. انکار عمومیت اراده خداوند در افعال ناروا؛
۳. اثبات منزلتی میان ایمان و کفر درباره مرتکبان کبایر.

و در موارد زیر با آنان موافق‌اند:

۱. عینیت صفات ذاتی خدا با ذات؛
۲. نفی رؤیت بصری خداوند در دنیا و آخرت؛
۳. اثبات استحقاق ثواب برای مؤمن، هرگاه مرتکب گناه نشود یا توبه کند؛

۴. اثبات خلود عذاب برای مرتکبان گناهان کبیره که بدون توبه از دنیا می‌روند؛

۵. انکار نص در مسئله امامت.

و با اهل سنت و اشاعره در عقاید زیر مخالف‌اند:

۱. اثبات صفات خبریه بدون تأویل؛
۲. اثبات رؤیت بصری خدا در قیامت برای مؤمنان؛
۳. اعتقاد به شفاعت در حق مرتکبان کبایر؛
۴. اعتقاد به زیادت صفات ذاتی خداوند بر ذات؛
۵. عدم خلود مرتکبان کبایر در دوزخ؛
۶. شرط قرشی بودن امام؛
۷. وجود اطاعت از امام، هر چند جائز و ستمکار باشد.

و در موارد زیر با آنان موافق‌اند:

۱. اثبات قدر الهی در افعال انسان؛
۲. عمومیت اراده خداوند در افعال بشر؛
۳. خلق افعال و نظریه کسب.

از آن‌چه گفته شد می‌توان به موارد موافقت و مخالفت اباضیه با شیعه امامیه نیز پی برد؛ آنان در مسایل زیر با شیعه اثنا عشریه هم‌عقیده‌اند:

۱. عینیت صفات ذاتی خداوند با ذات؛
۲. تأویل و تفسیر صفات خبریه.
۳. امتناع رؤیت بصری خداوند.

و در مسایل زیر با عقاید شیعه مخالف‌اند:

۱. نص در امامت؛
۲. اعتقاد به شفاعت در حق گنه‌کاران؛
۳. عدم خلود مرتکبان کبایر در دوزخ؛
۴. ارتکاب گناه کبیره مایه کفر و شرک نخواهد بود. (ربانی گلیپاگانی، ص ۳۲۷-۳۲۸).

### دورنمایی از جامعه مذهبی عمان

چنان‌که پیش از این اشاره شد، بعد از ورود اسلام به منطقه عمان یک جریان مذهبی ویژه ایجاد گردید که اکثریت مردم به آن گرایش پیدا کردند و در طول تاریخ این کشور پس از اسلام تاکنون گرایش اباضی‌گری بر آن حاکم بوده است و غالباً حکومت و قدرت همیشه در دست پیروان مذهب اباضی بوده است؛ در نتیجه، در حال حاضر هم اکثریت مردم عمان مذهب اباضی دارند. دین رسمی

این کشور اسلام می‌باشد و اداره جامعه در مسائل فرعی با اصول شرعی فرقه اباضیه شکل گرفته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت مذهب اباضی در تمام شئون مردم نفوذ دارد و سلطان قابوس با وجودی که می‌کوشد حکومت را به شیوه غیرمذهبی اداره کند ولی تاکنون موفقیت کامل به دست نیاورده است، زیرا پیروان مذهب اباضی تعصبات شدیدی دارند و در این گونه موارد بسیار حساس‌اند. با این وضعیت، رفتار اجتماعی - فرهنگی مردم عمان بر مبنای همزیستی مسالمت‌آمیز شکل گرفته، به گونه‌ای که در حال حاضر در این کشور پیروان مذاهب اباضی، سنی، شیعه اثنا عشری و شیعه اسماعیلی در کمال آرامش و صمیمیت در کنار هم زندگی می‌کنند و برخوردهای طردکننده و نزاع‌های مذهبی بین آنها رخ نمی‌دهد. وقتی یک تازه وارد در خیابان‌ها و بازار شهرهای عمان به گردش می‌پردازد به هیچ وجه نمی‌تواند پیروان مذاهب مختلف را که با صمیمت و با آرامی و به دور از هر گونه تعصبات مذهبی در حال زندگی هستند از هم تشخیص بدهد. پیروان این مذاهب به خاطر وصلت‌های خانوادگی بیشتر با هم فامیل هستند. البته تفرقه‌افکنان بین‌المللی و منافقان مذهبی هر از چند گاهی بر طبل تفرقه می‌کوبند و سعی می‌کنند در تحلیل‌ها و تفاسیر فرهنگی - سیاسی اختلافات مذهبی به ویژه میان شیعه و سایر مذاهب را برجسته نمایند، اما فعلاً پیروان مذاهب در مراسم مذهبی یک‌دیگر شرکت می‌کنند و حتی اباضی‌ها در حسینیه‌های شیعیان برای احترام به آنها حضور می‌یابند. (ر.ک: یگانه، پیشین، ص ۱۷).

### اوضاع فرهنگی و آموزشی عمان

با نفوذ استعمارگران در خاورمیانه، منطقه عمان از دخالت بیگانگان در امان نمانده است. حکومت سلطنتی عمان در دوره‌های مختلف، نتوانسته هماهنگی لازم را برای رشد و توسعه مناسب فرهنگی و آموزشی ایجاد نماید. در دوران سلطنت سعید بن تیمور به علت خفقان موجود و عدم وجود رسانه‌ها و مطبوعات و عدم ارتباط لازم با مردم سایر کشورها و به‌طور کلی به دور نگه داشتن مردم کشور از جریان‌ها و رویدادهای بین‌المللی، امکان رشد و افزایش آگاهی‌های اجتماعی مردم عمان وجود نداشت. بعد از سقوط سعید بن تیمور و پدید آمدن فضای بیشتر آزادی، امکان دسترسی مردم به مسایل جهانی تا اندازه‌ای به وجود آمد و در سطوح پایین ادارات دولتی و به خصوص قشر تحصیل کرده افرادی وجود دارند که با مسائل خارج از مرزهای خود آشنا هستند.

مردم عمان از خصایص ویژه اجتماعی برخوردارند. بیشتر زنان با پوشش کامل در امکان عمومی ظاهر می‌شوند. مردها نیز همراه پوشیدن دشداشه‌های سفید و تمیز، کلاه مخصوص به سر می‌گذارند که نوعی احترام و منزلت اجتماعی محسوب می‌شود. عمانی‌ها در مراسم رسمی خنجر به کمر

می‌بندند و به جای کلاه، عمامه به سر می‌گذارند. رعایت نظافت، مصافحه، استعمال عود و عطرهاى خوش‌بو، رعایت نظم و قوانین راهنمایی و رانندگی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، گرمی داشتن مهمان و آرام سخن گفتن از ویژگی‌های دیگر جامعه عمانی است که آنان را نسبت به سایر کشورهای عربی منطقه متمایز می‌کند.

فعالیت زنان در این کشور به طور چشم‌گیری افزایش یافت. جمعیت زنان در کنار وزارت امور اجتماعی و کار جهت آگاهی زنان سمینارهای متعددی را در کشور برگزار کرده است. از سوی دیگر، وزارت دادگستری عمان با توجه به نقش مهم زن عمانی در پیشبرد روند توسعه کشور، در سال ۲۰۰۶م تعدادی زن را به عنوان محقق اجتماعی در دادگاه‌ها منصوب کرد.

به‌طور کلی تمامی زنان عمانی که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، موقعیت بهتری داشته و در جهت کسب حقوق بیشتر برای زنان عمان تلاش می‌کنند. تحولی که اخیراً نسبت به موقعیت زنان این کشور روی داده، آن است که دو نماینده زن از استان مسقط توانسته‌اند به مجلس شورای ملی راه یابند. سه وزیر زن در کابینه فعلی عمان (۲۰۰۸) حضور داشته و پست‌های وزارت توسعه اجتماعی، آموزش عالی و جهانگردی را به عهده دارند. هم‌چنین هفت زن عضو مجلس هستند. زنان عمانی در فعالیت‌های ورزشی، جشنواره‌های فرهنگی زنان و فعالیت جهت تأسیس سازمان زنان نیز تلاش می‌نمایند. در این خصوص انجمن زنان عمانی در سال ۲۰۰۶ به مناسبت کمک‌های مالی سلطان قابوس برای احداث ساختمان انجمن زنان و اهتمام و توجه وی به زن عمانی راهپیمایی کردند.

گرچه در دوران گذشته به ویژه در دوران سلطنت سلطان سعید این کشور فاقد سیستم آموزشی بود، اما در حال حاضر آموزش عمومی وضعیت خوبی دارد. در سراسر کشور مدارس ابتدایی و متوسطه مشغول به کار هستند.

سیستم آموزشی این کشور بیشتر انگلیسی و الگو گرفته از سیستم آموزشی قطر می‌باشد. نظام آموزشی در عمان اجباری نمی‌باشد اما سطوح تحصیلی از ابتدایی تا دانشگاه برای همه شهروندان عمانی رایگان بوده و استقبال مردم از آن افزایش یافته است. آموزش ابتدایی از سن شش سالگی آغاز شده و به مدت شش سال به طول می‌انجامد. سطح بعدی نظام آموزشی به دو مقطع مساوی راهنمایی (پیش دبیرستانی) و دبیرستانی تقسیم می‌گردد که در مجموع بیش از شش سال می‌باشد.

علاوه بر ۱۰۴۶ مدرسه دولتی (طبق آمار سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶) موجود در عمان، تعداد هشت دانشکده تربیت معلم و ده آموزشگاه حرفه‌ای و نیز مؤسسات علوم بهداشتی و بانکداری و چهار مؤسسه فنی در این کشور وجود دارد.



قابل ذکر است که هشت دانشکده اسلامی در این کشور مشغول فعالیت می‌باشد. در حال حاضر دو دانشگاه و بیش از سی دانشکده و مرکز آموزش عالی در عمان وجود دارد.

مهم‌ترین کتابخانه‌های عمان به شرح زیر است:

(الف) کتابخانه اسلامی در مسقط؛

(ب) کتابخانه انجمن انگلیس در مسقط؛

(ج) کتابخانه شورای توسعه در مسقط که در حقیقت سازمان برنامه و بودجه کشور است؛

(د) کتابخانه مرکز تفریح «رأس الحمراء» در مسقط.

هم‌چنین بعضی از سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دیگر این کشور نیز برای خود کتابخانه‌هایی دارند،

مثل کتابخانه بانک مرکزی و کتابخانه وزارت کشاورزی. (ر.ک: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی،

۱۳۸۷ش، ص ۲۸-۳۴).

### تاریخ سیاسی و حکومتی عمان

تاریخ سیاسی عمان، از جنگ و درگیری‌های مستمر در این کشور حکایت دارد. آنچه امروز به نام سلطنت‌نشین عمان شهرت دارد تا قبل از سال ۱۹۷۰ میلادی عمدتاً «مسقط و عمان» نامیده می‌شد. پیشینه اختلافات و تضادهای اجتماعی این سرزمین نخست در قرن هشتم و نهم میلادی از برخورد عقاید مذهبی بین سنی‌ها و اباضی‌ها آغاز شده و سپس با پیدایش اختلافات دامنه‌دار در مورد مسائل مربوط به امامت و سلطنت رفته رفته جنبه سیاسی پیدا کرد. امامان عمان از قرن نهم میلادی به سواحل آفریقا رفته به تبلیغ اسلام و تجارت پرداختند. در این زمان بود که سرزمین عمان به اوج عظمت و رونق اقتصادی خود رسید و صحنه ماجراجویی‌های دریایی و مستعمراتی اروپا قرار گرفت. در اوایل قرن شانزدهم، پرتغالی‌ها به مسقط یورش برده و سواحل عمان و شرق آفریقا را که در اختیار عمان بود، اشغال نمودند. در حدود سال ۱۷۳۰ میلادی «حناوها»، یعنی طرفداران امام، و «غافری‌ها» مخالفان امام رو در روی یک‌دیگر قرار گرفتند. «سیف بن سلطان» امام مسقط برای جنگ با رقیب خود از نادرشاه تقاضای کمک کرد. به دنبال آن، لشکریان ایران وارد عمان شدند و پس از شکست نیروهای رقیب در آن‌جا ماندند. قوای ایران دوبار دیگر در سال‌های ۱۷۳۸ میلادی وارد مسقط و عمان شدند و در عملیات سال ۱۷۴۲م بخش مهمی از سرزمین فعلی عمان را به تصرف خود درآوردند ولی پس از قتل نادرشاه و آغاز کشمکش‌های داخلی در ایران، مسقط و عمان هم از دست ایران خارج شد.

در سال ۱۷۴۴م با کشته شدن تنها رقیب قبیله غافری‌ها، «احمد بن سعید» خود را سلطان این سرزمین معرفی کرد و قبایل مختلف نیز سلطنت وی را پذیرفتند. این شخص که پایه‌گذار سلسله

سلطنتی «آل سعید» است قدرت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و خود را سلطان نامید و از این تاریخ برای اولین بار قدرت سیاسی و قدرت مذهبی از هم جدا شد.

در سال ۱۷۷۸م پس از درگذشت «احمد بن سعید»، پسرش «سعید» زمام امور مسقط و عمان را به دست گرفت. در دوره وی پایتخت این سرزمین از «رستاق» به «مسقط» انتقال یافت. پس از وی سلطنت به «حمد بن سعید» رسید که در زمان وی برخی دژها و بناهای تاریخی ساخته شد و این حرکت عمران و سازندگی تا دوران «سلطان بن احمد بن سعید» ادامه یافت. «سلطان بن احمد» تحت حمایت انگلیس و با بهره‌گیری از اوضاع نابسامان و پرآشوب ایران در آغاز حکومت قاجاریه، بندر عباس، چابهار و گوآتر و هم‌چنین جزایر هرمز و قشم را به تصرف قوای خود درآورد اما بعد از به قدرت رسیدن آقامحمدخان، «سلطان بن احمد» احساس خطر کرده و به وسیله والی فارس خواستار اجاره مناطق اشغالی شد. آقامحمدخان این پیشنهاد را پذیرفت و طی فرمانی بندر عباس و جزایر هرمز و قشم را به مدت هفتاد و پنج سال در قبال سالی شش هزار تومان به سید سلطان و اولاد او واگذار نمود.

دولت انگلیس به خاطر رقابت سختی که با فرانسویان داشت اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به فکر تثبیت نفوذ خود در منطقه خلیج فارس و دریای عمان افتاد. در سال ۱۷۹۸م قراردادی بین حکومت هند شرقی، انگلیس و سید سلطان بن احمد به امضا رسید. دو سال بعد از امضای قرارداد مذکور اولین نماینده سیاسی انگلیس وارد مسقط شد. در زمان حکومت سید سلطان قلمرو حکومت مسقط و عمان تا سواحل شرقی آفریقا و زنگبار نیز توسعه یافت. در سال ۱۸۰۴م سید سلطان هنگام مراجعت از جنگ با «جواسم» با شلیک گلوله از پای درآمد و برادرزاده وی جانشین او گردید ولی سه سال بعد نامبرده نیز کشته شد و «سید سعید» فرزند سید سلطان به قدرت رسید. این شخص از سال ۱۸۰۴ تا ۱۸۵۶م زمام امور را با قدرت به دست گرفت و نفوذ خود را چه در نواحی عمان و چه در سواحل مجاور توسعه داد. زمان حکومت سعید بن سلطان از ادوار پررونق مسقط و عمان بود. وی پیمان‌هایی با آمریکا، فرانسه و انگلیس منعقد نمود. با مرگ سید سعید در سال ۱۸۵۶م، اختلافات شدیدی بین دو فرزند او بر سر اداره سرزمین‌های وسیع مسقط و عمان بروز کرد. به این ترتیب دوران سقوط و تنزل قدرت و عظمت این سرزمین آغاز شد. ابتدا متصرفات مسقط و عمان در شرق آفریقا از حکومت مسقط جدا شده و تحت حکومت سلطان مجید قرار گرفت و سپس امام مسقط از انگلیس تقاضای کمک نمود. قوای انگلیس در سال ۱۸۶۴م به کمک نامبرده شتافتند و سرانجام سلطان «گوینی» به کمک انگلیس‌ها پیروز شد ولی اختلاف و رقابت بین امامان و سلاطین مسقط و عمان تا سال ۱۹۲۰م ادامه یافت. در این سال سلطان تیمور با امام جدید به نام «عبدالله بن محمد الخلیلی» با وساطت انگلیس مذاکراتی برای پایان دادن به اختلافات انجام داد و سرانجام موافقت‌نامه‌ای در شهر «سیب» به امضا رسید.



در مورد قوه قضائیه هم ویژگی خاصی حاکم است؛ دادگاه شریعت عمان با استفاده از قوانین اسلامی به امور قضایی کشور رسیدگی می‌کند. وزیر دادگستری، اوقاف و امور اسلامی برای اداره دادگاه‌های محلی افرادی را به عنوان قاضی می‌گمارد. مقر دادگاه عالی در مسقط می‌باشد. اگر از دادگاه‌های محلی و نیز پایتخت دادخواستی انجام گیرد آن را به دادگاه عالی ارجاع می‌دهند. (یگانه، پیشین، ص ۶۷-۶۸).

### خیزش و بیداری اسلامی در عمان

در چگونگی شکل‌گیری اراده سیاسی در عمان باید گفت مردم تقریباً هیچ دخالتی در امر شوررداری ندارند و هیچ اتحادیه، حزب و سندیکایی وجود ندارد. تشکیل هرگونه حزب سیاسی و انجمن و غیره نیز ممنوع است و هیچ‌گونه فعالیت سیاسی، اجتماعی و مردمی دیده نمی‌شود. رادیو و تلویزیون و مطبوعات تحت کنترل شدید دولت می‌باشد. آنچه که امروزه در این کشور و کشورهای دیگر منطقه در حال شکل‌گیری است و نوعی اعتراض به وضعیت موجود به شمار می‌رود، بهره‌گیری اقشار مختلف به ویژه جوانان از رسانه‌های جمعی بین‌المللی به خصوص ماهواره و اینترنت است. از سوی دیگر، با تلاش غرب برای گسترش فرهنگ غربی در میان جوانان، گرایش به این فرهنگ کم و بیش مشاهده می‌شود. شاید رفت و آمدهای بین‌المللی، رشد سواد و پیشرفت نسبی دانش و بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی موجود، به تدریج بر تحول اجتماعی - سیاسی مردم بیفزاید و سیستم سیاسی و حکومتی دست‌خوش تغییر گردد. برخی (اسدی، پیشین، ص ۳۰۵) معتقدند ثبات سیاسی موجود در عمان، به میزان زیادی بر محبوبیت عمومی پادشاه این کشور نزد جامعه و موفقیت او در هدایت و رهبری برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی عمان استوار است. البته این وضعیت، در شرایط حاضر وضعیت مطلوبی به شمار نمی‌رود. شاهد بر آن، خیزش بیداری اسلامی در خاورمیانه و کشورهای اسلامی از جمله عمان است. در اعتراضات مردمی منطقه در ماه‌های اخیر نسبت به حاکمان و کیفیت اداره کشور، شاهد اعتراض مردم عمان هم بوده‌ایم. شهر «صحار» در بهمن‌ماه و اسفندماه سال ۱۳۸۹ محل برگزاری تظاهرات بود. خبرگزاری‌ها مثل رویترز، ایلنا و ... گزارش دادند: تظاهرکنندگان خواستار اصلاحات سیاسی بودند. در شهر «صلاته» نیز مردم با تظاهرات و تحصن در برابر دفتر یکی از استانداران، ناراضیتی خویش را نشان دادند.

به گزارش گروه اخبار صوتی و تصویری ایرنا، الحیات چاپ لندن، روز سه‌شنبه ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ نوشت: شهر «صحار» در ۲۵۰ کیلومتری شمال مسقط پایتخت عمان هم‌چنان صحنه اعتراض‌های مردمی است. آتش‌سوزی ساختمان‌های خصوصی و عمومی و نیز مجتمع تجاری لؤلؤ و یک مرکز

بهداشتی، از جمله خبرهای مهم در عمان بوده است. صدها شهروند عمانی با ادامه اعتصاب در شهر «صحار» بر اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و نیز اصلاح نهاد اداری تأکید کرده و خواستار عذرخواهی رسانه‌های دولتی از خرابکار معرفی کردن مردم معترض شدند. در این میان، اعضای مجلس شورای عمان نیز در اعلام هم‌بستگی با خواسته‌های شهروندان، در ساختمان مجلس اعتصاب کرده و علاوه بر خواسته‌هایی که مردم بر آن تأکید می‌نمودند، خواستار افزایش حقوق بازنشستگی، بهبود وضعیت تأمین اجتماعی و عفو بدهی‌های مسکن که در قالب وام وزارت مسکن به شهروندان اعطا شده است، شدند. (<http://khabarfarsi.com/ext/367617>).

در پی این اعتراضات، پاسخ این پرسش که ماهیت جنبش اعتراضی در سلطنت‌نشین عمان چیست، تا حدودی آسان خواهد بود. البته نه بدان معنا که سطح اعتراض‌ها به درخواست اصلاح مسایل اقتصادی و تحولات اجتماعی بسیط کاهش داده شود و نسبت به واقعیت امر که از اسارت سیاسی - فرهنگی مردم این کشور حکایت دارد، پرده‌پوشی کرد.

در حال حاضر ماهیت جنبش اعتراضی مردم عمان دست‌کم در سطح آشکار، بیشتر جنبه اقتصادی دارد، اما در سطح غیرآشکار این جنبش به راحتی می‌توان درخواست برای مقابله با نفوذ انگلیس و آمریکا و همچنین افزایش مشارکت سیاسی بدون نظارت و اعمال نفوذ دربار را مشاهده کرد و بر اساس آن، ابراز عقیده کرد که تأثیر جبهه مردمی برای آزادی این کشور تا چه میزان بوده است. از این رو، آیا سلطان قابوس نسبت به مطالبات عمانی‌ها مبنی بر قطع نفوذ آمریکا و انگلیس و افزایش مشارکت سیاسی آحاد مردم این کشور تمکین خواهد کرد یا این که با جنگ‌افزارهای آمریکایی و انگلیسی به سرکوب این مطالبات و کشتار ملتش اقدام خواهد نمود؟

(<http://www.qodsna.com/newscontent-id-34777.aspx>)

تحولات اخیر در منطقه و خیزش و بیداری اسلامی، نویدبخش رشد حرکت دینی و سیاسی مسلمانان می‌باشد. به نظر می‌رسد فرصت به دست آمده، اگر با هوشیاری پی‌گیری شود و در دام توطئه‌های استکبار جهانی گرفتار نشود، اصلاحات دینی و سیاسی خوبی را برای مسلمانان به دنبال خواهد داشت و همگان از تجدید حیات اسلام بیشتر بهره‌مند خواهند شد.

### روابط عمان با جمهوری اسلامی ایران

با توجه به قدمت روابط ایران و عمان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی، تبیین همه آنها از عهده این نوشتار خارج است. در این‌جا به بیان روابط دو کشور در قرن نوزدهم و بیستم و سپس وضعیت روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سلطنت‌نشین عمان پرداخته می‌شود.

## الف) روابط ایران و عمان در قرن ۱۹ و ۲۰

روابط دو کشور در اوایل قرن نوزدهم و اواخر قرن هجدهم حول مسئله بنادر چابهار و بندرعباس و جزایر قشم و هرمز و بحرین دور می‌زد، چون پس از روی کار آمدن «احمد بن سعید» سرسلسله «آل بوسعید» در مسقط و عدم وجود دولت مرکزی مقتدر در ایران پس از مرگ نادرشاه، وی به بنادر و جزایر جنوب ایران دست‌اندازی کرده بعضی از آنها را تصرف کرد و در اوائل حکومت قاجار نیز کمتر به این نوع مسائل رسیدگی می‌کردند.

مسقط و عمان در قرن گذشته روابط سیاسی و اقتصادی بسیار نزدیکی با ایران داشته و تجار و سیاحان دو منطقه به طور مرتب بین دو کشور در رفت و آمد بوده‌اند. در آغاز قرن نوزدهم و شروع مداخلات انگلستان در مسقط و عمان روابط این کشور با ایران دچار دگرگونی‌هایی گردید. به طوری که از بررسی اسناد و مکاتبات سیاسی مربوط به قرن نوزدهم معلوم می‌شود بعضی از رجال وقت ایران، مسقط و عمان را جزئی از خاک ایران دانسته و حکام این سرزمین را دست‌نشانده دولت ایران می‌دانستند. پیروی عده‌ای از سلاطین «آل بوسعید» و امامان مسقط و عمان از پادشاه و یا حکام شهرستان‌های جنوبی کشور ایران این نکته را روشن می‌کند که اگر آنان مسقط و عمان را جزئی از ایران تصور نمی‌کردند دست کم خود را به طور رسمی تحت‌الحمایه شاه ایران می‌دانستند.

دولت مسقط در اوایل قرن نوزدهم دارای نیروی دریایی بزرگی بود و حکام و ایالت فارس برای ایجاد نظم در بحرین که جزئی از ایالت فارس محسوب می‌شد از قدرت دریایی مسقط استفاده می‌کردند، ولی کم‌کم سلاطین عمان و مسقط به قصد تصرف بحرین قدم برداشتند و آن را تصرف کردند. در سال ۱۸۰۱م امام مسقط برای سرکوبی و اخراج وهابیون از بحرین توسط شخصی به نام «شیخ علی» از «حسینعلی میرزا» حاکم فارس تقاضای کمک کرد. میرزا فرمانفرمای حاکم فارس که پدر زن سید سعید امام مسقط نیز محسوب می‌شد نیرویی را برای کمک به داماد خود اعزام کرده و با کمک نیروی دریایی عمان وهابیون را از جزیره بحرین بیرون نمودند. اما در سال ۱۸۱۶م دوباره حکام بحرین با کمک وهابیون و حمایت نماینده سیاسی انگلیس سر به طغیان برداشتند. بار دیگر بین فرمانفرما و سلطان مسقط توافق شد به بحرین حمله نمایند ولی در این حمله شکست خوردند. سلطان مسقط پس از این شکست با کشتی‌های خود به آن سوی خلیج فارس رفته باز هم از حکمران فارس تقاضای کمک نمود. هم‌زمان با مذاکرات امام مسقط با دولت ایران که در بندر «کنگان» صورت گرفت سلطان مسقط خبر یافت که مقامات ایران قصد توقیف او را دارند؛ از این رو به ناچار به مسقط بازگشت. یک سال بعد هم سلطان نماینده‌ای به دربار ایران گسیل داشت و ضمن عرض ارادت، درخواست نمود تا دولت ایران موافقت نماید بحرین را به نام شاه ایران تصرف کند که باز هم نتیجه‌ای به دست نیاورد. در این تاریخ که حدود سال‌های ۱۸۲۰م بود سیاست استعمار

انگلیس در خلیج فارس تحت عنوان مبارزه با دزدان دریایی آشکار شد و چون برای تحت نفوذ درآوردن مناطق ساحل جنوب خلیج فارس به آرامش در منطقه احتیاج داشتند وسیله صلح و آشتی بین سلطان مسقط و شیخ بحرین را فراهم نمودند.

قراردادهایی نسبت به برخی از جزایر مانند قشم، هرمز، بندرعباس، خمیر، میناب و ... میان ایران و مسقط منعقد گردید و روابط دو کشور تا فروپاشی حکومت سید سعید و روی کار آمدن فرزندش سلطان قابوس در فراز و نشیب بود. در این زمان دولت ایران به دنبال انگلیس و آمریکا به سرعت رژیم عمان را به رسمیت شناخته و پشتیبانی خود را از سلطان قابوس اعلام کرد. تا سال ۱۳۴۹ش (۱۹۷۰م) هیچ‌گونه رابطه‌ای بین ایران و عمان برقرار نبود. در دی‌ماه همان سال یک هیئت مطبوعاتی مرکب از نمایندگان کشور عازم عمان شدند و در شهریور ۱۳۵۰ دولت ایران طی یک اطلاعیه رسمی استقرار روابط سیاسی بین دو کشور را اعلام نمود و اولین سفیر دولت ایران در فروردین ۱۳۵۱ش (۱۹۷۲م) در مسقط مستقر گردید. روابط صمیمی و سفرهای مسئولان حکومتی دو کشور رو به فزونی نهاد و دولت ایران سیل کمک‌های همه جانبه نظامی و مالی خود را به عمان سرازیر کرد. این وضعیت تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی آخرین نیروهای ارتش ایران که پس از سرکوب جنبش ظفار هم‌چنان در عمان باقی مانده بودند به کشور بازگشتند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، پیشین، ص ۱۵۹-۱۶۳).

## ب) روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سلطنت‌نشین عمان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روابط کشورهای اسلامی و منطقه با جمهوری اسلامی ایران ابتدا خوب و سپس به دنبال جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران متفاوت و غالباً هم‌سو با خواسته‌های قدرت‌های بزرگ بوده است. چند ماه قبل از شروع جنگ تحمیلی «قیس الزواوی» وزیر وقت مشاور در امور خارجی عمان به‌طور ناگهانی به بغداد سفر کرد. به دنبال این سفر حملات تبلیغاتی دو کشور علیه یک‌دیگر متوقف شد و روابط مسقط - بغداد که سال‌ها به خاطر حمایت مالی و تسلیحاتی عراق از جبهه آزادی‌بخش ظفار خصمانه بود رو به بهبودی گذاشت. با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت عمان بی‌طرفی خود را اعلام کرد اما وسایل ارتباط جمعی این کشور در نحوه انعکاس اخبار و گزارش‌های مربوط به جنگ هم‌سو با سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به جانب‌داری و حمایت از مواضع رژیم عراق می‌پرداختند. هم‌زمان با تغییر اوضاع جنگ به سود جمهوری اسلامی ایران پس از فتح خرمشهر، دولت عمان مواضع خود را تعدیل کرد، حملات تبلیغی خود را کاهش داد و با حفظ بی‌طرفی، در جلب نظر مجدد جمهوری اسلامی ایران سعی نمود.

پس از جنگ تحمیلی، روابط دو کشور روند مثبت و دوستانه‌ای گرفت. سلطنت عمان همواره تلاش نموده نقش و جایگاه خود را در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران حفظ نماید. جناب آقای خاتمی رئیس‌جمهور سابق و جناب آقای دکتر عارف معاون اسبق ریاست‌جمهور بالاترین مقام‌های جمهوری اسلامی بوده‌اند که در مهرماه ۱۳۸۳ از عمان دیدار نموده‌اند.

همسایگی، مسلمان بودن، اشتراک نظر در قبال امنیت منطقه، صدور نفت، عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اشتراک نظر در اغلب مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی جزئی نقاط اشتراک روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و عمان است.

در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ مراودات و سفرهای متقابل انجام شده بین مقامات دو کشور به شرح ذیل می‌باشد:

– ارسال پیام تبریک قابوس پادشاه عمان برای جناب آقای احمدی‌نژاد به مناسبت انتخاب ایشان به ریاست جمهوری؛

– سفر وزیر امور خارجه کشورمان به عمان در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۷؛

– سفر یوسف بن علوی وزیر مسئول در امور خارجه عمان به کشورمان در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۹؛

– سفر وزیر امور خارجه عمان به تهران در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۱ به منظور شرکت در ششمین نشست شورای وزیران اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند؛

– سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱۹ به مسقط. وی با پادشاه عمان دیدار و گفت‌وگو نمود. سلطان قابوس در این دیدار بهترین راه‌حل مسئله هسته‌ای ایران را مذاکرات سیاسی دانست؛

– سفر وزیر امور خارجه کشورمان در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۱۵ به مسقط. وی در ملاقات با سلطان قابوس پیام کتبی رئیس‌جمهور محترم جمهوری کشورمان را تسلیم وی نمود؛

– سفر معاون امور کشورهای عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه کشورمان به مسقط در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۱۳ به منظور تسلیم نسخه‌ای از پاسخ ایران به بسته پیشنهادی کشورهای ۵+۱؛

– دیدار وزیر امور خارجه عمان با رئیس‌جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران در حاشیه چهاردهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در کوبا در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۲۴؛

– سفر یوسف بن علوی وزیر مسئول در امور خارجه عمان در تاریخ‌های ۱۳۸۵/۷/۹، ۱۳۸۵/۱۱/۲۹، ۱۳۸۵/۱۲/۱۶ به کشورمان و گفت‌وگو با مقامات جمهوری اسلامی ایران در خصوص مسایل منطقه‌ای، دوجانبه، موضوعات هسته‌ای، عراق، فلسطین و لبنان؛

– قابوس پادشاه عمان به مناسبت فرا رسیدن روز ملی عمان (۱۳۸۵/۸/۲۸) هشت نفر از اتباع ایرانی را که به جرم قاچاق مواد مخدر و حمل سلاح گرم و مسافر قاچاق به حبس‌های طولانی از

۲/۵ تا ۱۶/۵ سال محکوم شده و حدود نصف و بعضاً کمتر از نصف مدت دوران محکومیت خود را در زندان سپری نموده بودند، عفو نمود؛

– آقای مرتضی رحیمی سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در عمان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۳ با قابوس پادشاه عمان ملاقات و استوارنامه خود را به وی تقدیم کرد.

– برگزاری پنجمین نشست کمیته مشترک دوستی نظامی ایران و عمان از تاریخ ۱۳۸۵/۸/۷ به مدت چهار روز در مسقط. طرفین در خصوص همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های نظامی و صنایع دفاعی از جمله آموزش نیروی انسانی، استفاده از تجارب و تبادل اطلاعات، حضور نیروهای نظامی در مسابقات قرآنی و ورزشی، انجام مانورهای مشترک مربوط به جست‌وجو و نجات دریایی و مبادله اطلاعات درباره تردد کشتی‌های نظامی در تنگه هرمز و دیگر مسائل مورد علاقه بحث و تبادل نظر نموده و توافقات به عمل آمده در صورت جلسه‌ای که به امضای طرفین رسید، منعکس گردیده و موافقت طرف عمانی با تأسیس نماینده فروش تولیدات نظامی کشورمان در مسقط در چارچوب مقررات عمان از جمله این توافقات می‌باشد؛

– سفر هیئت فنی پنج نفره از وزارت دفاع و صنایع نظامی کشورمان به ریاست سرتیپ عبدالله خیراللهی مدیر کل صادرات وزارت دفاع به مسقط از تاریخ ۱۳۸۵/۸/۸ به مدت سه روز. در ملاقات با طرف عمانی در وزارت دفاع این کشور هیئت ایرانی تولیدات دفاعی کشورمان را معرفی و آمادگی طرف ایرانی را برای هرگونه همکاری اعلام نمود.

همچنین مقرر شد هیئتی از وزارت دفاع عمان به منظور دیدار از صنایع دفاعی کشورمان به جمهوری اسلامی سفر نماید؛

– سفر یک روزه وزیر امور خارجه کشورمان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۹ به منظور گفت‌وگو با همتای عمانی خود در خصوص راه‌های توسعه روابط دوجانبه، آخرین تحولات در منطقه و مطلع نمودن همتای عمانی خود از آخرین تحولات هسته‌ای ایران؛

– ملاقات وزیر امور خارجه کشورمان با وزیر مسئول در امور خارجه عمان در منامه در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱۷ در حاشیه کنفرانس امنیتی در بحرین و گفت‌وگو در مورد روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی؛

– برگزاری سومین نشست مسئولین یگان‌های گارد ساحلی و مرزی جمهوری اسلامی ایران و عمان از تاریخ ۱۹ تا ۲۲ آذرماه ۱۳۸۵ در بندرعباس؛

– سفر هیئت ۲۴ نفره از بازرگانان عضو اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به ریاست آقای محمد پرهام معاون امور مجلس اتاق بازرگانی به عمان در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۲۱، جهت شرکت در سومین اجلاس شورای مشترک بازرگانی ایران و عمان و مذاکره درباره مسایل مورد علاقه دو کشور و بررسی مشکلات فراروی بازرگانی در بخش خصوصی؛

- ارسال پیام کتبی «بیان مواضع کشورمان» از سوی رئیس ایرانی گروه دوستی پارلمانی دو کشور به همتای عمانی خود در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲ در مورد قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل در خصوص برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران؛

- تماس تلفنی جناب آقای متکی وزیر سابق امور خارجه کشورمان با همتای عمانی خود در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۹ و گفت‌وگو در خصوص مسایل منطقه‌ای؛

- ورود شیخ یحیی بن عبدالله بن سالم آل فنه العریمی سفیر جدید عمان در کشورمان به تهران در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۹؛

- سفر هیئت شش نفره نظامی از عمان به منظور هماهنگی و برنامه‌ریزی مانور تجسس دریایی از تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۴ به مدت چهار روز به دعوت ستاد کل نیروهای مسلح؛

- افتتاح دفتر مسافرتی ایران در مسقط؛

- در راستای اجرای سیاست‌های کلان دولت جمهوری اسلامی ایران برای جذب گردشگران خارجی، در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۵ دفتر مسافرتی ایران در راستای معرفی بهتر جاذبه‌های گردشگری کشورمان در مسقط گشایش یافت. این دفتر مسافرتی با توجه به علاقه روزافزون شهروندان عمانی برای دیدار از جمهوری اسلامی ایران افتتاح شده است؛

- در مورد همکاری‌های امنیتی بین دو کشور قابل ذکر است، طرف ایرانی متن پیشنهادی موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی بین دو کشور را در سال ۱۳۸۲ تسلیم طرف عمانی نموده و طرف عمانی در بهمن ماه ۱۳۸۵ نظر خود را درباره متن این موافقت‌نامه به طرف ایرانی اعلام نموده است؛

- در سفر وزیر شهرداری‌های منطقه‌ای، محیط زیست و منابع آب عمان در صدر یک هیئت شش نفره به تهران برای شرکت در چهارمین اجلاس مدیریت منطقه‌ای آب که از تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۳ به مدت سه روز برگزار شد، یادداشت تفاهمی در زمینه همکاری آب بین دو کشور توسط وزیر شهرداری‌های منطقه‌ای و محیط زیست و منابع آبی عمان و وزیر محترم نیروی کشورمان امضا شد؛

- دولت عمان هم‌چون سال‌های گذشته در سال ۱۳۸۵ نیز به پیشنهاد عدم اقدام در قبال قطع‌نامه پیشنهادی کانادا علیه جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت داد. به‌طور کلی عمانی‌ها نسبت به معیارهای غرب در مورد حقوق بشر و تسری و اعمال آن بر کشورهای اسلامی، تحفظ داشته و در این مورد تعاملات بسیار خوبی با ایران دارد؛

- در خصوص مدیریت و حل و فصل پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، ملاقات‌ها و رایزنی‌های متعددی با مقامات سیاسی عمان در راستای حمایت از حق مسلم ایران در بهره‌مندی از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بر اساس معاهده (NPT) صورت پذیرفته است. به این منظور در مواقع بحرانی و اعمال فشار علیه کشورمان با توجه به رابطه ویژه و خاص عمان با انگلستان و ایالات

متحده آمریکا، سفرهای دوجانبه در سطح وزیر خارجه و دبیر شورای عالی امنیت ملی به پایتخت‌های یک‌دیگر در سال ۱۳۸۵ صورت پذیرفته و رایزنی‌ها و مذاکرات مسبوت و طولانی به انجام رسیده است.

هم‌چنین در طی سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ سفرهای متعددی بین مقامات دو کشور انجام شد و در آخرین این دیدارها، سید فهد بن محمود آل سعید معاون نخست وزیر عمان در سفری بسیار مهم و تاریخی در رأس هیئت بلند پایه عمانی متشکل از وزیر امور خارجه و چهار وزیر دیگر در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱ از کشورمان دیدار کرده و با مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسایل مختلف دو جانبه و منطقه‌ای به بحث و گفت‌وگو پرداخت و در پایان، سه سند همکاری در زمینه‌های راهبردی و انرژی بین دو کشور به امضا رسید. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۱۶۳-۱۶۸).

در پنج سال اخیر روابط دو کشور بیش از دهه‌های گذشته شده است. سفر سلطان قابوس به ایران در ۱۳ مرداد سال ۱۳۸۸ اهمیت بسیاری داشت. در این سفر، ایران و عمان هفت یادداشت تفاهم امضا کردند. رئیس جمهوری اسلامی ایران و پادشاه عمان با تأکید بر این که تهران و مسقط دارای منافع و دشمنان مشترک هستند بر لزوم گسترش و افزایش مناسبات و همکاری‌های دو کشور در همه زمینه‌ها تأکید کردند. دو کشور می‌توانند با طراحی جامع و مناسب در جهت تأمین امنیت پایدار در منطقه حساس خلیج فارس و دریای عمان گام بردارند.

### منابع و مأخذ

- ۱- اسدی، بیژن، خلیج فارس و مسائل آن، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۸ ش.
- ۲- بارونی، سلیمان، مختصر تاریخ الأباضیه، مکتبه انصاری، سلطنة عمان، بی‌تا.
- ۳- جلان، عدوّن، الکفر السیاسی عند الاباضیه من خلال آراء الشیخ محمد بن یوسف اطفیش، مکتبه انصاری، عمان، بی‌تا.
- ۴- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، عمان، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۷ ش.
- ۵- ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
- ۶- زرکلی، الاعلام.
- ۷- شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل.
- ۸- طالب هاشم، مهدی، الحركة الأباضیه فی المشرق العربی، دار الاتحاد العربی، بی‌جا، ۱۴۰۱ ق.
- ۹- عمر بن الحاج محمد صالح، دراسة فی الفکر الاباضی، مکتبه الاستقامه، ۱۴۱۳ ق.

- ۱۰- معمر، علی یحیی، الاباضیه بین الفرق الاسلامیه، وزارة التراث القومي، عمان، ۱۹۸۶م.  
۱۱- یگانه، عباس، عمان، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

- 12- [www.mofa.ir](http://www.mofa.ir)  
13- <http://tahlilnews.parsiblog.com>  
14- <http://khabarfarsi.com/ext/367617>  
15- [http://qodsna.com/newscontent\\_id\\_34777.aspx](http://qodsna.com/newscontent_id_34777.aspx)

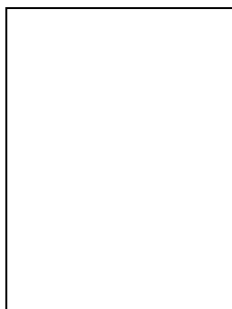
مجله



## بررسی و نقد کتاب

### اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب

مرتضی شیروودی<sup>۱</sup>



نام کتاب: اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب از قرارداد پارساروویتز تا قرارداد غزه - اریح  
 نویسنده: دکتر فرهنگ رجایی  
 ناشر: انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه  
 سال چاپ: ۱۳۸۱  
 تعداد صفحات: ۱۲۸  
 قطع: رقعی

### معرفی کتاب

کتاب «اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب از قرارداد پارساروویتز تا قرارداد غزه - اریح»، اثر دکتر فرهنگ رجایی است. این کتاب، در تیراژ ۲۰۰۰ نسخه و به قیمت ۹۰۰۰ ریال در تابستان ۱۳۸۱ به بازار عرضه گردیده است. کتاب مذکور، از سوی انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و در دو بخش و در چهار فصل انتشار یافته است. مقدمه کتاب از دکتر محمود سریع‌القلم است و در آن، اسرائیل به عنوان تأثیرگذارترین کشور بر تاریخ نیم‌قرن اخیر اعراب، قلمداد شده است، در حالی که نویسنده، اسرائیل را تنها یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و فراز و فرود اندیشه و اندیشه‌گران سیاسی معاصر عرب دانسته است. در واقع، این کتاب می‌کوشد درباره تأثیرات حوادث معاصر، از جمله: انقلاب صنعتی غرب، کشف نفت در منطقه و حضور صهیونیست‌ها و دیگر قدرت‌های غیرمنطقه‌ای جدید بر جریان فکری عرب سخن گوید.

۱- دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی.



## خلاصه کتاب

خلاصه چهار فصل کتاب را به غیر از مقدمه، پیش‌گفتار، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، برای آشنایی با آن، مرور می‌کنیم:

### گرایش‌ها و اندیشه‌های سیاسی گذشته

پس از ظهور اسلام و رسمی شدن این دین در جزیره‌العرب، دو عرصه فکر و عمل با هم هماهنگ شد و باعث ایجاد یک جامعه متحد و یا به عبارتی تمدن اسلامی - عربی گردید. همچنین هماهنگی فکر و عمل، موجب پیروزی‌ها و کشورگشایی‌های فروانی گردید، ولی این دوره بیشتر از دو دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس طول نکشید و پس از وقوع انقلاب صنعتی غرب گویا پایه‌های انحلال این تمدن گذاشته شد، به‌طوری که اولین شکست‌های دولت عثمانی، پس از ورود افراد بی‌دین، بی‌ایمان، متقلب و حقه‌باز به دربار عثمانی در سال ۱۶۳۱ رخ داد و کم‌کم این شکست‌ها، دولت عثمانی را به فکر یافتن علت آن انداخت. علت را در نیروی نظامی، اداره ممالک مختلف سرزمین اسلامی و بی‌بهره بودن از تمدن و گرایش به تمدن غرب دید و از این رو کوشید با دعوت از مستشاران فرانسوی برای تعلیم نیروی نظامی کشور و واگذاری اداره ممالک به زورمندان محلی جهت تحکیم قدرت و فرستادن افراد مختلف به غرب برای بهره‌گیری از تجربیات آنها سود بجوید اما این تحولات هیچ یک نتوانست مشکلات دولت عثمانی را حل نماید و اوضاع داخلی آن به جایی کشیده شد که زمینه‌های حمله ناپلئون به مصر و واگذاری حکومت آن کشور به محمدعلی پاشا با ادعای حل مشکلات مصر فراهم شد و در دیگر ممالک دولت عثمانی، خود مردم به فکر حل این چالش میان فکر و عمل برآمدند و راه حل آن را بازگشت به آموزه‌های اسلامی دیدند و این امر، باعث شکل‌گیری وهابیت و جنبش سنوسی در بخش غربی مصر و حرکت محمد احمد سودانی معروف به المهدی در سودان گردید و البته این تحولات داخلی برای نجات عثمانی‌ها مؤثر واقع نشد، بلکه بیشتر و بیشتر پایه‌های انحطاط آن دولت را یا به عبارتی بسترهای زوال جهان اسلام را مهیا کرد، اما دولت عثمانی همچنان در تلاش بود تا مانع فروپاشی از درون گردد، از این رو به راه‌حل‌های دیگر روی آورد.

از دیگر راه‌کارهای دولت عثمانی جهت حل مشکلات کشور، تنظیمات مبنی بر غربی کردن حکومت بود که از زمان سلطان سلیم سوم شروع شد، در حالی که اصلاح دو نهاد صدارت عظمی و شیخ الاسلامی به تضعیف آنها و نیز به جداسازی دین از سیاست کمک کرد و در نتیجه، راه به جایی نبرد و خود سبب ایجاد فرمان اصلاحات جدید موسوم به فرمان سال ۱۸۵۶ گردید که در جهت تضعیف دولت عثمانی و تقویت خارجیان مدعی و افزایش حقوق آنها و اقلیت‌های دینی نسبت به دیگر افراد مؤثر افتاد و به از هم‌پاشیدگی نظم داخلی انجامید و سبب شد در سال ۱۸۷۶ قانون

اساسی با هدف ایجاد یک دولت قوی ترکی نگاشته شود. به هر روی، همه این حوادث سبب تضعیف نهاد خلافت گردید و به تدریج و نقطه به نقطه قدرت جهان اسلام را از هم پاشیده و به تحلیل برد.

### نحله‌های فکری - سیاسی بعد از بیداری

به دنبال تحولات مختلف در جهان و در جهان عرب، این نیاز احساس شد که دیگر افکار و اعمال گذشته نمی‌تواند پاسخ‌گوی مسایل مختلف مطرح در جهان جدید باشد و این مسئله، سبب ایجاد جریان‌های فکری مختلفی شد، اما این بار این جریان‌های فکری هدف مشترکی را دنبال نمی‌کردند، در نتیجه، خود سبب مشکلاتی شدند که روز به روز و با گذشت زمان بیشتر مشخص شد. برخی از این نحله‌ها عبارت است از:

الف - غرب‌گرایی: سرمنشأ غرب‌گرایی را می‌توان از خود دولت عثمانی و فرستادن افرادی جهت یادگیری اصول نظامی از غرب پس از شکست‌های اولیه عثمانی و پس از عقد قرارداد پارساروتیز (سال ۱۷۱۸) مشاهده کرد، اما باید به موضوعات دیگر هم توجه کرد، به‌طوری که پس از حمله ناپلئون به مصر و نشاندن محمد علی پاشا به جای زورمندان محلی دولت عثمانی، می‌توان گفت که پایه‌های شکل‌گیری پیروی از تمدن غربی آغاز شد و کم‌کم کار به جایی رسید که اندیشه‌های جدیدی شکل گرفت که از میان آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- طنطاوی مصری معتقد بود پیشرفت مصر در زمینه فرهنگی به این صورت انجام می‌گیرد: با توجه به تغییرات به وجود آمده در زندگی مردم و حکومت، باید مردم از عقل بهره جویند و لازم است در کنار تربیت دینی، تربیت سیاسی در جهت ایجاد شناخت اوضاع جامعه و تصمیم‌گیری درباره آن، صورت بگیرد.

۲- طه حسین هم معتقد بود پیشرفت مصر در زمینه فرهنگی در گرو پیروی از غرب است، اما با جدا کردن اصول دین مسیحی از آن. او هم چون برخی از اندیشمندان مسلمان عرب، پیروی از غرب را به آن جهت موجه می‌دید که علوم داده شده اسلام و مسلمین به غرب را باز پس بگیرند و هیچ کدام باور نداشتند که تحت استعمار غربی قرار گرفته‌اند.

ب - عرب‌گرایی: با ورود اندیشه‌های غربی در دولت عثمانی، عرب‌گرایی هم گسترش یافت ولی با این وجود نمی‌توان تأثیرات حوادثی چون تأسیس انجمن ادبی بیروت با هدف اخراج عثمانی و جریان حمله به میراث عربی و ورود واژگان جدید غربی هم‌چون وطن‌پرستی را در گرایش عرب‌های اندیشمند به عرب‌گرایی نادیده گرفت. از افراد مهم در این جریان فکری می‌توان از کواکبی نام برد که قومیت عربی را بالاتر از سایر قومیت‌ها (ترک) می‌دید. عرب‌گرایی اشکال مختلف یافت، از جمله:

۱ - عرب‌گرایی لیبرال: مقصود از عرب‌گرایی لیبرال، عرب‌گرایی با نگرش به غرب است که از سال ۱۹۰۸ و به دنبال ایجاد گروه ترکان جوان شکل گرفت و تا سال ۱۹۴۸ ادامه یافت و بعد به دنبال شکست اعراب از اسرائیل و در هم شکسته شدن انتظارات اعراب از غرب، مهاجرت یهودیان به فلسطین به دستور بالفور و ظهور نازیسم و فاشیسم و جنگ جهانی دوم در غرب، این نوع عرب‌گرایی دچار زوال گردید و جای خود را به عرب‌گرایی تندرو و چپ‌گرا داد. از متفکران مهم این دوره که در جهت برتر بودن قومیت عربی و ایجاد وطن عربی با حذف اسلام استدلال می‌کردند می‌توان به نجیب عازوری، عبدالرحمن البراز و ساطع الحصری اشاره کرد.

۲- عرب‌گرایی تندرو: این نوع از عرب‌گرایی از سال ۱۹۴۸ شکل گرفت و تا جنگ شش‌روزه ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل ادامه یافت. در مجموع، عرب‌گرایی تندرو از لحاظ محتوایی به سه دسته تفکیک می‌شود که عبارت است از:

۲/۱ - عرب‌گرایی ناصری: عبدالناصر حکومت جمهوری را در مصر ایجاد کرد و در پی آن، قومیت عربی، قومیت اسلامی، قومیت آفریقایی را سه حوزه تمدن معرفی کرد ولی او قومیت عربی را برتر از بقیه می‌دانست و از آن برای ایجاد اتحاد عربی و به منظور مشارکت سیاسی آنان در مبارزه با غرب و اسرائیل بهره می‌گرفت، اما این اتحاد عربی مردمی نبود و به دولت مربوط می‌شد، با وجود این، مهم‌ترین قدرت در هسته عرب‌گرایی تندرو عبدالناصر باقی ماند و با مرگ وی دچار افول گردید ولی همچنان از عبدالناصر به عنوان قهرمان مبارزه علیه غرب‌گرایی یاد می‌شد.

۲/۲- عرب‌گرایی بعث: بعثی‌ها به‌طور رسمی فعالیت خود را در سال ۱۹۴۳ آغاز کردند که رهبر این گروه میشل عفلق بود و هدف خود را جنگیدن تا اتحاد عرب و آزادی آنها معرفی می‌کرد.

۲/۳- جنبش ملی‌گرایی عرب: این جنبش توسط گروهی از دانشجویان دانشگاه بیروت که اکثراً فلسطینی بودند و در پاسخ به تأسیس دولت اسرائیل و مهاجرت ساکنان فلسطینی شکل گرفت. در نهایت، ملی‌گرایان عرب در سال ۱۹۶۴، ساف و سازمان آزادی‌بخش فلسطین را ایجاد نمودند اما عرب‌گرایی بعث و جنبش ملی‌گرایی عرب به علت وجود عرب‌گرایی عبد‌الناصر که قهرمان عرب بود، چندان مورد توجه قرار نگرفت.

ج- اسلام‌گرایی: هدف از ایجاد اسلام‌گرایی این بود که به مردم بفهماند حوادث، رخدادها و جریان‌های فوق باعث چالش در تفکرات اسلامی شده است. در این میان، می‌توان از سید جمال اسدآبادی یاد کرد که می‌گفت: دین با ایجاد تمدن و پیشرفت مخالف نیست بلکه برای دستیابی به تمدن باید از دین به درستی مطلع بود تا مبادا این‌گرایش به سمت تمدن و پیشرفت باعث انحراف به مادیات گردد. محمد عبده از دیگر چهره‌های اسلام‌گرا به شمار می‌رود. در عوض، برخی دیگر از اندیشمندان اسلام‌گرا راه حل خروج از بن‌بست‌های جهان اسلام را تنها در تشکیل حکومت اسلامی

ترسیم می‌کردند. از اندیشمندان این گروه می‌توان به محمد رشید رضا و حسن‌الینا اشاره کرد. بنا جنبش اخوان‌المسلمین را در سال ۱۹۲۸ و در اسماعیلیه مصر در جهت برقراری نظام سیاسی ایجاد کرد، اما به دلیل هم‌عمر بودن جریان اسلام‌گرایی با عرب‌گرایی (عبدالناصر)، آن هم راه به جایی نبرد و فقط اندیشه آن در اذهان باقی ماند به‌طوری که مهم‌ترین جریان تا پس از تحولات جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ و تا وقوع مهم‌ترین تحولات دهه ۱۹۷۰ از جمله انقلاب اسلامی ایران، اسلام‌گرایی بوده است.

### بسترهای اجتماعی اندیشه سیاسی معاصر

تحولاتی در سطح جهانی و منطقه‌ای روی داد که جریان‌های فکری جهان عرب را متأثر ساخت، به طوری که گاه آنها تقویت یا تضعیف شدند یا حتی سبب ایجاد جریان‌های فکری جدیدی گردید که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

اما این تحولات جهانی چه بود؟ جنگ شش‌روزه ژوئن سال ۱۹۶۷ میان اعراب و اسرائیل که نشان داد هیچ‌یک از جریان‌های فکری مؤثر، نتوانسته‌اند در عمل مفید واقع شوند. آنها حتی برای تیرئه خود از عبارت‌هایی چون: «آن کار به درستی صورت نگرفت ما شکست خوردیم»، بهره جستند، حتی برای مثال، متفکرانی هم‌چون صادق‌العظم سوری علت شکست را در روند غلط غربی شدن از جمله به جای تولیدکننده شدن، مصرف‌کننده شدن مردم و تأسیس دانشگاه نه به درخواست مردم بلکه به خواست دولت‌ها ذکر می‌کردند.

جنگ رمضان ۱۹۷۳ میان مصر (اعراب) و اسرائیل، که در ظاهر، اسرائیل پیروز شد و تا مرزهای مصر پیش رفت اما چون اعراب به این نتیجه رسیدند که آمریکا مسبب آن است، دست به تحریم علیه غرب زدند و پیروزی را پس از آن همه شکست از آن خود ساختند. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، سبب تقویت جریان اسلام‌گرایی گردید ولی جنگ عراق علیه ایران و کویت به تقویت جریان فکری عرب‌گرایی انجامید.

درباره تحولات رخ داده در سطح منطقه‌ای باید گفت: تحولات سیاسی جهان عرب با فروپاشی دولت عثمانی و شکل‌گیری دولت ترکان جوان با اندیشه دولت‌مداری (دولت - کشور) آغاز شد. حتی پس از قرارداد ورسای، اندیشه دولت‌مداری توسعه یافت و تلاش‌های بسیاری برای ایجاد دولت‌های جدید با دست زدن به کودتا صورت گرفت، اما پس از آن که مردم دریافتند ایجاد تمدن از راه براندازی حکومت مرکزی امکان‌پذیر نیست، به فکر تحقق اندیشه‌های مبتنی بر دولت - ملت افتادند. با جهانی شدن ساختار دولت - ملت و در کنار آن کشف نفت در سال ۱۹۱۲ در جهان عرب، زمینه برای ایجاد تحولات اجتماعی فراهم گردید؛ زمینه‌هایی مانند بیست برابر شدن جمعیت منطقه

بین سال‌های (۱۹۷۰ - ۱۹۹۱) که خود سبب افزایش نیاز افراد در جنبه‌های مختلف از جمله فیزیکی و تشکیل واحدهای جدید دولت - کشور شد. مناسبات ارضی و الگوی زندگی هم در امان نماند و الگوی زندگی از روستایی به شهرنشینی تغییر یافت، در حالی که این بار شهرنشینی به معنای برخوردار شدن از رفاه و مزایای بیشتر بود. نظام آموزشی و مدارس که در جهان عرب و به خصوص مصر که آغازگر تحولات جدید بود از سال‌های (۱۹۱۳ - ۱۹۴۵) توسط دولت‌ها مدیریت شد و سبب افزایش اطلاعات افراد در سطوح مختلف آموزشی (ابتدایی - عالی به بالا) گردید. همه این مسایل از دلایل ایجاد جریان‌های فکری جدید است.

### نحله‌های فکری و اندیشه‌های سیاسی جدید

با توجه به تحولات اشاره شده در سطح جهانی و منطقه‌ای، جریان‌های فکری و اندیشه‌های سیاسی موجود باید تغییراتی می‌یافت تا کارآمد جلوه کند. برخی از این تغییرات را بررسی می‌نماییم:

۱- نحله فکری دولت‌سازی و تمدن‌گرایی: به دنبال وقایع جنگ شش روزه ۱۹۶۷، برای جهان عرب ثابت شده بود که غربی شدن در ابزار و آلات جنگی، موجب پیروزی نمی‌گردد بلکه این مدرن شدن است که آنها را به پیروزی خواهد رساند؛ مشابه آن‌چه که در ارتش اسرائیل روی داده بود. در واقع، پیروزی ارتش اسرائیل به دلیل انگیزه و تربیت نظامی و رهبری عالی بود و اینها هیچ‌کدام به معنای غربی شدن نبود بلکه مدرن شدن معنا می‌داد. پس جهان عرب هم برای ساختن جامعه‌ای مدرن، با احداث مراکز تحقیقاتی (ابن‌خلدون) جهت جامعه‌شناسی عرب، و برگزاری همایش‌ها و نشست‌هایی در جهت شناسایی مشکل و ارائه راه حل برای این مشکلات و... شروع به کار کرد. به علاوه، آنها به دلایل دیگری درباره عقب ماندن خود دست یافتند: مثل مسئله بی‌قدرتی و بازیگر نبودن (حضور نداشتن) در جهان. از نتایج این بررسی‌ها آن بود که مدرن‌سازی دو بعد اصلی دارد که عبارت است از: هویت و امریت.

هویت: از سال ۱۹۶۷ به بعد، هویت که تا آن زمان در عرصه سیاست معنا می‌شد، در معانی و کاربردهای متفاوتی ظاهر شد و به گونه‌ای درآمد که در موارد زیر هم به کار رفت:

- زوایای صوری عرب اعم از رنگ و دین و قومیت؛  
- اندیشه‌های جهان عرب در ادوار مختلف تاریخ (فکر مولد، بهره‌جو، مصرف‌کننده، پژوهش‌گر و توزیع‌کننده)؛

- بازسازی سنت عربی در مکانی استوار با رجوع به گذشته عرب؛

- گذشته به هر گونه‌ای که باشد اهمیت ندارد؛

- جدا کردن عنصر گذشته از هویت؛

- عقل به معنای شکوفایی از خلق و ابداع حاصل است نه از تقلید از گذشته و آینده.

امریت و جهان‌داری: شکست اعراب در سال ۱۹۶۷ نشان داد نظام حکومتی کارایی لازم ندارد و در نتیجه، کم‌کم اندیشه‌های ایجاد یک نظام سیاسی مطلوب در اذهان شکل گرفت و در عمل تا حدودی خود را نشان داد. آنها ابتدا سؤالاتی مطرح کردند، از جمله: (۱) وضعیت سیاسی عرب در داخل و سطح جهانی چگونه است؟ (۲) چه جنبه‌هایی باید در اصول و ساختار حکومت‌ها طرح‌ریزی شود و یا چه جنبه‌هایی در آن مطرح است؟ در پاسخ به سؤال اول، متفکرانی هم‌چون هشام شرابی از عبارت «پدرسالاری جدید» برای وضعیت سیاسی جهان عرب در داخل استفاده می‌کند. انور عبد الملک از کلمه «ارزش اضافه تاریخی» یعنی تحت فشار قرار دادن و استعمار جهان عرب توسط غرب یاد می‌کند و مستقل شدن جهان عرب را راه حل آن می‌داند و جلال امینی از عنوان «تجاوز تمدنی غرب» و عبدالکبیر خطیبی از عنوان «نقادی دو جانبه عرب و غرب»، بهره می‌برد.

در پاسخ به سؤال دوم، اندیشمندان مختلف، به جنبه‌های گوناگون حکومت جدید در جامعه مدنی، کثرت‌گرایی و حقوق بشر که مولد تمدن و تجدد است و آزادی و حقوق زنان که خود فراتر از مسایل جنسی است به‌طوری که در دهه‌های اخیر سبب دخالت زنان در حوزه‌های مختلف جهان عرب گردیده و بحث از آینده ارتش در منطقه به ویژه در کشورهای عربی، عدالت اجتماعی، تکثر سیاسی، شورا، رابطه جامعه و سیاست و آینده تعلیم و تربیت، تمدن غرب و چالش‌های آن می‌پردازند.

۲- اسلام‌گرایی جدید: این جریان هم به دنبال شکست در سال ۱۹۶۷ قوام تازه یافت ولی به دلایلی چون آموزش غلط آموزه‌های اسلامی، تهاجم فرهنگی غرب بر فرهنگ و روح جهان عرب و... نتوانست کارآمدی خود را به ظهور برساند. به همین سبب از آن سال تا سال ۱۹۹۵، طرح‌های جدیدی از اسلام‌گرایی به خصوص توسط اعضای گروه اخوان المسلمین ریخته شد که عبارت است از:

مسلمانان مبارز: بنیادگرایان و اصول‌گرایان، مسلمانان مبارز خوانده می‌شوند. آنها اندیشه‌های خود را از اندیشمندانی چون سید قطب می‌گیرند، از این رو همانند سید قطب معتقدند جهان امروز جهان جاهلی است؛ یعنی مادی‌گراست و به غیر خدا گردن نهاده است. برای رهایی از این معضل و رسیدن به یک جهان مطلوب باید از مجرای تربیت افراد خودساخته و گسترش آن، یعنی دعوت مردم به این امر، پیش رفت، اما اگر این راه کارساز نیفتد باید از راه جهاد به حاکمیت اسلام رسید و آن را سرلوحه کار خود ساخت.

مسلمانان اصلاح‌گرا: این دسته هم با ایجاد جامعه مطلوب موافق‌اند ولی تحقق آن را از طریق تبلیغات و هجرت می‌دانند نه جهاد و یا ترور سیاسی. بسیاری از متفکران این دسته بر طرح ایجاد دولت از مجرای شریعت حاکمیت اسلامی و آزادی (آزادی بیان افراد = شورا) تأکید نموده‌اند. غیر از این دو اندیشه، اندیشه شیعی هم وجود دارد که در ایران جاری است ولی بر جهان عرب غلبه ندارد.

عرب‌گرایی جدید: با مرگ عبدالناصر در سل ۱۹۷۰ م اندیشه اتحاد عربی و عرب‌گرایی رو به افول گذاشت، ولی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جنگ عراق با ایران، عرب‌گرایی را از نو متبلور ساخت. عرب‌گرایی صدام حسین با طرح شعارهایی چون لزوم بازگشت خلیج فارس و خوزستان ایران به دامان جهان عرب و طرح گرفتن ثروت ثروتمندان منطقه و تقسیم آن بین فقرا، بار دیگر اندیشه رو به خاموشی عرب‌گرایی را شکوفا ساخت ولی با شکست عراق در جریان حمله به کویت، این اندیشه دوباره خاموش شد.

### نقد کتاب

۱- نویسنده بر این باور است که در دو دوره اموی و عباسی، همانند دوره‌های پیشین، فکر و عمل در اتحاد با هم، باعث ایجاد یک جامعه متحد و یا به عبارتی تمدن اسلامی - عربی گردید اما پس از وقوع انقلاب صنعتی غرب، پایه‌های انحلال این تمدن گذاشته شد، در حالی که پیش از آغاز انقلاب صنعتی غرب و تداوم تمدن‌سازی مغرب زمین، تمدن اسلامی - عربی فرو پاشیده یا رو به اضمحلال نهاده بود، از این رو، ابن‌خلدون در «مقدمه»، به فروپاشی تمدن اسلامی - عربی اشاره می‌کند. مروری بر برخی از بخش‌های مقدمه که عوامل انحطاط جوامع اسلامی - عربی را برمی‌شمارد، می‌تواند ادعای بالا را اثبات کند:

۱/۱- معاش نازل: ملت و ملت‌هایی هستند که شیوه معاش نازلی دارند. اینان اجتماعاتی‌اند که از راه کشاورزی و دامپروری ارتزاق می‌کنند و همکاری آنان در راه به دست آوردن نیازمندی‌ها، تأمین وسایل معاش و دستیابی به عمران از قبیل مواد سوخت، مواد غذایی و مسکن، در حدی است که تنها زندگی آنها را حفظ کند و حداقل زندگی یا به میزان سد جوع را در دسترس ایشان بگذارد، بی‌آن‌که در صدد تحصیل میزان فزون‌تری برآیند، زیرا از گام نهادن در مرحله‌ای فراتر از تدارک حداقل زندگی، عاجزند. (ابن‌خلدون، ۱۳۸۵، ص ۲۲۶)؛ به بیان دیگر، آن‌ها در زندگی، به مقدار ضروری از خوراکی‌ها، پوشیدنی‌ها، و تهیه نیازمندی‌های دیگر چون مرکب اکتفا می‌کنند و از رسیدن به مراحل برتر از این حد که به تمدن کامل‌تری می‌انجامد، ناتوان‌اند. این گروه و یا چنین ملت‌هایی، خانه‌هایی از موی و پشم حیوانات یا از شاخه‌های درختان یا از گل‌ها و سنگ‌های طبیعی می‌سازند و از آن تنها برای بهره بردن از سایه و تهیه پناهگاه، منظوری ندارند و گاهی هم به غارها و شکاف کوه‌ها پناه می‌برند. خوراک آنان همان مواد طبیعی است و تنها گاهی با اندکی تغییر در این مواد، از آن بهره می‌برند، و گاه انواعی از این مواد را می‌پزند و می‌خورند. برای گروهی از این مردم که به کار کشت و زرع مشغول‌اند، اقامت در یک محل و مکان، بهتر از کوچ و مهاجرت کردن و یا بیابان‌گردی است. اینان ساکن قریه‌ها و نواحی کوهستانی‌اند؛ مردمی که معاش خویش را از راه پرورش چارپایانی

چون گوسفند به دست می‌آورند. آنها ناگزیرند برای جست‌وجوی چراگاه‌ها و آماده کردن آب حیوانات خود، همیشه در حرکت و بیابان‌گردی باشند، از این رو، چنین آدمیانی وحشی‌ترین مردمان بوده و نسبت به شهرنشینان، در شمار جانوران‌اند. (پیشین، ص ۲۲۸ و نصری، ۱۳۶۳، ص ۲۶۱).

از سخنان ابن‌خلدون درباره سطح نازل معاش دهقانان و دامپروران، چه در مورد خوراک و چه در مورد مسکن و مانند آن، می‌توان راهی به درک انحطاط در جوامعی جست که بخش وسیعی از آن را در شمال آفریقا گشته بود.

۱/۲ - عصبیت فروکاسته: اگر از خارج مرزها، دشمنانی بخواهند به سرزمین بادیه‌نشینان وارد شوند و یا به آن حمله نمایند، امر دفاع و حمایت از این سرزمین، مصداق نمی‌یابد مگر این‌که در میان بادیه‌نشینان، عصبیتی به حد کفایت، موجود باشد. در صورت وجود عصبیت مکفی، شکوه و قدرت بادیه‌نشینان، در دفع هجوم دشمن، فزونی می‌یابد و بیم آنان، در دل متجاوزان می‌افتد و سرانجام آنها را بر دشمنان پیروز می‌گرداند، اما آنانی که در سرزمینشان عصبیت فروکاسته است، هرگاه آسمان سرزمینشان تیره و تار شود و مصیبتی چون حمله مهاجمان پیش آید، هر یک از بادیه‌نشینان از بیم و وحشت خواری شکست، رهایی خود به تنهایی می‌جوید و به گوشه‌ای برای نجات می‌گریزد، ولی در نهایت، طعمه قبایل و ملت‌های مهاجمی می‌شود که درصدد بلعیدن آنها برآمده و به سرزمینشان حمله‌ور شده‌اند.

نتیجه این‌که: وجود عصبیت، به دلیل وجود خوی ستم‌گری و تجاوزگری انسان‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در دفاع و رفع خطر است. (پیشین، ص ۲۴۰). ابن‌خلدون با پیش‌کشیدن بی‌عصبیتی که نگارنده نام عصبیت فروکاسته بر آن نهاده، درصدد است به کاهش عصبیت بادیه‌نشینان جهان اسلام اشاره کند که مسیر را برای سقوط تمدن اسلامی - عربی فراهم کرد.

۱/۳- خوی انقیادگرایانه: از دلایل ذلت و فرومایگی بنی‌اسرائیل آن بود که خوی انقیاد در ایشان نفوذ یافت و نفوس آنان از مقاومت و توسعه‌طلبی، عاجز ماند. با نفوذ خوی انقیادگری در نفوس، ناتوانی در مقاومت و توسعه‌طلبی آنان را در برگرفت و در نتیجه، به همراهی موسی عليه السلام برخاستند. در پی آن، خداوند، آنها را چهل سال در دشت‌های خشک و بی‌گیاه، میان شام و مصر سرگردان و آواره ساخت، بدان سان که در آن مدت، اصلاً به عمران و آبادانی نپرداختند و به هیچ شهری فرود نیامدند، بلکه از یک سو، عمالقه شام و از سوی دیگر، قبطیان مصر، با ایشان به سختی و درشتی در آمدند و آنها قدرت مقابله با عمالقه و قبطیان نداشتند. از سیاق آیات قرآن برمی‌آید که خداوند چنین وضعی را آوارگی و نابودی و انقراض نسلی می‌داند که در چنگال خواری، زبونی و زورمندی گرفتار شده و به آن خو گرفته‌اند تا این‌که در این دوره آوارگی، نسل دیگری از آنان پرورش و رشد یافت که روحیه دیگری بر ایشان پدیدار شد که به وسیله آن، توانایی یافتند تا به نبرد برخیزند و به توسعه‌طلبی

بپردازند؛ وضعیتی که در کشورهای اسلامی - عربی تنها در خرابی باقی ماند و به مرحله توسعه‌ای دست نیافت. (پیشین، ص ۲۷۰).

۱/۴- لذت تخریب: ابن‌خلدون با نگاه به تاریخ اعراب، بر آن بود که هر گاه عرب بر کشوری دست یابد، به سرعت ممالک فتح شده، رو به ویرانی می‌رود، چون تازیان و عربان، ملتی وحشی‌اند و عادات و موجبات وحشی‌گری چنان در میان آنان استوار است که همانند خوی و سرشت آنان شده است و این خوی، برای آنان لذت‌بخش است. سرباز زدن از قیود فرمانبری حکام، تخطی از اجرای قوانین و نافرمانی از سیاست و سیاست‌مداران، علت‌های لذت‌بخشی چنین خوی و سرشتی در نزد عرب‌ها است. برآیند طبیعی این‌گونه، بی‌تمدنی و بی‌حاصلی است. از دیگر صفات تخریب‌کننده عربی آن است که آنها به سنگ نیازمندند تا از آن دیگدان بسازند و دیگ غذای خویش بر آن نهند و غذا طبخ نمایند اما برای تهیه سنگ، به کوهستان نمی‌روند بلکه به تخریب بناها دست می‌زنند. آنان برای تدارک چوب به منظور بر پا ساختن سراپرده‌ها و خیمه‌ها و برای ساختن میخ و ستون برای به پا داشتن چادرها، کاخ‌ها و عمارت‌ها را ویران می‌کنند و این‌گونه صفاتی، نشان از سرشت و طبیعت مغایر و منافی ساخت و ساز بناها، عمارت‌ها، ساختمان‌ها و کاخ‌ها در نزد عرب‌ها دارد. (پیشین، ص ۲۸۶).

۱/۵- تن تجملی: تجمل‌خواهی، بخشی از مفهوم انحطاط را می‌سازد، به آن دلیل که بدون آن، پروژه انحطاط روی نمی‌دهد. گاه نقطه آغاز تجمل‌خواهی، جنگ است و طی آن ملتی وسایل ناز و نعمت کشوری را به تاراج جنگ، به چنگ می‌آورد و توانگری خویش فزونی می‌بخشد و به تدریج به این توانگری عادت می‌کند و برای حفظ توانگری خویش، از بسنده کردن به ضروریات زندگی، فراتر می‌رود و به وسایل غیرضروری و اشیای ظریف و آرایش و تجمل می‌گراید و عاداتی پیدا می‌کند که برای کاربست وسایل تجملی، لازم است. او در پی عاداتی از خوردن و پوشیدن می‌رود که در ملت‌های گذشته، وجود داشته است و نیز پس از یافتن چنین عاداتی می‌کوشد بر دیگران تفاخر بورزد، هم در خوردنی‌ها، هم در پوشیدنی‌ها و هم در مرکب‌ها. جانشینان او هم در این امور، بر پیشینیان سبقت می‌جویند و مسابقه‌وار سبقت‌جویی‌ها را تا پایان توان و ظرفیت خویش ادامه می‌دهند. پایان این مسابقه، باخت است، زیرا حاصل تجمل‌گرایی و تجمل‌پرستی، تن‌آسایی است. ملتی چون اعراب که این‌گونه تن به تجمل بسپارد، دشواری را بر نمی‌تابد، به تحصیل ثروت نمی‌پردازد و آسایش را بر سختی‌ها ترجیح می‌دهد. فرجام این تجمل و تن‌آسایی ناشی از هم، فروپاشیدن هر آن چیزی است که موصوف و منسوب به آن خواهند بود. (پیشین، ص ۳۲۰ و مهدی، ۱۳۶۳، ص ۸۶).

۱/۶- تاراج اندیشه: انحطاط گاه در پرتو ستم، قابل درک است؛ بدان معنا که غارت و یا تجاوز به اموال مردم که ستم آشکاری است، آنان را از به دست آوردن ثروت ناامید می‌سازد و چون دریابند سرانجام، هستی‌شان به غارت می‌رود و آنچه به دست آورده‌اند، ربوده می‌شود، دیگر به کار نمی‌پردازند؛ به بیان دیگر، هرگاه مردم از تولید و نگاه‌داشت ثروت ناامید شوند، از کوشش و تلاش دست برمی‌دارند و این انحطاطی است که گریبان ملت ستم‌پذیر و دولت ستم‌گر را می‌گیرد. البته فرقی نمی‌کند که ستم تا چه اندازه باشد، زیرا ستم اندک، دیرتر و ستم بیشتر، زودتر انحطاط را رقم می‌زند. پس ستم چه اندک و چه زیاد، نتیجه‌اش تباهی و ویرانی است. رابطه ستم‌گری و انحطاط به آن است که آبادانی و رواج بازار و یا آنچه نامش را توسعه و یا ترقی می‌گذارند، تنها در پرتو کار و کوشش به دست می‌آید، اما اگر مردم نتوانند حاصل کار و تلاش خویش را نگاه دارند و از آن بهره ببرند، در آن صورت یا کار نمی‌کنند و یا به خارج از مرزها می‌روند که نتیجه هر دو، فقر و بیچارگی برای کشور است. اگر مردم برای کار به بیرون از کشور و سرزمین خویش بروند، جمعیت آن کشور رو به کاستی می‌نهد و شهرها از نگهداری مردمان، بی‌بهره می‌گردد که فرجامی غیر از پریشانی و نابسامانی نخواهد داشت و این پریشانی و نابسامانی، به دولت و سلطان هم سرایت می‌کند و تخریب چهره دولت و سلطان، تخریب ملت و مردم را به ارمغان می‌آورد. (پیشین، ص ۵۵۲).

نتایجی چند از مجموعه نوشته‌های ابن‌خلدون در باب انحطاط، قابل دست‌رسی است؛ نخست آن‌که انحطاط، مفهومی چندوجهی است؛ به این معنا که دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن است. دوم آن‌که چون چندوجهی است، درک کامل مفهوم انحطاط، به درک همه ابعاد مفهومی آن حتی در عرصه اخلاق و فرهنگ معطوف است. سوم آن‌که آن‌چه ابن‌خلدون از انحطاط می‌گوید بیشتر به آگاهی او از تاریخ عرب مربوط است؛ یعنی او به سقوط تمدن عرب قبل از ورود به عصر رنسانس اشاره می‌کند، در حالی که نقطه آغاز سقوط تمدن عربی - اسلامی، از نیمه دوره عباسی است؛ یعنی از زمانی که معتزله و عقل‌گرایی اعتزالی از سریر قدرت به زیر کشیده شده است.

۲- نویسنده، نحله‌های فکری بعد از بیداری را ناشی از تحولات مختلف در جهان و در جهان عرب و ناشی از بروز این نیاز که دیگر افکار و اعمال گذشته نمی‌تواند پاسخ‌گوی مسایل مختلف مطرح در جهان جدید باشد، دانسته است. او به تأثیر لیبرالیسم غربی، ناسیونالیسم عربی و ایده‌آلیسم دینی در پدید آمدن نحله‌های فکری اشاره می‌کند، اما به نظر می‌رسد که به نقش غرب کمتر از واقعیت‌های موجود توجه کرده است. این موضوع را می‌توان به شرح زیر توضیح داد:

آغاز غرب‌گرایی در جهان اسلام با توقف پیشروی قوای نظامی امپراتوری عثمانی در خاک اروپا (اواخر قرن هفده میلادی) و به ویژه با سقوط مصر توسط ناپلئون بناپارت در اواخر قرن هجده

میلادی، همراه است. در پی این ناکامی‌ها و شکست‌ها، مسلمانان در صدد برآمدند با به‌کارگیری ابزارهای غربی که غرب را به پیشرفت و پیروزی رسانده بود، به اصلاح نظام جنگی، اداری و آموزشی خود بپردازند تا از این طریق بتوانند در مقابل غرب، مقاومت کنند و وضعیت نابسامان خود را در مقایسه با غرب اصلاح نمایند. فرآیند این رویارویی در سه کشور عثمانی، دپروز و ترکیه امروز، مصر و ایران، با شباهت‌ها و تفاوت‌های زیر همراه بوده است: (نقوی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹).

اولین شوکی که به امپراتوری عثمانی وارد شد، شکست نظامی در اشغال وین در سال ۱۶۸۳م بود. پس از آن، شکست‌های امپراتوری ادامه یافت و سرانجام، با اشغال مصر متعلق به عثمانی‌ها توسط ناپلئون بناپارت در سال ۱۷۹۸م، به اوج خود رسید. مصری‌های امپراتوری عثمانی با مشاهده شکست خود و نیز مشاهده زندگی غربی‌ها که هم‌اینک به اجبار در کنار آنان زندگی می‌کردند، به ضعف‌های نظامی و اجتماعی خویش در برابر غرب پی بردند و برای رفع آن به اصلاحات به سبک غرب، روی آوردند.

آغازگر اصلاحات غرب‌گرایانه در امپراتوری، سلطان سلیم سوم بود که در سال ۱۸۰۰ میلادی، در اولین گام به سوی اصلاحات، به اصلاحات نظامی دست زد، زیرا بیشترین ضعف‌ها، در بخش نظامی احساس می‌شد که حاصل آن، شکست‌های پی در پی بوده است. اصلاحات در دوره حکومت سلطان محمود دوم و با فرمان معروف تنظیمات (۱۸۳۹)، با شدت بیشتری ادامه یافت. مهم‌ترین انگیزه‌ها در دست زدن به این اقدامات اصلاحی، جلوگیری از ادامه شکست‌های نظامی و مهم‌تر از آن، تجدید عظمت مسلمانان، عنوان می‌گشت. (پیشین، ص ۱۲۲). ابزارهایی که برای اصلاحات به کار می‌رفت، از فرهنگ غرب به عاریت گرفته می‌شد. یکی از مؤثرترین این ابزارها، تأسیس مدارس برای تربیت نیروی انسانی ماهر به منظور اجرای اصلاحات بود. در این راستا، مدرسه گالاتاسرای در سال ۱۸۷۶ تأسیس شد که توسط فرانسوی‌ها اداره و مدیریت می‌گردید. تنظیم قانون اساسی غرب-گرا در سال ۱۸۷۶م از دستاوردهای تربیت شدگان مدرسه گالاتاسرای است. دوره غرب‌گرایی ترکان عثمانی تا سال ۱۹۲۲م که مصادف است با قدرت‌یابی ترکان جوان، طول کشید. اصلاحات در این دوره ۱۲۴ ساله، بیشتر توسط دولت و دولتی‌ها صورت می‌گرفت و آنان هیچ مانعی بر سر راه خود نداشتند، اما در عوض، توفیقات اندکی به ارمغان آوردند. (پیشین، ص ۱۳۱).

شکست شاه‌اسماعیل از قوای عثمانی در جنگ چادران، اولین طبل‌های ضعف نظامی و لزوم بهبودبخشی آن را در دوره صفویه به صدا درآورد، اما شکست‌های ایران در جنگ با روس‌ها در سال ۱۸۲۲م و سال‌های پس از آن، هرگونه تردید را در ضعیف بودن نسبت به دشمنان خارجی از بین برد، از این رو، عباس‌میرزا از سال ۱۸۲۲م به اقدامات اصلاحی در ابعاد نظامی همت گماشت. او نخست با کمک‌گیری از غربی‌ها، یک کارخانه تولید نظامی در خوی ایجاد کرد. اصلاحاتی را که عباس‌میرزا

بنا نهاد ولی عمر اندکش ادامه آن را متوقف ساخت، توسط چهره‌هایی چون امیرکبیر در ابعاد وسیع‌تر پی‌گرفته شد.

انگیزه اصلاح‌گران ایرانی از اجرای اصلاحات غرب‌گرایانه، رویارویی با غرب با سلاح غرب بود. آنان به ظاهر نمی‌خواستند با انتخاب راه‌های درون‌زا به جبران عقب‌ماندگی‌ها بپردازند بلکه راهی را که غرب با اطمینان سپری کرده بود برگزیدند. حوادث مهمی در این دوره از تاریخ ایران به وقوع پیوست که از دنباله‌روی ایرانیان از غرب برای دستیابی به پیشرفت حکایت داشت، از جمله اعطای کاپیتولاسیون به روس‌ها در سال ۱۸۲۸ (معاهده ترکمان‌چای) و بعدها به دیگر کشورهای غربی قدرتمند و نیز تأسیس مدرسه دارالفنون در سال ۱۸۵۲ (پیشین و فرامرز رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۱۲). در ایران برخلاف امپراتوری عثمانی، اصلاحات غرب‌گرایانه همواره با مخالفت‌هایی روبه‌رو بوده است، زیرا آموزه‌های شیعه بیش از آموزه‌های سنی در امپراتوری عثمانی، دارای قدرت اجنبی‌ستیزی است؛ از این رو، روحانیت شیعه در ایران مهم‌ترین مخالف نظری و عملی اصلاحات غرب‌مدارانه بود. به همین جهت، در حوادثی چون گریبایدوف و تنباکو، روحانیت شیعه پیش‌قراول ضدیت با حاکمیت اجانب به بهانه اصلاحات گردید. به هر صورت، رویکرد غربی اصلاحات از زمانه صفویان آغاز شده و در دوره عباس‌میرزا و امیرکبیر به اوج رسید و پس از ۷۸ سال در سال ۱۹۰۶م و در پی انقلاب مشروطه پایان یافت.

اشغال مصر توسط ناپلئون در سال ۱۷۹۸م، نقطه شروع غرب‌گرایی آن دیار است. در ابتدا، فرانسوی‌های به اصلاح امور سیاسی - اجتماعی مصر و به فرانسوی کردن مصر دست زدند، اما بعدها اصلاحات از سوی مصری‌هایی چون محمدعلی پاشا دنبال شد. تأسیس چاپخانه و بنیاد مصری برای تغییر فرهنگ اسلامی مصری‌ها، از نخستین اقدامات ناپلئون برای دگرگون‌سازی جامعه مصری و غربی‌سازی آن به شمار می‌رود، اما محمدعلی پاشا گامی بلندتر و اساسی‌تر از آن برمی‌دارد و آن، اعزام دانشجویان به فرانسه در سال ۱۸۰۹م بود. اصلاحات غرب‌گرایانه در مصر تنها توسط کارگزاران دولتی انجام نشد بلکه چهره‌های غیردولتی برجسته‌ای چون شیخ عطار با عنوان شیخ الازهر مصر، در اجرایی کردن اصلاحات در مصر نقش داشتند. (پیشین و کچوئیان، ۱۳۸۳، ص ۷۵).

اصلاح‌طلبان مصری کوشیدند با تأسیس مدارس چون دارالعلوم در سال ۱۸۷۲م به سبک غرب عوامل پیشرفت جامعه غربی را به مصر منتقل نمایند. هدف آنان از رویکردهای غرب‌گرایانه، ترمیم اوضاع نابسامان مصر و احیای عظمت فرو رفته مسلمانان بود. مصری‌ها هم‌چون ایرانیان و عثمانی‌ها در راستای دستیابی به عوامل رشد و توسعه غرب، ناچار شدند کاپیتولاسیون را بپذیرند تا از این طریق بتوانند راحت‌تر به رمز و راز پیشرفت غربی‌ها دست یابند. آنها به درخواست غربی‌ها و به ویژه فرانسوی‌ها، به اقلیت‌های مذهبی امتیازات متعددی دادند حتی بیش از امتیاراتی که اسلام برای

اقلیت‌های مذهبی قائل است. همین اقدام درباره مسیونرهای مسیحی که برای تبلیغ مسیحیت در مناطقی چون شامات بسیار فعال بودند صورت می‌گرفت، در حالی که آزادی دادن به اقلیت‌های مذهبی و مسیونرهای مذهبی، کمک چندانی به توسعه و پیشرفت مصر نمی‌کرد. مصری‌ها از این موضوع آگاه بودند، ولی تنها به دلیل خشنودسازی غرب، به رفتارهای فوق مبادرت می‌ورزید تا از طریق آن بتوانند به ابزارهای غربی برای پیشرفت مصر و احیای عظمت مسلمانان دست‌رسی پیدا کنند. (کچوئیان، پیشین).

خلاصه این‌که: در هر سه کشور عثمانی، مصر و ایران:

اولاً، اصلاحات در ابعاد نظامی آغاز شد و سپس به امور اداری و آموزشی رسید؛

ثانیاً، آغازگران اصلاحات، بیشتر کارگزاران دولتی بودند؛

ثالثاً، کار اصلاحات آموزشی با اعزام دانشجو شروع شد و بعد با استخدام استادانی از غرب پایان پذیرفت؛

رابعاً، اقلیت‌های مذهبی و مسیونرهای مسیحی به درخواست کشورهای غربی رشد فراوانی یافتند.

برخلاف این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی در جریان غرب‌گرایی در سه کشور وجود داشت، از جمله:

اولاً، در این سه کشور، اصلاحات شدت و رخوت متفاوتی داشت؛

ثانیاً، غرب‌گرایی در مصر برخلاف ایران و عثمانی، به غرب‌زدگی شباهت بیشتری داشت؛

ثالثاً، غرب‌گرایی در ایران و عثمانی، صبغه صنعتی داشت ولی در شامات متعلق به مصر، جنبه فرهنگی داشت؛

رابعاً، در شامات، در کنار کارگزاران دولتی، تجار اروپایی و نخبگان محلی در امر اصلاحات پیشقدم بودند.

نتیجه این‌که: غرب‌گرایی در سه کشور عثمانی ترکیه، مصر و ایران، دارای ویژگی‌های زیر است:

اقتباس با تشخیص و غیرمقلدانه از غرب در کنار تلاش برای پاس‌داشت فرهنگ خودی؛

دلبستگی به غرب برای استفاده از آن برای تمدن‌سازی؛

غرب‌ستیزی با استفاده از ابزارهای غربی؛

اقتباس محدود از غرب و بیشتر در زمینه علمی؛

ترکیب کردن استفاده از غرب با وطن‌پرستی.

همه این ویژگی‌ها در نحله‌هایی جمع شد که با الگوگیری از غرب در صدد برآمدند تمدن را به جهان اسلام بیاورند. غرب‌گرایان با غفلت از آموزه‌های اسلامی، بهشت‌سازی جوامع اسلامی را در

غرب می‌دیدند، غافل از این‌که تمدن و بهبود وضع مسلمانان با کپی‌برداری از غرب میسر نیست. غرب تأثیر مختلف و متنوعی در نحله‌ها گذاشت اما وجه مشترک همه آنها، غرب‌زدگی است و به رغم این‌که هیچ‌گاه نتیجه مسرت‌بخشی به دست نیامد، ولی غرب‌گرایی خاتمه نیافت. تأثیر غرب بر پیدایی نحله‌ها گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم بوده است. مراد از تأثیر غیرمستقیم، شکل‌گیری نحله‌های التقاطی است که با نشان دادن پای‌بندی به غرب‌گرایی و یا اسلام‌گرایی، همان سخن غرب را در تمدن‌سازی می‌زنند. (فولر و لسر، ۱۳۸۴، ص ۱۹).

۳ - نویسنده به جنگ اعراب - اسرائیل به مثابه بستری مهم در شکل‌گیری گروه‌های سیاسی می‌پردازد و نیز بر موضوع جنگ علیه ایران، پیروزی انقلاب اسلامی و مسئله نفت به عنوان عوامل تأثیرگذار در این زمینه تأکید می‌کند، ولی به نقش قدرت‌های بزرگ در شکل‌گیری و استمرار حکومت نامشروع اسرائیل اشاره‌ای نمی‌کند، در حالی که شناخت عالمانه از نقش غربی‌ها و به-خصوص انگلیس، به شرحی که پس از این می‌آید، زمینه هوشیاری بیشتری را در مقابل آنها فراهم می‌نماید.

اندیشه صهیونیسم در بستر عواملی چون بزرگ‌نمایی یهودآزاری، حمایت قدرت‌های اروپایی، پشتیبانی سرمایه‌داری یهودی، نقش ادبیات صهیونیستی و تأثیر شخصیت‌های صهیونیسم، اندیشه‌های مارکسیستی، ایده برگزیدگی یهودی، وعده‌های مذهبی و نیز برخی حوادث تاریخی، در کنفرانس بال سوئیس در سال ۱۸۹۸م به رهبری هرتزل زاده شد و پس از آن، تلاش وسیعی از سوی صهیونیست‌ها برای برپایی یک دولت یهودی در ارض موعود، سرزمینی که به باور صهیونیست‌ها تورات وعده استقرار همیشگی یهودیان را در آن داده، شکل گرفت که سرانجام آن، تأسیس دولت اشغال‌گر قدس در سرزمین فلسطین بود اما آن‌چه به تأسیس رژیم صهیونیستی انجامید تنها اندیشه صهیونیسم نبود بلکه عوامل دیگری در اروپا به تحقق این امر کمک کرد، از جمله:

۳/۱ - جنگ جهانی اول: جنگ بزرگ یا جنگ جهانی اول فرصتی طلایی برای جنبش صهیونیسم بود، زیرا امپراتوری عثمانی، یعنی مهم‌ترین مانع تأسیس دولت یهودی، فرو پاشید. در مقابل، انگلیس پرحرارت‌تر از گذشته به حمایت از خواسته‌های نهضت صهیونیسم پرداخت. با مروری بر برخی رویدادهای دوران جنگ - که در زیر می‌آید - می‌توان به این حوادث تلخ پی برد:

- در سال ۱۹۱۴م انگلیسی‌ها مذاکراتی را با حسین، شریف و بزرگ مکه، برای بسیج اعراب علیه ترکان عثمانی آغاز کردند و این مذاکرات با آغاز جنگ جهانی اول با شدتی بیشتر پی‌گیری شد.

۱- حسین بن علی در سال ۱۲۸۷ق/۱۹۰۸م از سوی ترکان به عنوان شریف مکه (شریف حسین) منصوب شد. از آن پس وی از حمایت مادی و معنوی همه اعراب قلمرو امپراتوری عثمانی بهره‌مند بود.

یک ماه پس از آغاز جنگ و اندکی پس از آغاز مذاکرات میان انگلستان (مک ماهان) و اعراب (شریف حسین) و ایژمن با بالفور - وزیر امور خارجه بریتانیا - و تنی چند از چهره‌های دولتی انگلیس ملاقات کرد و حمایت آنان و دولت انگلیس را از اهداف صهیونیستی به دست آورد.

- در ژانویه ۱۹۱۵م مک ماهان موافقت دولتش را با خواسته‌های شریف حسین اعلام کرد. در ماه‌های مه و اوت روابط اعراب و ترکان با اعدام ۳۲ نفر از رهبران ناسیونالیسم عرب توسط دولت عثمانی بحرانی تر شد. هربرت سموئل وزیر صهیونیست دولت بریتانیا، از این وضعیت برای تصویب طرحش در کابینه دولت مبنی بر ضرورت سیطره انگلیس بر فلسطین از طریق یهودی کردن آن، سود برد.

- در مه ۱۹۱۶م دولت‌های انگلیس و فرانسه، با انعقاد پیمان سرّی «سایکس پیکو» نقشه تقسیم بلاد عربی و منطقه آسیای دولت عثمانی را ترسیم کردند. در این نقشه، فلسطین تحت سرپرستی یک گروه بین‌المللی قرار می‌گرفت. با این حال، یک ماه بعد، شورش ضد عثمانی اعراب به فرماندهی فیصل فرزند شریف حسین، با تیراندازی، محاصره، اشغال پادگان‌های نظامی و تصرف شهرهای مکه، طائف و جده وارد مرحله جدید و حسّاس شد.

- در نوامبر ۱۹۱۷م اعلامیه ۶۷ کلمه‌ای بالفور مبنی بر تصمیم دولت انگلیس برای ایجاد یک دولت یهودی در فلسطین صادر گردید. مذاکرات صهیونیست‌ها و انگلیسی‌ها که به صدور اعلامیه مذکور منجر شد به دور از چشم متحدان انگلیس (فرانسه و اعراب) صورت می‌گرفت، در حالی که در همان زمان، فرانسه با ادامه همکاری و اعراب با اشغال مناطقی چون عقبه - مکانی در اردن فعلی - وفاداری خود را برای تداوم اتحاد با انگلیس و پیروزی متفقین به نمایش گذاشته بودند. (گروه نویسندگان، ۱۳۶۷، ص ۷۹).

- انگلیس به رغم وعده‌های گذشته، دو ماه پیش از متارکه جنگ در سال ۱۹۱۸م به یک گروه صهیونیستی به ریاست وایژمن اجازه بازدید از فلسطین را داد و بی درنگ، پس از آن، اداره فلسطین را به یک نظامی سپرد. با این حال در ماه نوامبر با ارسال تلگرافی به شریف حسین و صدور بیانیه مشترک با فرانسه، هم‌چنان به اعطای استقلال به اعراب تأکید ورزید.

حاصل حمایت‌های بی‌دریغ انگلیس از صهیونیست‌ها، افزایش شمار یهودیان مهاجر به فلسطین بود که از ۵٪ در سال ۱۸۹۷م به ۱۰٪ در سال ۱۹۱۸م، یعنی به رقم ۵۶۰۰۰ نفر رسید. از دیدگاه صهیونیسم، افزایش جمعیت یهودیان در فلسطین برای تشکیل دولت یهودی امری اجتناب‌ناپذیر بود. ۳/۲ - قرارداد سه‌جانبه: در آوریل ۱۹۱۴ نخستین دور ملاقات و مکاتبات میان انگلیس‌ها و عرب‌های مخالف عثمانی صورت گرفت، که نتیجه آن، آغاز مکاتبات هشت‌گانه شریف حسین و مک ماهان بود. اما انگلیس بدون توجه به تعهد خود درباره کمک به تشکیل حکومت مستقل عربی،

مذاکرات محرمانه‌ای را نخست با فرانسه (اکتبر ۱۹۱۵) و سپس با روسیه و فرانسه (۱۹۱۶) آغاز کرد که سرانجام به دست‌یابی انگلیس و فرانسه به یک فرمول موقت (فوریه ۱۹۱۶) و سپس تصویب فرمول دائم (پیمان سایکس پیکو) میان سه کشور روسیه، انگلیس و فرانسه درباره تقسیم بلاد عربی امپراتوری عثمانی منجر گردید. (احمدی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۹).

جزئیات توافق سایکس پیکو در مارس، آوریل و مه ۱۹۱۶ به تصویب دولت‌های روسیه، فرانسه و انگلیس رسید و در اکتبر همان سال و نیز طی سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ تغییرات و اصلاحاتی در آن توسط دولت‌های مزبور انجام شد، اما در مجموع، این توافق‌نامه که حاصل یازده نامه رسمی و اقدامات دیپلماتیک سه کشور بود، دارای دوازده ماده است. طرح نخستین (فرمول موقت پیمان) توسط سر مارک سایکس نماینده پارلمان و معاون وزیر جنگ انگلیس و جورج پیکو کنسول فرانسه در بیروت فراهم شد، ولی مبادله اسناد و هم‌چنین تغییرات بعدی آن توسط سازوف، سر ادوارد گری و پائو لوگ، یعنی نمایندگان سیاسی سه کشور، انجام شد.

بر اساس موافقت‌نامه سایکس پیکو، جهان عرب به چند بخش تقسیم و هر بخش به کشوری بزرگ واگذار شد:

الف - اردن، جنوب عراق و سوریه تا مرزهای ایران و خلیج فارس و نیز بنادر عکا و حیفا به انگلیس واگذار شد.

ب - قسمت اعظم سوریه، نوار شمالی عراق، بخش‌هایی از آناتولی جنوبی در اختیار دولت فرانسه قرار گرفت.

ج - آناتولی شرقی و بخش وسیعی از شمال کردستان به روسیه سپرده شد.

د - تمام سرزمین فلسطین، جز بنادر عکا و حیفا، منطقه‌ای بین‌المللی دانسته شد.

پیمان سایکس پیکو، که طراحی کامل از قراردادهای گذشته دولت‌های استعمارگر برای تجزیه عثمانی و نیز مشهورترین، مهم‌ترین و شاید مؤثرترین آنها به شمار می‌رفت، با وعده‌های هم‌زمان ارضی بریتانیا به اعراب و صهیونیسم، ناسازگار بود، زیرا به صهیونیست‌ها وعده دادند که سرزمین فلسطین وطن ملی آنان خواهد شد و به شریف مکه اطمینان دادند که گرایش‌های ملی‌گرایانه اعراب نیز به نوبه خود به رسمیت شناخته خواهد شد. اما این تناقض به نفع صهیونیست‌ها پایان یافت، زیرا در شرایط پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، صهیونیست‌ها بیش از اعراب برای سیاست‌های استعماری انگلیس سودمند بودند؛ چنان‌که پیش‌تر، هر‌تصل با این پندار که «ما می‌توانیم بخش دیوار دفاعی اروپا در برابر آسیا باشیم، ما پاسدار تمدن در برابر بربریت خواهیم بود» این موضوع را پیش‌بینی کرده بود. به هر حال، قراردادهایی چون سایکس پیکو، راه حلی پذیرفته شده



برای طرف‌های ذی‌نفع به ارمغان نیاورد، بلکه بخشی مهم از ریشه‌های منازعات بعدی و فعلی خاورمیانه را در خود پروراند. (شاو، جی استانفورد و شاو، کورال شاو، ۱۳۷۰، ص ۵۴۰).

۳/۳- خیانت بالفور: صدور اعلامیه بالفور، که در توکد دولت یهودی - صهیونیستی اسرائیل سهم زیادی داشت، ناشی از اشتراک منافع صهیونیست‌ها و انگلیسی‌ها بود، زیرا از یک سو انگلیس برای حفظ منافع خویش در کانال سوئز و مصر و به پاس قدردانی از کمک‌های مادی و معنوی یهودیان جهان به این کشور و اهداف جنگی آن در جنگ جهانی اول و در پاسخ به تلاش‌های یهودیان آمریکا برای پیوستن آن کشور به انگلیس در جنگ بزرگ، و به منظور کسب حمایت یهودیان روسیه برای جلوگیری از تسلیم شدن آن کشور به متحدین، و نیز برای خنثی کردن توطئه آلمان در جذب و جلب پشتیبانی صهیونیسم، و سرانجام برای قدردانی از خدمات و ایازمن در پیشبرد اهداف جنگی دولت‌های متفق، به حمایتی جدی از هدف‌ها و خواسته‌های صهیونیستی پرداخت.

از سوی دیگر، در جریان جنگ جهانی اول، امید صهیونیست‌ها به مستعمره کردن فلسطین از طریق امپراتوری عثمانی و آلمان از آن رو که آن دو کشور به تحقق خواسته‌های صهیونیسم علاقه‌ای نشان نمی‌دادند، به یأس مبدل شد.

به این مناسبت صهیونیست‌ها در پی آن بودند تا به جانب قدرتی جهت‌گیری کنند که در صورت سقوط عثمانی، نقش عمده‌ای در تصمیم‌گیری برای سرزمین‌های عرب به ویژه فلسطین داشته باشد. این قدرت از نظر جنبش صهیونیسم، امپریالیسم بریتانیا بود.

در کنار این تحول نظری و ذهنی، در عمل اقداماتی چند صورت گرفت که هر یک در تسریع صدور اعلامیه بالفور مؤثر افتاد؛ برای نمونه:

اول - روزنامه منچستر گاردین، در سرمقاله بهمن ۱۲۹۱ ش / نوامبر ۱۹۱۵م ضرورت تولد دولتی متحد انگلیس در منطقه خاورمیانه که «نقش خط مقدم (در دفاع) از آبراه سوئز و مصر را بازی کند» متذکر شد. این مقاله تأکید می‌کند: «تنها ملتی که می‌تواند چنین دولت متحدی را برپا کند، ملت یهود است.» (کیالی، ۱۳۶۶، ص ۱۰۲).

دوم - در دی ۱۲۹۵ ش / اکتبر ۱۹۱۶م وایزمن در یادداشتی رسمی، طرحی را به نام «حکومتی جدید در فلسطین طبق اهداف صهیونیسم» به وزارت امور خارجه انگلیس ارائه داد. این یادداشت، که خواهان به رسمیت شناختن موجودیت یهودیان مقیم فلسطین، اعطای خودمختاری آموزشی، دینی و... به آنان و نیز تشکیل یک شرکت یهودی برای عمران و استعمار فلسطین بود، پایه و اساس مذاکرات انگلیس و سازمان صهیونیسم جهانی درباره آینده فلسطین قرار گرفت.

سوم - در فروردین ۱۲۹۶ ش / ژانویه ۱۹۱۷م وایزمن با سایکس و در اردیبهشت ۱۲۹۶ ش / فوریه ۱۹۱۷م رهبران صهیونیسم، با دولت دیوید جورج و بالفور و سایکس ملاقات کردند. این ملاقات‌ها آغاز مباحثی بود که به صدور اعلامیه بالفور انجامید.

چهارم - در مهر ۱۲۹۶ ش / ژوئیه ۱۹۱۷م صهیونیست‌ها پیش‌نویس پیشنهادی را که مبنای اعلامیه بالفور قرار گرفت، به وزیر امور خارجه انگلیس تسلیم کردند. در این پیشنهاد، دولت انگلیس «اعطای خودمختاری داخلی به ملیت یهود در فلسطین، آزادی مهاجرت یهودیان و تأسیس یک شرکت مستعمره‌سازی ملی یهود را به منظور اسکان مجدد یهودیان و توسعه اقتصادی کشور ضروری دانسته بود».

سرانجام، لرد آرتور جمیز بالفور وزیر امور خارجه انگلیس در دولت دیوید لوید جورج، نامه و اعلامیه‌ای خطاب به بارون ادموند جیمز روچیلد ثروتمند یهودی و سرپرست فدارسیون صهیونیسم در انگلیس صادر کرد. در بخشی از این اعلامیه آمده بود: «دولت اعلی‌حضرت تأسیس یک موطن ملی برای مردم یهود در فلسطین را به دیده مساعد می‌نگرد و بهترین تلاش‌های خود را برای تسهیل وصول به این هدف به کار می‌برد.» (کتان، ۱۳۶۸، ص ۱۱).

اعلامیه بالفور به‌رغم این‌که به دلایلی گوناگون، چون تناقض با تعهدات انگلیس در برابر اعراب و تعارض با قرارداد سایکس‌پیکو اعتبار قانونی نداشت، و نیز با وجود مخالفت‌های عربی (چون مخالفت هفت شخصیت عرب ساکن قاهره) و غربی (چون مخالفت مجلس اعیان و عوام انگلیس)، در توافق‌نامه فروردین ۱۲۹۸ ش / ژانویه ۱۹۱۹م امیر فیصل - فرزند شریف حسین - و دکتر وایزمن، و در کنفرانس تیر ۱۲۹۹ ش / آوریل ۱۹۲۰م سان‌ریمو - شورای عالی متفقین - و در قرارداد آبان ۱۲۹۹ ش / اوت ۱۹۲۰م سورس - منعقد شده میان ترکیه و متفقین - و سرانجام در مهر ۱۳۰۱ ش / ژوئیه ۱۹۲۲م در مقدمه حکم قیمومت انگلیس بر فلسطین از سوی شورای جامعه ملل مورد تأیید و تأکید قرار گرفت. بدین سان، یکی دیگر از سنگ بناهای نخستین پیدایش اسرائیل نهاده شد.

۳/۴- کنفرانس صلح: کنفرانس صلح در فروردین ۱۲۹۸ ش / ژانویه ۱۹۱۹م در ورسای، شهری در ۲۳ کیلومتری جنوب پاریس تشکیل شد. در شهریور / ژوئن همان سال، پیمان تأسیس جامعه ملل در کنگره صلح ورسای به امضا رسید. بر اساس ماده ۲۲ اساسنامه جامعه ملل، مستعمرات متحدین، تحت قیمومت دول متفق قرار گرفت، زیرا به عقیده مؤسسان جامعه ملل، سکنه آن نقاط مردمانی بودند که در اوضاع سخت عصر حاضر توانایی اداره کردن خود را نداشتند. اقوام تابع امپراتوری عثمانی نیز به درجه‌ای از ترقی رسیده بودند که ممکن بود آنها را به صورت موقت، به عنوان ملتی مستقل شناخت به شرط آن‌که نصاب و کمک یک دولت قیم، راهنمای اداره آنها گردد، تا زمانی که خود، قادر به اداره خویش شوند. (ناصرزاده، ۱۳۷۲، ص ۳۱۲).

اختلاف انگلیس و فرانسه درباره توافق‌نامه سایکس‌پیکو (درباره چگونگی اداره فلسطین توسط یک رژیم بین‌المللی) و چگونگی اجرای اعلامیه بالفور (درباره وعده یک موطن و کشور یهودی در فلسطین)، به برپایی اجلاس شورای عالی متفقین در خرداد ۱۲۹۸ ش / مارس ۱۹۱۹م در سان‌ریمو

بررسی و نقد کتاب اندیشه سیاسی معاصر در جهان سوم

منجر گردید. سرانجام، پس از مذاکرات فراوان، در تیر ۱۲۹۹ش / آوریل ۱۹۲۰م بار دیگر درباره بخش‌های عربی امپراتوری عثمانی تصمیم‌گیری شد، که بر اساس آن، سوریه و لبنان تحت سرپرستی فرانسه، و عراق و فلسطین به شرط اجرای وعده بالفور، در قیمومت انگلیس قرار گرفتند.

بر پایه معاهده سوز، دولت عثمانی تصمیمات کنفرانس سان‌ریمو در مورد بلاد عربی را پذیرفت. پذیرش و امضای این معاهده از سوی سلطان عثمانی، خشم جمعی از افسران و ملی‌گرایان ترک، از جمله مصطفی کمال (بعدها آتاترک) را برانگیخت. آنان در مخالفت با معاهده سوز، با یونان که بر اساس این معاهده به امتیازاتی دست یافته بود، به جنگ پرداختند. نتیجه جنگ، عزل و خلع خلیفه عثمانی در بهمن ۱۳۰۱ش / نوامبر ۱۹۲۲م، امضای عهدنامه لوزان با متفقین در مهر ۱۳۰۲ش / اکتبر جولای ۱۹۲۳م و تأسیس جمهوری ترکیه و نابودی امپراتوری عثمانی (دی ۱۳۰۲ش / اکتبر ۱۹۲۳م) توسط آتاترک و هوادارانش بود. متفقین در عهدنامه لوزان، قیمومت خود را بر فلسطین، عراق، شام (لبنان و سوریه) حفظ کردند، و زمام امور حجاز و ماورای آن (عربستان سعودی فعلی) نیز به خاندان شریف حسین سپرده شد. (کتان، پیشین، ص ۴۴).

ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل، مصوب ۱۲۹۸ش / ۱۹۱۹م کشورهای را که قرار بود در قیمومت قرار گیرند، تعیین کرد و دولت‌های قیم نیز در شورای عالی نیروهای متفق (تأسیس ۱۲۹۹ش / ۱۹۲۰م) مشخص شدند. شرایط قیمومت نیز توسط شورای جامعه ملل در مهر ۱۳۰۱ش / ژوئیه ۱۹۲۲م تصویب شد، و از آذر ۱۳۰۲ش / سپتامبر ۱۹۲۳م به مرحله اجرا درآمد که بنابر آن، فلسطین به طور رسمی در قیمومت انگلیس قرار گرفت و این، شامل بیشتر خواسته صهیونیست‌ها در آن زمان بود. خواسته‌های دیگر صهیونیست‌ها در طول قیمومت انگلیس بر فلسطین به گونه‌ای فراهم شد که به اعلام تأسیس اسرائیل غاصب در ۱۹۴۸ انجامید. اسرائیل به دلایل غصب سرزمین‌های فلسطینیان، کشتار و آواره کردن آنها و حمایت کشورهای غربی به خصوص انگلیس از آن، همواره عاملی مهم در دامن زدن به حرکات‌های فلسطینی و غیر آن بوده است.

۴ - اسلام‌گرایی جدید به زعم نویسنده پس از شکست اعراب در جنگ ۱۹۶۷ آغاز گردید. به علاوه، وی نقش اخوان‌المسلمین در اسلام‌گرایی جدید را منحصر به فرد دانسته و طرح‌های آنان در شکل مسلمانان مبارز یا مسلمانان اصلاح‌طلب را ناموفق دیده است، در حالی که انقلاب اسلامی، موج جدید اسلام‌گرایی را در جهان برانگیخت و حتی سازمان‌های اسلام‌گرایی چون اخوان‌المسلمین را که به رکود گراییده بودند حیات دوباره بخشید و روز به روز بر میزان تأثیرگذاری بیداری اسلامی افزوده شد، تا آن‌جا که هم‌اینک با بیداری اسلامی وسیعی در کشورهای تونس، لیبی، مصر و... روبه‌رو هستیم. مروری بر بیداری اسلامی و ابعاد و نقش انقلاب اسلامی در آن می‌تواند این ادعا را تأیید

کند. ارتباط دو مقوله بیداری و انقلاب اسلامی کاملاً روشن است، اما پیوند وثیق‌تری می‌توان بین آن دو برقرار کرد و آن این‌که نیم‌نگاهی به ارتباط آنها در بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بیندازیم:

۱- «باید همان‌طور که ایران قیام کرد و دماغ مستکبرین را به خاک مالید تمام ملت‌ها قیام کنند و این فساد را به زباله‌دان‌ها بریزند». (سخنرانی ۲۵ مرداد ۱۳۵۸).

۲- «ما این نهضت را یک نهضت ایرانی نمی‌دانیم، بلکه نهضت اسلامی و نهضت مستضعفین در مقابل مستکبرین است». (سخنرانی ۲۸ مهر ۱۳۵۸).

۳ - «هان ای پدران کلیسا و روحانیون تابع حضرت عیسی علیه السلام! بپاخیزید و از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران پشتیبانی کنید و برای رضای خدا و پیروی دستور حضرت مسیح یک بار دیگر ناقوس‌ها را در معابدتان به نفع مظلومان و محکوم نمودن ستم‌گران به صدا در آورید.» (سخنرانی ۳ دی ۱۳۵۸).

۴- «ای مستضعفان جهان! بپاخیزید و خود را از چنگال دشمنان بشر نجات دهید. بیش از این زیر بار ظلم نروید که خدا با مظلومان است.» (سخنرانی ۱۵ دی ۱۳۵۸).

۵- «هان! به شما مسلمانان هشدار می‌دهم، به مسلمانان همه کشورها و به ملت مسلمان ایران که این تجاوز و دست‌درازی بی‌شرمانه را به سادگی نگاه نکنید و با تمام نیرو برای نجات علمای ایران از چنگال دژخیمان دیکتاتور ایران مبارزه کنید و به ستم‌کاران تکیه نکنید که آتش دوزخ گریبانتان را خواهد گرفت و در برابر خدا هیچ یآوری نخواهید داشت و هیچ کس به کمکتان نخواهد آمد.» (پیشین).

۶ - «شما ای جنبش‌های آزادی‌بخش و ای گروه‌های در خط به دست آوردن استقلال و آزادی، بپاخیزید و ملت‌های خود و ملل اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و قبیح‌تر از ستم-کاری است و به دولت‌ها اخطار کنید که از زبونی و ذلت خود را نجات دهند و به همه تذکر دهید به اسلام باز آیند و به اخوت اسلامی بگرایید.» (پیشین).

۷ - «دیگر دنیا طوری نیست که ابرقدرت‌ها هر چه بخواهند، بکنند، مستضعفین باید به پا خیزند، همه ممالک باید حق خودشان را با مشت محکم بگیرند.» (سخنرانی ۱۹ بهمن ۱۳۵۸).

۸ - «هان ای مظلومان جهان! از هر قشر و از هر کشوری هستید به خود آید و از هیاهو و عریبه آمریکا و سایر زورمندان تهی‌مغز نهراسید و جهان را بر آنان تنگ کنید و حق خود را با مشت گره کرده از آنان بگیرید.» (سخنرانی ۲۰ بهمن ۱۳۵۸).

۹- «ای مستضعفان جهان! بپاخیزید و خود را از چنگال ستم‌گران و جنایت‌کاران نجات دهید و ای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهایی بخشید.» (سخنرانی ۱ اسفند ۱۳۵۸).

## دلیل تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی

آن‌گاه که معمار انقلاب اسلامی می‌کوشید بر بیدارسازی مستضعفان و مسلمانان تأثیر بگذارد شاید این سؤال به ذهن می‌آمد که دلیل یا دلایل این تأثیر گذاری چیست. بخشی از پاسخ‌هایی که می‌توان به این پرسش داد عبارت است از: ۱- تأثیر حضرت امام خمینی بر مسلمانان از جنبه دینی و اسلامی، کم‌نظیر است. در واقع، از قرن پانزدهم در دنیای غرب و شاید کمی پس از صدر اسلام، شخصیتی را نمی‌بینیم که این همه، نهضت، افکار، عملکرد و راهبردهایش در سطح جهان اعم از جهان غرب (لیبرالیسم)، جهان شرق (کمونیسم) و جهان اسلام تأثیر گذاشته باشد.

۲- حضرت امام خمینی، مفهوم و معنای قدرت را در سطح جهانی و نیز در جهان اسلام، تغییر داد. معنای قدرت قبل از او بر منابع مادی تکیه داشت ولی پس از انقلاب اسلامی ایران و تأثیر گفتمان حضرت امام بر جهان، معنا و تعریف قدرت از تکیه بر منابع ملموس (مادی) به غیرملموس (معنوی) از قبیل عقاید، پرورش افکار و اطلاع‌رسانی، تغییر پیدا کرد.

۳- در شش، هفت قرن گذشته، یک شخصیت دینی و علمی که انقلابی کند، ملتی را رهبری نماید و بیشتر مسلمانان مشروعیت و مقبولیت او را کاملاً تصدیق کنند، پیدا نمی‌شود. در واقع، می‌توان گفت مشروعیت سیاسی و دینی امام در سطح جهان و در قرون اخیر، بی‌نظیر بود.

۴- با مطالعه زندگی رهبران انقلاب‌های گذشته در می‌یابیم که هیچ یک از آنها توانایی امام خمینی در برقراری ارتباط صمیمانه و مردمی با مستضعفین و دیگر طبقات اجتماعی را نداشتند. ایشان بیش از هر قائل دیگری موفق شد پیام‌های قرآنی را به زبان بسیار ساده به توده‌های مسلمان برساند و این از اسرار بزرگ پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

۵- زندگی بی‌تجمل وی، صلاحیت رهبری مستضعفان و توده‌های مسلمان را به او عطا کرد. در واقع، زندگی او همواره بی‌تجمل بود، چه موقعی که یک طلبه ساده بود و چه زمانی که مرجع تقلید انسان‌های زیادی قرار گرفت و چه هنگامی که خود را در رأس هرم قدرت یافت. به علاوه، تقوا و اخلاق اسلامی امام خمینی تأثیرات فراوان و شایانی بر مردم گذاشت و این تأثیر، انسان‌های زیادی را به حرکت و قیامی واداشت که امام منادی آن بود.

۶- امام خمینی، تنها به امت و تمدن اسلامی و نجات آن از گمراهی و عقب‌ماندگی مادی و معنوی نمی‌اندیشید بلکه در فکر نجات همه ملت‌ها و تمدن‌ها بود. پیامش به گورباچف و پاپ، گویای دغدغه انسانی و الهی وی در نجات انسان‌ها و فرهنگ‌هایی بود که از جاده هدایت انسان به سوی سعادت دنیا و آخرت خارج شده بودند. این دلسوزی، ارتباط انقلاب اسلامی ایران را با سایر بخش‌های جهان برقرار کرد.

۷- امام خمینی هم بر جهان‌شمولی نهضت اسلامی مردم ایران تأکید می‌کرد و آن را مختص مسلمانان جهان نمی‌دید و هم جهان‌شمولی الگوهای غربی را رد می‌نمود و توانایی آن را برای هدایت و نجات انسان‌ها نمی‌پذیرفت. این در حالی است که در میان خیلی از متفکرین مسلمان، این اصرار و این نوع نظریه‌پردازی مشاهده نمی‌شود.

۸- امام خمینی تنها متفکر پنج یا شش قرن گذشته است که هم به نظریه‌پردازی انقلاب پرداخت و هم خود آن را به عرصه عمل آورد. در حقیقت، پیوند نظر و عمل، از دلایل مهم موفقیت امام در برپایی انقلاب اسلامی است. بهره‌گیری از دین در ایجاد تحول اجتماعی مطلوب، مهم‌ترین عامل تأثیر امام خمینی و انقلاب اسلامی بر جنبش‌گران مسلمان و جنبش بیداری اسلامی است. در حالی که قبل از آن و در فضای جهانی آلوده به لیبرالیسم و کمونیسم، کمتر کسی به توانایی دین در پدیدآوری انقلاب ایمان داشت. بر پایه تکیه بر دین به مفهوم بالا، مفاهیم قدرت دگرگون شد و مسلمانان دریافتند قدرت واقعی قدرت الهی است و به کمک چنین قدرتی می‌توانند به حقوق از یاد رفته خویش دست یابند.

امام خمینی به همه مسلمانان و مستضعفان نشان داد که تنها راه دستیابی به مشروعیت و مقبولیت، زندگی ساده و بی‌آلایش، نجات انسان‌ها و تمدن‌ها، ترکیب‌سازی نظر و عمل و تکیه و تأکید بر دین و به خصوص اسلام است؛ دینی که برای همه جهان اسلامی و غیر آن، برنامه و سخن دارد؛ به بیان دیگر، امام و انقلاب به خوبی نشان دادند که تنها راه نجات، اسلام است و این رمز بیدار شدن جهان خسته از گمراهی مسلک‌ها و مکتب‌های دیگر است.

## مصادق‌هایی از تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بر مسلمانان

در این بخش تنها به مصادق‌های کلی از تأثیر انقلاب اسلامی بر هوشیارسازی مسلمان‌ها اشاره می‌شود و در بخشی که در پی آن می‌آید، به دو نمونه عینی، ملموس و پراهمیت از آگاهی و رشد پیروان اسلام (بیداری اسلامی) پرداخته می‌شود:

### هوشیاری سیاسی

مردان و زنان ایرانی از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، با ایجاد تشکل‌های متعدد انقلابی و خودجوش، باب ارتباط و تبادل آرا و تجارب با مردان و زنان در اقصی نقاط جهان را گشودند که این مسئله خشم و عکس‌العمل‌های تند بسیاری از محافل غربی را که در شعار و به دروغ، زن و مرد را فعال و حاضر در صحنه می‌خواهند، برانگیخت، ولی مردان و زنان ایرانی بدون توجه به برآشتگی غرب، به صدور معنوی بیداری اسلامی ادامه دادند تا حدی که به برکت الگویی که انقلاب اسلامی برای حضور سیاسی اجتماعی مرد و زن ارائه داد، زنان لبنانی به تدریج به آن‌چه از دست داده بودند،

آگاه شدند و آن را بار دیگر به دست آوردند. جنبش بیداری، زنان لبنانی را به کلاشینکف و بمب‌های مولوتوف مجهز کرد. زنان ترکیه هم بر پایه بیداری اسلامی، هم حجاب را می‌خواهند و هم حضور در اجتماع را؛ یعنی این‌که زنان نمی‌خواهند با پذیرفتن حجاب، از جامعه قطع رابطه نمایند و این همان الگویی است که زنان انقلابی ایرانی به آن عمل می‌کنند. از همین روی، یک زن بنگالی معتقد است زنان چیزی بیشتر از برابری مورد نظر قوانین غربی می‌خواهند و خواهان ایفای نقش فعال‌تری در زندگی مذهبی و اسلامی هستند. (راغبی، فروردین ۱۳۸۴، ص ۱۱۱، به نقل از: روزنامه ساندی تلگراف مورخ ۱۹۹۳/۸/۲۲).

تنها زنان مسلمان نبودند که هویت اسلامی خود را در پرتو بیدارگری زنان انقلابی ایران به دست آوردند، بلکه ده‌ها هزار زن غربی در نهضتی اخلاقی و اسلامی، ارزش‌های الهی اسلام را کشف کردند و به دین اسلام مشرف شدند؛ برای مثال، نزدیک به صد هزار نفر آلمانی به اسلام گرویدند که بیش از نیمی از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. این زنان همانند زنان تازه‌مسلمان شده آمریکایی، نه تنها مراقب پوشش اسلامی خود هستند، بلکه در خورد و خوراک خود هم دقت بسیار دارند. آن‌ها حتی در انتخاب برنامه‌های تلویزیونی، دقت زیاد به خرج می‌دهند و از تماشای سریال‌های ضداسلامی یا ضداخلاقی اجتناب می‌کنند. فعالیت اجتماعی این دسته از زنان، معمولاً با گرد آمدن در خانه‌های هم‌دیگر شکل می‌گیرد.

برخی در تأثیر بیداری زنان ایرانی بر بیداری اسلامی شک دارند، اما یک روزنامه آلمانی در این باره توضیح قابل قبولی می‌دهد. وی نخست می‌پرسد چرا بیداری اسلامی و جنبش حمایت از حجاب در دهه ۱۳۴۰ش/۱۹۶۰م اتفاق نیفتاد. سپس پاسخ می‌دهد: مگر این‌که بگوئیم حجاب زنان ایران پس از انقلاب اسلامی در این امر دخالت دارد. در واقع، در تمام دنیا به‌ویژه در دنیای اسلام، زنان در عرصه زنده کردن ارزش‌های اسلامی، در حال ایجاد و اداره جنبشی هستند که قبل از انقلاب ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م ایران وجود نداشت.

### پوشش اسلامی

تصویری که انقلاب اسلامی از زن ارائه نموده است دو تأثیر مهم بر جای گذاشته است: ۱- جهان دریافته که زن مسلمان ایرانی خانه‌نشین و منفعل نیست. خانم دانیل کشار، مدیر جشنواره مونترال کانادا معتقد است: تصویری غلط از حضور زنان در ایران، در ذهن خارجی‌ها وجود دارد. غربی‌ها فکر می‌کنند که زنان ایرانی فعالیت‌های اجتماعی چندانی ندارند و در خانه نشسته‌اند و تنها به خانه‌داری مشغول‌اند. ۲- نگرش‌های منفی درباره زنان مسلمان کاهش یافته است. روزنامه نیویورک تایمز، جنبش احیای حقوق اسلامی زنان در کنفرانس جهانی پکن را جالب‌ترین پدیده

کنفرانس معرفی می‌کند که همه جهانیان را سخت تأثیر قرار داد، زیرا سخنرانانی که از دنیای اسلام آمده بودند، حرف‌های مهمی درباره زنان برای گفتن داشتند. در این کنفرانس، سخنرانی یک زن محجبه ایرانی، تأثیر خوبی در تبلیغ حجاب اسلامی بر جای گذاشت. قضاوت‌ها هم نشان می‌دهد که حضور جهانی زنان مسلمان ایران، با موفقیت همراه بوده است. به این جهت، هانیه ترکیان از آمریکا نیز تلاش زن ایرانی را در ارائه الگوی زن مسلمان به جهانیان موفق می‌داند. به هر روی و همان‌گونه که احمد هوبر گفته است: آن‌چه در ایران و درباره زنان رخ داده، در همه جای جهان تأثیر گذاشته است. (دلال، فروردین ۱۳۸۴، ص ۱۶۲).

دنیای اسلام تأثیر بیشتری از الگوی حجاب اسلامی زنان پس از انقلاب ایران پذیرفته است. لیز مارکوس از فعالان جنبش‌های زنان در اندونزی، بی‌پرده اعتراف می‌کند که به دلیل اثر مستقیم پخش تصاویر زنان ایرانی در رسانه‌های گروهی کشورش، رویکرد به حجاب اسلامی در اندونزی بیشتر شده، و به تدریج تقلید از حجاب بانوان ایرانی در آن کشور به یک مد تبدیل گردیده و اینک در میان دانشجویان دانشگاه‌ها هواداران بسیار یافته است. زنان انقلاب اسلامی، الگویی برای زنان ترک شده و آنان را به شعارگویی در خیابان‌ها و رعایت پوشش اسلامی واداشته است. پوشش زنان انقلابی و مسلمان ایران، در بعضی از کشورهای خلیج فارس نیز به طرز عمیقی تأثیر گذاشته است؛ در سال‌های اخیر، تعداد دانشجویان با حجاب در دانشگاه‌های اردن افزایش یافته است. همچنین در لیبی، گرایش به حجاب اسلامی فزونی یافته است. بنابراین، تردیدی نیست که حجاب اسلامی ایرانی به دورترین نقاط جهان و به‌ویژه به کشورهای اسلامی سرایت کرده است. (پلنگی، فروردین ۱۳۸۴، ص ۱۸۶). حجاب زنان جمهوری اسلامی به شیوه‌های مختلفی به ورای مرزهای ایران رفته است؛ مثلاً بخشی از اشاعه حجاب ایران اسلامی از طریق فیلم‌های ایرانی اتفاق افتاده است. رویکرد به حجاب اسلامی ایرانی به جز تبدیل آن به نماد مخالفت با دولت‌ها، دلایل دیگری هم دارد، از جمله:

- ۱- پوشش اسلامی به عنوان اظهار وجود فردی یا مذهبی به کار می‌رود؛
- ۲- توجه به حجاب، پاسخی به جنبش افسارگسیخته فمینیسم است؛
- ۳- مهم‌تر از همه، دلیل گرایش و تشرف به دین مبین اسلام است.

### اتحاد دین و دولت

هم‌اینک جریان‌های اسلامی در میان مهم‌ترین گروه‌های سیاسی جهان قرار دارند. این جریان‌های مذهبی بر این اعتقادند که سیاست و مذهب ارتباط تنگاتنگ دارند. این باور، از انقلاب اسلامی و نظریه جهان‌گرایی آن (تلفیق دین و سیاست در عرصه جهان) متأثر است؛ به بیان دیگر، از همان روزهای نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام نظریه جهان‌گرایی انقلاب

اسلامی را به عنوان عالی‌ترین و وسیع‌ترین مظهر پیوند دین و دولت مطرح ساخت. وی بر اساس آموزه‌های دینی بر این باور بود که اراده مستضعفان سرانجام رهبری جهان را از آن خود خواهد کرد و حتی نوید می‌داد وعده خداوند به زودی تحقق خواهد یافت و محرومان جای‌گزین ثروت‌مندان خواهند شد. البته پی بردن به همراهی اسلام‌گرایی (دین) و جهان‌گرایی (سیاست) در اندیشه انقلاب اسلامی دشوار نیست، زیرا تأسیس امت اسلامی که می‌تواند مسلمانان را صرف‌نظر از ملیت‌های مختلف و نیز موانع قومی و سیاسی موجود به هم پیوند دهد، از ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی است.

به علاوه، تأکید زیاد انقلاب اسلامی به لزوم پیروی از کتاب مقدس (قرآن) و احکام اسلامی، شکی باقی نمی‌گذارد که این انقلاب در پی تحکیم جهانی اصول بنیادین اسلام در جهان است. این پدیده همان چیزی است که برخی از اندیشمندان مغرب زمین و از جمله هنیز در سال ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م آن را تجدید حیات جهانی مذهب (اسلام) خواندند. (فوزی، ۱۳۸۱). به همین دلیل (پیوند خوردن مذهب و سیاست اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی) دولت آمریکا بر آن شد که اسلام‌گرایی را از عوامل نابودی جهان بخواند و فعالان مسلمان را به عنوان رزمندگان شرکت‌کننده در جنگ اسلام و غرب نام ببرد. رهبران اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز ترس خویش را از اسلام انقلابی الهام‌یافته از انقلاب اسلامی و خطرات آن برای شوروی کتمان نمی‌کردند. بعدها یک تحلیل‌گر آمریکایی از این پدیده به عنوان انتفاضه جهانی یاد کرد.

نتیجه این که: هم شرق و هم غرب، اسلام سیاسی (اسلام معتقد به پیوند دین و سیاست) ناشی از انقلاب اسلامی را خطر عمده‌ای برای منافع خود تلقی می‌کردند، و هر کدام تلاش بسیاری انجام دادند تا از دشمنان جنبش‌های اسلامی سیاسی حمایت نمایند. (کیلی و ماریفلت، ۱۳۸۰، ص ۲۶۵).

هائیتینگتون در سال ۱۳۷۲ش / ۱۹۹۳م و در راستای تعمیق بخشی به دشمنی غرب با اسلام سیاسی الهام گرفته از انقلاب اسلامی، گفت: بلوک اسلامی که خود را رقیب کهن غرب می‌داند، خطر اصلی فراروی نظم جهانی آمریکایی است که دین و سیاست را جدا از هم می‌خواهد. در واقع بعد از مرگ کمونیسم، اسلام شخصیت اصلی سناریوی مورد نظر آمریکاست. توجه شدید غرب به این مسئله، ظاهراً پاسخی است به آنچه که یک اندیشمند غربی (لارونس) در سال ۱۳۶۹ش/۱۹۹۰م آن را ضربه انقلاب ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م ایران، شگفتی پدیده امام خمینی علیه السلام و دشواری کنار آمدن با اسلام‌گرایی ایرانی می‌خواند. از این رو، پس از انقلاب اسلامی، مطالعات وسیعی برای شناخت رابطه بین دین و دولت الهام‌گرفته از انقلاب اسلامی، در آمریکا به مرکزیت دانشگاه شیکاگو آغاز گشت، ولی با هم دیدن و با هم خواستن دین و سیاست در دنیا (مانند جنبش الهیات رهایی‌بخش آمریکای لاتین) و به‌ویژه دنیای اسلام (مانند حماس و حزب‌الله) به یک ارزش نهادینه شده تبدیل شده است.

## اسلام مبارز

انتخاب اسلام برای مبارزه با استبداد و استکبار تحول نوینی است که پس از انقلاب اسلامی روی داده است و قبل از آن حتی گروه‌های سیاسی ایرانی چون مجاهدین دیروز و منافقین امروز هم اعتقاد راسخی به توانا بودن اسلام در مبارزه علیه بیداد و ستم نداشتند، ولی انقلاب ایران نشان داد که اگر اسلام به خوبی تفسیر شود می‌تواند مقتدرترین رژیم‌های سیاسی را براندازد و خود به جای آن، حکومت تشکیل دهد. این حادثه مورد توجه گروه‌ها و جنبش‌هایی قرار گرفت که سال‌ها به دلیل انتخاب ناسیونالیسم، کمونیسم و غیره توفیقی در دستیابی به آرمان‌های سیاسی خود نداشتند. در این میان، تبدیل مسئله فلسطین از یک مسئله ناسیونالیستی و کمونیستی به یک مسئله اسلامی یکی از برجسته‌ترین ارزش‌هایی است که از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته شد. بنابراین، جنبش فلسطین برای خارج شدن از بن‌بست مبارزه بی‌فرجام خود، اسلام را تنها ابزار کارآمد یافته و از این رو است که شیخ محمد ابوطیر از روحانیان برجسته فلسطینی، تنها اسلام را راه‌گشای آزادی فلسطین می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۲۰۴).

نشانه‌هایی بسیار از تغییر ماهیت جنبش فلسطینی در دست است که انتفاضه و شیوه و ویژگی‌هایش، یکی از آنهاست. وابسته نبودن انتفاضه به گروه‌های داخلی و کشورهای خارجی و جای‌گزینی یک روش همه‌جانبه سیاسی، نظامی و فرهنگی به جای روش‌های صرفاً مسلحانه یا مسالمت‌آمیز، تبدیل مساجد به منابع الهام‌بخش روحیه جهاد اسلامی، ثبات و پیوستگی مبارزان، گسترش شمار مساجد به عنوان پایگاه مجاهدان، توسعه حضور مردم در نمازهای جمعه و جماعات، انتشار مجله‌های انقلابی چون «الطلیعه الاسلامیه» و حمله مکرر به مشروب‌فروشی‌ها در دو دهه اخیر، از نشانه‌های رویکرد جنبش فلسطین به اسلام و به‌کارگیری شیوه‌های اسلامی انقلاب ایران است. (صدیقی، ۱۳۷۵، ص ۷۰). در واقع و همان‌گونه که یکی از رهبران فلسطینی گفته است، انقلاب ایران بود که عصر جدیدی را پیش روی جنبش فلسطین گشود و باعث شد که به مسئله فلسطین تنها از زوایه اسلام نگاه شود.

بنابراین، انقلاب اسلامی برداشتی نوین از اسلام و قرآن در جهان، جوامع اسلامی و نیز در جامعه سنی‌مذهب فلسطین پدید آورد؛ چنان‌که روند مخالفت با دولت‌های فاسد و سرکوب‌گر را تشدید کرد، به مبارزه آشکار علیه آموزه‌های تحمیلی ضدینی دامن زد، تلاش برای تحقق برابری و عدالت اجتماعی را شدت بخشید، واکنش مسلمانان در برابر غرب و غرب‌زدگی را توسعه داد و یأس و ناامیدی سال‌های پایانی دهه ۱۳۵۰ش/۱۹۷۰م را از عرصه مبارزه حذف کرد. در واقع، انقلاب ایران، این حقیقت را که اسلام راه حل و جهاد وسیله اصلی است، به سرزمین‌های در حال مبارزه با استکبار، به‌ویژه کشورهای مسلمان، برد.

## گرایش به حکومت الله

نظام اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، به صورت بهترین الگو و مهم‌ترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان درآمد. یکی از رهبران مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق در این باره گفت: «ما در آن موقع می‌گفتیم اسلام در ایران پیروز شده است و به زودی به دنبال آن در عراق نیز پیروز خواهد شد. بنابراین، باید از آن درس بگیریم و آن را سرمشق خود قرار دهیم.» (جمشیدی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۱). به بیان دیگر، انقلاب اسلامی، حدود ۱/۵ میلیارد مسلمان را برانگیخته و آنان را برای تشکیل حکومت الله در کره زمین به حرکت درآورد. این رویکرد، در اساس‌نامه، گفتار و عمل سیاسی جنبش‌های اسلامی سیاسی معاصر به شکل‌های مختلفی مشاهده می‌شود.

علاقه جنبش‌گران مسلمانان به ایجاد حکومت اسلامی به صورت‌های مختلف ابراز شده است، از جمله: بعضی از گروه‌های اسلامی مانند الی‌سارالاسلامی مصر با ترجمه کتاب «حکومت اسلامی» امام خمینی علیه السلام و یا برخی مانند جبهه نجات اسلامی الجزایر با تأکید بر الگوگیری از جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها راه‌حل علاقه‌مندی خود را برای برپا کردن یک حکومت اسلامی نشان داده‌اند. آیت‌الله محمدباقر صدر هم قبل از شروع جنگ تحمیلی در تلاش بود رژیم عراق را سرنگون کرده و یک حکومت اسلامی به شیوه حکومت ایران، یعنی جمهوری اسلامی بر پایه ولایت فقیه، به وجود آورد.

برخی از حرکت‌های دیگر اسلامی بر اساس اصل ولایت فقیه و قبول آن نیز از رهبری انقلاب اسلامی ایران پیروی می‌کنند. این دسته از گروه‌ها، دوگونه‌اند: دسته‌ای که از لحاظ عقیدتی و مذهبی خود را مقلد رهبری انقلاب اسلامی ایران می‌دانند (مانند جنبش امل در لبنان)، و دسته‌ای که هم از لحاظ سیاسی و هم مذهبی، از رهبری انقلاب اسلامی ایران تبعیت می‌کنند (مانند جنبش حزب‌الله لبنان) (دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی در گستره جهان، بی‌تا، ص ۳).

گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی مذکور، برای دستیابی به یک نظام مبتنی بر اسلام، شیوه و روش‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند. برخی تنها از طریق اقدام قهرآمیز و مسلحانه (مانند حزب‌الله حجاز) و کودتا (مانند جنبش آزادی‌بخش بحرین) در صدد نابودکردن رژیم حاکم بوده‌اند. در نقطه مقابل، گروه‌هایی قرار دارند که شرایط فعلی را برای دست زدن به اقدامات مسلحانه مساعد نمی‌دانند، و با توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز از قبیل شرکت در انتخابات پارلمانی در پی تغییر نظام موجود هستند (مانند حزب اسلام‌گرای رفاه)، اما گروه‌های دیگری هم وجود دارند که به هر دو روش پای‌بندند. جنبش حزب‌الله نمونه‌ای از این گروه است که در مصاف با اسرائیل و حکومت مارونی لبنان و به منظور استقرار حکومت اسلامی به دو روش متمایز و در عین حال مکمل هم، یعنی جنگ با اسرائیل و شرکت در انتخابات مجلس لبنان، روی آورده است.

## ساختار شکنی

انقلاب اسلامی به شکل‌های مختلف به شکستن ساختارهای پذیرفته‌شده جهانی دست زد و البته ساختارهای ارزشی جدیدی را جای‌گزین ساختارهای پیشین ساخت، از جمله:

۱- در اندیشه مدرنیته، برای انتقال جامعه سنتی به مدرن، به یک الگوی جهانی توسعه نیاز است، آن هم الگویی برگرفته از غرب پیشرفته، زیرا عقیده بر این است که دنیای غیرغربی توسعه‌نیافته باید همان مسیر توسعه در اروپا و آمریکا را بپیماید. در این دیدگاه، نوسازی با دنیاگرایی مفرط همراه است. اما انقلاب اسلامی ایران مبانی توسعه غرب را زیر سؤال برد و فریاد زد که دین جهت‌گیری‌های اساسی دربارهٔ اداره دنیا دارد، البته دنیاگرایی افراطی را هم نفی می‌کند. به این صورت، انقلاب اسلامی ارزش نوینی در توسعه آفرید و آن این‌که در توسعه اجتماعی بدون توسل به الگوهای غربی امکان‌پذیر است. (رفعی‌پور، ۱۳۷۶، ص ۱۲).

۲- انقلاب اسلامی در ایران در دوره‌ای به وقوع پیوست که جریان پست‌مدرنیسم در ربع آخر قرن بیستم وارد مرحله جدیدتر و جدی‌تر شده بود. از این رو، انقلاب اسلامی ایران به عقیده بسیاری از اندیشمندان غرب، انقلابی است پست‌مدرنیسمی و از این رو در روایت و تفسیر مدرنیته جای نمی‌گیرد، و به همین دلیل انقلاب اسلامی ایران مورد توجه افرادی چون میشل فوکو، دریدا، ادوارد سعید و... قرار گرفت. فوکو از جمله اشخاصی بود که یافته‌های نظری خود را در انقلاب اسلامی پیدا کرد و با چاپ مقالاتی، حمایت خود را نسبت به مردم ایران نشان داد، اگرچه با حملات شدید و تند هم‌کیشان خود روبه‌رو شد. به نظر او انقلاب اسلامی در ایران در قالب معنویت‌گرایی سیاسی جای می‌گیرد، در حالی که عنصر معنویت قرن‌ها در غرب به فراموشی سپرده شده بود. بنابراین، انقلاب اسلامی نظریه و دیدگاه انقلاب، توسعه و زندگی بدون معنویت را طرد کرد و فضای ارزشی تازه‌ای را به روی جهانیان گشود که در آن هم به نیازهای مادی و هم به نیازهای معنوی پاسخ داده می‌شود.

۳- تا پیش از پیدایش انقلاب اسلامی، عمده نظریه‌پردازان انقلاب در عرصه جامعه‌شناسی گرایش‌های ساختارگرایانه داشتند؛ یعنی سعی می‌کردند با بررسی گزینشی انقلاب‌ها به یک تئوری دست یابند تا بتوانند هر انقلاب جدیدی را که در جهان رخ می‌دهد با آن تبیین و حتی وقوع آن را پیش‌بینی کنند. خانم اسکاچپول از جمله این نظریه‌پردازان بود که انقلاب‌ها را عملی اتفاقی و خارج از اراده می‌دانست و بر آن بود که انقلاب‌ها می‌آیند نه این که ساخته شوند، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با نوعی ساخته شدن و معماری همراه بود، اسکاچپول تئوری خود را به این صورت تغییر داد: انقلاب‌ها می‌آیند نه این که ساخته شوند الا انقلاب اسلامی ایران. بنابراین، انقلاب اسلامی نشان داد که می‌توان یک پدیده بزرگ اجتماعی را ساخت و این ارزش و مفهوم جدیدی است که انقلاب اسلامی به عرصه تئوری‌پردازی جهانی عرضه کرده است. (فرازی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۴).

## توجه به مردم

مردمی بودن که یکی از ویژگی‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران است، در جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی متعددی راه یافته است؛ به عبارت دیگر، این جنبش‌ها و گروه‌ها دریافته‌اند که اسلام توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. بر اساس این، آن‌ها از اتکا به قشر روشن فکر به سوی اتکا به مردم گرایش یافته‌اند و در نتیجه، پایگاه مردمی خود را گسترش داده‌اند. به عقیده دکتر حسن‌الترابی رهبر جبهه اسلامی سودان، انقلاب اسلامی اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به عنوان هدیه‌ای گران‌بها به تجارب دعوت اسلامی در جهان اسلام عطا کرد. گرایش به اندیشه کار مردمی، جنبش‌های اسلامی را به سوی وحدت‌طلبی مذهبی و قومی سوق داده است. این امر، جنبش‌های اسلامی سیاسی را از اختلاف و تفرقه دورتر ساخته و آنها را از تشکیلات قوی‌تر، امکانات وسیع‌تر، حمایت گسترده‌تر و پایداری بیشتر برخوردار نموده است. (دهکردی، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۹۹).

نمونه‌های فراوانی از رویکرد به مردم در حرکت‌های سیاسی دیده می‌شود، از جمله: مردم مسلمان ترکیه قبل از کودتای ۱۳۵۹ش آن کشور، به خیابان‌ها می‌ریزند و شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی سر می‌دهند. مردم کشمیر در راهپیمایی دویست هزار نفری سال ۱۳۶۹ش شعار الله اکبر و خمینی رهبر را مطرح کردند. جنبش جهاد اسلامی فلسطین بر آن است که فلسطینی‌ها همان شعارهایی را سر می‌دهند که انقلاب اسلامی منادی آن بود. آنها بلند فریاد می‌زنند: لا اله الا الله، الله اکبر، پیروزی از آن اسلام است. در واقع، آنها شعارهای قوم‌گرایی و الحادی را کنار گذاشته و شعارهای انقلاب اسلامی را برگزیدند. در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ش در خیابان‌های کیپ‌تاوون آفریقای جنوبی شعار و ندای الله اکبر، بسیار شنیده شد. این امر یادآور و مؤید این کلام رهبری انقلاب است که: «فریاد الله اکبر مردم الجزایر بر پشت بام‌ها درس گرفته از ملت انقلابی ایران است».

انقلاب اسلامی به جهانیان آموخت که مشروعیت نظام سیاسی باید بر آرای واقعی مردم استوار باشد و به همین دلیل بود که اصل خود را به فراندوم گذاشت. به فراندوم گذاشتن یک نظام نه فقط عملی شگفت، شجاعانه و نو، بلکه اندیشه‌ای فراتر از دموکراسی غربی بود و از این رو، به عنوان بدیلی برای جهان خسته از لیبرال دموکراسی مطرح شد. در این انقلاب، حتی مردم خبرگانی را انتخاب می‌کنند تا تدوین قانون اساسی بر اساس رأی مردم باشد. پس از تدوین نیز، مراجعه به آرای عمومی صورت می‌گیرد. در اوج جنگ امام اجازه نداد مجلس از حق قانونی خود برای استیضاح اولین رییس‌جمهور بگذرد. اجازه نداد پیشنهاد دولت نظامی به بهانه بهتر اداره شدن جنگ، طرح گردد. حتی اجازه نداد مخارج انتخابات در دوران جنگ و تحریم، صرف جبهه‌ها شود، بلکه برعکس، توصیه کرد حتی یک روز، انتخابات مجلس شورا، مجلس خبرگان و ریاست‌جمهوری عقب نیفتد.

## اشاعه دین‌گرایی

در قرن بیستم کمونیسم و فاشیسم به عنوان ایدئولوژی‌های سکولار در جهان مسیحیت سربرآوردند. با شکست فاشیسم (۱۳۲۴ش/۱۹۴۵م) و کمونیسم (۱۳۷۰ش/۱۹۹۱م) نظام دموکراسی لیبرال خود را بی‌رقیب می‌دید، اما انقلاب اسلامی نظام لیبرال دموکراسی را به چالش کشید، زیرا رویداد انقلاب اسلامی، نظریه تئوری‌پردازان لیبرال را که معتقد بودند با دین نمی‌توان به اداره حکومت پرداخت و دین به تدریج اهمیت سیاسی اجتماعی خود را از دست می‌دهد، باطل ساخت؛ به بیان دیگر، مدت‌ها در خصوص توسعه اجتماعی، اعتقاد بر این بود که ملت‌ها به‌طور اجتناب‌ناپذیر، هم‌زمان با مدرن شدن، سکولار می‌شوند، ولی انقلاب اسلامی پیام و ارزش دیگری را به جهان عرضه کرد و آن این‌که: اجتماعاتی که به دین روی می‌آورند لزوماً همگام با مدرن شدن سکولار نمی‌شوند. به همین دلیل، هم در کشورهای پیشرفته و هم در جهان در حال توسعه، تعداد زیادی از مردم اعتقاد پیدا کردند که می‌توانند با عضویت در گروه‌ها و یا جنبش‌های دینی، به طور مؤثرتری هدف‌های مادی و معنوی خود را دنبال کنند. (وایت، لیتل و اسمیت، ۲۰ فروردین ۱۳۸۱، ص ۶).

بعد از جنگ سرد، ارزش‌های دین‌گرایانه و دین‌مدارانه انقلاب اسلامی گسترش یافت، زیرا وسایل ارتباط جمعی مانند تلگراف، تلفن و به ویژه اینترنت، فاکس و ایمیل توسعه بیشتری پیدا کرد؛ به بیان دیگر، توسعه وسایل ارتباط جمعی موجب شد ارتباط بین جوامع دینی و غیردینی و همکاری فعالان مذهبی و سیاسی بیش از گذشته، در زمینه‌های مختلف افزایش یابد. هم‌چنین پس از جنگ سرد مسایل جدیدی در روابط بین‌المللی پدید آمد، از جمله محیط زیست، داروهای غیرمجاز، ایدز، تروریسم، مهاجرت، پناهندگان و حقوق بشر، که می‌طلبد برای حل و فصل آنها، حضور فعالان دینی با هدف‌های سیاسی تشدید گردید، در حالی که دموکراسی آمریکایی توانایی خود را در حل آنها نشان نداده است. (کرث، ۱۲ اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۵).

به هر روی، اکنون دین در ابعاد ملی و فراملی (منطقه‌ای و جهان) تأثیر زیادی بر روی سیاست دارد. مهم‌ترین جلوه این تأثیر را باید در بنیادگرایی دینی دید. بنیادگرایی دینی، بر نوعی استراتژی ویژه دلالت دارد که می‌کوشد هویت دین‌داران را به عنوان یک جمعیت و یک گروه در مقابل کسانی که می‌خواهند آنان را به محیط غیردینی بکشانند، حفظ کند. گاهی اوقات این حالت تدافعی ممکن است تغییر یابد و به تهاجم سیاسی منجر شود که به دنبال تغییر بدل‌های سیاسی با اجتماعی و اقتصادی موجود است. البته بار دیگر باید تأکید کرد که پدیدار شدن دوباره دین، یا بنیادگرایی دینی به عنوان یک اصل در سیاست جهانی، بیش از آن که به فروپاشی کمونیسم مربوط باشد، به پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. از این رو، به راه انداختن جنگ علیه ایران با حمایت کشورهای قدرتمند جهان را می‌توان اقدامی برای سرکوب یا متوقف کردن بنیادگرایی اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی تلقی کرد. (کپل، ۱۳۷۰، ص ۳۰).

### الگوی جدید جهانی

انقلاب اسلامی در پی ایجاد نظمی بر پایه دین در جهان است. برای تحقق این هدف، انقلاب اسلامی دو استراتژی و راهبرد را در پیش گرفته است: نخست از یک برنامه کوتاه مدت که تعیین-کننده چگونگی برخورد انقلاب اسلامی با جهانی سازی غربی در وضعیت کنونی جهان است، پیروی می کند. در این جهت می کوشد تلاش هایی را که برای تحقق نظام جهانی آینده از سوی حامیان و پیروان هر یک از نظام های تک قطبی سلسله مراتبی، چندقطبی و حکومت جهانی واحد زیر نظر سازمان ملل متحد در جریان است، تضعیف و آرمان ایجاد نظام مطلوب خویش را تقویت نماید. دوم، انقلاب اسلامی در رویارویی با جهانی شدن غربی، یک برنامه درازمدت را که تصویری از نظام مطلوب و آرمانی اسلامی را نشان می دهد، الگوی رفتاری خود قرار داده است. (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۱۰۱).

نظام جهانی مطلوب از دیدگاه انقلاب اسلامی نظامی است بر پایه موارد زیر:

۱ - این نظام که از آن می توان به نظام امامت و امت یاد کرد، به زعامت تشکیل می شود و امام با بهره گیری از علم لدنی، معصومیت و امدادهای الهی، نظام عادلانه ای را پایه ریزی می کند و تمام ملت ها، دولت ها و سرزمین ها را تحت عنوان امت واحد به سوی کمال انسانی و اسلامی سوق می دهد. نتیجه این که: رهبری و امامت در نظام جهانی اسلام، دارای سه ویژگی است: اولاً، رهبری، مرکز و قطب ایدئولوژیک، عقیدتی، معنوی و سیاسی به شمار می رود؛ ثانیاً، رهبر، منتخب پیامبر و یا منتخب مستقیم (نواب خاص) و غیرمستقیم (نایبان عام) امام معصوم علیه السلام است؛ ثالثاً، تحقق امامت و به دست گرفتن حکومت، به پذیرش مردم مرتبط است. (حکیمی، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۰۵).

۲ - جامعه جهانی اسلامی، جامعه ای همگون و متکامل، شکوفا کننده استعدادها و ارزش های انسانی و دارای استقلال کامل است و نیازهای بنیادین و اساسی فطری و روحی انسانی در آن برآورده می گردد. در این نظام از تعلقات ملی و ناسیونالیستی، رهبری های چندگانه و مزورانه، قانون های خطاپذیر بشری، حاکمیت شیطان و انسان که ریشه منازعات، مخاصمات، مشاجرات و مجادلات جهان است، خبری نیست.

۳ - انسان ها در جامعه جهانی مطلوب اسلامی، اعمال حاکمیت و قانون خدا بر روی زمین را به رهبر برگزیده و الهی وامی گذارند. در واقع، حاکمیت الهی به صورت اراده امام تجلی می یابد و مرزهای اعتباری و قراردادی موجود و حاکم بر دنیای کنونی زایل می شود.

ویژگی های نظام جهانی مطلوب اسلامی با ویژگی های نظام های گذشته، حال و حتی نظام های احتمالی آینده قابل مقایسه نیست. ممکن است ویژگی های این نظام ها، شباهت های ظاهری، لفظی و شکلی داشته باشد، ولی از لحاظ محتوایی هیچ شباهتی با هم ندارند. این نظامی است که انقلاب

اسلامی مروج و منادی آن در جهان است و به علت ویژگی های الهی و انسانی اش بدیل جهانی شدن مزورانه و فریبکارانه غربی شده است و به همین علت سردمداران جهانی شدن غربی، انقلاب اسلامی را تنها رقیب خود معرفی کرده اند، زیرا در صدد است ارزش های جدیدی را در پهنه اداره جهان، جای گزین ارزش های قبلی غربی نماید.

### ستیز با استکبار

انقلاب اسلامی استقلال را از مهم ترین اصول توسعه و وابستگی را از اساسی ترین علت عقب ماندگی معرفی کرد و بارها در این باره به ملت ها و دولت های در بند جهان سوم و جهان اسلام هشدار داد. امام خمینی علیه السلام بر این باور بود که اسلام مخالف و منکر وابستگی صنعتی، زراعتی (کشاورزی)، اداری، اقتصادی و فرهنگی است و البته وابستگی فکری را مهم تر از سایر وابستگی ها می دانست و آن را مبدأ وابستگی های دیگر می شمرد، و هشدار می داد که استقلال با وابستگی قابل جمع نیست و تا زمانی که استقلال در همه ابعاد اجتماعی اتفاق نیفتد نمی توان کشوری را مستقل نامید. (امام خمینی، پیشین، ص ۱۰۹).

مواضع و تلاش امام خمینی علیه السلام که با استقلال ایران از سلطه آمریکا همراه شد، سبب پیدایش جرأت و اعتماد به نفس ملت ها در برابر زورگویی ابرقدرت ها و شکستن بت های ظالمان و بالندگی نهال قدرت واقعی انسان ها و سربرآوردن ارزش های معنوی و الهی گردید. (خامنه ای، سخنرانی ۴ تیر ۱۳۸۰). به اعتقاد مقام معظم رهبری، استقلال خواهی انقلاب اسلامی چنان تأثیر گذاشته که برخی را وادار به اعتراف کرده است؛ برای مثال، یکی از رهبران کشورهای شرق آسیا در جریان اجلاس سران کشورهای اسلامی، خطاب به معظم له، علت فقر کشورش را وابستگی سرمایه های موجود در آن کشور به سرمایه دارهای صهیونیستی و آمریکایی دانست. مقام معظم رهبری نتیجه می گیرد که استکبار وقتی منافعش ایجاب کند، نه به ملتی، نه به اقتصادی، نه به فرهنگی، نه به مردمی و نه به کسی رحم نمی کند و نگارنده بر این نتیجه جمله ای می افزاید: چه آن کشور پیرو اسلام آمریکایی باشد و چه از اسلام ناب محمدی حمایت کند. (پیشین، سخنرانی ۱ فروردین ۱۳۷۷).

امروز دیگر شکی باقی نمانده که ایستادگی های دولت و ملت ونزوئلا در مقابل آمریکا از انقلاب اسلامی متأثر است. کاسترو به پشت گرمی حمایت های جمهوری اسلامی (نظام برآمده از انقلاب اسلامی) به رویارویی با آمریکا ادامه می دهد. حزب الله لبنان با درس گیری از استقلال طلبی انقلاب مردم ایران می کوشد استقلال لبنان را در مقابل رژیم صهیونیستی حفظ کند. سوریه بارها اعلام کرده است درس ایستادگی در برابر اسرائیل غاصب را از انقلاب ایران آموخته است. رزمندگان افغانی با اتکای به درس های انقلاب ۱۳۵۷ ایران توانستند روس ها را از سرزمین خود بیرون نمایند و به استقلال برسند. دستیابی ایران به استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، به الگویی برای



رزمندگانی تبدیل شده که هم‌اینک در عراق، سودان، فلسطین و... با سلطه‌گران می‌جنگند. جالب آن‌که آنها در جنگ با متجاوزین به کشورشان همان شعارها (مرگ بر آمریکا)، شیوه‌ها (بسج مردمی)، سلاح‌ها (تسلیحات سبک و متعارف) و سمبل‌های (توسل و توکل به خدا) انقلاب اسلامی را به کار می‌گیرند و همین‌هاست که استکبار را نگران وقوع یک یا چند پیروزی دیگر مشابه به پیروزی ایران در سال ۱۳۵۷ش کرده است. (بنسون، نیمه دوم بهمن ۱۳۸۲، ص ۱۲).

نتایجی که باید از رابطه و یا تعامل انقلاب اسلامی با بیداری اسلامی دریافت، متعدد است، از جمله:

- ۱- بیداری اسلامی اگرچه قدمتی طولانی یا دست‌کم قدمتی صدساله دارد، ولی انقلاب اسلامی در گسترش و تعمیق آن نقش تعیین‌کننده داشته است؛
- ۲- اثرگذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی از جهات مختلف تأیید می‌شود، مثلاً از سخنان امام خمینی و نیز از مواضع مقام معظم رهبری و هم‌چنین از رشد تحولات اسلامی در دهه‌های اخیر. این در حالی که انقلاب اسلامی بارها اعلام کرده که هیچ تلاشی برای صدور انقلاب در دستور کار ندارد بلکه بر این باور است که پیام‌های انقلاب اسلامی به جهت ارتباط با فطرت انسانی و وحی الهی، به صدور به مفهوم فیزیکی نیاز ندارد.

### نتیجه: انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، بررسی دو نمونه

انقلاب اسلامی ارزش‌هایی چون حجاب، پیوند دین و سیاست، اسلام به عنوان تنها راه مبارزه و میل به حکومت اسلامی را در بخشی از جهان و بخش مهمی از جهان اسلام زنده و یا خلق کرد، بدون آن‌که ناچار شود و یا نیازی ببیند در این راه، به اقدام فیزیکی متوسل گردد. این مسئله نشان می‌دهد که ارزش‌های اسلامی به دلیل انطباق با فطرت انسانی، در توسعه و تعمیق، به عوامل معدودی از جمله یک احیاکننده نیاز دارد. البته ارزش‌های ناشی از انقلاب اسلامی در سرزمین‌های اسلامی بیش از دیگر ممالک اثر گذاشته و گسترش یافت که بی‌شک یکی از مهم‌ترین دلایل آن، وجود عنصر اسلام و اشتراکاتی چون سلطه متجاوزین و دشمن مشترک صهیونیستی از جمله در لبنان و فلسطین است.

الف - حزب‌الله به شدت تحت تأثیر امام خمینی علیه السلام و رهنمودهای مقام معظم رهبری قرار دارد. در واقع یکی از برجسته‌ترین تأثیر خارجی انقلاب اسلامی را می‌توان در چهره حزب‌الله دید. چرا انقلاب اسلامی به این میزان بر جنبش اسلامی حزب‌الله تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ به این سؤال، مباحث زیر را مرور می‌کنیم:

بین ایرانیان و لبنانی‌ها، علقه‌های فراوانی چون پیوندهای تاریخی علما و مردم جبل‌عامل با ایران دوران صفویه، فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روحانی بلندآوازه ایرانی، امام موسی

صدر به عنوان رهبر شیعیان لبنان، تشکیلات بر جای مانده از او، یعنی جنبش امل، حضور شیعیان بسیار در لبنان، وجود دشمن مشترک (اسرائیل)، حمله اسرائیل به جنوب لبنان، کمک‌های انسان-دوستانه جمهوری اسلامی ایران به محرومان لبنانی، مهاجرت و سکونت دائم تعدادی از اتباع لبنان در ایران و... وجود دارد. این پیوندها باعث شده است انقلاب اسلامی ایران در لبنان تأثیر جدی بگذارد. این تأثیر در زمینه‌های متعددی مشاهده می‌شود؛ در زمینه فرهنگی، تعداد زیادی از تصاویر بزرگ امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری در نقاط مختلف لبنان به چشم می‌خورد. بر روی دیوارهای منطقه سکونت شیعیان، عکس شهادی دیده می‌شود که جان خود را در راه مبارزه علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی (دشمنان شماره یک ایران) از دست داده‌اند. بسیاری از مردان با ظواهر اسلامی در خیابان‌ها در رفت و آمد هستند. زنان زیادی دارای حجاب اسلامی‌اند و در اجتماعات عمومی، جایگاه نشست و برخاست زنان از مردان جداست، و عمده مردم لبنان از ایران به عنوان یک دولت انقلابی و اسلامی حمایت می‌کنند. (دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، پیشین).

در لبنان، حزب‌الله بیش از هر گروه سیاسی اسلامی دیگر، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. علاوه بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری موجب چنین تأثیر شگرفی شده است. این انگیزه‌ها را می‌توان در پذیرش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب‌الله و کمک‌های ایران به حزب‌الله دید. هم‌چنین حزب‌الله از لحاظ اقتصادی و اجتماعی با اعطای کمک‌های تحصیلی به مستضعفان، توزیع داروی رایگان بین بیماران، تقسیم آب بین نیازمندان، ارائه خدمات درمانی به محرومان، البته در پرتو حمایت ایران، به شدت فعال است. در عین حال، از لحاظ نظامی از اسلحه و جنگ جدا نیست، بلکه بر پایه اصل جهاد، همواره آماده پاسخ‌گویی به حمله احتمالی دشمن صهیونیستی است، و در این باره، اعضای حزب‌الله لبنان بر اساس شعار اسلامی امام خمینی علیه السلام مبنی بر ضرورت نابودی اسرائیل، قسم یاد کرده‌اند که جنگ با اسرائیل را تا آخرین لحظه ادامه دهند. در بعد فرهنگی، حزب‌الله شعارهایی را از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته و سمبل‌های انقلاب اسلامی را سمبل خود می‌داند. پیروزی حزب‌الله در دو دهه از فعالیتش علیه اسرائیل، در مقایسه با فعالیت چهل و پنجاه ساله ساف، نشان‌دهنده سودمندی استفاده از شعارهای اسلامی و جهاد مقدس علیه اشغال‌گران و عدم اتکا به کشورهای دیگر در مبارزه ضد اسرائیلی می‌باشد. (پیشین).

حزب‌الله لبنان در بعد سیاسی هم به شدت از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است و بر خلاف جنبش امل، رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی و بر پایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته است. به همین جهت، از مواضع منطقه‌ای و جهانی رهبری انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کند. یکی از رهبران جنبش اسلامی لبنانی بر این عقیده است که: «ما به

جهان اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی مادر ماست، دین ما، ملکه ما، خون ما و شریان حیات ماست». در مجموع می‌توان گفت که علت توفیق حزب‌الله دو چیز است:

اولاً، به مبارزه، رنگ اسلامی زد، شعارهای اسلامی برگزید، جهاد علیه اشغال‌گران را اعلام نموده و ادامه داد؛

ثانیاً، بدون اتکا به کشورهای دیگر، مبارزه خود را اداره کرد و آن را به انجام رسانید. هر یک از این دو علت نیز برگرفته از انقلاب اسلامی ایران است.

ب - بخش زیادی از بیداری اسلامی در فلسطین نیز مرهون انقلاب اسلامی و متأثر از اقدامات جمهوری اسلامی ایران درباره فلسطین است که پذیرش مقامات بلندپایه فلسطینی در روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، تبدیل کنسول‌گری اسرائیل به سفارت فلسطین، اعطای لقب سفیر به نماینده ساف در ایران، اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس، ارائه کمک‌های مالی و انسان‌دوستانه، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دیپلماتیک و سیاسی از جنبش فلسطین، مخالفت با طرح‌های سازش و صلح خاورمیانه، و تأسیس صندوق حمایت از مردم فلسطین، بخشی از این اقدامات می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران از انگیزه‌های اصلی خیزش و رستاخیز اسلامی در فلسطین اشغالی، به ویژه در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن محسوب می‌شود. شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جنبش جهاد اسلامی، می‌گوید: «انقلاب امام خمینی، مهم‌ترین و جدیدترین تلاش در بیدارسازی اسلامی برای اتحاد ملت‌های مسلمان بود». و نیز برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت کارتر می‌نویسد: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران، یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است، ایجاد کرده است». (همان، ص ۱۱۴).

در واقع، انقلاب اسلامی برداشتی نوین از اسلام و قرآن در جوامع اسلامی و نیز در جامعه سنی مذهب فلسطین پدید آورد؛ چنان‌که روند مخالفت با دولت فاسد و سرکوب‌گر اسرائیل را تشدید کرد، به مبارزه آشکار علیه آموزه‌های تحمیلی ضد دینی دامن زد، تلاش برای تحقق برابری و عدالت اجتماعی را شدت بخشید، واکنش مسلمانان را در برابر غرب و غرب‌زدگی توسعه داد و یأس و ناامیدی سال‌های پایانی دهه هفتاد میلادی را تحت‌الشعاع قرار داد. یکی از مهم‌ترین علت‌های ناکامی ساف در مبارزات ضد اسرائیلی نیز برخوردار نبودن از درک شرایط نوینی بوده است که انقلاب اسلامی در جهان آفرید. ولی به عکس ساف، حرکت اسلامی نوین فلسطین، شیوه‌های انقلاب اسلامی را مبنای مبارزات ضد صهیونیستی خویش قرار داده است. شیخ اسعد تمیمی، از رهبران جنبش فلسطینی، بر آن است که تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد اعراب علیه اسرائیل غایب بود و حتی مسلمانان در عرصه واژگان، مثلاً به جای واژه جهاد از واژه‌هایی هم‌چون نضال (مبارزه) و کفاح (بیکار) بهره می‌جستند و انقلاب ایران، این حقیقت را که اسلام راه‌حل و جهاد

وسيله اصلی است، به سرزمین فلسطین برد. شیخ عبدالله شامی، از چهره‌های برجسته مبارزان فلسطینی می‌گوید: «پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اثری ژرف بر انقلاب و بر مردم فلسطین داشته است و پس از آن مردم فلسطین دریافتند که برای آزادی فلسطین به قرآن و سلاح نیازمندند». این اندیشه، نخست در حرکت جهاد اسلامی فلسطین راه یافت و سپس همین سازمان بذر آن را در سرزمین فلسطین افشاند. (همان).

تأثیر انقلاب اسلامی بر فلسطین، به آن‌چه گذشت منحصر نمی‌شود، بلکه به موارد دیگری نیز می‌توان اشاره کرد که برخی از آنها عبارت است از:

۱- نظام اسلامی، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، به صورت یکی از بهترین نمونه‌ها و از مهم‌ترین خواسته‌های سیاسی مبارزان مسلمان فلسطینی درآمده است. این مبارزان برای برپایی حکومت اسلامی، به شیوه‌های قهرآمیز و مسلحانه (مانند شیوه جنبش جهاد اسلامی) و یا راه‌های مسالمت‌آمیزتر (مانند شیوه حماس) روی آورده‌اند. البته، این بدان معنا نیست که همه مبارزان فلسطینی آشکارا خواهان حکومت اسلامی‌اند، بلکه برخی از گروه‌های فلسطینی در پی اجرای شریعت اسلامی‌اند، نه استقرار حکومت اسلامی.

۲- جنبش اسلامی فلسطین، همانند انقلاب اسلامی ایران، به مسجد و اماکن دینی توجه دارد؛ از این رو دانشجویان انقلابی، بیشتر حرکت‌های ضدصهیونیستی خود را از مسجد دانشگاه‌ها سامان می‌دهند. به این ترتیب، مساجد رونقی تازه یافته و اجتماع نمازگزاران در مساجد افزون گشته و مساجد به مرکز مخالفت‌های ضداسرائیلی تبدیل شده است و از این رو است که انتفاضه را انقلاب مساجد نیز گفته‌اند. (علی‌امینی، انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین، تهران: نیروی مقاومت بسیج سپاه، ۱۳۸۱، ص ۳۴ - ۳۱).

۳- امروزه پیروان انقلاب اسلامی بر لزوم وحدت همه قشرها و مذاهب برای دست‌یابی به پیروزی در جنبش اسلامی فلسطین پای می‌فشارند. انقلاب اسلامی ایران به پیروی از اسلام ناب محمدی ﷺ و انتفاضه به تأثیر از انقلاب اسلامی، وحدت را ابزاری کارآمد برای دست‌یابی به پیروزی می‌دانند و از این رو، بر جنبه‌های اختلاف‌برانگیز، تا جایی که اصول مبارزه خدشه‌دار نشود، اصرار نمی‌کنند. در واقع، مسلمانان به توانایی اسلام در بسیج عمومی و نیز ناکارایی شیوه‌های روشن‌فکران‌پسند غرب‌زده برای نجات فلسطین پی برده‌اند.

۴- تولد و موجودیت برخی گروه‌های مبارز فلسطینی، چون جهاد اسلامی و حماس، عمدتاً وامدار انقلاب اسلامی است. این گروه‌ها از اخوان‌المسلمین مصر به دلیل رکود، رخوت و موضع انفعالی‌اش جدا شدند، تا با جذب و سازمان‌دهی نوینی از مبارزان مسلمان، به مبارزه نظامی و سیاسی علیه اسرائیل بپردازند. با این حال، اخوان‌المسلمین فلسطین نیز که از شیوه‌های مسالمت‌جویانه پیروی کرده

است، به تأثیر از انقلاب اسلامی، فعالیت‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی خویش را افزایش داده است. (پیشین).

### منابع و مأخذ

- ۱ - ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ یازدهم، ج ۱، ۱۳۸۵.
- ۲ - احمدی، حمید، «انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی»، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، سفیر، تهران، ۱۳۶۹.
- ۳ - امام خمینی، فلسطین از دیدگاه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۶۹.
- ۴ - امام خمینی، سخنرانی ۲۵ مرداد ۱۳۵۸؛ سخنرانی ۲۸ مهر ۱۳۵۸؛ سخنرانی ۳ دی ۱۳۵۸؛ سخنرانی ۱۵ دی ۱۳۵۸؛ سخنرانی ۱۹ بهمن ۱۳۵۸؛ سخنرانی ۲۰ بهمن ۱۳۵۸؛ سخنرانی ۱ اسفند ۱۳۵۸.
- ۵ - امام خمینی، صحیفه نور، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، تهران، ج ۱، ۱۳۶۱.
- ۶ - امینی، علی، انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین، نیروی مقاومت بسیج سپاه، تهران، ۱۳۸۱.
- ۷ - بنسون، ایوور، «ایران: نگاهی به انقلاب اسلامی»، ترجمه وحیدرضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، نیمه دوم بهمن ۱۳۸۲.
- ۸ - پلنگی، محبوبه، «زنان ایرانی از نگاه زنان غیرایرانی، گذری کوتاه»، ویژه‌نامه ماهنامه پیام زن، دفتر سوم، فروردین ۱۳۸۴.
- ۹ - جمشیدی، محمدحسین، «ارتباط انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق»، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، قم، ج ۲، ۱۳۷۴.
- ۱۰ - حکیمی، محمد، «جهانی‌سازی اسلامی و جهانی‌سازی غربی»، فصل‌نامه نقد، شماره ۲۴ - ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
- ۱۱ - دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی در گستره جهان، سازمان ارتباطات فرهنگی، تهران، بی‌تا.
- ۱۲ - دلال، عباس، «زن در جامعه معاصر ایرانی»، ویژه‌نامه ماهنامه پیام زن، دفتر سوم، فروردین ۱۳۸۴.
- ۱۳ - دهکردی، حسین، «انتفاضه فلسطین مولود اصول‌گرایی اسلامی معاصر»، فصل‌نامه علوم سیاسی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۰.

۱۴ - راغبی، معصومه، «چهره زن ایرانی در مطبوعات بیگانه»، ویژه‌نامه ماهنامه پیام زن، دفتر سوم، فروردین ۱۳۸۴.

۱۵ - رفیع‌پور، فرامرز، توسعه و تضاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۶.

۱۶ - شاو، استفانورد جی و شاو، ازل کورال، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۲، ۱۳۷۰.

۱۷ - صدیقی، کلیم، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی، ترجمه هادی خسروشاهی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.

۱۸ - فراتی، عبدالوهاب، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۷.

۱۹ - فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، نشر معارف، قم، ۱۳۸۱.

۲۰ - فولر، گراهام و لسر، یان، احساس محاصره: ژئوپلیتیک اسلام و غرب، ترجمه علی رضا فرشچی و علی اکبر کرمی، دافوس، تهران، ۱۳۸۴.

۲۱ - کارگر، رحیم، آینده جهان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳.

۲۲ - کیل، ژیل، اراده خداوند: یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در راه تسخیر دوباره جهان، ترجمه عباس آگاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.

۲۳ - کنان، هنری، فلسطین و حقوق بین‌الملل، ترجمه غلامرضا فدائی عراقی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.

۲۴ - کچوئیان، حسین، تجدد از نگاهی دیگر، سینا، تهران، ۱۳۸۳.

۲۵ - کرت، جمیز، «مذهب و جهان»، ترجمه حمید بشیریه، ماهنامه دانشگاه در آئینه مطبوعات، شماره ۸۹، ۱۲ اسفند ۱۳۸۰.

۲۶ - کیالی، عبدالوهاب، تاریخ نوین فلسطین، ترجمه محمدجواهر کلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.

۲۷ - کیلی، ری و مارفلیت، فیل، جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورائی بیدخت و محمدعلی شیخ‌علیان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۰.

۲۸ - گروه نویسندگان، تاریخ معاصر کشورهای عربی، ترجمه محمدحسین روحانی، توس، تهران، ۱۳۶۷.

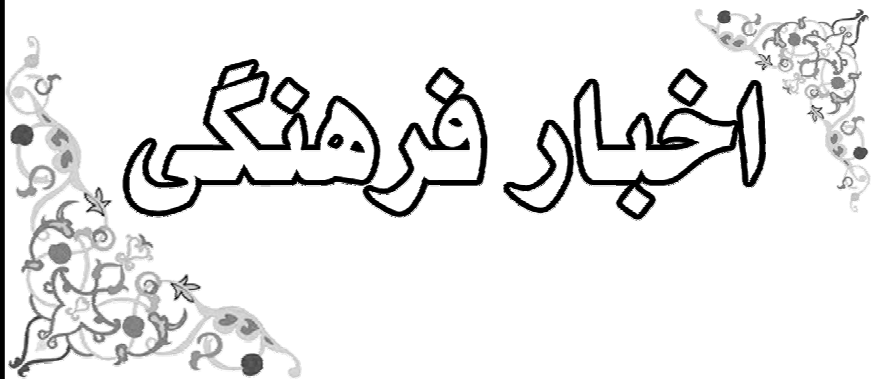
۲۹ - خامنه‌ای، سیدعلی، سخنرانی ۱۴ تیر ۱۳۸۰ و سخنرانی ۱ فروردین ۱۳۷۷.

۳۰ - مهدی، محسن، تاریخ فلسفه ابن خلدون، ترجمه مجید مسعودی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۳.

۳۱ - ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه‌های حقوق بشر، ماجد، تهران، ۱۳۷۲.

- ۳۲ - نصری، آلبرت، برداشت و گزیده‌ای از مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمدعلی شیخ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۳۳ - نقوی، علی محمد، جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، امیرکبیر، تهران، ج ۱، ۱۳۷۹.
- ۳۴ - وایت، بریان، لیتل، ریچارد و اسمیت، میشل، دین در جهان، ترجمه منیژه جلالی، روزنامه همشهری، ۲۰ فروردین ۱۳۸۱.

## فهرست



رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام  
**بیداری اسلامی امروز در منطقه نشانه به ستوه آمدن از بار سنگین تمدن مادی  
است**

رهبر معظم انقلاب مراقبت و هدایت حرکت بیداری اسلامی را به سمت اهداف عالیه زمینه‌ساز آینده روشن منطقه و امت اسلامی دانستند و افزودند: وضع کنونی امت اسلامی باید متحول شود و به فضل الهی و به برکت اسلام این دگرگونی در آینده نه چندان دور حاصل خواهد شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز میلاد مسعود پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، سفیران کشورهای اسلامی و قشرهای مختلف مردم، با تبریک میلاد مسعود پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و صادق آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام، بیداری برخی ملت‌های منطقه را نشانه افزایش ظرفیت بشر برای بهره‌مندی از خورشید حیات‌بخش اسلام و پیامبر گرامی اسلام خواندند و تأکید کردند: دردهای ملت‌های منطقه، تنها با کوتاه کردن دست شیطان بزرگ، آمریکا، از سرنوشت ملت‌ها و کشورها، علاج خواهد شد.

رهبر انقلاب اسلامی، ولادت نبی مکرم اسلام را فجر درخشانی در زندگی بشر دانستند و افزودند: هر قدر معرفت بشر، عمیق‌تر و ظرفیت انسان در طول تاریخ بیشتر شود، برکات سعادت-بخش بعثت پیامبر اسلام، در سرنوشت جوامع انسانی آشکارتر خواهد شد و امروز، نشانه‌های این حقیقت درخشان، در منطقه قابل مشاهده است.

ایشان، بیداری اسلامی در برخی کشورهای منطقه از جمله مصر و تونس را نشانه‌ای از به ستوه آمدن ملت‌ها و تلاش آنها برای نجات از تحقیر و ظلم و تاریکی برشمردند و افزودند: تحمیلات و دخالت‌های مستکبران و در رأس آنها آمریکا در زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورها، ملت‌ها را به ستوه آورده و به فکر چاره انداخته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین خصوص با اشاره به نارضایتی قابل درک مردم کشورهای غربی از تمدن مادی خاطر نشان کردند: اگر مسلمانان بتوانند اسلام را با گفتار و رفتار خود به درستی

به جهانیان معرفی کنند، مطمئناً گرایش عمومی به اسلام، جهان را دربر خواهد گرفت و این مسئله، وظیفه مسلمانان را در اصلاح بینش و رفتار خود سنگین تر می‌کند.

رهبر انقلاب اسلامی، ابراز بیزاری از حضور مستکبران را از اولین نتایج بیداری برخی ملت‌های مسلمان منطقه خواندند و خاطر نشان کردند: آمریکایی‌ها تلاش فراوانی می‌کنند خود را از تیررس این حرکت عظیم دور نگه دارند اما ناکام خواهند ماند چرا که ملت‌ها فهمیده‌اند سیاست‌های آمریکا و عواملش، عامل اصلی تحقیر و اختلاف و دودستگی در میان ملت‌هاست، بنابراین کلید حل مشکلات مسلمانان در جمع شدن بساط آمریکا در منطقه نهفته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ایجاد شکاف میان ملت‌ها و دولت‌ها را از دیگر پیامدهای سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا دانستند و افزودند: حضور ملت‌ها در صحنه، تیغ زورگویی قدرت‌ها را کند می‌کند و اگر دولت‌ها با خواست‌های ملت‌ها همراه شوند آمریکا و هیچ سلطه‌گر دیگری نمی‌تواند اهداف خود را به آنها تحمیل کند.

ایشان، دولت جعلی صهیونیستی را غده‌ای سرطانی و عامل انواع بیماری و آفت سیاسی و اقتصادی در منطقه خواندند و افزودند: استکبار همه تلاش خود را برای حفظ این غده جنگ‌افروز و اختلاف‌افکن به کار گرفته اما تفرق ملت‌ها از این غده سرطانی، امروز در منطقه آشکارتر شده است.

رهبر انقلاب اسلامی وظیفه عالمان دینی و نخبگان سیاسی، علمی و دانشگاهی را در هدایت موج رو به گسترش بیداری اسلامی در منطقه، بسیار سنگین دانستند و تأکید کردند: نخبگان کشورهای منطقه نگذارند دستگاه استکبار با وسایل مختلف، قیام مردم را سرقت و حرکت عظیم ملت‌ها را مصادره کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مراقبت و هدایت حرکت بیداری اسلامی را به سمت اهداف عالی، زمینه‌ساز آینده روشن منطقه و امت اسلامی دانستند و با اشاره به ویژگی‌های جمعیتی، جغرافیایی و منابع بیکران ۱/۵ میلیارد مسلمان افزودند: وضع کنونی امت اسلامی باید متحول شود و به فضل الهی و به برکت اسلام، این دگرگونی در آینده نه چندان دور حاصل خواهد شد.

ایشان با استناد به آیات قرآن مجید، توکل و خضوع در مقابل پروردگار، مهربانی با برادران ایمانی و ایستادگی و استواری در مقابل مستکبران و ظالمان را از ویژگی‌های یک انسان مسلمان و یک جامعه اسلامی خواندند و افزودند: ملت عزیز ایران، این راه سعادت‌بخش را به توفیق الهی، ادامه می‌دهد و دیگر ملت‌های مسلمان نیز آرام آرام به این سمت و سو در حال حرکت‌اند تا وعده خدا محقق شود که: و العاقبة للمتقين.

### دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با رئیس‌جمهور ترکیه و هیئت همراه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۶ با آقای عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه و هیئت همراه، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه را دو کشور مسلمان، دوست و برادر خوانده و تأکید کردند: روابط کنونی ایران و ترکیه در ابعاد سیاسی و اقتصادی و در مقایسه با سالیان متمادی گذشته، کم‌نظیر است و باید از این فرصت تاریخی برای به فعلیت رساندن همه ظرفیت‌های فراوان دو کشور استفاده شود.

ایشان با اشاره به هدف‌گذاری دو کشور برای سه برابر کردن حجم مبادلات افزودند: ما معتقدیم کشورهای نزدیک به یک‌دیگر می‌توانند همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را به صورت یک واحد ادامه دهند تا تأثیرگذاری آن بسیار بالا باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جایگاه فعلی ترکیه در دنیای اسلام را بسیار متفاوت از سال‌های قبل ارزیابی و خاطر نشان کردند: استقلال در مقابل غرب، فاصله‌گذاری با رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم فلسطین، از جمله مسایل مهمی هستند که موجب نزدیک‌شدن ترکیه به امت اسلامی شده است.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: این سیاست، سیاست صحیحی است و ترکیه هرچه به دنیای بزرگ اسلام نزدیک‌تر شود، به نفع خود و هم‌چنین به نفع دنیای اسلام است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نزدیکی دیدگاه‌های ایران و ترکیه در مسایل منطقه‌ای به ویژه مسایل افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین، افزودند: تحولات اخیر مصر نیز قضایای بسیار مهمی است که می‌توان در جهت خیر مردم مصر و منطقه فعالیت کرد.

ایشان سلطه ده‌هاساله آمریکا و رژیم صهیونیستی در مصر و تحقیر مردم را علت اصلی این حرکت دانستند و خاطر نشان کردند: مردم مصر، مردمی مسلمان و دارای انگیزه‌های قوی اسلامی هستند.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: هرگاه مردم وارد صحنه شوند، روند تحولات تغییر خواهد کرد و ابزارهای متعارف سیاسی و نظامی کارایی خود را از دست خواهند داد و اکنون نیز مردم مصر در وسط صحنه هستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: آمریکایی‌ها به دنبال مصادره حرکت عظیم مردم مصر هستند و جمهوری اسلامی ایران با دخالت طرف‌های خارجی در مصر مخالف، و معتقد است مردم باید تصمیم‌گیر اصلی باشند.

ایشان مهم‌ترین موضوع در دنیای اسلام را حفظ و تقویت وحدت امت اسلامی و پرهیز از افتادن در دام بیگانگان به منظور ایجاد اختلاف و تفرقه دانستند و تأکید کردند: اگر دنیای اسلام توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالای خود را بشناسد، شرایط بسیار متفاوت خواهد شد و دنیای اسلام می‌تواند به عنوان یک قدرت تأثیرگذار در تحولات بین‌المللی نقش ایفا کند.

رهبر انقلاب اسلامی عامل اصلی ایجاد اختلاف میان مسلمانان را دولت انگلیس خواندند و با تأکید بر این که همه سیاست‌ها و تدبیرهای کشورهای اسلامی باید در جهت اتحاد و افزایش قدرت جهان اسلام باشد، خاطرنشان کردند: غرب همواره دنیای اسلام را تحقیر کرده است و هر دولت و ملتی هم که بخواهد در مقابل این تحقیر حرکت کند و توانایی‌های خود را نشان دهد، با مخالفت و کارشکنی‌های غرب مواجه خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با یادآوری وعده تخلف‌ناپذیر الهی مبنی بر نصرت مسلمانان، افزودند: اگر به شرایط کنونی منطقه و قدرت‌های سلطه‌گر و مقایسه آن با گذشته، توجه شود، نشانه‌های کمک الهی کاملاً مشهود است.

ایشان خاطرنشان کردند: آمریکا و قدرت‌های پرداعیه غربی سی سال پیش، منطقه را جولانگاه خود کرده بودند، اما اکنون در چه وضعیتی هستند؟ وضعیت رژیم صهیونیستی کنونی با رژیم صهیونیستی سی سال پیش چگونه است؟ ایران امروز را با سی سال گذشته مقایسه کنید. ترکیه امروز با سی سال قبل چه تفاوتی کرده است؟ عراق و فلسطین امروز با سال‌های گذشته چه تفاوت‌هایی دارند؟ همه این موارد نشانه‌های کمک الهی است که این روند با سرعت بیشتری به پیش خواهد رفت.

احمد الزین در گفت‌وگو با تقریب:

### آیت‌الله خامنه‌ای پیشوای وحدت اسلامی و تنها رهبر کل جهان اسلام است

پیروی از آیت‌الله خامنه‌ای مانع انحراف قیام‌های مردمی در منطقه خواهد شد  
رئیس هیئت امنای جمعیت علمای مسلمانان لبنان، تنها مصداق بارز رهبری در جهان اسلام را آیت‌الله خامنه‌ای دانست.

به گزارش خبرگزاری تقریب، «قاضی شیخ احمد الزین»، رئیس هیئت امنای جمعیت علمای مسلمانان لبنان پس از دیدار جمعی از میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی با رهبر معظم انقلاب اسلامی، در گفت‌وگویی با خبرنگار تقریب تأکید کرد: وحدت جهان اسلام نیازمند رهبری است و تنها مصداق بارز این رهبری در حال حاضر در جهان اسلام، آیت‌الله خامنه‌ای است.

وی در ادامه اظهار داشت: آیت‌الله خامنه‌ای یک رهبر اسلامی است و هرچند که ایشان رهبر، پیشوا و ولی فقیه جمهوری اسلامی و پیشوای همه شیعیان جهان است ولی از آن‌جا که رهبری وحدت اسلامی را برعهده دارد، باید وی را رهبر کل جهان اسلام دانست.

احمد الزین افزود: دین مبین اسلام، ما را به وحدت دعوت می‌کند و قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً». در این راستا، باید همه مسلمانان جهان بدانند که وحدت و رسیدن به این آرمان، به رهبری واحد و ولی فقیه نیاز دارد.

وی تصریح کرد: چه از نظر سیاسی و چه از نظر جهادی، وحدت مسلمین نیازمند ولایت فقیه است و مصداق بارز این رهبری در فضای کنونی جهان اسلام، آیت‌الله خامنه‌ای است.

احمد الزین با اشاره به رهنمودهای رهبر انقلاب در دیدار با ایشان، گفت: آیت‌الله خامنه‌ای جهان اسلام را به پیروی از آرمان‌های قرآنی، به وحدت و تشکیل حکومت اسلامی دعوت می‌کند و از این رو، هیچ رهبری جز ایشان در جهان اسلام وجود ندارد.

وی در عین حال به لزوم توجه به امر شورا به عنوان یک اصل قرآنی اشاره کرد و گفت: اسلام ما را به وحدت، پیروی از رهبری و مشورت در کارها دعوت می‌کند.

احمد الزین هم‌چنین با اشاره به تأکیدات رهبر انقلاب بر لزوم قطع دست آمریکا از کشورهای اسلامی، اظهار داشت: امروز شاهد هستیم که همه حکومت‌هایی که مزدور غرب و آمریکا هستند، یک به یک متلاشی شده و از بین می‌روند.

وی اضافه کرد: امروز ملت‌های مسلمان هوشیار شده‌اند که راه‌نجاتی جز تمسک به اسلام نیست.

الزین خاطرنشان کرد: در این مسیر، تنها راه جلوگیری از انحراف، پیروی از رهبری است و در غیر این صورت، قیام‌های مردمی در کشورهای منطقه منحرف خواهد شد.

رئیس هیئت امنای جمعیت علمای مسلمانان لبنان در پایان، مهم‌ترین خواسته‌های ملت‌های مسلمان منطقه را حمایت از مسجدالاقصی، دفاع از ارزش‌های اسلامی و انسانی و جلوگیری از سرازیر شدن سرمایه‌های مسلمانان در جیب صهیونیسم دانست و گفت: همه اینها، ارزش‌هایی است که انقلاب اسلامی ایران آنها را دنبال کرده و امروز نیز آیت‌الله خامنه‌ای بر آنها تأکید می‌کند.

گفتنی است، جمعی از میهمانان بیست و چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب دیدار نموده و ایشان در سخنانی، تأکید کردند: دشمنان تلاش می‌کنند تا حرکت مردمی در مصر، تونس و دیگر نقاط دنیای اسلام را غیراسلامی جلوه دهند، در حالی که این حرکت مردمی، قطعاً اسلامی است و باید تقویت شود.

### تأکید آیت‌الله جوادی آملی بر مشترکات مسلمین

ساختار دین ما به گونه‌ای است که از وحدت‌های کم به وحدت‌های بزرگ توصیه می‌کند و این که گفته‌اند نماز جماعت را هر روز بخوانید و در نماز جمعه و نمازهای عید شرکت کنید و حج را هر سال به جا آورید برای تأکید به همین امر است.

معظم‌له در دیدار تعدادی از مسئولان سازمان حج و زیارت با یادآوری این نکته که دین بر پایه اتحاد سامان پذیرفت، اظهار داشت: خدای سبحان برای این که امت اسلامی متحد بشوند، یک مکان

را قبله همه مسلمانان قرار داد، به طوری که مرگو زندگی همه مسلمانان به همان یک جا مرتبط است.

به گزارش مرکز خبر حوزه، وی تأکید کرد: شعار شب و روز یک میلیارد و نیم مسلمان که بر روی کره زمین زندگی می کنند «والکعبة قبلتی» است.

مفسر بزرگ قرآن کریم با اشاره به ارتباط کارهای واجب، حرام و مستحب انسان با کعبه، تصریح کرد: نمازهای مسلمانان، ذبحها، دفن اموات، نماز میت و... باید حتماً به سمت کعبه باشد. در زمینه مستحبات هم بهترین نشستن ما نشستن رو به کعبه است و همان طور که بیان کردند، کارهای قبیح و زشت را نباید رو یا پشت به کعبه انجام داد.

حضرت آیت الله جوادی آملی درباره جهان شمول بودن کعبه تأکید کرد: ما درباره جهان شمولی نباید دنبال ادله باشیم، بلکه در نحوه اجرای جهان شمولی باید هم اندیشی داشته باشیم. جهان شمولی بین و رشد است، چون هم قرآن می فرماید «جَعَلَ اللَّهُ الْكُعبَةَ الْاَیْمَنَ الْاَحْرَامَ قِیاماً لِلنَّاسِ» و هم زندگی و مرگ ما ارتباط تنگاتنگی با قبله دارد و دستور روزانه ما هم «و الکعبة قبلتی» است. پس درباره جهان شمول بودن کعبه سخنی نیست که آیا ما دلیلی داریم یا خیر، بلکه درباره نحوه اجرای آن جای بحث است.

وی افزود: استکبار، نظام اسلامی را طوری ارباً اربا کرده که برخی از کشورها را جزء اقمار سوسیالیست شرق، برخی ها را جزء اقمار کاپیتال غرب، بعضی ها را لائیک و برخی دیگر را سرگردان و متحیر قرار داد. ما اول باید اسلامی بودن امت ها را حفظ کنیم، که وقتی مسلمانیم و هدف مشترک داریم، نه تنها قرآن و عترت برای ما محترم است، از نظر اجرایی و عملی هم کارهای مشترک داریم. آیت الله جوادی با اشاره به وجود مشترکات عملی روزانه بین مسلمانان، بر لزوم تقویت این مشترکات تأکید کرده و اظهار داشت: ما باید این موجودیت را حفظ کنیم و بگوییم ممکن است از نظر اقلیم با هم جدا هستیم، اما از نظر فکر، قلم و بیان اشتراکات زیادی داریم.

وی با تأکید بر ضرورت ایجاد اتحاد عمیق بین مسلمانان، تصریح کرد: ساختار دین ما به گونه ای است که از وحدت های کم به وحدت های بزرگ توصیه می کند و این که گفته اند، نماز جماعت را هر روز بخوانید و در نماز جمعه و نمازهای عید شرکت کنید و حج را هر سال به جا آورید برای تأکید به همین امر است.

استاد برجسته حوزه علمیه، وجود اختلاف سلیقه در بین مسلمانان را امری طبیعی دانست و در عین حال بر لزوم تحمل این اختلافات و رفع مشکلات و موانع پیش روی تأکید کرد.

وی افزود: انسان نباید از ستیز استکبار و یا تفرقه بیگانگان نگران باشد، برای این که اگر اتحاد و اعتصام همگانی و همه گیر را واجب کردند معلوم می شود که این امر شدنی و اثربخش است. البته در هر اجتماعی تنگنمایی وجود دارد، برای این که هیچ کدام از انسان ها شبیه هم نیستند.

به مناسبت هفته وحدت برگزار شد

### گردهمایی علمای شیعه و سنی در هرات

به مناسبت ایام ولادت پیامبر رحمت حضرت محمد مصطفی ﷺ و هفته وحدت، گردهمایی علمای شیعه و سنی هرات، ۳۰ بهمن ماه در محل سرکنسولگری ایران برگزار شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در این گردهمایی سخنرانان دیدگاه های خود را در موضوع وحدت جامعه اسلامی بیان نمودند.

مولوی خداداد صالح رییس علمای اهل سنت هرات در سخنانی با تبریک ایام ولادت حضرت پیامبر ﷺ گفت: کسانی که تفرقه می اندازند و توهین می کنند و به نام علمای شیعه و سنی شایعه درست می کنند، مسلمان نیستند.

وی در قسمتی دیگر با ذکر احادیثی از حضرت ختمی مرتبت گفت: ما حقیقتاً با هم اختلاف نداریم و امیدوارم با فرمایش حضرت رسول با هم جمع شویم و نگذاریم دشمنان ما را از یک دیگر جدا کنند.

روحانی رییس علمای شیعه هرات نیز در سخنانی با تمسک به آیات الهی، شخصیت حضرت رسول را رحمة للعالمین دانسته و اظهار نمود ایشان قبل از بعثت به عنوان یک شخص امین در بین مردم معروف بودند.

وی افزود: حضرت محمد ﷺ چندین سال مرارت های شعب ابی طالب را تحمل کرد تا جامعه را به پیروزی و سعادت برساند. حضرت در آن مدت کوتاه مدینه فاضله را بنیان نهاد تا مردم در صفا و صمیمیت در کنار هم زندگی کنند.

وی گفت: پیامبر می تواند الگوی ما باشد و ما باید سیره پیامبر رحمة للعالمین را الگوی خود قرار دهیم

روحانی در ادامه به سیره حضرت امام خمینی رحمه الله در خصوص نهی از اختلاف بین شیعه و اهل سنت اشاره نموده و اضافه کرد که امام مشکل جهان اسلام را در تفرقه دیده و برای اعتصام به حبل الله این هفته را بنا نهاد.

رحیم محمدی یکتا یکی از علمای هرات نیز در سخنانی با تبریک ایام ولادت حضرت ختم المرسلین ﷺ و امام جعفر صادق علیه السلام و تشکر از حضور علمای شیعه و سنی در این محفل اظهار داشت: این جلسه که به صورت نمادین برگزار شده است زمینه ای اسنت که باید در جامعه تسری پیدا بکند و آن را به صورت عملی پیاده بکنیم.

وی با تأکید بر استدلال های سخنرانان جلسه افزود: در بیان هیچ یک از علمای تراز اول ما کلمه یا نوشته ای در تفرقه پیدا نمی کنید نه در سخنرانی هایشان و نه در کتاب های نوشته آنها.



رحیم محمدی یکتا تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران آن‌چه در توان داشته است مخلصانه در اختیار جهان اسلام اعم از شیعه و سنی قرار داده است. از بیشترین اعتراضات به ما، کمک به مردم غزه در جنگ ۲۲ روزه بوده که اکثر آنها از برادران اهل سنت هستند.

وی با اشاره به خدمات جمهوری اسلامی ایران در افغانستان اظهار داشت: در این سال‌های جهاد و بازسازی، بیشترین خدمات به جامعه اهل سنت بوده است که حتی گاهی با برخی گلاویه‌ها نیز در این مورد روبه‌رو بوده‌ایم.

محمدی یکتا بیداری کنونی جهان اسلام را نشأت‌گرفته از انقلاب اسلامی، و خاموشی فروغ حکومت‌های دست‌نشانده آمریکایی در منطقه را نتیجه توجه به اسلام و شعایر ایلمی قلمداد کرده و شعار الله اکبر معترضین حکومت‌های دست‌نشانده و سجده‌ها و نمازهای شکر تظاهرکنندگان را نشانه رجعت مسلمین به اسلام واقعی دانست.

### سمینار مکتب علمی امام صادق علیه السلام در آنکارا برگزار شد

به مناسبت هفته وحدت، اولین همایش «مکتب علمی امام صادق علیه السلام» با همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا و دانشکده الهیات دانشگاه سلجوق قونیه، با حضور جمعی از استادان ایرانی و ترک برگزار شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در این همایش یک‌روزه، دکتر احمد اونکال رئیس دانشکده الهیات، ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران و میهمانان ایرانی، از برگزاری مشترک همایش مذکور ابراز خشنودی کرد.

وی با اشاره به این‌که گرایش ترکان به دین مبین اسلام از مسیر ایران اسلامی ممکن شد، بر تأثیر شگرف ایران در رشد و گسترش فرهنگ و اندیشه اسلامی در میان مسلمانان به ویژه ترکان تأکید کرد.

دکتر اونکال از برگزاری اولین همایش مشترک دو کشور درباره مکتب علمی امام صادق علیه السلام ابراز خوشحالی کرد و افزود: امام صادق علیه السلام یکی از چهره‌های مطرح اهل سنت به شمار می‌رود. آن حضرت از دیدگاه شخصیت‌هایی چون ابوحنیفه و شافعی ابن ادریس، افقه‌الفقه‌هاست و نظرات فقهی آن حضرت در منابع معتبر اهل سنت ذکر شده است.

علی حکیم‌پور معاون رایزنی فرهنگی کشورمان نیز در سخنانی، ضمن تبریک میلاد با سعادت حضرت ختمی مرتبت و امام صادق علیه السلام از برگزاری این نشست علمی با حضور استادان دو طرف و دانشجویان دانشگاه ابراز خوشحالی کرد.

حکیم‌پور با اشاره به سفر عبدالله گل به جمهوری اسلامی ایران یادآور شد که این سفر، علاوه بر دیدارهای رسمی، به دیدارهای استانی وی نیز تبدیل شد و ایشان به همراه هیئت همراه، از دو شهر اصفهان و تبریز، به عنوان شهرهای فرهنگی - اقتصادی ایران دیدن کردند.

وی با اشاره به امضای تفاهم‌نامه همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سازمان امور دیانت در سال گذشته، به فراهم شدن زمینه‌های گسترش هرچه بیشتر روابط دو کشور در امور فرهنگی و دینی تأکید کرد و افزود: در چند ماه اخیر همایش عطار نیشابوری با همکاری رایزنی فرهنگی و دانشکده الهیات دانشگاه آنکارا با حضور جمعی از اندیشمندان دو کشور برگزار گردید و خوشبختانه امروز نیز همایش مکتب علمی امام صادق علیه السلام در این شهر معنوی برگزار می‌گردد.

حکیم‌پور با اشاره به این‌که مکتب امام صادق علیه السلام، مکتبی است علمی، استدلالی، آزاد و فراگیر، خاطرنشان کرد که دیدگاه علمی آن حضرت در مورد اسرار آفرینش، در کتاب ارزشمند «توحید مفضل» ذکر شده است. همچنین، گفت‌وگوی امام با یک عالم دهری (ابن ابی‌العوجا) مایه حیرت پیروان آن حضرت شد. استمرار مکتب استدلالی امام نیز همان اجتهاد علمی فقه‌هاست و در مکتب فراگیر و آزاد آن حضرت، امکان حضور افراد مختلف در کلاس‌های درس وی از جمله مالک بن انس و ابوحنیفه فراهم شد.

وی در پایان، از زحمات مسئولین دانشگاه قونیه به‌ویژه دکتر احمد اونکال رئیس دانشکده، دکتر دوغان کاپلان و استادان شرکت‌کننده که زمینه برگزاری این همایش علمی را فراهم کردند، قدردانی کرد.

در ادامه، شیخ حسین انصاریان در مقاله‌ای با عنوان «نقش امام صادق علیه السلام در مدنیت اسلامی» به جایگاه و تأثیرگذاری امام صادق علیه السلام در حوزه مدنیت اسلامی و رشد و گسترش علوم گوناگون و نیز موقعیت علمی و فقهی آن حضرت در نزد بزرگان اهل سنت اشاره نمود.

دکتر سید باغچه‌بان نیز در مقاله‌ای با عنوان «درک اهل سنت از امام صادق علیه السلام» با اشاره به زندگی پر بار امام، یادآور شد که نسب آن حضرت از طرف پدر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از طرف مادر به ابوبکر می‌رسد. ام فروه، مادر امام، نوه ابوبکر بود.

وی به ذکر گفته‌ای از ابوحنیفه پرداخت و گفت: ابوحنیفه در برابر عظمت امام می‌لرزید و هیچ کس را فقیه‌تر از وی نمی‌دانست.

سخنران بعدی دکتر بهاء‌الدین وارول بود که مقاله خود را با عنوان «تأثیر امام صادق علیه السلام در زمینه سیاست» قرائت کرد.

وی در این مقاله از امام به عنوان پیشوای علم و عرفان، چراغ تابان عصر خود و عضوی از خانواده اهل بیت علیهم السلام یاد کرد و گفت: رفتار امام با توجه به مکتب انقلابی امام حسین علیه السلام، مکتب صلح و صبر امام حسن علیه السلام، مکتب دوری از سیاست بود و همین مکتب، الگوی دیگر امامان بعدی

نیز شد. وی با ذکر مستندات یادآور شد که کسانی بودند که به امام قیام و بیعت را پیشنهاد دادند اما امام نپذیرفت.

در نشست دوم، دکتر خالد چالیش مقاله خود را با عنوان «اندیشه فقهی امام صادق علیه السلام در آثار فقهی اهل سنت» ارائه نمود.

وی در این مقاله یادآور گردید که امام صادق علیه السلام در مورد سنت، نگاه ابژکتیو داشت و از پرداختن به مسائل سوژکتیو پرهیز داشت و از دیدگاه وی عادل و ضابط بودن افراد اهمیت داشت، نه ویژگی-های نسبی، سببی، قومی و زبانی و...

در ادامه نشست، حجت‌الاسلام مبلغی به ارائه مقاله خود با عنوان «تشکیل مکتب‌های فقهی و مدرسه قاعده امام صادق علیه السلام» پرداخت.

وی با اشاره به سه مکتب اهل رأی (ابوحنیفه)، حدیث (مالک) و قاعده (امام صادق) خاطر نشان کرد که مکتب قاعده با عناوین مختلفی چون: مکتب جمع، تفریع، اشباه و نظایر و باب مطرح شده است و امام با ایجاد قواعد، بررسی فروع فقهی را آسان تر کرد.

در ادامه، دکتر دوغان کاپلان به عنوان آخرین سخنران به ارائه مقاله خویش با عنوان «دوستی اهل بیت علیهم السلام و جایگاه امام صادق علیه السلام در فرهنگ ترک» پرداخت.

وی با اشاره به قول شافعی که «اگر دوستی اهل بیت علیهم السلام رافضی بودن است، پس من رافضی هستم»، گفت: «دوستی اهل بیت علیهم السلام میان همه ترکان زیاد است. نام گذاری افراد به نام‌هایی چون:

علی، حسن، حسین، فاطمه و زینب، نشان‌دهنده میزان محبوبیت این بزرگان در نزد ترکان است. در داستان‌ها نیز قهرمانی از اهل بیت علیهم السلام یاد می‌شود. عبارت مشهور «لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار» در میان ما علویان شایع است. کتاب «حدیقة السعدای» فضولی در مورد شهادت امام حسین علیه السلام اهمیت زیادی دارد. شخصیت‌هایی چون احمد یسوی و یونس امره اشعاری را در محبت اهل بیت علیهم السلام سروده‌اند.

دکتر دوغان کاپلان در پایان با اشاره به حدیث ثقلین تأکید کرد که باید راه آن بزرگان را پیمود.

آیت الله حائری شیرازی:

**تفرقه از دیدگاه شیعه و سنی حرام است**

نماینده مردم استان فارس در مجلس خبرگان رهبری گفت: از دیدگاه شیعه و سنی تفرقه حرام است، پس باید با رعایت احترام به یکدیگر، جلوی فتنه دشمنان را که باعث جدایی می شود گرفت.

به گزارش خبرگزاری تقریب از سیستان و بلوچستان، آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی در جمع نخبگان جوان شیعه و اهل سنت سیستان و بلوچستان اظهار داشت: دشمنان تلاش می‌کنند با

القائات فریبنده و شبهه‌آفرین، بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند و به همین دلیل باید بیش از پیش هوشیار بود.

وی اخلاق نیک را سیره پیامبران و عامل پیوند بین مسلمانان عنوان کرد و افزود: خوش‌رویی و اخلاق نیک باعث جذب غیرمسلمانان و گسترش اسلام می‌شود.

عضو خبرگان رهبری ادامه داد: وحدت بین شیعه و سنی در ایران الگوی تمام مسلمانان و باعث ایجاد هم‌بستگی در خاورمیانه شده است.

آیت‌الله حائری شیرازی افزود: در آینده‌ای نزدیک شاهد وقوع انقلاب‌های مردمی مشابه مصر، تونس و کشورهای خاورمیانه در میدان‌های نیویورک و لندن علیه حاکمان استعمارگر آمریکا و انگلستان خواهیم بود.

وی افزود: ریشه قیام امروز مردم مسلمان مصر و تونس، دین و شرافت انسانی است، زیرا دین شرافت را در انسان نهادینه می‌کند و شرافت، انسان ظلم‌دیده را به قیام وا می‌دارد.

او ادامه داد: مردم آمریکا نیز بی‌شرافت نیستند و رفته رفته از ظلم و خیانتی که صهیونیست‌ها علیه آنان انجام می‌دهند آگاه می‌شوند و روزی همانند مردم مصر و سایر ملت‌های آزادی‌خواه علیه حکام ظالم و مستبد قیام می‌کنند.

حائری شیرازی افزود: امروزه مردم بیشتر کشورهای دنیا به دلیل داشتن شرافت انسانی، از حمایت همه‌جانبه حاکمانشان از رژیم غاصب صهیونیستی به تنگ آمده و در حال قیام هستند و به زودی تمام ظالمان عالم نابود می‌شوند.

نماینده مردم فارس در مجلس خبرگان رهبری با اشاره به این‌که کفر به طاغوت، شرط وحدت تمام بشریت است، گفت: امروزه این مسئله در تمام عالم همه‌گیر شده و به زودی ملت‌های سراسر جهان با هر نوع اعتقاد و مذهبی با تکیه بر وحدت، نابودی کامل ظالمان را رقم خواهند زد.

وی با تأکید دوباره بر لزوم وحدت شیعه و سنی ادامه داد: وحدت بین شیعه و سنی و احترام به عقاید یکدیگر از الزاماتی است که باید مورد توجه باشد.

وی خاطر نشان کرد: شیعه و سنی باید در کنار هم برای ارتقای دین مبین اسلام در عالم بشریت و گسترش وحدت بین مسلمانان تلاش کنند.

**قرآن کریم محور و منشور وحدت در بین مسلمانان جهان است**

هم‌زمان با ایام مبارک هفته وحدت و با حضور عالمان دینی اهل سنت و اهل تشیع داخلی و چند کشور خارجی دومین همایش سراسری منادیان وحدت در سنندج برگزار شد.

به گزارش خبرنگار تقریب از سنندج، مدیر کل تبلیغات اسلامی استان کردستان در مراسم اختتامیه این همایش، اظهار داشت: دومین همایش سراسری منادیان وحدت با محوریت قرآن، کتاب

وحدت و با استقبال جمع زیادی از عالمان و صاحب‌نظران دینی کشور روبه‌رو گردید و در مجموع ۸۳ مقاله علمی از استان‌های قم، تهران، اصفهان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و شرقی، مشهد مقدس، مازندران، ایلام و کردستان به دبیرخانه همایش ارسال شد.

حجت الاسلام مسعود صفی‌یاری افزود: قرآن کریم محور و منشور وحدت در بین مسلمانان جهان است و معلمان و مفسران قرآن کریم و کسانی که با این کلام الهی مأنوس هستند باید از پیش‌فراوان این کتاب الهی و پرچم‌داران وحدت در جامعه اسلامی باشند.

مدیر کل تبلیغات اسلامی کردستان و دبیر همایش سراسری منادیان وحدت افزود: در این برهه از زمان که دشمنان با برداشته‌های انحرافی از قرآن، می‌خواهند در بین مسلمانان شکاف و رخنه ایجاد کنند، همه ما به خصوص مربیان و مفسران قرآنی وظیفه سنگین‌تری در راستای تنویر افکار عمومی داریم و به همین دلیل دومین همایش سراسری منادیان وحدت با محوریت قرآن، کتاب وحدت برگزار گردید و مقالات ارسالی نیز در همین راستا بود.

صفی‌یاری هدف از برگزاری این همایش را تحکیم انسجام و وحدت در سایه‌سار فرامین آسمانی قرآن کریم، آشنایی با سیره نبی اکرم ﷺ و خاندان پاکش در تعمیق هم‌دلی و اخوت بین مسلمانان و گرمی‌داشت هفته وحدت عنوان کرد و افزود: خوشبختانه در دومین همایش شاهد استقبال گسترده پژوهش‌گران دینی استان هستیم و از مجموع آثار ارسالی ۲۸ اثر متعلق به پژوهش‌گران و عالمان دینی کردستان بوده است.

امام جمعه موقت سنندج نیز در این همایش، اظهار داشت: در سایه‌سار وحدت و انسجام دینی، مسلمانان به عزت و اقتداری غیر قابل شکست خواهند رسید و در این راستا قرآن کریم به عنوان محور وحدت و اعتقاد قلبی مسلمین باید مورد توجه قرار گیرد.

ماموستا امین راستی تصریح کرد: با تمسک به آیات وحدت‌بخش قرآن کریم، همه اختلافات جزئی در بین مذاهب مختلف اسلامی در زمره فرعیات قرار گرفته و اگر عمل به آیات قرآن در بین مسلمانان در جوامع مختلف نهادینه شود شاهد گسترش روزافزون آیین اسلام و خنثی شدن توطئه‌های دشمنان خواهیم بود.

در پایان این همایش، بر اساس رأی هیئت داوران دومین همایش سراسری منادیان وحدت، در بخش شفاعت، محسن موحدیان از اصفهان رتبه اول، حجت شعبانی از قم رتبه دوم و عباس رهبری و اکرم کریمی از سنندج به صورت مشترک رتبه سوم را به خود اختصاص دادند.

در بخش قرآن، منادی وحدت، نبیل الیعقوبی رتبه دوم و سید عبدالقادر حسینی و فاطمه سهرابی به صورت مشترک رتبه سوم را به خود اختصاص دادند و از ده نفر از پیش‌کسوتان فعال قرآنی استان نیز تجلیل شد.

گفتنی است: نخستین همایش منادیان وحدت، اسفندماه سال گذشته با حضور علمای ده کشور جهان و پژوهش‌گران دینی داخل کشور در سنندج برگزار شد.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی کشور:

### کردهای اهل سنت طلایه‌داران انقلاب اسلامی در جهان اسلام هستند

خبرگزاری تقریب: رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی کشور در جمع راهپیمایان کردستان در سنندج، گفت: کردهای اهل سنت طلایه‌داران انقلاب اسلامی در جهان اسلام هستند.

به گزارش خبرنگار تقریب از سنندج، حجت الاسلام ابولحسن نواب در جمع راهپیمایان سنندجی، اظهار داشت: انقلاب اسلامی ایران ثمره پایمردی و ایثار مردم مسلمان ایران است و در این میان مردم مسلمان کردستان هم‌دوش و هم‌گام با دیگر برداران و خواهران دینی خویش در سراسر نقاط کشور در به پیروزی رساندن آرمان‌های انقلاب نقش بسزایی داشته‌اند.

وی افزود: با استقرار نظام شکوهمند اسلامی در ایران شاهد اتحاد و انسجام والایی در بین مذاهب مختلف اسلامی در کشور بودیم و مردم اهل سنت کردستان نیز با جانفشانی‌ها و خدمات گسترده‌ای که طی ۳۲ سال از استقرار نظام اسلامی ارائه داده‌اند به عنوان طلایه‌دار مسلمانان اهل سنت جهان در راستای آشنایی آنان با آرمان‌های انقلاب اسلامی مطرح بوده و هستند.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب کشور به دستاوردها و ثمرات انقلاب اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی اشاره کرد و افزود: اگر انقلاب اسلامی و الگوی بیداری‌بخش آن نبود هم-اکنون کشوری به نام بوسنی و هرزگوین و اتحاد و مقاومت مردمی در غزه، لبنان و فلسطین و دیگر کشورهای مسلمان منطقه وجود نداشت و باید با تمام توان از آرمان‌ها و دستاوردهای آن حفاظت نماییم.

حجت‌الاسلام نواب خاطر نشان کرد: مقام معظم رهبری فقیه‌ترین رهبر جامعه اسلامی و بی‌نظیر بوده و همه مسلمانان جهان به منویات گهربار ایشان با تمام دقت و تأمل می‌نگرند و در ۲۲ اردیبهشت سال گذشته نیز ایشان در سنندج با فتوای تاریخی خویش چشم و دل همه مسلمانان جهان را روشن کرده و با منویات داهیهانه خویش همه توطئه‌های آمریکا و جبهه کفر را در راستای تفرقه در بین مذاهب اسلامی نقش بر آب کردند و آن‌چنان آرامشی در جهان اسلام ایجاد کردند که هنوز دشمنان اسلام گیج و سرگردان هستند.

وی افزود: دین اسلام و آموزه‌های متقن آن قدرتمندترین آموزه‌های دینی بوده و نماز مسلمانان به عنوان عظیم‌ترین اجتماع آنان از شاخص‌های اصلی وحدت و اتحاد آنان است که این مهم همواره مورد طمع نیت‌های شوم دشمنان بوده و آنان از همان بامداد پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای جلوگیری از صدور آرمان‌های انقلاب به توطئه‌افکنی دست زدند و هم‌چنان نیز بر اهداف شوم خود اصرار می‌کنند.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی کشور گفت: مردم کردستان هم‌چون نگینی در بین مسلمانان جهان می‌درخشند و این افتخاری بس بزرگ برای همه ایرانیان است که هم‌وطنانی ایثارگر، متدین و مسلمان و ولایت‌مدار هم‌چون مردم اهل سنت کردستان دارند.

## بیانیه پایانی بیست و چهارمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی

بیست و چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد. به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا)، در مراسم اختتامیه این کنفرانس که با سخنرانی چند تن از شرکت‌کنندگان و نیز قرائت اشعاری در اهمیت وحدت مسلمانان همراه بود، بیانیه پایانی قرائت شد. این بیانیه، حضور ۷۵۰ شخصیت علمی و برقراری سی جلسه کاری تقریب میان مذاهب اسلامی را گام مهمی در وحدت اسلامی برشمرده و اختلاف سیاسی را عامل بروز اختلاف عقیدتی، تاریخی یا فقهی پیروان ادیان ندانسته است.

در این بیانیه، شرکت‌کنندگان، امت اسلامی را در معرض چالش‌های بزرگی دانسته‌اند که عرصه‌های عقیدتی، شخصیتی، فرهنگی و پایه‌های هستی و نقش تمدنی آن را هدف قرار داده است. همچنین در قسمتی از این بیانیه آمده است: «دشمنان با توطئه‌های گوناگون تجزیه‌طلبانه و تفرقه‌افکنانه تلاش می‌کنند امت اسلامی را در عرصه‌های گوناگون عقب نگه دارند و حالت وابستگی و شیفتگی به غرب را ترویج کنند». شرکت‌کنندگان، هواهای نفسانی و تمایلات سیاسی و شیوع تعصب و بی‌اطلاعی برخی از پیروان مذاهب را نسبت به مذاهب دیگر موجب به وجود آمدن پدیده غلط تکفیر و افراط‌گرایی و تجزیه دانستند که پیامدهای منفی مهمی را نسبت به توان امت در بر داشته و راه‌هایی را برای دشمنان برای وارد کردن ضربه به عقیده و گرایش‌های نظری و عملی اصیل باز کرده است.

در بیانیه پایانی، بر احترام به یک‌دیگر و محول کردن بحث‌های اختلافی به علما و کارشناسان و همچنین بر توهین نکردن به مقدسات یک‌دیگر تأکید شده است.

همچنین در این بیانیه از فتوای تاریخی رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد عدم جواز توهین به رهبران مذاهب اسلامی که با استقبال وسیع علمای بزرگ امت و محافل مذهبی روبه‌رو گردیده، تقدیر شده است.

بر اساس این گزارش، شرکت‌کنندگان با توجه به نیاز مبرم به ایجاد طرح مفصلی برای تقریب مذاهب اسلامی در زمینه‌های مختلف، دعوت به تقریب را عاری از هر گونه تعصب مذهبی یا تلاش برای نشر یک مذهب میان پیروان مذهبی دیگر اعلام کردند.

در بخش دیگری از بیانیه پایانی، تجاوز صهیونیست‌ها به ملت صبور فلسطین محکوم و مقاومت شجاعانه ملت قهرمان فلسطین ستایش شده است.

در این بیانیه با تأکید بر لزوم استیفای حقوق حقه مردم فلسطین، نسبت به ایجاد دولت مستقل در سراسر فلسطین به پایتختی بیت‌المقدس و حق بازگشت فلسطینیان به سرزمین خود، از جامعه جهانی خواسته شده است جنایت کاران صهیونیست را محاکمه و مجازات کند.

شرکت‌کنندگان در کنفرانس تقریب مذاهب اسلامی، مقاومت را حق مشروع ملت‌ها دانسته و مخالفت ریشه‌ای خود را با فعالیت‌هایی که با عنوان عملیات تروریستی شناخته می‌شود و از نظر اسلام محکوم است، اعلام کردند.

آنها همچنین از پیروزی‌های شکوهمند ملت‌های اسلامی از جمله در تونس و مصر علیه دیکتاتورهایشان تقدیر کردند و ادامه تلاش برای دسترسی به حقوق مشروع ملت‌ها و اتخاذ موضع-گیری‌های مشروع را خواستار شدند.

در بیانیه پایانی کنفرانس، از جهاد ملت ایران و مسئولان آن برای احیای دین خدا و اجرای احکام اسلام در همه زمینه‌های زندگی تقدیر شده و هرگونه توطئه علیه این روند محکوم گردیده است.

شرکت‌کنندگان، پشتیبانی خود را از موضع جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و توسعه توان هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز اعلام و هر گونه اقدامی را جهت جلوگیری از حقوق حقه این کشور که بر اساس قوانین بین‌المللی است، محکوم کردند و خواهان بهره‌گیری کشورهای جهان اسلام از این توان ایران شدند.

در پایان بیانیه، شرکت‌کنندگان از جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری و نیز از مجمع تقریب مذاهب اسلامی برای برگزاری این کنفرانس و میزبانی آن قدردانی کردند.

بیست و چهارمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی با موضوع «راه‌کارهای اندیشه‌ای و کاربردی تحقق تقریب مذاهب اسلامی» سی‌ام بهمن سال گذشته در سالن اجلاس سران تهران آغاز به کار کرد.

در این کنفرانس، متفکران و اندیشمندی از کشورهای افغانستان، آلمان، روسیه، اندونزی، عراق، لبنان، عربستان، تایلند، الجزایر، یونان، آمریکا، استرالیا، دانمارک، عمان، قطر، کویت، مصر و دیگر کشورهای اسلامی حضور داشتند.

## تقریب بین شیعه و سنی آسان‌تر از تقریب بین سایر ادیان است

پژوهشگر آمریکایی در امور اسلامی تأکید کرد: تقریب بین مذاهب اسلامی از جمله شیعه و سنی آسان‌تر از تقریب بین سایر ادیانی است که می‌خواهند از دشمنی به دوستی برسند.

خبرگزاری تقریب (تنا): شمشاد حیدر که در ایالت تگزاس آمریکا به سر می‌برد در گفت‌وگو با خبرگزاری تقریب با بیان این‌که من هیچ دلیلی برای اختلاف بین شیعه و سنی نمی‌بینم، گفت: جامعه اسلام نیاز شدیدی به اتحاد ناگسستگی بین همه مذاهب اسلامی دارد.

وی در پاسخ به سؤالی درباره استفاده از اعتقاد به مهدویت به عنوان عاملی برای ایجاد وحدت بین مذاهب اسلامی، گفت: بله، این امر ممکن است و من نتیجه پژوهش‌های خود را در مورد تقریب بین مذاهب شیعه و مسیحیت ارائه دادم.

ما احادیثی از ائمه علیهم‌السلام در دست داریم که کافی است این احادیث را برای مردم بازگو کنیم، زیرا پیروان مذاهب دیگر به احادیث امامان شیعه دسترسی ندارند و زمانی که این احادیث برای آنها بازگو می‌شود به آنها علاقه‌مند شده و آنها را دوست دارند.

وی همچنین افزود: مسیحیان نیز چیزی از مهدی منتظر نمی‌دانند و گمان می‌کنند امام مهدی علیه‌السلام دشمن مسیحیان است و پس از ظهور، مسیحیان را به قتل می‌رساند، این در حالی است که واقعیت عکس این است و ما باید در گام نخست مسئله ظهور حضرت مهدی را برای مردم تبیین کنیم.

وی در مورد نگاه اهل سنت به مسئله مهدویت، با اشاره به لزوم تبیین صحیح این مسئله برای آنها، گفت: بسیاری از وهابیان و طالبان و افراط‌گرایان در میان اهل سنت نیز نظری چون مسیحیان داشته و معتقدند حضرت مهدی علیه‌السلام به همراه دجال ظهور کرده یا او خود دجال است. به ویژه این نگاه در پاکستان و افغانستان بسیار حاکم است و آنها معتقدند مهدی (عج) که شیعه از آن سخن می‌گوید، همان دجال است.

وی با اشاره به کتاب «عصر ظهور» تألیف شیخ علی کورانی، آن را کتابی خوب در تبیین مسئله ظهور توصیف کرده و ابراز امیدواری کرد این کتاب در اسرع وقت به انگلیسی ترجمه شده و در دسترس جوامع غرب قرار گیرد.

وی با اشاره به جهل برخی مسلمانان نسبت به اختلافات شیعه و سنی، گفت: من هیچ دلیلی برای اختلاف بین شیعه و سنی نمی‌بینم بلکه صحیح آن است که اختلاف در عقیده امری طبیعی است و ما پیروان شیعه و اهل سنت بسیاری را می‌بینیم که در خیلی از کشورهای اسلامی در کنار یک‌دیگر به خوبی زندگی می‌کنند.

وی با اشاره به این که قوانین دینی باید برای همه اقشار جامعه تبیین شود، افزود: کودکان ما در مدارس می‌آموزند که خودکشی گناهی بزرگ و حرام است، از همین‌جا معلوم می‌شود که تکفیر از سوی مذاهب اسلامی و همه جوامع انسانی امری ناپسند شمرده شده است. وی افزود: اگر انسان‌ها با نگاه انسانیت به همه مسایل بنگرند روز به روز به هم نزدیک‌تر می‌شوند.

وی در پایان گفت: برادران شیعه و سنی هرگز یک‌دیگر را لعن نمی‌کنند و تقریب بین شیعه و سنی بسیار آسان‌تر از تقریب بین یهودی و مسیحی است.

✽✽✽✽

مآخذشناسی

اندیشه‌های تقرب

## مآخذشناسی اندیشه تقریب

سلمان حبیبی

### أ آثار منتشر شده توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

الاصول العامه للفقہ المقارن (جلد ۱-۲)

مصطفی حکیم، محقق: وفی الشناوه، مقدمه: محمد علی تسخیری، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۳۱ ق، ۴۰۸ + ۴۰۰ صفحه، وزیری.

در این نوشتار که در دو جلد تهیه شده است، مبانی اصول فقه شیعه و اهل سنت برای اجتهاد و استنباط حکم شرعی مطرح شده و اصول مشترک و مورد قبول آنها و همچنین موارد اختلاف نظر فقها و اصولیون

شیعه، امامیه و مذاهب فقهی اهل سنت تبیین گردیده است. نویسنده در جلد اول از این نوشتار نخست به بررسی اصول احتجاج و تعریف حجت شرعی در فقه پرداخته و منجزیت و محذرت حجت را تبیین نموده است. سپس ضمن تعریف اصول فقه، هدف از اصول فقه و موضوع آن را بیان کرده است. در ادامه، به بحث درباره حکم شرعی پرداخته و ضمن تعریف حکم تکلیفی و وضعی و اقسام آنها به روش‌شناسی تحقیق در علم اصول فقه اشاره نموده است. آن‌گاه به بررسی اصول فقه اهل سنت پرداخته و منابع و ادله فقهی آنان، یعنی قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع، دلیل عقلی و ادله حجیت هر یک از آنها را بررسی کرده است. وی در همین مورد به تعریف خاص فقهای اهل سنت از سنت نبوی اشاره کرده و استناد آنان به سنت صحابه پیامبر اسلام را ذکر نموده است. سپس به کیفیت حجیت دلیل عقلی به عنوان طریقی قطعی برای رسیدن به احکام شرعی اشاره نموده است. اقسام دلیل قطعی مانند خبر متواتر، خبر محفوف به قرائن قطعی، اجماع بنای عقلا، سیره مشرع و ارتکاز آن و طرق غیرقطعی برای رسیدن به حکم شرعی مانند خبر واحد و اختلاف نظر فقهای اهل سنت در حجیت و یا عدم حجیت آن و شرایط حجیت خبر واحد و ادله این فقها از قرآن، سنت،

اجماع و دلیل عقلی، ادله حجیت اجماع از کتاب، سنت و عقل، ادله حجیت دلیل عقلی، ادله حجیت قیاس نزد فقها و اصولیون اهل سنت و ارکان قیاس از منظر آنان از مباحث پایانی جلد اول از این نوشتار است.

در جلد دوم ابتدا به بحث درباره استحسان به عنوان یکی از ادله فقهی نزد اهل سنت و ادله حجیت آن پرداخته شده و کارکرد استحسان در مرجحات باب تراجم، نسبت بین استحسان و عرف، استحسان و مصلحت و رابطه آن با برخی از حالات نفسانی، ادله حجیت استحسان از منظر کتاب، سنت و اجماع بررسی شده است. نویسنده سپس به بررسی حجیت مصالح مرسله پرداخته و استدلال فقهای اهل سنت به سنت و سیره صحابه در استفاده از مصالح مرسله، دلیل عقلی، و استدلال آنان به حدیث لاضرر در حجیت مصالح مرسله را بیان نموده است. فتح ذرایع و سد ذرایع و مفهوم آن و ادله حجیت آن از قرآن، سنت و عقل نزد اصولیون اهل سنت، حجیت عرف، حجیت شرایع قبل از اسلام، حجیت مذهب و سیره صحابه، حجیت استصحاب، حجیت براهت شرعی و عقلی، حجیت احتیاط شرعی و عقلی، حجیت تخییر شرعی، حجیت احتیاط عقلی و شرعی و ادله حجیت آنها از منظر کتاب، سنت، عقل و اجماع و بررسی حجیت قرعه، از مباحث پایانی جلد دوم از این نوشتار است. در خاتمه، نویسنده تعریفی از اجتهاد از لحاظ لغوی و اصطلاحی و اقسام آن، یعنی اجتهاد عقلی و اجتهاد شرعی، ارائه کرده و تجزی در اجتهاد و امکان و وقوع آن را بررسی نموده است. مراتب مجتهدین، رابطه بین اجتهاد و انسداد و انفتاح، احکام و شرایط مجتهد، تخطئه و تصویب از منظر شیعه و اهل سنت، احکام تقلید، شرایط تقلید، اعتبار اعلامیت و عدالت در مجتهد از مباحث دیگر این نوشتار است.

### البناء علی القبور شرع ام خرافة؟

بحث علمی یثبت جواز تشیید القباب و الاضرحة علی قبور الانبیاء و الاولیاء علیهم السلام و الصلاة عندها و یبحث الروایات الواردة فی مصادر الجمع سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، ترجمه: رعد الحجاج، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۱۳۲، صفحه، رقعی.

ساختن ضریح و بنای مرقد بر مزار بزرگان به نوعی تکریم از مقام شامخ آنان به شمار می‌رود و میان ساخت این نوع ابنیه و زنده نگه داشتن یاد و سیره این بزرگان برای نسل‌های آینده ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بنا نمودن این آثار

مخصوص امت اسلامی نیست و سایر ملت‌ها نیز برای بزرگان دینی و سیاسی، شاعران و اندیشمندان خود آرامگاه‌ها و بناهای یادبود می‌سازند. پس هدف از این امور یک غرض عقلانی است که تمامی اقوام بر آن اتفاق نظر دارند. در کتاب حاضر، که به زبان عربی نگاشته شده، مؤلف با استناد به ادله شرعی، جواز ساخت ضریح بر قبور انبیا، اولیا و صالحان را اثبات می‌نماید و شبهه خرافه بودن را که جاهلان و مغرضان به مسلمانان نسبت می‌دهند، می‌زداید. در این کتاب که از چهار فصل تشکیل شده است، نویسنده ابتدا ضمن تبیین مسئله حساسیت وهابی‌ها به تعمیر قبور و ساختن بنا و سایبان و یا قبّه و بارگاه بر قبور انبیا، اولیا، علما و یا سایر قبور، با اشاره به ادله و براهین آنان، مانند اجماع، استدلال به روایت ابی‌الهی‌ج، مزاحمت بنای بر قبور با حق دیگران و نهی روایات از بنای بر قبر و تبیین سندهای این روایات و ادله، به نقد و بررسی آنها پرداخته و با براهین متقن و اصولی ثابت نموده است که نه تنها تعمیر و بنای قبور ائمه و... جایز است بلکه از شعائر الهی به شمار می‌آید. وی سپس به نمونه‌هایی از برخورد مسلمین با قبور انبیا و اولیا پرداخته و با اشاره به روایات و مستندات جواز احداث مسجد بر قبور و نماز خواندن در مشاهد مشرفه، به بررسی مسئله از دیدگاه فقهی، اصولی و تاریخی و نیز ذکر نمونه‌هایی از فضیلت نماز خواندن در مشاهد انبیا و اولیا و فضیلت دعا در کنار قبور و مکان‌های خاص پرداخته است و در پایان، این مسئله را از دیدگاه فقه امامیه بررسی نموده است.

تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز، با تکیه بر

### جنبش اتحاد اسلام

محمدحسین اردوش، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ۷۰۰ صفحه، وزیری.

جهان اسلام از قرن سیزدهم هجری به این سو، در کشاکش رویارویی با هیمنه استعماری غرب، علاوه بر وقوف به برتری مادی غرب، همانند قرن دوم هجری، بار دیگر با انبوهی از مفاهیم و معارف بیگانه روبه‌رو شد و البته این بار نشاط و شادابی و سلامت و قدرت گذشته را در مقابله با هیمنه مادی بیگانگان و هضم مطلوب داده‌های فرهنگی جدید نداشت. از این رو در مقابله با عالم جدید، موضع‌گیری‌های متفاوتی گرفت که بیشتر بین افراط و تفریط، غرب‌گریزی تا غرب‌ستیزی و غرب-گرایی تا غرب‌زدگی، در نوسان بود. در این میان، دیدگاه‌هایی نیز وجود داشت که صاحبان آن نسبت به امر واقع، یعنی پیشرفت و برتری غرب، نه دچار تسلیم، وادادگی و شیفتگی شده و نه روی در

کشیده و در انزوا فرو رفته و یا به انکار و ستیز برمی‌خیزیدند، بلکه با اعتماد به نفس و دیده انصاف به حل‌جی درست وضعیت و چاره‌جویی می‌پرداختند.

جنبش وحدت اسلامی یا اتحاد اسلام را در مجموع می‌توان دارای چنین دیدگاهی دانست. وحدت اسلامی در این عصر، جنبشی است اندیشه‌ای و عمل‌گرا که تلاشی گران، فشرده و پراکنده به خرج داد تا با احیاء اصلاح و بیداری، جهان اسلام را که در آن دوران، مهم‌ترین و معتبرترین واحدهای سیاسی آن، امپراطوری عثمانی و ایران قاجاری بودند، توانایی درک دنیای جدید و دفاع از استقلال و سیانت آن در مقابله با سلطه‌جویی‌های استعماری غرب ببخشد. وحدت اسلامی با وجود تنوع در گرایش‌ها و سمت و سوهای سیاسی - فرهنگی، یکی از محوری‌ترین نظریه‌های مطرح در این دوران بوده و در میان افشار مختلف، از سیاست‌مداران حاکم تا علما، اندیشمندان، روشن‌فکران و حتی توده مردم، مبلغان و داعیانی داشت و اگر چه فشار و شتاب رویدادهای متوالی آن دوران، فرصت پختگی و کارآمدی مؤثر را به این جنبش نداد، اما مسئله وحدت اسلامی در این عصر، تأثیراتی جدی، ماندگار و پردامنه برجای گذاشت و به‌رغم کثرت و تنوع در تعریف، در شکل‌هایی دیگر، هم‌چنان تا امروز مطرح می‌باشد. فرضیه اساسی که چارچوب این پژوهش، مبتنی بر آن شکل گرفته است، این است که وحدت اسلامی در این دوران جنبشی است وحدت‌طلبانه، اصلاح‌گرا و استعمارستیز و مهم‌ترین عامل در ولادت آن، نیاز جهان اسلام به وحدت در مصاف با دنیای جدید بود.

در این پژوهش که از سه بخش تشکیل یافته است، تلاش گردیده است که با استنادهای پژوهش‌گرانه، از مطرح‌ترین مآخذ تحقیقاتی در تاریخ معاصر جهان اسلام، اعم از منابع دست اول و مآخذ تحقیقی، درباره مسئله وحدت اسلامی و موضوعات مرتبط با آن استفاده گردد.

در بخش نخست کتاب، مؤلفه‌های ناهمسازگری و پیشینه تلاش‌های همسازگرایانه در جهان اسلام از آغاز تا قرن سیزده هجری، بررسی می‌گردد. در بخش دوم، به زمینه‌های طرح مسئله وحدت اسلامی در ایران قاجاری و امپراطوری عثمانی، اشاره می‌شود. بخش سوم به مسئله وحدت اسلامی؛ اتحاد اسلام و مؤلفه‌ها و مقوم‌های نظریه وحدت اسلامی در این عصر، چهره‌ها، اندیشه‌ها و تکاپوها (سید جمال‌الدین، شیخ الرئیس قاجار، رساله اتحاد اسلام)، اختصاص دارد. و در پایان کتاب تصریح شده است که: پس از وفات پیامبر اسلام ﷺ، به موازات تزايد ناهمسازگری‌ها، تلاش‌های وحدت-طلبانه نیز رشد و نمود و بالندگی گرفت، و به این ترتیب مسئله وحدت اسلامی یا همسازگری و خصم و همزادش، یعنی تفرقه یا ناهمسازگری که بیش از هر چیز در اختلافات مذهبی بروز می‌یابد، به برجسته‌ترین مؤلفه‌های تاریخ اسلام تبدیل می‌گردد. در طول تاریخ اسلام از وحدت اسلامی مانند بسیاری دیگر از آموزه‌ها و ارزش‌ها، تعریف‌های متفاوت و قرائت‌های گوناگون شده است و حتی

پاره‌ای از تلاش‌های وحدت‌طلبانه با ماهیتی متناقض و دوگانه (پارادوکسیال)، با هدف وحدت مسلمانان، به ناهمسازگری‌های جهان اسلام دامن زده است، تا آن‌جا که گاه شعار وحدت به حرب‌ای علیه جوهره خود، یعنی همسازگری، و مستمسکی برای توجیه بیداد و یا انکار اقلیت از سوی اکثریت تبدیل شده است. نمونه‌های متعددی از این دست تلاش‌ها را چه در حوزه اندیشه و چه در حوزه قدرت سیاسی، در تاریخ اسلام می‌توان یافت.

### الدعاء و التوسل بالأولیاء مطلوب أم ممنوع؟

حسن طاهری خرم‌آبادی، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقرب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۳۰ق، ۱۵۱ صفحه، رقی.

در این پژوهش با رویکردی عقلی، قرآنی و روایی به اثبات جواز، مشروعیت بلکه مطلوبیت دعا و توسل و حاجت خواستن از پیامبران و اولیای الهی (ائمہ معصومین علیهم‌السلام) پرداخته شده و شبهات منکران دعا و توسل و حاجت طلبیدن از غیرخداوند نقل و نقد گردیده است. نویسنده سعی کرده است با رویکردی مقارنه‌ای (مقایسه بین

دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت) برخی از اختلاف‌نظرهای آنان را در این‌باره تجزیه و تحلیل نموده و عدم منافات دعا و طلب حاجت از اولیای الهی با مسئله توحید را با ذکر استدلال تبیین نماید. در بخش اول کتاب، نویسنده به نمونه‌هایی از دعا و طلب حاجت از غیرخداوند در آیات قرآن کریم اشاره کرده و ارجاع دادن مردم از سوی خدا به سمت انبیای الهی و رفع حاجات آنان به وسیله معجزات و خرق عادت را نوعی جواز درخواست از غیرخدا دانسته که خود خداوند متعال آنها را تشریح نموده است. نویسنده بر این باور است که طلب حاجت از پیامبران الهی و اولیای خداوند اگر به صورت استقلالی باشد نوعی شرک است و با توحید افعالی خداوند سازگاری ندارد، اما اگر این درخواست به این صورت باشد که ما انبیا و ائمہ علیهم‌السلام را واسطه حاجت قرار دهیم و به آنها متوسل شویم تا حاجت خود را از طریق آنان از خداوند بگیریم این مسئله نه تنها شرک نیست بلکه همان توحید عبادی و افعالی است. وی فاعل حقیقی و علی‌الاطلاق را خداوند متعال دانسته و شفای مریض توسط پزشک را نیز به خداوند نسبت می‌دهد.

نویسنده، استدلال مخالفین توسل به انبیا و اولیای الهی را نقل و نقد کرده و این کلام ابن تیمیّه را که طلب کردن شفا و سایر حاجات از مرده‌ها حتی از انبیای الهی شرک است، با همین استدلال، یعنی این‌که فاعل بالاستقلال انبیا و اولیا نیستند بلکه خداوند است، پاسخ می‌دهد و نمونه‌هایی از



آیات قرآن کریم را که در آن انبیا و حتی غیر انبیا به امور خارق‌العاده دست می‌زدند و این قدرت را از خداوند متعال گرفته بودند، در این باره مورد استناد قرار می‌دهد. وی در مورد عدم قدرت پاسخ‌گویی مردگان به حاجات ما، به سخن گفتن پیامبر اسلام ﷺ با کشته شدگان جنگ بدر اشاره کرده و با این استدلال، انبیا و اولیای الهی را مرده ندانسته بلکه آنها را زنده تلقی کرده که قدرت پاسخ‌گویی به درخواست‌های ما را حتی پس از مرگ ظاهری دارند.

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به روایاتی نبوی اشاره کرده که در آن استغاثه به غیرخدا مشروع و جایز دانسته شده و در این باره به شبهات محمد بن عبدالوهاب پاسخ گفته است. وی ضمن بررسی معنای لغوی و اصطلاحی توسل و قواعد کلی درباره آن، به جواز توسل بر غیرخداوند در روایات اشاره نموده و متوسل شدن مردم در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ به اهل بیت آن حضرت جهت طلب باران و برآورده شدن حاجت مردم به جهت متوسل شدن به اهل بیت علیهم‌السلام، توسل پیدا کردن شافعی (یکی از ائمه اربعه اهل سنت) به اهل بیت و سیره صحابه و تابعین در متوسل شدن به ملائکه و افراد مؤمن و صالح پس از مرگ آنها و توسل به پیامبر اسلام را نمونه‌هایی از جواز و مشروعیت توسل عنوان کرده است.

#### تعدد مذاهب از دیدگاه فقها و اندیشمندان

سید جلال میرآقایی، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

در حدود نیم قرن پیش، شیخ محمود شلتوت، که در رأس روحانیت اهل سنت قرار داشت، در فتوای خویش جواز پیروی از فقه مذهب جعفری را عرضه کرد و خواستار همدلی بیشتر مسلمانان شد. از آن زمان، حرکت «تقریب مذاهب» شکل گرفته و امروزه به راهبردی

تأثیرگذار تبدیل شده است. دانشمندان و عالمان مسلمان، پس از وضع مبانی و تبیین ریشه‌های دینی و ضرورت رشد و ریشه‌دار کردن آن در وجدان مسلمانان، مقالات متعددی نوشتند. اینان معتقدند با ملاحظه برخی اصول از جمله ایمان به اصول اعتقادی اسلام، التزام کامل به تمامی ضروریات و ارکان اسلامی و نیز قرآن و سنت می‌توان مسلمانان را گرد هم آورد. این کتاب در حقیقت مجموعه‌ای است از فتاوی‌ای علما و صاحب‌نظران فقهی مذاهب گوناگون اسلامی درباره این سؤال که «دلیل اطلاق امت اسلامی بر اتباع مذاهب دیگر اسلامی اعم از شیعه، فرقه‌های چهارگانه اهل سنت،

زیدیه، ظاهریه، ابازیه و دیگران که اصول دین مبین را معتقدند چیست و آیا تکفیر فرقه‌های مورد اشاره جایز است یا خیر و به طور کلی حدود تکفیر در عصر حاضر چیست؟». این سؤال را هشت نفر از علمای شیعه پاسخ گفته‌اند و سیزده نفر از علمای اهل سنت و سه نفر از علمای زیدیه و یک نفر از علمای ابازیه، به اجماع، فرقه‌های اسلامی را از امت اسلامی شمرده و تکفیر آنان را در هیچ شرایطی جایز ندانسته‌اند.

این کتاب از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل شده است. در مقدمه، مؤلف، صادر کنندگان فتاوی را از برجسته‌ترین فقها و مجتهدان دانسته است. فتاوی گردآوری شده نیز با مصلحت‌اندیشی و ملاحظات سیاسی و تحت تأثیر منافع زودگذر صادر نشده است، هر چند که زمینه فتوا در شرایط اجتماعی - سیاسی فراهم می‌شود.

فصل اول با عنوان «درآمدی بر تقریب مذاهب اسلامی»، شامل دو مقاله است؛ مقاله اول «مذاهب اسلامی از اختلاف تا ائتلاف» نام دارد که نوشته حضرت آیت‌الله محمد علی تسخیری است و در آن واقع‌گرایی اسلامی، مبانی وحدت و نقش‌آفرینی آن، اختلافات فکری و ضوابط آن، و اختلافات مذهبی تجزیه و تحلیل شده است. ایشان همچنین آسیب‌پیش‌فرض‌های مجتهد بر روند اجتهاد و راه‌های جلوگیری از آن را متذکر شده است. همچنین به مذاهب فراموش‌شده و ظهور مذاهب مختلف اسلامی پرداخته و اختلاف در مذاهب را باعث رشد فکری و تعالی تمدن اسلامی برشمرده است. اما آنچه این پدیده را به شکلی منفی در مسیر تاریخی مسلمانان جلوه داده است، تغییر آن به سوی طایفه‌گرایی تنگ‌نظرانه بوده است. به اعتقاد وی تقریب مذاهب در کهن‌ترین دوران‌های اسلامی ریشه دارد و زندگی خود را مدیون اصول شریعت اسلامی است. در ادامه مباحث نیز پایه‌های تقریب اصول و ارزش‌های شایسته تقریب و نقش دانشمندان و اندیشمندان در روند تقریب بررسی شده است.

مقاله دوم با عنوان «پیش‌نویس سند تأسیسی جمعیت وحدت و تقریب» از علامه محمد مهدی شمس‌الدین است. در این مقاله مرحوم شمس‌الدین نوع اختلافاتی را که مانع وحدت و تضعیف انسجام است بررسی می‌کند و گفتمان وحدت را در اعتقادات و احکام می‌جوید. به نظر وی باید در اختلافات شیوه‌ای پیش‌گرفت که در فرهنگ‌سازی عمومی، وقایع تاریخی و پیامدهای سیاسی آن، وحدت امت مراعات شود و از هر امری که به جدایی و پراکندگی بینجامد، پرهیز شود. سپس وی برای به رسمیت شناختن مذاهب اسلامی از طرف دیگر مسلمانان، راه‌کارهایی ارائه می‌دهد و مشکلات تبشیر را در داخل جوامع اسلامی برمی‌شمرد. به نظر ایشان در همه مؤسساتی که بر پایه اندیشه تبشیری و تبلیغات مذهبی به وجود آمده است باید تجدیدنظر کرد، زیرا بسیاری از شعارهای آنان سدّ راه تقریب و وحدت است.

علامه شمس‌الدین تشکیل جمعیت وحدت و تقرب بین مذاهب اسلامی را به منظور ارتباط با مراکز فقهی و فکری در جوامع اسلامی دانسته و معتقد است جامعه الازهر از همه راه‌ها مستقیم‌تر است و باید اقدامات خود را به ظهور برساند. بر مبنای این سند تأسیسی، جمعیت وحدت و تقرب باید مجله‌ای جهانی به زبان‌های زنده دنیا به ویژه زبان‌های اسلامی انتشار دهد و کنفرانس‌های علمی تحقیقاتی و سمینارهای وحدت اسلامی برپا نماید و برای گشایش باب فقهی بین مذاهب اسلامی تلاش کند و مراکز آموزشی و دانشکده‌های الهیات تأسیس نماید و از اختلافات سیاسی که ریشه‌های طایفه‌ای مذهبی دارد پرهیز نماید و علم کلام جدید با موضوع وحدت که ریشه در قرآن و سنت دارد ترویج یابد. به نظر وی هم‌چنین وحدت اسلامی شامل وحدت با غیر مسلمانان (گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها) نیز می‌شود.

در این مقاله سپس مبانی سند تأسیسی جمعیت وحدت و تقرب بررسی گردیده است. فصل دوم، به بیانیه‌های گروهی از علما و اندیشمندان مسلمان دربارهٔ تعدد مذاهب اختصاص دارد و شامل بخش‌های زیر است: «استراتژی مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی» که دارای طرحی جامع و برنامه‌ریزی شده جهت رسیدن به آرمان‌ها و اهداف این مجمع است و به تأیید اعضای مجمع رسیده است؛ «پیش‌نویس منشور وحدت اسلامی» که به پیشنهاد مقام معظم رهبری و توسط کمیته‌ای از صاحب‌نظران در امر تقرب و وحدت اسلامی و با بهره‌گیری از تجربیات آماده گردید تا مبنای حرکت و تعامل پیروان مذاهب اسلامی باشد؛ متن «بیانیه کنفرانس بین‌المللی حقیقت اسلام و نقش آن در جامعه معاصر» که در امان، پایتخت اردن هاشمی برگزار شد، به همراه اسامی شخصیت‌ها و علمای تأییدکننده آن؛ «مجمع علما و اندیشمندان مسلمان» گزارش اجلاس مقدماتی نشست فوق‌العاده سران سازمان کنفرانس اسلامی در مکه مکرمه، به همراه اسامی شرکت‌کنندگان؛ «اولین کنفرانس بین‌المللی مذاهب اسلامی و چالش‌های معاصر» که توسط دانشگاه آل‌البیت اردن برگزار گردید، به همراه اسامی شرکت‌کنندگان؛ «برنامه ده ساله رویارویی با چالش‌های امت اسلامی در قرن بیست و یکم» که در سومین دوره فوق‌العاده کنفرانس سران اسلامی در مکه مکرمه به تصویب رسید؛ متن «قطع‌نامه شماره ۳۴/۲۸، وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی» که در سی و چهارمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (اجلاس صلح، پیشرفت و هم‌نوایی) در اسلام‌آباد پایتخت پاکستان برگزار شد.

فصل سوم، به فتاوی فقهی‌های مذاهب اسلامی درباره ملاک‌های مسلمانی و شرایط افتا اختصاص دارد که شامل موارد زیر است: «فتاوی فقهی‌های عظام و مراجع شیعه درباره ملاک‌های اسلام و شرایط فتوا» که برخی از آنها عبارت است از: فتاوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)؛ فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی (مدظله العالی)؛ فتاوی حضرت آیت‌الله فاضل لنگرانی (مدظله العالی)؛ فتاوی

حضرت آیت‌الله محمدعلی تسخیری (دام‌عزه) و...؛ «فتاوی علمای اهل سنت، درباره ملاک‌های مسلمان بودن و شرایط فتوا دادن» که برخی از آنها عبارت است از: فتاوی شیخ محمود شلتوت، فتاوی شیخ جادالحق علی جادالحق، فتاوی دکتر شیخ محمد سید طنطاوی، فتاوی دکتر شیخ یوسف قرضاوی، فتاوی شیخ احمد کفتارو، فتاوی شورای عالی امور دینی ترکیه و...؛ «فتاوی علمای زیدیه درباره ملاک‌های مسلمانی و شرایط افتا» از قبیل: فتاوی شیخ ابراهیم بن محمد الوزیر، فتاوی شیخ محمد بن محمد بن اسماعیل المنصور، فتاوی شیخ حمود بن عباس بن عبدالله المؤید، فتاوی شیخ احمد بن حمد خلیلی، مفتی کل سلطنت‌نشین عمان و اباضیه جهان که مؤسسه آل‌البیت اردن، پیش از برگزاری کنفرانس بین‌المللی اسلامی و صدور بیانیه پایانی آن، درباره اصول و ضوابط مسلمان بودن و شرایط افتا از برخی از فضلاء بزرگ مذاهب مختلف اسلامی سؤال کرده بود و اساس و مبنای بیانیه امان، پاسخ‌هایی است که رهبران بزرگ مذهبی فرقه‌های اسلامی به پرسش‌ها داده‌اند.

فصل چهارم، با عنوان «پاسخ به کج‌اندیشان» شامل دو بخش زیر است: پاسخ آیت‌الله مکارم شیرازی به فتاوی ۳۸ تن از علمای وهابی مبنی بر تکفیر شیعیان و جواز قتل آنان؛ و متن نامه آیت‌الله تسخیری به جمعی از علما و اندیشمندان جهان اسلام جهت نظرخواهی درباره فتاوی یاد شده و پاسخ علمای جهان اسلام به نامه ایشان و محکوم کرن فتاوی تکفیری عبدالله الجبرین.

فصل پنجم، به پیوسته‌ها اختصاص دارد که شامل متن منشور مکه معظمه دربارهٔ اوضاع جاری عراق و اسامی امضاکنندگان این منشور و نیز بیانیه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم درباره اوضاع جاری عراق و مسایل منطقه و اسامی امضاکنندگان آن است. یادآوری می‌گردد: کتاب حاضر ترجمه فارسی کتاب «التعددية المذهبية في الاسلام و آراء العلماء فيها» به همراه برخی بیانیه‌ها، اسناد و مقالات است.

بررسی و نقد مداخل قرآن، حدیث، رجال و تفسیر در دایرة

### المعارف اسلام

دکتر مژگان سرشار، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۲۱۶ صفحه، رقی.

چون مخاطبان کتاب‌های آسمانی پیامبران انسان بوده است، همواره این کتاب‌ها در کانون توجه انسان قرار داشته و از جنبه‌های مختلف در آنها تحقیق و تفحص شده است. در میان کتاب‌های آسمانی ادیان الهی،

قرآن کریم برتر و متمایز از آنها است و در طول تاریخ اسلام، هم مسلمین و هم غیرمسلمین در آن

به تفحص و دقت و تفکر پرداخته و به حقایق و معارف آن دست یافته‌اند و علوم و رشته‌های مختلفی، از جمله علم حدیث، علم رجال و علم تفسیر، بر پایه قرآن کریم و در منظومه علوم اسلامی پدید آمده است.

در میان پژوهش‌های غربیان درباره اسلام، دایرةالمعارف اسلام جایگاه مهمی داشته و در آن، مداخل متعدد و متنوعی از موضوعات دین اسلام جای داده شده است. این دایرةالمعارف نخستین بار در فاصله سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۹ میلادی منتشر شد و بعدها در محتوای آن تجدیدنظر شده و با ویرایش تازه‌ای عرضه گردید.

به هر روی، از آن‌جا که این دانشنامه را غربی‌ها نوشته‌اند و یا دست‌کم دیدگاه‌های غربی در آن غلبه داشته است، محققان جهان اسلام با مداخل آن برخوردی انتقادی نموده و در صدد بیان کژی‌ها و برداشت‌های نابجا و توصیفات ضعیف و تحلیل‌های یک‌سویه آن برآمده‌اند؛ امر پسندیده‌ای که دست‌کم متضمن دو برکت است؛ یکی آن‌که دیدگاه‌های غربی درباره اسلام را به چالش می‌کشد و از این منظر، ضعف‌ها و کژی‌هایی آن را آشکار می‌کند؛ دیگر آن‌که خود محققان جهان اسلام را با ابعاد این دین مبین و روش‌های تازه در تحلیل و تأمل در جنبه‌های مختلف آن آشنا می‌سازد و باعث بارورتر شدن تحقیقات و پژوهش‌های ایشان می‌شود. کتاب «بررسی و نقد مداخل قرآن، حدیث، رجال و تفسیر در دایرةالمعارف اسلام» گامی است در این جهت.

نویسنده در این کتاب، چهار مدخل مهم از دانشنامه اسلام را به نقد کشیده است. این چهار مدخل عبارت است از: قرآن، حدیث، رجال و تفسیر. در دانشنامه اسلام، مدخل قرآن را آلفورد ولچ و جیمز پیرسن نوشته‌اند و مدخل تفسیر به قلم آندرو ریپین است. مدخل حدیث توسط جیمز رابسن و مدخل رجال نیز توسط خوتیر بنبیل تهیه شده است. مدخل قرآن در میان این چهار مدخل، مهم‌ترین است و بیش از بقیه به آن پرداخته شده و به همین جهت نقد آن نیز مفصل‌تر از سایر مداخل است.

بررسی و نقد مداخل قرآن، حدیث، رجال و تفسیر در دایرةالمعارف اسلام به عنوان نقدی مؤثر و مستدل نسبت به برداشت‌ها، دیدگاه‌ها و روش‌های علمی غربی در بررسی اسلام و عناصر آن، کتابی است بسیار خواندنی و دربردارنده نکات بسیار درباره مباحث پُردامنه دین اسلام؛ مباحثی که همیشه می‌توان آنها را از جهات مختلف بررسی کرد و اطلاعات ارزشمندی از دل آنها به دست آورد که بر عمق و گستره دانش دینی مسلمانان و حتی غیرمسلمانان می‌افزاید و پژوهش‌گران منصف غربی را هم به سمت برداشت‌های دقیق‌تر و صحیح‌تر هدایت می‌کند. این کتاب را معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر کرده و در مقدمه معرفی آن، کلیاتی از سابقه بحث در اختیار خواننده قرار می‌گیرد که در پی‌گیری مباحث مندرج در آن، راه‌گشاست.

### سرگذشت تقریب؛ یک فرهنگ؛ یک امت

علامه محمدتقی قمی با مقدمه و ملحقات استاد سید هادی خسروشاهی، مترجم: محمد مقدس، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۵۶۰ صفحه، وزیری.

این کتاب درباره تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان است که به همت استاد خسروشاهی، محقق و چهره برجسته تقریبی معاصر، گردآوری و تنظیم شده است که به‌رغم فشردگی، گامی است در راستای احیای این طرح راهبردی و هر مقاله آن، اصلی بنیادی در عرصه تحکیم

و تقویت تقریب و بالا بردن میزان وحدت بخش‌های گوناگون مسلمانان با یک‌دیگر است. کتاب «سرگذشت تقریب» از یک پیش‌گفتار مفصل از استاد خسروشاهی درباره تقریب و بنیانگذار آن و شش بخش و پیوست‌هایی مستند، و خواندنی تشکیل شده است. معنای تقریب، ساز و کار تقریب، اهمیت تقریب، تاریخچه تقریب، زندگی‌نامه آیت‌الله قمی، علمای الازهر و نهضت تقریب و سجایای اخلاقی علامه قمی مهم‌ترین موضوعاتی است که در پیش‌گفتار مفصل کتاب طرح شده است.

بخش اول کتاب به مقاله‌های هدفمند آیت‌الله قمی در مجله «رساله الاسلام» (چاپ دارالتقریب در قاهره) اختصاص دارد که در سه قسمت «دین و دنیا: رابطه علم و ایمان»، «حکایت تقریب، تولد و شکل‌گیری» و «فرهنگ تقریب: دیدگاه‌ها و تجربه‌ها» تنظیم شده و هر یک شامل چندین یادداشت و مقاله جداگانه است.

بخش دوم کتاب که «میراث و تقریب، اصالت و تجدد» نام دارد به گرفتاری تجددگرایان برای میراث اسلامی می‌پردازد. «برنامه‌های تقریب؛ گفتمان عقلی نه احساسی»، بخش سوم کتاب را تشکیل می‌دهد.

مقدمه‌های علامه قمی بر چاپ کتاب‌های «مجمع البیان لعلوم القرآن»، «المختصر النافع فی فقه الاسلامیه» و «شرح للمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه» که هر سه از میراث‌های برجسته تفسیری و فقهی شیعه می‌باشد و از سوی دارالتقریب در قاهره منتشر شده است، بخش چهارم کتاب را تشکیل می‌دهد. نامه‌های سرگشاده علامه قمی به وزیر اوقاف و امور الازهر و به جهان اسلام و مصاحبه‌های مطبوعاتی وی با مجله «روز الیوسف» و روزنامه‌های «الاهرام» و «الاکسار» مصر و همچنین پیوست‌های متعدد در مورد تقریب مذاهب اسلامی، از مندرجات سایر بخش‌های کتاب است.

در این کتاب، علاوه بر تبیین اندیشه‌های تقریبی و تأکید بر ضرورت بسط آنها در میان امت واحد - که دارای فرهنگ واحد است - سرگذشت تقریب و هدف از تأسیس دارالتقریب نیز روشن

می‌شود. یادآور می‌گردد این کتاب نخست به زبان عربی با عنوان «قصة التقريب» از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر شده و هم‌اکنون به همت محمد مقدس ترجمه فارسی آن در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب

مجموعه مقالات المؤتمر الدولي لتكريم الامام شرف الدين

(قدس سره) (جلد ۱)

کنگره بین المللی بزرگداشت علامه شرف‌الدین، ناشر: الامانة العامة للمؤتمر، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۳۴۳ صفحه، وزیری، عربی.  
در این نوشتار، مجموعه مقالات ارائه شده در کنگره بین‌المللی تجلیل از شخصیت سید عبدالحسین شرف‌الدین، از شخصیت‌های تقریبی شیعه، گردآوری شده است. در نخستین مقاله، با عنوان «سید

عبدالحسین مردی استثنایی در زمانی سخت»، تألیف حسن محمد نورالدین، به بحث درباره ابعاد تفکرات و روش وی در ایجاد وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی پرداخته شده و تلاش‌های او در این خصوص منعکس گردیده است. در مقاله دوم، با عنوان «سید عبدالحسین شرف‌الدین و نقش سیاسی و اجتماعی وی در لبنان و خاورمیانه» تألیف یوسف طباجه، ابعاد مختلف تفکرات و اقدامات سیاسی و اجتماعی وی و سفرهای تبلیغی و علمی او جهت ایجاد وحدت اسلامی به کشورهایی مانند مصر که کانون فرهنگی جهان اهل سنت می‌باشد و ارتباطات وی با علمای اهل سنت جهت نزدیکی افکار دینی و مذهبی، منعکس گردیده است.

«جبل عامل و تأثیر آن در نشر فرهنگ و علوم اهل بیت (علیهم‌السلام)» تألیف تحسین البدری، عنوان مقاله سوم است که در آن ترویج و رونق علوم اسلامی در این شهر منعکس شده و وجود علمای زیاد از این منطقه و تألیفات علمی آنان، مناظرات ایشان و دفاع آنها از میراث فرهنگی شیعه گزارش شده است. «توجهات تقریب بین مذاهب اسلامی نزد سید عبدالحسین شرف‌الدین»، مقاله بعدی است که در آن دیدگاه‌های ایشان در مورد گفت‌وگوی بین مذاهب اسلامی و راه‌کارهای ارائه شده از طرف وی در مورد وحدت اسلامی و موضع‌گیری علیه جبهه استعمار، رابطه وی با دارالتقریب در کشورهای مختلف، تألیفات وی درباره تقریب و ویژگی‌های تألیفات ایشان در مورد مسایل مربوط به وحدت

اسلامی و تقریب، تأکید وی بر مشترکات بین مذاهب اسلامی و ابتکارات ایشان در این خصوص بیان شده است.

«تقریب و گفت‌وگوی‌های علمی سازنده» تألیف سید محمد سند، عنوان مقاله بعدی است که در آن به بحث در مورد مفاهیم انحرافی در وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، رابطه مسئله تولی و تبری با وحدت و حدیث فرقه ناجیه و توجیه آن در خصوص وحدت اسلامی پرداخته شده است. «خطوط کلی علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین برای ایجاد وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی» مقاله بعدی است که توسط آیت‌الله محمد علی تسخیری نگاشته شده و در آن محورهایی که علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین در ایجاد الفت و وحدت بین شیعه و اهل سنت مد نظر قرار می‌داد، مانند تعیین معیار کفر و ایمان و نجات و هلاکت امت‌ها و بازگرداندن اطمینان به شیعیان و اهل سنت جهت وحدت قلبی آنان با یک‌دیگر، بررسی شده است.

«مقومات گفت‌وگوی نجات‌بخش، تحلیلی از کتاب مراجعات سید عبدالحسین شرف‌الدین» عنوان مقاله بعدی است که مؤلف آن ابتسام الکنانی می‌باشد. در این مقاله ضمن بررسی معنای گفت‌وگوی بین مذاهب اسلامی، مؤلفه‌های مهم گفت‌وگو از دیدگاه سید عبدالحسین شرف‌الدین در کتاب مراجعات ایشان مشخص شده و هدف از گفت‌وگو، حسن ظن متقابل، تلاش برای کشف حقیقت، تحقق اهداف گفت‌وگو، کنار گذاشتن تعصبات مذهبی، تناسب شخصیت‌های طرف گفت‌وگو و تأکید بر مشترکات فکری و مذهبی از شروط و ارکان گفت‌وگوی بین مذاهب اسلامی عنوان شده است.

دیدگاه‌های تربیتی نزد سید عبدالحسین شرف‌الدین، دیدگاه‌های وی در مورد علم درایه و علم رجال، و جنبه‌های ادبی و بلاغی در زندگانی سید عبدالحسین شرف‌الدین از عناوین دیگر مقالات ارائه شده در این مجموعه می‌باشد.

### المسئلة الحضارية كيف نبتر مستقبلنا في عالم متغير؟

زکی المیلا، بیروت، مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی، چاپ اول، ۲۰۰۹م، ۲۴۷ صفحه، رقی.

در نوشتار حاضر به بحث درباره بایسته‌های تمدن اسلامی پرداخته شده و با توجه به مسئله جهانی شدن، آینده تمدن اسلام و رویارویی یا تعامل این تمدن با تمدن غرب بررسی گردیده است. نگارنده ابتدا تصویری از تفکر اسلامی معاصر و مسئله تمدن ارائه کرده و دیدگاه ابن-

خلدون در مورد تمدن بشری و مشکلات پیش روی آن را منعکس نموده و چگونگی رویارویی صحیح با تمدن را از لحاظ فقهی و شرعی بررسی نموده است. آن‌گاه رابطه بین مسئله تمدن با رشد معرفت انسان‌ها را بیان کرده و لازمه تشکیل و رشد تمدن با رشد علم، معرفت، اقتصاد، سیاست مسایل اجتماعی و اخلاقی و دینی را گوشزد نموده است. وی در این مورد دیدگاه برخی از متفکران اسلامی و غربی را مطرح کرده و لازمه تشکیل و رشد و بالندگی یک تمدن را از دیدگاه آنان جویا شده است. در فصل دوم کتاب، نویسنده با توجه به رشد و تحولات گسترده صورت گرفته در عرصه-های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی، به تحلیل تحولات شگرف صورت گرفته در جهان در عصر مدرنیسم پرداخته و بر لزوم تغییر انسان‌ها و فکر و منش اجتماعی و فرهنگی آنها در عصر کنونی تأکید کرده است.

در فصل سوم، وی تحلیلی از مسئله جهانی شدن ارائه کرده و چگونگی فهم و هضم جهانی شدن، رابطه هویت انسانی و فرهنگی و تمدنی یک جامعه با مسئله جهانی سازی، تهدید یا فرصت بودن جهانی سازی برای جوامع مسلمان، نوع تفکرات اسلامی اندیشمندان عرب با مسئله جهانی شدن، حقایق جهان عرب و نوع برخورد اندیشمندان عرب، مسئله جهانی شدن و حقایق غیر قابل انکار جهانی شدن و تأثیرات شگرف این پدیده بر فکر، فرهنگ و تمدن اسلامی را تجزیه و تحلیل نموده است.

در فصل چهارم، آسیب‌هایی که مسئله جنگ سرد به تمدن‌های بشری وارد نموده، بررسی شده و به خطراتی که تمدن بشری امروز را از لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تهدید می‌کند اشاره شده است.

در فصل پنجم، نویسنده به مسئله گفت‌وگوی تمدن‌ها و بایسته‌های آن اشاره کرده و نظریه برخورد تمدن‌ها را که شخصی به نام ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرده و در جهان غرب به ویژه در آمریکا طرفداران زیادی دارد، مورد نقد و ارزیابی قرار داده و دیدگاه طرفداران نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها و شرایط گفت‌وگو، مانند دیدگاه روزه گارودی را تحلیل می‌نماید.

در فصل ششم، نویسنده بر ضرورت شناخت تمدن‌ها از یک‌دیگر و تعامل آنها با هم تأکید کرده و لازمه گفت‌وگوی تمدن‌ها را شناخت آنها از یک‌دیگر دانسته و چشم‌انداز گفت‌وگو و تعامل تمدن‌های اسلام و غرب را ترسیم نموده است. ضرورت تغییر و تحول در افکار اسلامی اندیشمندان مسلمان و فراز و نشیب‌های این افکار، راه‌کارهای رسیدن به یک تمدن مشروع اسلامی، چشم‌انداز تغییرات و تحولات سریع در جهان و چگونگی روبه‌رو شدن جوامع اسلامی با آنها و تحلیل ماهیت و چیستی تمدن، از مباحث پایانی این نوشتار می‌باشد.

وحدت و هم‌بستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم

محمودی، محمدهادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، استاد راهنما: عباس نقیئی، استاد مشاور: کامران ایزدی مبارکه، ۱۳۸۰.

هدف از این تحقیق، بررسی وحدت و هم‌بستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم می‌باشد که در این خصوص سؤالات زیر مطرح می‌شود و نویسنده در صدد پاسخ‌گویی به آن برمی‌آید: ۱- واژگان هم‌ارز و غیرهم‌ارز وحدت و هم‌بستگی اجتماعی در قرآن چیست؛ ۲- عوامل ایجاد و

تقویت و هم‌بستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست؛ ۳- آفات تحقق وحدت و هم‌بستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست. بر اساس این، فرضیات زیر مطرح گردیده و وی به بررسی آنها می‌پردازد:

۱- واژگان هم‌ارز وحدت در قرآن و واژگان غیرهم‌ارز با وحدت نیز متعدد می‌باشد؛ ۲- با مراجعه به قرآن چنین استفاده می‌شود که عوامل مؤثر بر وحدت و هم‌بستگی اجتماعی عبارت است از: عوامل اعتقادی، عوامل اخلاقی، عوامل اجتماعی و عوامل عبادی؛ ۳- با مراجعه به قرآن، آفات وحدت و هم‌بستگی اجتماعی در سه بعد اعتقادی، اخلاقی و روان‌شناختی و بعد اجتماعی قابل بررسی می‌باشد.

روش این پایان‌نامه، تحلیلی - توصیفی می‌باشد و از سه فصل و یک مقدمه تشکیل شده است که در فصل اول، واژگان هم‌ارز و غیرهم‌ارز با وحدت؛ در فصل دوم، عوامل ایجاد و تقویت وحدت و هم‌بستگی اجتماعی و در فصل سوم، آفات تحقق وحدت و هم‌بستگی اجتماعی بررسی گردیده است. بر اساس یافته تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که این پایان‌نامه اصل وحدت و راه‌های عملی قرآن برای دستیابی به وحدت و عوامل و موانع وحدت اجتماعی را بررسی نموده است.

مناسبات مهاجرین و انصار در عصر نبوی صلی الله علیه و آله و سلم (همدلی و رقابت‌ها)

حسینیان مقدم، حسین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۲۰۸ صفحه.

کتاب حاضر که به عنوان منبع درسی دانشجویان رشته‌های تاریخ اسلام و تاریخ تمدن اسلامی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به

نگارش درآمده است، تحلیلی است از عملکرد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره ایجاد وفاق و هم‌دلی بین مهاجرین و انصار در ابتدای هجرت، که در طی آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رقابت‌های منفی میان آنان (که در تعصبات قومی و جاهلی ریشه داشته است) را به رقابت مثبت و سازنده تبدیل کرده است. نگارنده، نخست از لحاظ تاریخی، پیشینه‌های از روابط مهاجرین و انصار و آشنایی قدیمی آنان با یک‌دیگر ارائه کرده و انواع روابط اقتصادی، تجاری، سیاسی، نظامی و خانوادگی و نیز پیوندهای اجتماعی آنان را بررسی نموده است. سپس به تبارشناسی مهاجرین و انصار و نسبت آنان پرداخته و مناسبات عدنانی و قحطانی آنان را بررسی کرده است. نویسنده سعی دارد با رویکردی جدید به بازخوانی سیره نبوی از منظر روابط گروه‌های فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در عصر نبوی بپردازد و تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را برای ایجاد یک حکومت اسلامی مطلوب به تصویر بکشد. وی در ادامه، راه کارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آموزش‌های آن حضرت را برای ایجاد بستری مناسب جهت تشکیل جامعه‌ای همدل، پویا و با اهدافی والا منعکس نموده است. وی معتقد است پیامبر اسلام با تدبیر، اخلاق و تربیت اسلامی، بین مهاجرین و انصار رابطه‌ای عاطفی ایجاد کرد به طوری که اصحاب آن حضرت از هیچ نوع ایثاری نسبت به هم دریغ نمی‌کردند. اما به مرور زمان و با پیدایش عواملی همچون: تغییر ترکیب جمعیتی شهر مدینه به نفع گروه مهاجر، افزایش اقتدار سیاسی مهاجران در مدینه، تلاش انصار در مبارزه با قریش در مکه، بینش‌ها و منش‌های متفاوت گروه‌ها و همچنین تشدید اختلاف بین آنان بر اثر شیطنت منافقین و یهودیان، به تدریج رقابت‌هایی بین مهاجرین و انصار ایجاد شد که می‌توانست موجب تحول در روابط آنان شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با طبیعی شمردن رقابت‌های میان مهاجرین و انصار، تنها در صورتی در امور داخلی این دو رقیب دخالت می‌نمود، که برخوردهای خشونت‌آمیز آنان کیان جامعه اسلامی در آن روز را تهدید می‌کرد. آن حضرت با تکیه بر مفاهیم و ارزش‌های والای انسانی، دینی و اخلاقی، اجتماع‌پذیری یاران، رویکرد فراقبیله‌ای و ارتقای توان تحمل مخالف، رقابت‌های میان مهاجرین و انصار را مدیریت و هدایت می‌کرد و از این رقابت‌ها برای پیشبرد اهداف جامعه اسلامی استفاده می‌نمود.

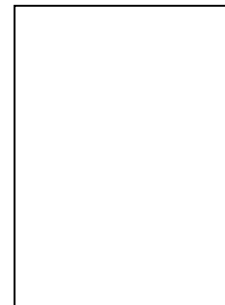
نگارنده به نمونه‌هایی از تدابیر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کنترل و مدیریت رقابت مهاجرین و انصار اشاره نموده و راه کارهای آن حضرت جهت تحکیم روابط اجتماعی بین مسلمانان با تأسیس مسجد، جمعه و جماعت، ایجاد پیمان برادری، التزام به اصول اخلاقی، خانواده و خویشاوندی، تغییر نام افراد، اسکان مهاجران و حل مشکلات اقتصادی آنان، ازدواج میان مهاجرین و انصار و ایجاد رابطه‌های عاطفی میان آنان را ترسیم نموده است. وی همچنین تلاش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای بین بردن تعصبات قومی و قبیله‌ای و خنثی کردن توطئه‌های منافقان برای ایجاد اختلاف را بیان کرده است.

### امت واحده در قرآن

کریم ملک‌زاده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه دین و فلسفه، استاد راهنما: عبدالوهاب شاهرودی، استاد مشاور: رسول رسولی‌پور، ۱۳۸۳، ۱۰۹ صفحه.

نویسنده در فصل اول در صدد بیان این مطلب است که قرآن کریم، همه غیرمسلمانان را دشمن خدا و اهل جهنم معرفی نمی‌کند و با القای چنین مطلبی مسلمانان را از دوستی و وحدت با آنها برحذر

نمی‌دارد. در فصل دوم توضیح داده است که قرآن کریم، به صراحت وحدت سیاسی - اجتماعی مسلمانان با غیرمسلمانان را تجویز می‌کند و فقط از دوستی با کسانی نهی می‌کند که علیه مسلمانان وارد جنگ می‌شوند و دین مسلمانان را به تمسخر می‌گیرند. قرآن کریم، وحدت مسلمانان با غیرمسلمانان را به برتری حقوق مسلمانان مشروط نکرده و در هیچ آیه‌ای سلب حقوق غیرمسلمانان را روا ندانسته است. ما در قرآن غیر از تحریم ورود مشرکان (بت پرستان نه اهل کتاب) به مسجدالحرام (نه مسجدهای دیگر) و تحریم ازدواج با آنها، دستور دیگری در مورد محدود شدن دامنه وحدت مسلمانان با غیرمسلمانان نمی‌بینیم. در فصل سوم به بررسی عوامل وحدت و تفرقه پرداخته و توضیح داده است که قرآن کریم، عوامل مهمی را که در وحدت مسلمانان با غیرمسلمانان و حتی در وحدت بین خود مسلمانان دخالت دارد، نفی نکرده است بلکه هر عاملی که در راستای احیای عدالت باشد، مورد تشویق قرآن قرار خواهد گرفت. در فصل چهارم به جمع‌بندی نهایی این سه فصل پرداخته است.



### نمایه مجله از شماره ۱ تا شماره ۲۴

#### شماره ۱

- مقالات اندیشه‌ای / غرب و خیزش اسلامی؛ نگاهی ویژه به کتاب: آینده اسلام و غرب / محمدعلی تسخیری، ص ۷  
 / اتحادیه‌ی امت اسلامی (طرحی در پی آمد و ساختار جهان‌شمولی اسلام) / پروفیسور حمید مولانا، ص ۳۳  
 / آثار حقوقی ساخت دیوار حایل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین / دکتر ناصر قربان‌نیا، ص ۴۵  
 / گفت و گوی تمدن‌ها؛ چیست؟ چرا؟! چگونه؟ / محسن اراکی، ص ۷۱  
 / وضعیت انسان مسلمان در جهان معاصر (بررسی وضعیت مسلمانان در مقایسه با پیروان سایر ادیان) / دکترمهدی محسنیان راد، ص ۷۹  
 پیشگامان تقرب / علامه شرف‌الدین عاملی؛ وحدت‌گرای مبارز / دکتر مرضیه بهبهانی، ص ۹۹  
 / رشیدرضا؛ اصلاحگر وحدت‌طلب / علی علیمحمدی، ص ۱۰۹  
 سرزمین‌های جهان اسلام / چند و چون عقب‌نشینی مسلمانان از اسپانیا / دکتر عبدالله همتی‌گلیان، ص ۱۱۷  
 ادبیات جهان اسلام / سعدی، از منظر فکر و فرهنگ / دکتر مهناز جعفریه، ص ۱۳۹  
 گزارش از یک کتاب / اسلام در اوراسیا (بررسی اعتقادی جمهوری‌های آسیای میانه) / ابراهیم حاج عبدی، ص ۱۵۳

#### شماره ۲

- مقالات اندیشه‌ای / ایده‌هایی درباره استراتژی تقرب / محمدعلی تسخیری، ص ۹  
 / روند تقرب مذاهب اسلامی در سرزمین شام / وهبه مصطفی الزحیلی، ص ۲۷  
 / طرح تقرب و مشکلات آگاهی دینی (قرآنتی در منطق تقرب و گونه‌های فرهنگ دینی) / حیدر حب الله، ص ۳۹  
 / تأملی در ناهمسازگری‌ها و پیشینه تلاش‌های همسازگرایانه در جهان اسلام / محمدحسین امیراردوش، ص ۷۵  
 / مذاهب فقهی جهان اسلام در رویارویی با چالش فقر / محمد اسماعیل توسلی، ص ۹۱  
 پیشگامان تقرب / الف) شیخ محمدحسین بن علی آل کاشف الغطاء، ص ۱۲۳  
 / ب) شیخ محمدعبده، پرچمدار اصلاح، ص ۱۳۵  
 سرزمین‌های جهان اسلام / اسلام در اندونزی / عبدالمجید ناصری داوودی، ص ۱۵۰  
 نقد و نظر / معرفی کتاب «اسلام در دنیای در حال جهانی شدن»، ص ۱۶۲

### شماره ۳

- مقالات اندیشه‌ای / ابعاد تمدنی میانه روی اسلامی / محمدعلی تسخیری، ص ۱۰  
 / اجتهاد فقهی و تاثیر آن در تقریب مذاهب اسلامی / دکتر عبد الستار الهیتی/ص ۲۱  
 / رسالت مجمع تقریب و افق‌های آن / دکتر شیخ احسان بعدرانی، ص ۵۲  
 / شریعت صلح و رحمت/سید مصطفی میرمحمدی، ص ۶۳  
 / طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان زمینه‌ها، چیرستی و پیامدها / مرتضی شیروودی، ص ۸۳  
 پیشگامان تقریب / الف) شیخ محمدجواد مغنیه فقهی نوگرا، ص ۱۰۹  
 / ب) شیخ محمدغزالی، پرچمدار اصلاح، ص ۱۲۱.  
 سرزمین‌های جهان اسلام / اسلام در مالزی / عبدالمجید ناصری داوودی، ص ۱۳۶  
 نقد و نظر / معرفی کتاب «تدارک جنگ بزرگ» / مرتضی شیروودی، ص ۱۵۰

### شماره ۴

- مقالات اندیشه‌ای / بحثی در ابتدای ماه‌های قمری / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۰  
 / از سرگیری جنبش تمدن و تقریب / دکتر محمدعلی آذرشب، ص ۱۹  
 / زمینه‌های طرح مسأله وحدت اسلامی در ایران قاجاری و امپراتوری عثمانی / محمدحسین امیرآردوش، ص ۳۵  
 / توحید در مذاهب کلامی / عزالدین رضائزاد، ص ۴۸  
 / از ترداد به مثابه امری اجتماعی نه مقوله فکری / علی محمدیان کهریا، ص ۶۶  
 / تعامل امام علی علیه السلام با خلفا در جهت وحدت اسلامی / اسماعیل دانش، ص ۸۸  
 پیشگامان تقریب / ا. شیخ محمدرضا مظفر «اصلاح‌گر حوزه‌ها» / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۱۷  
 / ب. شهید سید قطب «شاهد بیدار»، ص ۱۳۰  
 سرزمین‌های جهان اسلام / اتیوپی از نخستین بایگانه اسلام تا جایگاه فعلی مسلمانان / ع - امیردهی، ص ۱۴۸  
 گزارشی از یک کتاب / معرفی و نقد کتاب پایان دموکراسی / مرتضی شیروودی، ص ۱۶۸

### شماره ۵

- مقالات اندیشه‌ای / تجدید در اندیشه اسلامی و انعطاف‌پذیری در شرع / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۰  
 / نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان / سید مهدی بزرگی، ص ۲۶  
 / آثار حقوقی واگذاری عضو انسان مرده یا مبتلا به مرگ مغزی / میر سجاد هاشمی، ص ۵۰  
 / مسائل عرفانی حج / عبدالملی باقری، ص ۷۲  
 / همزیستی مذهبی / دکتر محمد علی خالیدیان، ص ۸۲  
 پیشگامان تقریب / ا. آیت‌الله بروجردی: آیت اخلاص / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۰۱  
 / ب. شیخ محمود شلتوت: آیت شجاعت، ص ۱۱۹  
 سرزمین‌های جهان اسلام / آلبانی یگانه کشور مسلمان اروپایی / ع. ر - امیردهی، ص ۱۴۲  
 گزارشی از یک کتاب / معرفی و نقد کتاب نتایج انقلاب اسلامی / مرتضی شیروودی، ص ۱۶۶

### شماره ۶

- مقالات اندیشه‌ای / نمودهای تعادل در قانون اساسی ایران / آیت الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱  
 / ایران و مصر در راه تقریب / حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی، ص ۳۱  
 / قاعده اصلح از دیدگاه متکلمان اسلام / مهدی نکویی سامانی، ص ۴۷  
 / درآمدی بر شناخت موسیقی قرآن / اکرم دیانی، ص ۶۵  
 / مؤلفه‌ها و مقوم‌های نظریه وحدت اسلامی در سده سیزدهم هجری / دکتر محمد حسین امیر اردوش، ص ۸۱  
 پیشگامان تقریب / شهید سید محمدباقر صدر / رحیم ابوالحسینی، ص ۹۹  
 / حسن بن احمد بن عبدالرحمن البنا / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۱۵  
 سرزمین‌های جهان اسلام / جمهوری ترکیه / ع. ر - امیردهی، ص ۱۳۳  
 گزارشی از یک کتاب / معرفی و نقد کتاب «الفرقان الحق» / عزالدین رضائزاد، ص ۱۶۳

### شماره ۷

- مقالات اندیشه‌ای / مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی / آیت الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱  
 / استراتژی تقریب / دکتر محمد رضا رضوان طلب، ص ۲۵  
 / نگاهی به جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در رشته تاریخ وپوی آمدهای آن / سید منذر حکیم، ص ۴۵  
 مقالات اندیشه‌ای / الگوهای اعتمادساز در روابط بین‌المللی با تأکید بر کشورهای اسلامی خلیج فارس / مرتضی شیروودی، ص ۵۷  
 / نقش عالمان دین در ایجاد همبستگی پیروان مذاهب اسلامی / محمد حسین فصیحی، ص ۷۷  
 / سید محسن بن عبدالکریم امین عاملی شقراوی (بلندای استقامت) / رحیم ابوالحسینی، ص ۹۵  
 / عبدالمجید سلیم (مرزبان شریعت)، ص ۱۱۳  
 سرزمین‌های جهان اسلام / سودان پهناورترین کشور جهان اسلام / ع. ر - امیردهی، ص ۱۴۵  
 گزارشی از یک کتاب / معرفی دو میراث مکتوب غربیان در نقد دموکراسی، ص ۱۷۱

### شماره ۸

- مقالات اندیشه‌ای / گفتاری پیرامون «وحدت اسلامی» و «تقریب مذاهب» / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۳  
 / حقوق و تکالیف مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی / دکتر وهبه مصطفی الزحیلی، ص ۲۵  
 / جهانی شدن، جهان اسلام و سیاست‌های جهانی / حسام الدین واعظ، ص ۴۹  
 / از مواخات تا تکفیر! بیان معیارهای مسلمان بودن و مرز کفر؛ زمینه‌سازاخوت اسلامی /سید محمدمهدی افضلی، ص ۶۹  
 / حماس: گذشته، حال و آینده / مرتضی شیروودی، ص ۸۳  
 پیشگامان تقریب / شیخ عبدالکریم بن محمدرضا زنجانی (شکوه بیداری) / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۱۳  
 / شهید دکتر فتحی شقاقی (مبارزی وحدت‌طلب) / عزالدین رضائزاد، ص ۱۲۹  
 سرزمین‌های جهان اسلام / سومالی سرزمین قبیله‌ها / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۹  
 گزارشی از یک کتاب / جهانی شدن، جهان سوم، جهان اسلام و فعال گرای مذهبی / مرتضی شیروودی، ص ۱۶۱

### شماره ۹

- مقالات اندیشه‌ای / اقلیت‌های اسلامی؛ پای‌بندی به اصول یا عمل به مقتضیات شهروندی / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۳  
 / مهاجرت؛ فرصت‌ها و چالش‌ها / دکتر محمد علی آذرشب، ص ۳۷  
 / حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها با تکیه بر حقوق اقلیت‌های مسلمان / سید مصطفی میرمحمدی، ص ۵۵  
 / اقلیت‌های اسلامی و چالش‌های فرهنگی / دکتر عبدالستار ابراهیم الهیتی، ص ۷۷  
 / تسامح و تساهل در آموزه‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و تفاوت‌های آن با تسامح‌وتساهل در لیبرالیسم/عباس نیکزاد، ص ۹۳  
 پیشگامان تقریب / ۱- سید هبه الدین شهرستانی  
 / ۲- شیخ محمد عرفه، ص ۱۲۵  
 سرزمین‌های جهان اسلام / تونس / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۵  
 گزارشی از یک کتاب / نقد و بررسی کتاب احساس محاصره / مرتضی شیروودی، ص ۱۵۵

### شماره ۱۰

- مقالات اندیشه‌ای / اسلام و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۹  
 / جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی / علی محمدی آشنانی، ص ۱۹  
 / امام ابو حنیفه و روایت حدیث / عبدالصمد مرتضوی، ص ۴۱  
 / هم‌گرایی و بحران‌های وحدت آفرین در روابط متقابل کشورهای حوزه خلیج فارس / مرتضی شیروودی، ص ۵۳  
 / فرهنگ صلح و همزیستی / بسام الصباغ، ص ۸۱  
 پیشگامان تقریب / سید محمدتقی حکیم، محقق و پژوهشگری تقریب‌گرا / عزالدین رضائزاد، ص ۱۰۳  
 سرزمین‌های جهان اسلام / مصر از هرم تا حرم (۱) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۱۱  
 گزارشی از یک کتاب / تلخیص و نقد کتاب تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی / مرتضی شیروودی، ص ۱۳۹



**شماره ۱۱**

مقالات اندیشه‌ای / پدیده عاطفی انسانی در رفتار و کردار پیامبر اکرم ﷺ / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۱  
 / آیین نبوی ﷺ در ریشه کنی فتنه‌ها / دکتر اسعد السحمرانی، ص ۳۱  
 / ویژگی‌های پیامبر اعظم ﷺ و اخلاق انسانی آن حضرت / سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۴۱  
 / وحدت گزایی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام / مهدی نکویی سامانی، ص ۵۷  
 / تبرک جستن و شفاعت به نبی مکرم اسلام ﷺ / محمد علی خیراللهی، ص ۸۳  
 پیشگامان تقریب / علامه حلی یوسف بن مطهر (آفتاب حله) / رحیم ابوالحسنی، ص ۹۵  
 / شیخ محمد مصطفی مراغی، جوان ترین مفتی تقریبی الازهر / عزالدین رضائزاد، ص ۱۱۳  
 سرزمین‌های جهان اسلام / مصر از هرم فرعون‌ی تا حرم اسلامی (۲) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۲۱  
 گزارشی از یک کتاب / گزارشی از کتاب «شرف‌النبی و معجزاته» / عباس برومند اعلم، ص ۱۴۵

**شماره ۱۲**

مقالات اندیشه‌ای / طرح وحدت اسلامی / آیت‌الله محمدمهدی آصفی، ص ۱۳  
 / ارزش‌ها و منافع، پایه روابط میان مسیحیان و مسلمانان / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۳۳  
 / ویژگی‌های پدیده تکثیر و موضع سنت نبوی ﷺ نسبت به آن / احمد مبلغی، ص ۳۹  
 / رویارویی انقلاب اسلامی با نظریه مسیحیت صهیونیستی / مرتضی شیروودی، ص ۴۹  
 / حدیث ثقلین، حدیثی صحیح و متواتر / دادکریم رسولی، ص ۸۵  
 پیشگامان تقریب / عبدالرحمن کواکبی، عالمی اصلاح‌گر و استبداد ستیز / عزالدین رضائزاد، ص ۱۰۹  
 سرزمین‌های جهان اسلام / جمهوری اسلامی پاکستان (۱) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۱۷  
 گزارشی از یک کتاب / بررسی و نقد کتاب علم و دین از تعارض تا گفت‌وگو / مرتضی شیروودی، ص ۱۳۳

**شماره ۱۳**

مقالات اندیشه‌ای / بررسی برخی از رفتارهای منفی حرکت‌های اسلامی / محمد علی تسخیری، ص ۱۱  
 / راه کارهای تحقق انسجام اسلامی از منظر قرآن و روایات / محمد عرفانی، ص ۲۱  
 / جهان اسلام و ریشه‌های بحران / عبد الخالق قاسمی، ص ۴۷  
 / اقلیت‌های اسلامی در غرب؛ واقعیت‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازها «نمونه اروپا» / دکتر محمد بشاری، ص ۷۱  
 / گفتنمان اجماع و تقریب بین مذاهب اسلامی / دکتر خالد زهری، ص ۱۰۱  
 پیشگامان تقریب / عباس محمود عقاد؛ شاعر، ادیب و نویسنده اصلاح‌گر مصری / عزالدین رضائزاد، ص ۱۲۳  
 سرزمین‌های جهان اسلام / جمهوری اسلامی پاکستان (۲) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۳  
 گزارشی از یک کتاب / چپستی علم مقدس / مرتضی شیروودی، ص ۱۵۱

**شماره ۱۴**

مقالات اندیشه‌ای / گفتارهایی درباره «تقریب مذاهب» / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۹  
 / تحلیل برنامه عمل ده ساله سازمان کنفرانس اسلامی در رویارویی با چالش‌های امت اسلامی در قرن ۲۱ / سید مصطفی میرمحمدی، ص ۴۱  
 / نقش دولت‌های اسلامی در اتحاد مسلمانان / امان‌الله شفاپی، ص ۵۹  
 / غرب مسیحی، جهان اسلام و نبرد آخرالزمان / مرتضی شیروودی، ص ۸۳  
 / مواضع شیخ محمود شلتوت در قیام پانزده خرداد / حسن شمس آبادی، ص ۱۱۳  
 پیشگامان تقریب / ابن نجار شافعی بغدادی، مسلمانی بیدار / رحیم ابوالحسینی، ص ۱۲۹  
 سرزمین‌های جهان اسلام / جمهوری آذربایجان از آتش تا تسلیم / علاءالدین ملک اف، ص ۱۳۹  
 گزارشی از یک کتاب / جامی، شواهد النبوة و هم سخنی بین مذاهب اسلامی / حسین سرمد محمدی، ص ۱۶۳

**شماره ۱۵**

مقالات اندیشه‌ای / تنوع مذهبی: عامل هم‌گرایی / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۹  
 / تئوری‌های ده‌گانه / دکتر یورگن تودن هوفر، ص ۲۹  
 / نگرشی تطبیقی به تقریب مذاهب و ناسیونالیسم / قربانعلی هادی، ص ۵۷  
 / جایگاه وحدت، در سیاست خارجی دولت اسلامی / ضامن علی حبیبی، ص ۸۷  
 / نقش مشترکات کلامی شیعه و اهل سنت، در تقریب مذاهب اسلامی / اسماعیل دانش، ص ۱۰۹  
 پیشگامان تقریب / شیخ سعید نورسی، اصلاح‌گری عارف و قرآن‌پژوهی قابل / ع. ر. امیردهی، ص ۱۳۵  
 سرزمین‌های جهان اسلام / بوسنی و هرزگوین (تهنیدها و فرصت‌ها) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۴۹  
 گزارشی از یک کتاب / گزارش کتاب «جامعه مسلمانان مسکو از قرن چهاردهم تا قرن بیستم» / حسین سرمد محمدی، ص ۱۶۳

**شماره ۱۶**

مقالات اندیشه‌ای / گام‌های مطلوب برای تحقق امنیت اجتماعی در جهان اسلام / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۱  
 / راه کارهای تقویت اتحاد در میان مذاهب اسلامی / سید رحمت اله دانش میر کهن، ص ۲۱  
 / بررسی مقایسه‌ای اندازه هم‌پوشانی روایات شیعه و سنی، با رویکرد تقریب بین مذاهب / سید جواد مؤمنی، ص ۳۳

جایگاه اسلام در نظام آینده جهانی / مرتضی شیروودی، ص ۵۵  
 / اتحاد جهان اسلام (در دوره صفویه و افشاریه) / ابوالفضل عابدینی، ص ۹۷  
 پیشگامان تقریب / علامه شیخ محمد تقی قمی؛ همزیست دار التقریب / ع. ر. امیردهی، ص ۱۱۱  
 سرزمین‌های جهان اسلام / بوسنی و هرزگوین (۲) (تحولات سیاسی قرن هفدهم - بیستم) / ع. ر. امیردهی، ص ۱۲۳  
 گزارشی از یک کتاب / گزارش کتاب «تغییرات اجتماعی و توسعه» / مرتضی شیروودی، ص ۱۴۱

**شماره ۱۷**

مقالات اندیشه‌ای / وضعیت زن مسلمان و نقش وی در اجتماع / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۵  
 / مروری بر اندیشه «اقبال لاهوری و اتحاد جهان اسلام» / امیر شیرزاد، ص ۳۳  
 / انجیل درباره محمد چه می‌گوید (شیخ احمد دیدات) / مترجم: علی حسن‌نیا، ص ۵۵  
 / محورهای تقریب مذاهب اسلامی / محمداطاهر اقبالی، ص ۷۵  
 / امام موسی صدر و وحدت اسلامی / محمد جواد اخگری، ص ۹۳  
 پیشگامان تقریب / میرزای شیرازی مبارزی وحدت‌گرا / ع. ر. امیردهی، ص ۱۱۱  
 سرزمین‌های جهان اسلام / بوسنی و هرزگوین در سده بیستم (۳) / عزالدین رضائزاد، ص ۱۲۱  
 گزارشی از یک کتاب / زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن / مرتضی شیروودی، ص ۱۴۹

نمایه مجله از شماره ۱ تا شماره ۱۶، ص ۲۰۴

**شماره ۱۸**

مقالات اندیشه‌ای / فقه «مقاصدی» و حجیت آن (با نگاهی به: شیوه شهید صدر) / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱  
 / شیوه تعامل با غیرمنصوص در شریعت اسلامی از نگاه فریقین / تحسین بدری، ص ۴۵  
 / استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی \* / مصیب ایرانی، ص ۶۹  
 / سیره فقهی امام علی علیه‌السلام از منظر اهل سنت / محمد علی خیراللهی، ص ۸۳  
 / جهنمی از نفوذ و سلطه (مصادق‌ها و ابزارهای سلطه گری صهیونیستی) / مرتضی شیروودی، ص ۹۱  
 پیشگامان تقریب / آیت‌الله شهید مطهری؛ اندیشمندی وحدت‌گرا و تفرقه‌ستیز / عزالدین رضائزاد، ص ۱۱۵  
 سرزمین‌های جهان اسلام / الجزایر؛ سرزمین یک میلیون شهید / ع. رامیردهی، ص ۱۳۵  
 گزارشی از یک کتاب / نقد و بررسی کتاب «موانع توسعه سیاسی در ایران» حسین بشیریه / م. طویلی‌زاده، ص ۱۶۵

**شماره ۱۹**

- مقالات اندیشه‌ای / چالش‌های فراوری «تقریب» / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
- \_\_\_\_\_ / مبانی فقهی مقاومت مسلحانه / آیت الله محمد مهدی آصفی، ص ۲۱
- \_\_\_\_\_ / برنامه‌ای برای پیاده‌کردن «حقوق بشر» / توفیق علی وهبه، ص ۳۳
- \_\_\_\_\_ / حزب‌الله لبنان و هم‌گرایی اسلامی (دیدگاه‌ها، اهداف و تأثیرات) / امان‌الله شفاپی، ص ۶۹
- \_\_\_\_\_ / چگونگی شکل‌گیری و پیدایش صهیونیسم / م.ع. ۸۹
- \_\_\_\_\_ / پیشگامان تقریب / آیت‌الله طالقانی مجاهدی نستوه و تجسمی از وحدت و هم‌دلی / عزالدین رضائزاد، ص ۱۰۳
- \_\_\_\_\_ / سرزمین‌های جهان اسلام / مراکش (۱) (نظام سلطنتی - دینی) / ع.ر. امیردهی، ص ۱۱۷
- \_\_\_\_\_ / گزارشی از یک کتاب / نقد و بررسی کتاب «تاریخ و عوامل غرب‌گرایی در کشورهای اسلامی / مرتضی شیرودی، ص ۱۳۹

**شماره ۲۰**

- مقالات اندیشه‌ای / اقلیت‌های مسلمان در آفریقا؛ وضع موجود - پیشنهادها / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۹
- \_\_\_\_\_ / چالش‌های وحدت و راهبرد رویارویی کنکاشی در تشخیص موانع وحدت و «تقریب» و راه‌های بر طرف ساختن آنها / دکتر محمد عبود، ص ۱۹
- \_\_\_\_\_ / عدل‌گستری و سترمیستی در قرآن کریم / سید منذر حکیم، ص ۳۱
- \_\_\_\_\_ / آزماگدون و مسیحیت صهیونیستی / حسین سیاح، ص ۵۵
- \_\_\_\_\_ / بررسی روایات و آرای بزرگان شیعه و اهل سنت دربارهٔ شفاعت / علی اشرف کرمی، ص ۹۱
- \_\_\_\_\_ / اندیشه تقریب و امنیت جهان اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ع) / حکیمه عزیزاللهی، ص ۱۰۹
- \_\_\_\_\_ / پیشگامان تقریب / شیخ محمد بخت مطیعی؛ عالم و نویسنده‌ای تقریبی / ع.ر. امیردهی، ص ۱۲۷.
- \_\_\_\_\_ / سرزمین‌های جهان اسلام / مراکش (۲) (نظام سلطنتی - دینی) / عزالدین رضائزاد، ص ۱۳۷.
- \_\_\_\_\_ / گزارشی از یک کتاب / نقد و بررسی کتاب «دیباجای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی» / مرتضی شیرودی، ص ۱۵۷.

**شماره ۲۱**

- مقالات اندیشه‌ای / مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی‌سازی / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
- \_\_\_\_\_ / پرورش جامعه اسلامی بر فرهنگ نیرومندی، مقاومت و عزت / دکتر احمد عبدالرحیم الساجح، ص ۲۳
- \_\_\_\_\_ / مفهوم انحطاط در اندیشه سیاسی برخی از اندیشمندان مسلمان / مرتضی شیرودی، ص ۴۳
- \_\_\_\_\_ / نگرش تطبیقی به وحدت اسلامی و ملی‌گرایی / قربانعلی هادی، ص ۶۹
- \_\_\_\_\_ / تأسیس حکومت عادل‌شاهیان در دکن و سیاست‌های مذهبی یوسف عادل‌شاه / محمود صادقی علوی، ص ۹۱
- \_\_\_\_\_ / پیشگامان تقریب / گذری بر زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی / علی اصغر احمدی، ص ۱۰۳
- \_\_\_\_\_ / سرزمین‌های جهان اسلام / یمن (۱) از تمدن کهن تا صنعاعدن / ع.ر. امیردهی، ص ۱۱۷
- \_\_\_\_\_ / گزارشی از یک کتاب / گزارش و نقدی بر کتاب «تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران» / م.طوبی‌زاده، ص ۱۲۹

**شماره ۲۲**

- مقالات اندیشه‌ای / دو وضع متناقض: «مذهب‌گرایی» و «فرقه‌گرایی»؛ نمودهای آنها و علل انحراف / آیت الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
- \_\_\_\_\_ / امام ابوحنیفه در اندیشه و رفتار / سید جلال میر آقایی، ص ۲۹
- \_\_\_\_\_ / بررسی تطبیقی نظریات علامه طباطبایی و طبری پیرامون روایات مشترک در تفاسیرشان / علی‌اشرف کرمی، ص ۳۹
- \_\_\_\_\_ / هم‌گرایی اسلامی در اندیشه و عمل شهید نواب صفوی / امان‌الله شفاپی، ص ۵۷
- \_\_\_\_\_ / توسل از نظر اهل سنت / محمد ابراهیم اخلاقی، ص ۷۳
- \_\_\_\_\_ / پیشگامان تقریب / امام خمینی، فقیه و عالمی تقریبی / علی اشرف کرمی، ص ۸۹
- \_\_\_\_\_ / سرزمین‌های جهان اسلام / یمن (۲) از تمدن کهن تا صنعا و عدن / ع.ر. امیردهی، ص ۱۰۵
- \_\_\_\_\_ / گزارشی از یک کتاب / تلخیص و نقد کتاب: روشن‌فکران عرب و غرب / مرتضی شیرودی، ص ۱۲۵

**شماره ۲۳**

- مقالات اندیشه‌ای / توازن میان ویژگی‌های فردی، محلی و مصالح عام امت در «گفت‌مان اسلامی» / آیت‌الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
- \_\_\_\_\_ / حضرت مهدی (عج) در روایات معتبر فریقین (حدیث اثنا عشر و نسب‌شناسی مهدوی) / غلام‌محمدفخرالدین، ص ۱۷
- \_\_\_\_\_ / بررسی جواز فروش مسجد و متعلقات آن در فقه مقارن / عمر سلطانی آذر، ص ۴۱
- \_\_\_\_\_ / جهانی‌شدن، اسلام و فضای سایبر / ابوالفضل کاوندی کاتب و میثم میزبانی، ص ۵۹
- \_\_\_\_\_ / علامه شهید سید اسماعیل بلخی (ع) و راهبرد وحدت اسلامی / محمدطاهر اقبالی، ص ۷۹
- \_\_\_\_\_ / پیشگامان تقریب / نقش مجاهد شهید، ماموستا شیخ الاسلام در تقریب مذاهب اسلامی / رحمان غریبی، ص ۱۰۵
- \_\_\_\_\_ / سرزمین‌های جهان اسلام / یمن (۳) از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران / ع.ر. امیردهی، ص ۱۱۹
- \_\_\_\_\_ / گزارشی از یک کتاب / گزارشی از کتاب «هم‌سخنی بین مذاهب اسلامی در کتاب الفصول المهمة فی تألیف الأمة» / حسین سرمد محمدی، ص ۱۳۳

**شماره ۲۴**

- مقالات اندیشه‌ای / هم‌سنگی در حقوق و وظایف زن در پرتو منشور «حقوق بشر اسلامی» / آیت الله محمدعلی تسخیری، ص ۱۱
- \_\_\_\_\_ / رویداد ۱۱ سپتامبر و جهان اسلام: بازتاب‌ها و پی‌آمدهای سیاسی و حقوقی / سید مصطفی میرمحمدی، ص ۳۵
- \_\_\_\_\_ / وحدت اسلامی از نگاه شهید آیت‌الله حکیم / محمدجواد اخگری، ص ۵۵
- \_\_\_\_\_ / وحدت از دیدگاه قرآن و سنت / قربانعلی هادی، ص ۶۹
- \_\_\_\_\_ / روش‌های نقد احادیث در المیزان علامه طباطبایی و جامع البیان طبری / دکتر مجید محمدی و علی اشرف کرمی، ص ۹۷
- \_\_\_\_\_ / پیشگامان تقریب / روان‌شناسی سیاسی حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (ع) / ابراهیم بزرگر و حمید ابهجی، ص ۱۱۹
- \_\_\_\_\_ / سرزمین‌های جهان اسلام / کشورشناسی اندونزی و عوامل حضور و گسترش اسلام در آن / دکتر سید میرصالح حسینی جلیلی، ص ۱۳۵
- \_\_\_\_\_ / گزارشی از یک کتاب / خلاصه و نقد کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر / مرتضی شیرودی، ص ۱۶۵

**ویژه‌نامه شماره ۱**

- مقالات اندیشه‌ای / عوامل نخستین پیروزی اسلام / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۱
- \_\_\_\_\_ / پیامبر رحمت (ص) از نگاه مستشرقان / دکتر محمدحسن زمانی، ص ۳۵
- \_\_\_\_\_ / جامعیت شریعت پیامبر گرامی اسلام (ص) / سید حسین هاشمی، ص ۶۵
- \_\_\_\_\_ / عوامل و مؤلفه‌های موفقیت پیامبر اعظم (ص) در حاکمیت اسلام با رویکردی به آثار استاد شهید مطهری (ع) / دکتر محمد جواد رودگر، ص ۱۰۳
- \_\_\_\_\_ / پیامبر اعظم (ص) و تشکیل حکومت در دیدگاه امام خمینی (ع) / عزالدین رضائزاد، ص ۱۳۳
- \_\_\_\_\_ / استراتژی پیامبر اکرم در برخورد با انحرافها / عباس خادمیان، ص ۱۳۱

**ویژه‌نامه شماره ۲**

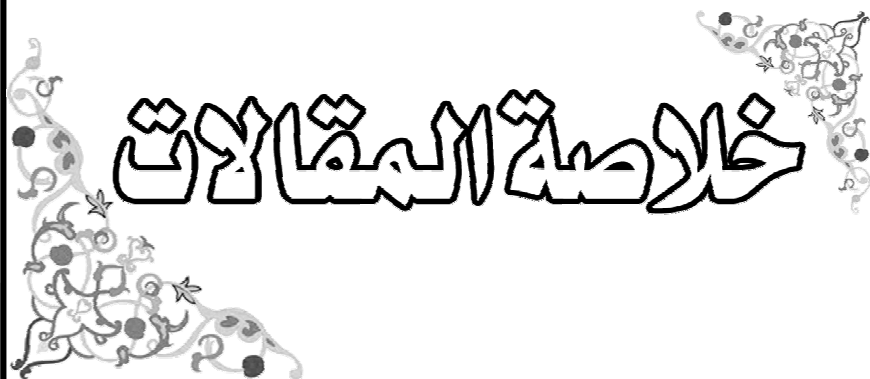
- مقالات اندیشه‌ای / وجدانیت حقوق، مخالف تجاوز به مقدسات / آیت‌الله محمد علی تسخیری، ص ۱۱
- \_\_\_\_\_ / پاسخ به شبهه افکنی پاپ در مورد پیامبر اعظم (ص) / عباس نیکزاد، ص ۱۷
- \_\_\_\_\_ / عرفان خردگرا در سیره نبوی / دکتر محمدجواد رودگر، ص ۴۱
- \_\_\_\_\_ / بازخوانی دیدگاه پنج اندیشمند غربی درباره پیامبر اعظم (ص) / مرتضی شیرودی، ص ۶۹
- \_\_\_\_\_ / خاتمیت و جامعیت دین اسلام در آثار امام خمینی (ع) / عزالدین رضائزاد، ص ۹۳
- \_\_\_\_\_ / تحقیقی در سیره‌نبوی و فقه‌اسلامی درباره حدیث «بعثت‌علی‌الحنفیه‌السمحه‌السهله» / دکتر محمدعلی خیراللهی، ص ۱۰۷
- \_\_\_\_\_ / احیای حلف الفضول، سمبل عدالت در سیره رسول (ص) / مجید حبیبیان نقیعی و سیده شریفه نبوی، ص ۱۱۷
- \_\_\_\_\_ / گزارشی از یک کتاب / «الفرقان الحق» کوشش نافرجام در تحریف قرآن / علی حسن‌نیا، ص ۱۴۱

ویژه نامه شماره ۳

- مقالات اندیشه‌ای / دین و انسجام اجتماعی / غلامرضا بهروزلک، ص ۱۱
- \_\_\_\_\_ / اهمیت استراتژیکی و نقش ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی در وحدت مسلمین / ع.ر. امیردهی، ص ۳۷
- \_\_\_\_\_ / ارزیابی توان و ظرفیت نظامی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز / مرتضی شیرودی، ص ۶۵
- \_\_\_\_\_ / جهانی شدن، انسجام اسلامی، ظرفیت‌ها و راه کارها / عبدالخالق قاسمی، ص ۸۹
- \_\_\_\_\_ / اتحاد و انسجام اسلامی در آئینه چهل حدیث (چهل آئینه، چهل اسرار) / بشیر احمد، ص ۱۰۳
- \_\_\_\_\_ / آمایش سرزمین؛ برقرار کننده عدالت اجتماعی اسلامی در جهت تحکیم انسجام اسلامی / محمد سریرافراز و فاطمه فهیمی، ص ۱۳۳



خلاصه المقالات



## التعددية المذهبية و مسألة التقريب والوحدة الاسلامية

آية الله الشيخ محمد على التسخيري<sup>١</sup>

من الواضح ان الاحكام والمفاهيم في زمن النبي ﷺ كانت تصدر منه مباشرة دون حاجة الى الاجتهاد، الذي راج بعد وفاة رسول الله ﷺ في عصر التابعين، ومنذ بداية القرن الثاني تبلورت المذاهب والمدارس الفقهية، حتى بلغت ١٣٨ مذهباً في النصف الثاني من القرن الرابع. ويعتقد الكاتب ان ظهور المذاهب يكشف عن تكامل العقل البشري في الحضارة الاسلامية، وان حركة التقريب بين المذاهب الاسلامية في العقود الاخيرة لها جذور متأصلة تمتد الى العصور الاسلامية الاولى، انطلاقاً من أن الاصول القطعية للمذاهب كافة تشكل محورياً للوحدة والتقريب، وراح بعد ذلك يبين السياسات والاستراتيجيات الضرورية ودور العلماء والمفكرين على هذا الصعيد.

الكلمات الدليلية: تعدد المذاهب، مسألة التقريب، الوحدة الاسلامية، الاستراتيجيات.

١- الامين العام للمجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

## تحرير مسألة أصل الوحدة الاسلامية

الدكتور محمود احمدى ميانجى<sup>١</sup>

ان تحرير مسألة الوحدة الاسلامية والتقريب بين المذاهب هو السؤال المحورى لهذا المقال بعد ان يعرج الكاتب فى البداية على ضرورة هذا البحث وثمراته وتناوجه، ثم يستعرض وجهات نظراية الله البروجردى والعلامة الامينى والشهيد المطهرى والامام الخمينى وآية الله الخامنئى للاجابة عن هذا السؤال.

وقد استنتج الكاتب فى الختام ان نظرية الوحدة الاسلامية والتقريب بين المذاهب ناظرة الى العلاقات بين اتباع المذاهب وهى مسألة فقهية وقانونية وليست كلامية حتى يطبق عليها مناهج الاستدلال الكلامى.

الكلمات الدليلية: تحرير المسألة، الوحدة الاسلامية، التقريب بين المذاهب، المنهج الفقهى والقانونى، المنهج الكلامى.

١- استاذ مساعد فى جامعة المصطفى العالمية.

## تيارات التنوير لدى الجماعات الاسلامية فى اندونيسيا

الدكتور مير صالح الحسينى<sup>١</sup>

اندونيسيا دولة اسلامية تقع فى جنوب شرق اسيا وتضم الآف الجزر الصغيرة والكبيرة التى تشكل الارخبيل الاندونيسى، يعتنق معظم سكانها المذهب الشافعى وقد تم تاسيس نظامها السياسى الحديث بهدف التخلص من نير الاستعمار حتى نالت استقلالها عام ١٩٤٥ م. جرب خلالها زعماءها الثوريون مختلف التيارات الفكرية.

وقد تناول المقال طوبولوجيا تيارات التنوير لدى الجماعات الاسلامية على مختلف الاصعدة وبيان ماهياتها وأوصافها.

الكلمات الدليلية: اندونيسيا، الاستعمار، معرفة التيارات، طوبولوجيا تيارات التنوير.

١- عضو الهيئة التعليمية فى جامعة المصطفى العالمية.

## نظرة الى الفكر الوجودى لاقبال اللاهورى فى اشعاره الفارسية

بشير احمد بت<sup>١</sup>

ان من الهواجس القديمة للمفكرين الاسلاميين لاسيما اقبال اللاهورى هو الاتحاد الاسلامى، ويشهد على ذلك الآثار الأدبية لاقبال اللاهورى باللغتين الاوردو والفارسية الحافلتين بالدعوة الى الوحدة الاسلامية، وقد بذل الوسع فى هذا المقال الى استخلاص المعايير والأركان الاساسية للاتحاد الاسلامى فى الاشعار الفارسية التى انشدها اقبال والتى ذاع صيتها، ومدى تأثيرها على انسجام الأمة الإسلامية، كما أشار الى محاور اخرى، نظير: التوحيد، والنبوة، والقرآن، والكعبة المكرمة، هذا الى جانب البحث عن ضرورة الوحدة.

الكلمات الدليلية: التوحيد، النبوة، الاتحاد، الشعائر، الانسجام الاسلامى.

## فرقة الأحباش (جمعية المشاريع الخيرية)

جلال المحمودى<sup>١</sup>

الاحباش فرقة تطلق ويراد بها اتباع الشيخ عبد الله الهررى الحبشى، وبالطبع فانها اشتهرت بهذه التسمية بعد تسلمها لمقاليد جمعية المشاريع الخيرية فى لبنان، وقام عبد الله الحبشى بتأسيس هذه الفرقة بمعونة أعوانه عام ١٩٥٠ م / ١٣٦٩، وقد حازت على اهمية خاصة نظرا لحضورها الفعال فى المجتمع اللبنانى وسائر البلدان الاسلامية وغير الاسلامية، ورغم غلبة الاتجاه الصوفى على هذه الجمعية الا ان الشيخ عبد الله تمكن من اعداد اتباع كان لهم دور مؤثر فى المعادلات السياسية والاجتماعية والثقافية للبنان، ان الافكار الصوفية التى نادى بها الشيخ عبد الله واتباعه جعلته هدفا لسهام اللوم والتكفير من قبل التيار السلفى الوهابى خصمه اللدود. هذه الجمعية تعتنق المذهب الاشعرى المتأخر الذى هو أقرب الى الجهمية والامامية وطرق الصوفية كالرفاعية والنقشبندية.

وقد تناول الكاتب فى هذا المقال - و لاول مرة باللغة الفارسية فى ايران - مصادر فكر هذه الفرقة بأسلوب وصفى تحليلى كما تعرض لمن كتب عنهم من مخالفيهم، مع استعراض افكارها على الصعيد الثقافى والسياسى والاجتماعى

الكلمات الدليلية: الاحباش، التيار السلفى، الصوفية، الاشاعة.

١- ماجستير فى تاريخ الاسلام.

١- طالب المرحلة الرابعة فى جامعة المصطفى العالمية.

## التعايش بين الفرق المختلفة في فكر فتح الله كولن

علاء الدين ملك أف<sup>١</sup>

قد تبدو نهضة فتح الله كولن التي هي في الظاهر حركة غير سياسية، عديمة الاهمية، الا انها اكتسبت اهمية من جهات ذلك ان العرض الخاطف للنهضات الاسلامية المعاصرة في العالم الاسلامي لاسيما في الشرق الاوسط يدل على ان اغلب الحركات الاسلامية الموجودة في الساحة هي حركات اصولية متناحرة لاتتعايش مع بعضها البعض، هذه الحركات اغلبها سياسية تستهدف الاطاحة بالأنظمة الحاكمة بهدف تحكيم تفسير ظاهري غير متجدد للاسلام على المجتمع، اما نهضة فتح الله كولن التعليمية فلها وضع مختلف في هذا الخضم.

الكلمات الدليلية: تعايش الحركات الاسلامية، النهضة التعليمية، الجيل الذهبي، فتح الله كولن.

## سلطنة عمان

الدكتور عز الدين رضا نجاد<sup>١</sup>

لسلطنة عمان تاريخ حافل يمتد في القدم، يشكل العرب معظم سكانها، الى جانب اقوام اخرى كالبلوج والهنود، ويدين معظم سكانها بالاسلام، وللمذهب الاباضي انتشار واسع. وقد استعرض هذا المقال عناوين اساسية، نظير: ابعاد المجتمع الديني في عمان، والتاريخ السياسي لهذه السلطنة، والصحة الاسلامية فيها، الى جانب ابداء صورة اجمالية للعلاقات المتميزة بين عمان وجمهورية ايران الاسلامية من القرن التاسع عشر وحتى العصر الحاضر.

الكلمات الدليلية: سلطنة عمان، المذهب الاباضي، الصحة الاسلامية، الجمهورية الاسلامية.

١- استاذ مساعد في جامعة المصطفى عليه السلام العالمية.

١- طالب دكتوراه في الفلسفة.

## Coexistence of different groups according to Fethullah Gülen

By: Ala'edin Malikov<sup>1</sup>

Abstract:

Although it may look unimportant and non-political, the movement of Fethullah Gülen, is impornat movement and deserves attentin. An overview of the current movements in the world of Islam, particularly in the strategic region of Middle-East reflects that the majority of the Islamic movements are fundamental and anti-Islamic unity. They are mostly politcal and their goals are to get the control of state and then creation of a radical Islamic society. However, instructive movement of Fethullah Gülen has a different situation.

Keywords: coestisance of different groups, instructive movement, golden generation, Fethullah Gülen

1- PhD studnet of Philosophy.

## Kingdom of Oman

By: Dr. Ezodin Redhanezhad<sup>1</sup>

Abstract:

Kingdom of Oman has an ancient history. Arabs form the majority of population and some Baluch and some people from south of Asia, India and some other countries live there. Most of the people are Muslim and Abadhi is the dominant sect. The main topics of this paper are major cities and historical backgrounds, social and cultural aspects of Abadhi, a perspective of religious society of Oman, political history and Islamic awakening. The author also briefly indicates Iran-Oman relation from the 19th century until present in brief.

Keywords: Kingdom of Oman, Abadhi Sect, Islamic awakening, Islamic Republic of Iran.

1- Assistant professor of Al-Mustafa University.



## A glance at Iqbal Lahuri's concepts in his Farsi poems regarding proximity

By: Bashir Ahmad Bat<sup>1</sup>

One of the old concerns of Muslim thinkers, including Iqbal Lahuri, is Islamic unity. Iqbal's literature works in Farsi and Urdu are filled with the message of Islamic unity. This paper attempts to introduce chief standards and principles of Islamic unity mentioned in Farsi poems of Iqbal and indicate their roles in unity and cohesion of Islamic nation. The author explains necessity and domain of unity and elaborates on such issues as monotheism, prophecy, the Quran, and Mecca.

Keywords: monotheism, prophecy, unity, Islamic proximity rituals.

1 - student in level four, Al-Mustafa International University

## Ahbash Sect (Jam'iyat Al-Mashari'e Al-Khayriye)

By: Jalal Mahmodi<sup>1</sup>

Abstract;

Ahbash is a title given to the followers of Sheikh Abdullah Harari Habashi Abdari. They became well-known after they dominated Jam'iyat Al-Mashari'e Al-Khayriye in Labenon. Abdullah Habashi and some of his students formed this denomination in 1950.

Knowing this denomination is very important as they are inflectional in the Lebanese society, and some Muslim and non-Muslim countries. Sheikh Abdullah has trained a generation of students who are Sufi, but have an effective impact in political, social and cultural development of the country. Sheikh Abdullah's Sufi thinking and that of his followers have turned them to a serious enemy of Salafi-movements particularly the Wahabies.

Ahbash, in terms of their beliefs, follow the religion of Asha'ere Moto'akher (who are close to Jahmiyye), Mar'ja'e, Emamiyye, and the Sufi orders such as Refa'iye and Naqshbandiye.

Using analytical-explanatory method and through assessing chief resources of Ahbash and the works written against them, the author attempts to present a paper about Ahbash sect in such areas as culture, society and policies for the first time in Iran and in Farsi language.

Keywords: Ahbash, Salafi Movement, Sufism, Asha'ere.

1 - Postgraduate of History of Islam

## Assessing the Essence of Islamic Unity Doctrine

By: Hojat Al-Islam Dr. Mahmood Ahmadi Miyanaji<sup>1</sup>

### Abstract:

Essence of Islamic unity and cohesion between creeds is the major question of this paper.

In the introduction of the paper, the author discusses the necessity and the findings of the study.

In order to answer the main question of the study, the viewpoints of Ayatollah Brujerdi, Alame Amini, Shahid Motahari, Imam Khomeini and the Great Leader are presented. The author, in the end, concludes that the theory of Islamic unity and cohesion among creeds influences the relationship of the followers of each creed and the issue is a jurisprudential and legal issue. Question of proximity is not a theological issue and applying theological methods leads to a methodological bias.

Key words: study of nature, Islamic unity, proximity among creeds, jurisprudential and legal, theological, method.

1- Assistant professor of Al-Mustafa University.

## Enlightening movements of Indonesia's Muslim groups

By: Syed Mirsaleh Husseini<sup>1</sup>, PhD

### Abstract:

Indonesia is located in south-east of Asia and is a Muslim country. The country is formed by a collection of islands. "Shafe'i" Muslims in Indonesia moved towards forming a new political system to remove tyranny and colonization. The country became independent in 1945 and the political leaders of the islands experienced several intellectual movements.

This paper indicates topology of intellectual movements formed among Indonesian's Muslim groups and explains these movements descriptively.

Keywords: Indonesia, colonization, studying movements, topology of intellectual movements Thinking.

1 - faculty member of Al-Mustafa International University.

## Plurality of religions and the question of proximity and Islamic unity

By: Ayatollah Taskhiri<sup>1</sup>

It is obvious that during the time of the Prophet there was no need for Ijtihad, since religious rules and concept were directly issued by the Prophet. The method of Ijtihad became a common method after demise of the Prophet and during the time of "Tab'e'in"; however, after this period and by the beginning of the second century, jurisprudential-based religions and sects were founded and by the mid-fourth century as many as 130 religions were formed. The author believes that formation of Islamic religions is an indication of evolution of Islamic wisdom and a valuable intellectual asset for Islamic civilization. It is his belief that the movement towards Islamic proximity which started during recent decades is rooted in the far Islamic eras and the undoubted foundations believed by all the Islamic religions (without exception) used by them as the base of their unity. The author indicates the policies and strategies encouraging proximity and notes the role of scholars and thinkers in the process of establishing proximity.

Keywords: plurality of religions, question of proximity, Islamic unity, strategies

---

1- Ayatollah Mohammadali Taskhiri: Secretary General of the World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought.

## **ABSTRACT**

**In The Name Of God**